

بررسی روابط دختروپسردرایران

و راهکارهای اصلاحی آن

عبدالله جوان

بسم الله الرحمن الرحیم

بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راه کارهای اصلاحی آن

نویسنده:

عبدالله جوان

ناشر چاپی:

مرکز پژوهشهای اسلامی صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران

ناشر دیجیتالی:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

فهرست

بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راه کارهای اصلاحی آن

مشخصات کتاب

سرشناسه:جوان، عبدالله

عنوان و نام پدیدآور:بررسی روابط دختر و پسر در ایران و راهکارهای اصلاحی آن / عبدالله جوان.؛ تهیه کننده مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما.

مشخصات نشر:قم: دفتر عقل، ۱۳۸۷.

مشخصات ظاهری:۲۶۲ ص.

فروست:مرکز پژوهشهای اسلامی صدا وسیما؛ ۱۲۹۰

شابک:۳۲۰۰۰ ریال ۹۷۸-۹۶۴-۲۷۶۱-۱۲-۸ :

يادداشت:عنوان روی جلد: بررسی روابط دختر و پسر در ایران.

يادداشت:کتابنامه: ص. [۲۵۵] - ۲۶۲؛ همچنین به صورت زیرنویس.

عنوان روی جلد:بررسی روابط دختر و پسر در ایران.

موضوع:جوانان--ایران-- اخلاق

موضوع:جوانان مسلمان

موضوع:جوانان -- ایران

موضوع:جوانان -- ایران -- وضع اجتماعی

موضوع:جوانان مسلمان -- ایران

موضوع:اخلاق جنسی جوانان

موضوع:اسلام و مسائل جنسی

موضوع:جوانان -- راه و رسم زندگی

شناسه افزوده:صدا و سیمای جمهوری اسلامی ایران. مرکز پژوهشهای اسلامی

رده بندی کنگره:HQ۷۹۹/ج۹ب۴ ۱۳۸۷

رده بندی دیویی:۶۴۹/۱۲۵

شماره کتابشناسی ملی:۱۵۸۲۰۱۹

ص: ۱

فهرست مطالب

دیباچه

درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر برداشت های گوناگونی از آموزه های اسلام وجود دارد. برخی به حضور حداقلی زن در اجتماع و محدود بودن روابط زن و مرد فتوا می دهند و عده ای، با سفارش زنان و دختران به حضور بیشتر در محیط های اجتماعی، آنان را به تحصیل، کار و روابط اجتماعی بیشتر تشویق می کنند. گروهی دیگر با عنوان حمایت از حقوق زنان، به ترویج هنجارهای غربی و تبلیغ لزوم اختلاط دختران و پسران می پردازند.

با توجه به آنچه گفته شد، اهمیت پرداختن به این موضوع و تبیین دیدگاه اسلام درباره روابط زن و مرد پاسخ به پرسش هایی در این زمینه ضروری می نماید.

این پژوهش به موضوع هایی مانند ارتباط میان دختر و پسر، نمونه های تاریخی، بایسته های موضوع، نگاه دینی و غیردینی به این موضوع و تبیین راه کارها در این زمینه می پردازد.

گروه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما از پژوهشگر ارجمند، جناب آقای عبداللّه جوان که این

ص: ۱

پژوهش را به سامان رسانده است، سپاس گزاری می کند و امیدوار است ره آورد این اثر برای اصحاب رسانه و برنامه سازان ارجمند، سودمند باشد.

انّه ولی التوفیق

گروه جامعه شناسی و مطالعات فرهنگی

اداره کل پژوهش

مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما

ص: ۲

پیش گفتار

انسـان هـا در زنـدگی اجتمـاعی خود ناگزیرنـد بـا یکـدیگر معاشـرت کننـد. زن و مرد نیز به دلیل گرایش های ویژه عاطفی و غریزی موجود در نهاد انسان، نوع خاصی از روابط میانشان حاکم است که برقراری درست آن، تأثیر بسیاری در سلامت فرد و جامعه دارد. از سویی با توجه به تفاوت تمدن ها و جوامع درباره اموری چون تشکیل خانواده و تولید مثل، هنجارهای ویژه ای در این بـاره در نظر گرفته می شود. اسـلام نیز در جایگـاه راهنمـای بشـر در حیـات فردی و اجتماعی، آموزه ها و ضابطه هایی برای شـکل دهی برتر به روابط زن و مرد دارد که آگاهی از آنها وظیفه شـرعی مسـلمانان است. در این میان، روابط دختران و پسـران حساسـیت هـای دارد و جهـات خاصـی در زمینه این روابط و چگونگی آن بایـد مورد توجه قرار گیرد. در جامعه ایران پس از دگرگونی هـای اجتمـاعی و فرهنگی، به مسائـل مربوط به روابط دختر و پسـر، و تنظیم صـحیح این روابط بیش از پیش پرداخته شده است و سـیاست گذاران فرهنگی و نهادهای فرهنگ ساز از جمله صدا و سـیما وظیفه دارند شـناخت کافی و همه جانبه ای در این باره به دست آورند. در این پژوهش همت نگارنده بر این بوده است نخست نظر اسـلام را درباره روابط دختر و پسر و حدود و ضابطه های آن در حوزه ارتباطات اجتماعی و نیز ارتباط شخصی تبیین کند، اما از آن جا که بحث روابط

دختر و پسر، به عنوان زیرمجموعه روابط زن و مرد ارزیابی می شود، به جز در مواردی که اسلام درباره رابطه دختران و پسران جوان رهنمودهای ویژه ای دارد، این مسئله با عنوان کلی بررسی روابط میان دو جنس، مطرح شده است. نیز در این اثر، رویکردها و دیدگاه های رایج و مطرح در غرب در زمینه تنظیم روابط میان دو جنس بررسی و همچنین وضعیت روابط زن و مرد و دختر و پسر در جامعه ایران و راه کارهای اصلاح آن بیان می شود. در نهایت، به نقش و عملکرد رسانه در فرهنگ سازی در زمینه اصلاح روابط و تنظیم درست روابط بر اساس جهت گیری ها و آموزه های اسلامی توجه شایانی شده و پیشنهادهایی نیز ارائه شده است. امید است که بتوانیم در راه پیشبرد فرهنگ اسلامی در جامعه تأثیرگذار باشیم.

بخش اول: مقدمه

اشاره

زیر فصل ها

فصل اول: کلیات

فصل دوم: مقدمات محتوایی

فصل اول: کلیات

اشاره

فصل اول: کلیات

زیر فصل ها

۱. ضرورت و اهمیت بحث

۲. اهداف پژوهش

۳. پرسش های پژوهش

۴. روش پژوهش

۵. پیشینه پژوهش

۶. کاربرد رسانه ای پژوهش

۱- ضرورت و اهمیت بحث

جامعه انسانی از همان آغاز شکل گیری، مجموعه ای تشکیل یافته از دو جنس زن و مرد بوده است. همه انسان ها با هم تعامل دارند و بدون ارتباط با یکدیگر نمی توانند بسیاری از نیازهایشان را برطرف سازند. ارتباط زن و مرد ـ جدای از عواملی که موجب ارتباط همه افراد بدون در نظر داشتن جنسیت آنها است ـ عوامل و انگیزه های ویژه ای دارد که از عواطف و غریزه های انسانی ریشه می گیرد و زمینه ساز شکل گیری نوع خاصی از روابط میان این دو جنس است. نقش روابط زن و مرد در شکل گیری نهاد مهم خانواده و پیوند آن با بقای نسل و دیگر مسائل اساسی زندگی انسان که در بقا و سلامت فرد و اجتماع نقش حیاتی دارند، حساسیت ویژه ای را درباره چگونگی تنظیم این روابط پدید می آورد. ازاین رو، در تمدن ها و جامعه های مختلف، هنجارهای خاصی برای تنظیم این روابط در نظر گرفته شده است. اسلام نیز به عنوان کامل ترین راهنمای بشر

در زندگی

ص: ۵

فردی و اجتماعی، آموزه های خاصی برای تنظیم روابط زن و مرد دارد که شناخت این آموزه ها برای هر فرد مسلمان لازم است. در این میان، روابط دختران و پسران حساسیت های ویژه ای دارد و درباره این روابط و چگونگی آن باید بررسی های دقیق تری صورت بگیرد.

در زمینه موضوع این پژوهش، یعنی روابط دختر و پسر در جامعه ایران، توجه به برخی نکته ها ضرورت اساسی دارد. فرهنگ حاکم در جامعه ایرانی پیش از رژیم پهلوی، فرهنگی با هنجارهای معیّن و تعریف شده بود، ولی از اواخر حکومت قاجار و به ویژه پس از حاکمیت سلسله پهلوی، تلاش های زیادی برای تغییر فرهنگ ملی و جای گزین کردن هنجارهای غربی به جای سنت ها و هنجارهای مرسوم جامعه ایرانی صورت پذیرفت که اگر چه با مقاومت جامعه اسلامی ایران روبه رو شد، ولی در عمل، نوعی التقاط، ناهم گونی و بی نظمی و تضاد را بر فرهنگ ایرانی تحمیل کرد. با پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و جهت گیری جامعه و مسئولان به سمت حاکم ساختن فرهنگ اسلامی بر شئون مختلف زندگی، بسیاری از هنجارهای وارداتی و تحمیل شده بر فرهنگ کشور اصلاح شد. با این حال، هنوز آثار منفی سال ها هنجارشکنی در مبارزه با فرهنگ ملی به ویژه در روابط زن و مرد و دختر و پسر به چشم می خورد که باید در اصلاح آنها کوشید.

پس از انقلاب اسلامی، هرچند دیگر حکومتی که از درون کشور اجراکننده برنامه های استعمار غربی باشد، وجود ندارد، ولی غرب با سلطه بر مراکز فرهنگ سازی در دنیا، بهره گیری از تمامی ابزارهای تکنولوژیک و برنامه ریزی دقیق، در پی تغییر فرهنگ ملی کشورها به سود خود است. در

این میان، محسوس ترین نقطه تضاد فرهنگ اسلامی با فرهنگ غرب به ویژه فرهنگ امریکایی که در پی سیطره کامل بر دنیا است، موضوع ارتباط زن و مرد و دختر و پسر است. البته اختلاف درباره چگونگی روابط دختر و پسر در این دو فرهنگ، در مبانی فکری عمیق تری ریشه دارد، ولی به هر حال، یکی از آشکارترین نقاط تضاد فرهنگ غرب با فرهنگ اسلامی و کارآمدترین حربه تهاجم فرهنگی غرب به ویژه در مورد جوانان مسلمان، همین موضوع است. این تهاجم بیش از همه، بر جوانان ایرانی، یعنی نسل سوم انقلاب که از هدف های عالی انقلاب آگاهی کمتری دارند، اثر گذاشته است.

امروزه، جوانان ایرانی از سویی با گسترش بی سابقه ابزارهای اطلاع رسانی و تجربه فضای فرهنگی مبتنی بر تساهل و تسامح، همواره در رویارویی با مظاهر مختلف فرهنگ غربی، فرهنگ جامعه اسلامی را در تضاد با فرهنگ حاکم بر جهان می بینند. حتی در این میان، گروهی از این جوانان به فرهنگ حاکم بر جامعه با نگاه فرهنگی تحمیلی و تکلیف شده از سوی حکومت می نگرند که به محدود شدن آزادی های جوانان می انجامد. این احساس محرومیت، خواه واقعی باشد یا کاذب، به دور شدن این دسته از جوانان از دین و نظام اسلامی و خانواده کمک می کند و از سوی دیگر، جامعه به تعبیری دوران گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن را تجربه می کند که زمینه ساز دگرگونی در برخی هنجارها و قالب های رفتاری است به ویژه اگر در مبنا و مدل توسعه که برای جامعه تدوین می شود، همان مبانی و مدل های توسعه رایج در دنیا ـــ که مبتنی بر نظام سرمایه داری است ـــ اجرا شود و در عین حال، بر مظاهر فرهنگ

اسلامی نیز تأکید گردد. این امر، خواه ناخواه نوعی ناهماهنگی در ارزش ها و هنجارها و ناهم گونی فرهنگی را در پی دارد که یکی از جلوه های این تضاد، در روابط میان دختران و پسران دیده می شود.

افزون بر این، پس از انقلاب، برداشت های گوناگونی از آموزه های اسلام درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر و چگونگی آن در جامعه به وجود آمد. برخی با تکیه بر نگرشی که در قرن های متمادی در جامعه ایران رواج داشت، به حضور حداقل زن در اجتماع و محدود بودن روابط زن و مرد باور دارند. گروهی دیگر، با سفارش زنان و دختران به حضور بیشتر در محیط های اجتماعی، آنان را به تحصیل، کار و اموری که مستلزم ارتباط با مردان است، تشویق می کنند و این امر را از امتیازهای زنان و دختران مسلمان برمی شمارند. گروه هایی نیز با عنوان حمایت از حقوق زنان و با روش بازسازی برخی نظریه های علمی روان شناسان غربی، در عمل، به ترویج هنجارهای غربی و تبلیغ لزوم اختلاط دختران و پسران می پردازند.

در کنار همه این مسائل، باید دانست ایران از نظر جمعیتی، دومین کشور جوان در دنیاست و از نظر جمعیت افراد ۱۵ تا ۱۹ سال نسبت به کل جمعیت، رتبه نخست را در دنیا دارد.(۱) بالا رفتن سن ازدواج در ایران نیز موجب شده است انبوهی از دختران و پسران جوان و مجرد در کشور وجود داشته باشند. بسیاری از این جوانان، دختران و پسران دانشجویی

۱- نک: گزارش ملی جوانان۱ بررسی وضعیت جمعیت جوانان، سازمان ملی جوانان، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۱، چ۱، ص۱۷.

هستند که دست کم در محیط دانشگاه، مجبورند ارتباط نسبتا مستمری با جنس مخالف خود، داشته باشند. پس از پایان تحصیل نیز دختران به کار در محیط های بیرون خانه و حضور در اجتماع علاقه دارند که میزان ارتباط آنان با مردان را افزایش می دهد.

از آنچه گفته شد، به خوبی ضرورت تبیین نظر اسلام درباره چگونگی روابط زن و مرد به ویژه روابط دختران و پسران و پاسخ گویی به پرسش های مطرح در این زمینه روشن می شود. نتایج یک نظرسنجی با عنوان «مهم ترین موضوع مورد علاقه دانشجویان در جلسه های پرسش و پاسخ» که در چند دانشگاه کشور صورت گرفت، نشان داد که از میان چهل موضوع که احتمال داده می شد مورد علاقه دانشجویان باشد، بالاترین بسامد، مربوط به موضوع ارتباط دختر و پسر بود و با موضوع دوم، فاصله بسیار چشم گیری داشت.(۱) این امر، از وجود ابهام ها و پرسش های جدی در این مورد خبر می دهد.

افزون بر حساسیت های سنتی موجود در جامعه ایران درباره روابط دختران و پسران، رواج برخی ناهنجاری ها و نمودار شدن تضادهای هنجاری در این زمینه به ویژه در سال های اخیر، زمینه نگرانی خانواده ها، مسئولان مدرسه ها و دیگر مراکز آموزشی و فرهنگی را پدید آورده است. گفتنی است موضوع رابطه زن و مرد و دختر و پسر، مقوله ای فرهنگی است که بر اساس ارزش ها و هنجارهای پذیرفته شده در جامعه تنظیم

۱- نک: مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران»، مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، قم، ۱۳۸۰، ج۲، ص۶۷۴ .

می شود و رسانه ها به ویژه صدا و سیما نیز در فرهنگ سازی برای آن، نقشی انکارناپذیر دارند. ازاین رو، آشنایی دست اندرکاران رسانه ملی با ارزش های اسلامی و نیز واقعیت های موجود در زمینه روابط دختر و پسر، ضروری است.

۲- اهداف پژوهش

در این پژوهش برآنیم که نخست، نظر اسلام را درباره حدود، ضوابط و هنجارهای اسلامی در زمینه روابط دختر و پسر تبیین کنیم. از آن جا که بحث روابط دختر و پسر، در زیرمجموعه بحث کلی روابط زن و مرد قابل ارزیابی است و در بسیاری موارد، جداکردن این دو از هم معنا ندارد ــ جز در مواردی که اسلام در زمینه رابطه دختران و پسران جوان رهنمودهای ویژه ای دارد ــ این بحث را به صورت کلی و با عنوان بررسی روابط میان جنس مرد و زن مطرح کرده ایم.

همچنین کوشیده ایم تصویری از نظام رفتاری اسلام درباره رابطه دو جنس در زمینه رفتارهای جنسی به معنای خاص آن و رفتارهای اجتماعی میان زن و مرد ترسیم کنیم. در ادامه، نگاهی اجمالی به رویه ها و نظریه های مطرح در غرب درباره تنظیم روابط میان دو جنس خواهیم داشت. در این زمینه، نظام رفتاری حاکم بر غرب و مبانی و علل شکل گیری آن را بررسی می کنیم تا تفاوت های آن با نظام رفتاری اسلام روشن تر شود. سپس از وضعیت روابط زن و مرد و دختر و پسر در جامعه ایران و راه کارهای اصلاح آن سخن می گوییم. در این راستا، با اشاره به رویکردهای حاکم بر تنظیم روابط در دوره های گذشته، وضعیت موجود روابط در جامعه ایران بررسی می شود و نقاط قوّت و ضعف و سازگاری

یـا ناسازگـاری آن را بـا آموزه های اسـلام تبیین می کنیم. آن گاه راه کارهای اصـلاحی را به منظور رسـیدن به وضع مطلوب اسـلامی بـا توجه به شـرایط موجود، بررسـی خواهیم کرد. در پایـان نیز نقش رسـانه را در زمینه فرهنگ سازی برای اصـلاح و تنظیـم درسـت روابـط دختـر و پسـر بر اسـاس جهـت گیری هـای اسـلامی، تـبیین و بـا ارزیـابی عملکرد رسـانه در ایـن حـوزه، پیشنهادهای اصلاحی خود را در این زمینه بیان می کنیم.

۳- پرسش های پژوهش

اشاره

به تناسب هـدف های اساسـی که برای پژوهش بیان شـد، چهار پرسـش اصـلی در این اثر مطرح می شود و پرسـش های فرعی مختلفی نیز درباره آن چهار پرسش اصلی، قابل طرح است که به ترتیب بیان می کنیم:

۱. دیدگاه ها و آموزه های دین مبین اسلام درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر چیست؟

پرسش های فرعی

ـ دیدگاه ها و جهت گیری های کلی اسلام در زمینه این روابط چیست؟

ـ انواع روابط از نظر اسلام کدام است؟

ـ اسلام چه نوع روابطی را توصیه می کند؟

ـ راه کارهای اسلام برای تنظیم روابط جنسی به معنای خاص آن چیست؟

ـ احکام اسلامی برای تنظیم روابط معمول اجتماعی میان دو جنس چیست؟

ص: ۱۱

۲. الگوهای رفتاری مطرح در زمینه تنظیم روابط در دنیای غرب کدام است؟

پرسش های فرعی

ـ ویژگی فرهنگ غرب در این زمینه در دوران های مختلف به ویژه در دوران معاصر چیست و زمینه های شکل گیری این فرهنگ کدام است؟

ـ نظریه های مطرح درباره تنظیم این روابط چیست و نقاط قوت و ضعف و پی آمدهای آنها کدام است؟

۳. رویکردهای مختلف جامعه ایرانی در این زمینه چه بوده است و هنجارها و ناهنجاری های موجود در زمینه روابط مرد و زن و میزان فاصله آن با نظام رفتاری اسلام چیست و راه کارهای اصلاحی آن کدامند؟

پرسش های فرعی

ـ رویکردهای رایج در زمینه این روابط در دوره های گذشته تاریخ ایران چگونه بوده است؟

ـ در جامعه کنونی ایران، به چه ضوابطی در روابط اجتماعی معمول میان دو جنس بیشتر توجه می شود؟

ـ چه هنجارهایی در زمینه روابط جنسی به معنای خاص مورد توجه است؟

ـ وضعیت ازدواج در ایران چگونه است؟

ـ دختران و پسران در فاصله میان بلوغ و ازدواج چه نوع رفتارهایی را در رابطه با یکدیگر دارند و چه گرفتاری هایی در این زمینه وجود دارد؟

ـ وضعیت موجود در جامعه، با نظام رفتاری اسلام، از چه نظر و به چه میزان فاصله دارد؟

ص: ۱۲

ـ راه کارهای کاهش مشکلات و نزدیک شدن به وضع مطلوب کدام است؟

۴. وظیفه و نوع عملکرد رسانه در این زمینه و راه کارهای بهبود آنها کدام است؟

پرسش های فرعی

ـ نقش و وظیفه رسانه در زمینه موضوع مورد بررسی چیست؟

ـ نقاط قوت و ضعف در عملکرد رسانه در این زمینه کدامند؟

ـ چه راه کارهای اصلاحی و پیشنهادهای کاربردی در این زمینه قابل طرح است؟

۴- روش پژوهش

در این پژوهش، بیشتر از روش کتاب خانه ای استفاده شده است، ولی چون از راه تحلیل داده ها، در تبیین دیدگاه ها و ارائه راه کارهای اصلاحی کوشیده ایم، می توان پژوهش را تحلیلی ـ تبیینی دانست. همچنین از آن جا که به توصیف وضع حال و گذشته روابط بین زن و مرد و گردآوری داده های موجود در این زمینه پرداخته ایم، می توان آن را تألیفی ـ توصیفی دانست.

۵- پیشینه پژوهش

درباره روابط میان دو جنس به ویژه روابط میان دختران و پسران جوان و الگوی مناسب در این زمینه، روان شناسان، زیست شناسان، معلمان اخلاق و عالمان دین، هر کدام بر اساس دیدگاهی خاص، بحث هایی را مطرح کرده اند که بسیار متفاوت و گاه متضاد است. در زمینه راه کارهای اصلاح

این گونه روابط در جامعه ایران و حتی راه کارهای اسلامی اصلاح روابط نیز اختلاف نظرهای مهمی در میان صاحب نظران به چشم می خورد.

در زمینه اخلاق جنسی از نگاه اسلام و تبیین دیدگاه های اصلی اسلام در مورد روابط زن و مرد، شاید بتوان گفت مهم ترین و اثرگذارترین کتاب هایی که در آنها به نوعی نظام رفتار جنسی اسلامی ترسیم شده است، کتاب های استاد شهید مرتضی مطهری رحمه الله ، مانند مسئله حجاب، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب و نظام حقوق زن در اسلام است که دیگران در آثار خود از این کتاب ها بسیار اثر پذیرفته اند. ریشه بسیاری از اندیشه های شهید مطهری رحمه الله را نیز در اندیشه های علامه طباطبایی رحمه الله و تفسیر ارزشمند المیزان می توان جست وجو کرد.

بیشتر کتاب های روان شناسی اجتماعی و روان شناسی جنسی نیز با رویکرد غربی و نه اسلامی، به روابط دختران و پسران پرداخته اند. برای آگاهی از داده های آماری و تحلیل علمی این داده ها، مراجعه به مجموعه کتاب های گزارش ملی جوانان که سازمان ملی جوانان منتشر کرده است، مفید خواهد بود.

در اینجا مناسب است برای آگاهی علاقه مندان، به شماری از کتاب هایی که جداگانه به بحث روابط دختر و پسر در جامعه اسلامی ایران پرداخته اند، اشاره ای داشته باشیم:

الف) تحلیلی بر روابط دختر و پسر در ایران، نوشته دکتر علی اصغر احمدی که آن را انتشارات انجمن اولیا و مربیان منتشر کرده است. این کتاب پنج فصل دارد. مهم ترین عنوان های این کتاب چنین است: ضرورت های بحث از روابط دختر و پسر؛ انواع برخوردهای اجتماعی

میان دختر و پسر در جامعه امروز؛ عوامل پدیدآورنده برخوردهای نامطلوب میان دختران و پسران؛ وضعیت مطلوب در روابط دختر و پسر؛ دوستی های دختران و پسران. والدین و مربیان و دست اندرکاران امور فرهنگی و تربیتی، مخاطب اصلی این کتاب هستند.

ب) رابطه دختر و پسر به قلم وهاب دانش پژوه؛

ج) رابطه دختر و پسر در جامعه امروز، نوشته نیاز جاودانی؛

د) رابطه دختر و پسر در جامعه کنونی، نوشته نسرین علم مهرجردی. در این کتاب نیز انواع روابط، انگیزه ها، عوامل و زمینه های پیدایش روابط نامطلوب میان دختران و پسران و پی آمدهای ناشایست ناشی از بی بندوباری ها و روابط نامشروع، بررسی و حدود شرعی و عرفی در زمینه ارتباط زن و مرد تبیین شده است. همچنین در برخی موارد، برخی توصیه های تربیتی برای جلوگیری از ایجاد روابط ناسالم و آسان شدن ازدواج جوانان و... آمده است.

ه) مرزها در روابط دختران و پسران، نوشته دکتر علی قائمی که به بیان پی آمدهای منفی روابط ناسالم و توصیه های تربیتی و بیان حدود و ضوابط شرعی و عرفی این روابط پرداخته است. مخاطب این کتاب، خود جوانان هستند.

و) روابط اجتماعی دختران و پسران، چرا و چگونه؟ به قلم علی آذرتاج. نویسنده در این کتاب و کوشیده است نظریه خاصی را مبنی بر اینکه روابط و دوستی های عاطفی و انسانی میان دختر و پسر ملازمه ای با روابط جنسی و غریزی ندارد، ارائه دهد و جوانان را به روی آوردن به نوع اول و دوری از نوع دوم روابط توصیه کند.

ص: ۱۵

ز) جوانان و روابط، نوشته ابوالقاسم مقیمی حاجی. این کتاب را که مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه منتشر کرده است، چهار فصل با عنوان های زیر دارد: زیربنای روابط؛ ارتباط چرا و چگونه؛ احکام روابط؛ آثار و پی آمدهای روابط. در این کتاب، افزون بر موضوع های بحث شده در کتاب های پیشین، به برخی شبهه ها و پرسش های جوانان در مورد روابط دختر و پسر در جامعه پاسخ های اجمالی داده شده است.

ح) مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو» که مقاله ای علمی و قابل توجه است و در مجموعه مقالات هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان چاپ شده است. در این مقاله، نخست، نتایج یک نظرسنجی از تعدادی دانشجویان در مورد مشکلاتشان بررسی شده است. در قسمت دوم، دو نظریه در مورد میزان و چگونگی روابط دختر و پسر در محیط های اجتماعی با عنوان «نظریه اضطرار» و «نظریه اختلاط» بررسی و نقد شده اند. سپس نظریه نگارنده با عنوان «نظریه معروف» ارائه شده است.

این موارد نوشتارهایی هستند که به طور مستقل و در حد آگاهی نگارنده به این موضوع پرداخته بودند و معرفی آنها به معنای احصاء همه کتاب ها و تحقیقات موجود و مرتبط با موضوع نیست. در این پژوهش، تلاش می شود به جنبه هایی از موضوع پرداخته شود که جنبه زیربنایی دارند و در بسیاری از کتاب ها از آنها غفلت شده است؛ مسائلی مانند: رویکردهای کلی تنظیم روابط در اسلام، شرایط و جهت گیری های کلی موجود در جامعه فعلی و تفاوت های آن با دوران های گذشته تاریخ ایران

و دوران معصومین (ع)، بررسی متعادل بودن یا نبودن نظام رفتاری موجود در جامعه در ارتباط با جنس مخالف و راه کارهای اصلاحی زیربنایی.

۶- کاربرد رسانه ای پژوهش

در این پژوهش، گاه پیشنهادهای کاربردی و برنامه ای نیز وجود دارد، ولی در کل پژوهش برای سیاست گذاران صدا و سیما و در جهت دادن دیدگاه اصولی به مدیران و برنامه سازان رسانه درباره این گونه روابط از نظر اسلام و راه کارهای اصلاح آن در جامعه ایرانی سودمند است.

ص: ۱۷

فصل دوم: مقدمات محتوایی

اشاره

زیر فصل ها

۱. گونه های رابطه با جنس مخالف

۲. ویژگی های غریزه جنسی

۳. ملاحظه هایی در تنظیم روابط

۱- گونه های رابطه با جنس مخالف

اشاره

مهم ترین مسئله برای مفهوم شناسی در موضوع پژوهش، شناخت انواع رابطه میان دو جنس است؛ زیرا واژه رابطه، معنایی روشن دارد و از تعریف بی نیاز است، ولی آنچه موجب می شود روابط میان زن و مرد، آثار و احکام گوناگونی داشته باشد، ویژگی های انواع روابط است. ازاین رو، پس از مقدمه ای کوتاه، به اختصار به بیان انواع روابط میان زن و مرد خواهیم پرداخت.

زن و مرد هر دو در جامعه زندگی می کنند و اشتراکات زیادی دارند؛ هر دو در انسانیت مشترکند و دارای ابزار تفاهم و زمینه های تعامل با یکدیگر هستند. همچنین تمایزهایی میان این دو وجود دارد. این تمایزها زمینه را برای احساس نیاز زن و مرد به یکدیگر به منظور ایجاد ارتباط و تعامل با یکدیگر فراهم می آورد. به طور کلی، آنچه زمینه ساز تداوم رابطه میان انسان ها می شود، وجود همین دو عامل، یعنی اشتراکات و تمایزهای رفتاری و وجودی است. اشتراکات موجود میان دو طرف رابطه نیز سبب می شود نسبت به هم احساس نزدیکی و یگانگی کنند و بتوانند با درک عواطف و احساسات یکدیگر، به تفاهم هرچه بیشتر برسند و نیازها و

هـدف هـای مشـترکی را برای خود تعریف کننـد. تمایزهـای موجود میـان دو طرف رابطه سـبب می شود هرکـدام برای فراهم آوردن خواست و نیـاز خود و جبران کمبودهایشـان، از داشـته هـای طرف دیگر بهره گیرد و ارتباط با او را در جهت برآوردن نیازهـای خود ارزیـابی کنـد. این امر در زن و مرد به خوبی مشـخص است؛ زیرا زن و مرد افزون بر تمایزهـای موجود در تمـام افراد انسانی، تفاوت های فیزیولوژیک و روحی و روانی ویژه ای نیز دارنـد که خداوند در نهاد آنها قرار داده است. پس وجود رابطه میـان زن و مرد چه از نظر انسانی بودن و چه به دلیل داشـتن جنسـیت متفاوت، امری طبیعی و به یک معنا اجتناب ناپـذیر است.

این رابطه انواع گوناگونی دارد. گاهی از نظر انگیزه، رابطه به گونه هایی مانند رابطه درسی، کاری، دوستانه و نظیر آن تقسیم می شود و گاهی از نظر نوع ابزار ایجاد رابطه، آن را به رابطه مکاتبه ای، کلامی، نمادی و مانند آن دسـته بندی می کنند. البته تقسـیم های دیگری نیز برای رابطه وجود دارد که در این پژوهش به تناسب موضوع، رابطه زن و مرد به ویژه دختر و پسر را به دو گروه اصلی تقسیم کرده ایم:

الف) روابط اجتماعی معمول میان دو جنس؛

ب) روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی.

سپس در هر گروه از این روابط، از نظر شـرع مقدس اسـلام، دو نوع رابطه مشـروع و نامشـروع را مشـخص کرده ایم که معنا و مبنای تقسیم به مشروع و نامشروع روشن است. در اینجا تنها درباره اهمیت تقسیم، توضیح بیشتری می دهیم.

ص: ۱۹

الف) روابط معمول اجتماعی میان دو جنس

در این نوع از روابط، انگیزه های غیرجنسی زیر بنای روابط است و به تناسب آن، نوع رفتارها و برخوردها، از محرک ها و جنبه های خاص جنسی فاصله می گیرد. در این روابط، معمولاً زن و مرد در ارتباط با هم، هدف هایی غیر از با هم بودن و ارضای نیازها را پی می گیرند. روابطی مانند رابطه اقتصادی، علمی و هر رابطه ای که در آن انگیزه جنسی غالب نیست، از این نوع روابط است.

نگاه کردن، صحبت کردن، نامه نگاری و دیگر برخوردهای میان زن و مرد در محیط های مختلف، تا وقتی که انگیزه جنسی در آن بی تأثیر باشد و به جهت دهی رفتارها نینجامد، جزو این گروه از روابط خواهند بود. البته شاید انگیزه دو طرف یا یکی از آنها در روابطی که به ظاهر جزو روابط دسته اول است، با انگیزه های جنسی آمیخته شود یا حتی انگیزه جنسی غلبه یابد و روابط کاری و مانند آن، چونان پوششی برای روابط مبتنی بر گرایش های جنسی درآید. با این حال، چون همواره چنین نیست و نمودهای رفتار جنسی در این دسته از روابط مشهود نیست، می توان جنسی نبودن را در این گونه روابط اصل دانست و کشیده شدن این روابط به روابط مبتنی بر خواسته های جنسی را نوعی انحراف از بستر اصلی در این گونه روابط به شمار آورد.

ب) روابط مبتنی بر پیوندخواهی جنسی

در این نوع از روابط، انگیزه اصلی پیوندخواهی، بهره مندی جنسی است. دوطرف، رابطه با یکدیگر را وسیله ای برای بهره مندی اقتصادی یا

علمی و مانند آن از توانایی های یکدیگر نمی بینند، بلکه این ارتباط را در وهله اول برای ارضای گرایش های جنسی و بهره برداری عاطفی یا جنسی از طرف مقابل می خواهند. به تبعِ چنین انگیزه ای در این رابطه، رفتارها نیز با انگیزش های جنسی همراه خواهد بود. نگاه های معنادار، تغزّل، لمس و دیگر رفتارهایی که در آنها غلبه انگیزه جنسی مشهود است، از نمودهای رفتاری این نوع از رابطه به شمار می آید. خواستگاه گرایش زن و مرد به یکدیگر و حس پیوندجویی میان آن دو، یکی از غریزه های نیرومندی است که در وجود انسان ها قرار دارد. غریزه جنسی در شکل گیری و جهت دهی روابط میان زن و مرد نقش مهمی دارد. تأثیر این غریزه در رابطه های مبتنی بر پیوندخواهی جنسی، تأثیری مشخص است. حتی قدرت همین غریزه است که سبب می شود رابطه هایی نیز که زیربنای غیرجنسی دارند، در معرض انحراف به سمت روابط جنسی قرار گیرند، به گونه ای که راه یافتن انگیزه ها و جنبه های جنسی، خطری بالقوه برای روابط اجتماعی میان زن و مرد است. به دلیل تأثیر مستقیم یا بالقوه ای که غریزه جنسی در روابط زن و مرد به ویژه دختران و پسران جوان دارد، بجاست پیش تر، به برخی از ویژگی های این غریزه اشاره شود تا با شناخت بیشتری از انگیزه ها و لغزش گاه های روابط، جنبه های گوناگون رابطه میان دو جنس مرد و زن را در فصل های بعدی بررسی کنیم.

۲- ویژگی های غریزه جنسی

اشاره

معمولاً ـ واژه «غریزه» درباره گرایش های خاص بدن که هدف آنها تأمین نیازهای مادی و جسمانی انسان است، به کار برده می شود. بنابراین،

ص: ۲۱

غریزه ها بخشی از گرایش های انسانی است و در مقابل دیگر گرایش های انسان؛ یعنی عواطف و فطریات (گرایش های عالی) قرار می گیرد. گاهی نیز غریزه در مفهومی گسترده به کار می رود که به معنای مطلق گرایش است. در اصطلاح روان شناسان، منظور از غریزه، نیروهای زیستی ـ فطری است که جاندار را از پیش آماده می سازد تا در شرایط ویژه ای به شیوه ای خاص عمل کند.(۱) بنا بر آنچه گذشت، غریزه جنسی را می توان یکی از غریزه های اصلی در انسان دانست که نقش مهمی در سلامت و بقای نوع انسان دارد. در ادامه، به برخی ویژگی های غریزه جنسی اشاره می کنیم:

الف) قدرت غریزه

غریزه جنسی در انسان به ویژه در شرایط مساعد، دارای تأثیر و قدرت زیادی است و می تواند بر شئون مختلف زندگی انسان و جسم و روح او تأثیر گذارد و اندیشه ها و کردارهای او را جهت دهی کند. بسیاری از کوشش ها و گاه محرومیت هایی که فرد بر خود تحمل می کند، به نوعی از این گرایش سرچشمه می گیرد، چنان که الکسیس کارل می گوید: «میل جنسی، فرمان روای گم نام افراد و ملل است.»(۲) اگرچه بنا بر نظر برخی از روان شناسان، انسان در هیچ دوره ای از زندگی بدون غریزه جنسی نیست، ولی بدون شک، اثرگذاری این غریزه در انسان، با بلوغ جنسی کاملاً

۱- محمدتقی مصباح یزدی، اخلاق در قرآن، قم، مؤسسه پژوهشی امام خمینی رحمه الله، چ۷، ج۲، ۱۳۸۳، صص ۵۸ و ۵۹.

۲- حمید محمدقاسمی، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۳، چ۱، ص۲۱.

نمایان و میزان آن در دوران پیری کاهش می یابد. سن بلوغ در میان دختران و پسـران مناطق مختلف با توجه به شرایط اقلیمی، محیطی، نوع تغـذیه و میزان تحریـک هـای موجود، متفـاوت است. در منـاطق گرم سـیری، معمولاً دختران در ۸ و ۹ سالگی و پسران در ۱۲ و ۱۳ سالگی بالغ می شوند. حتی گاهی پسـران در ۱۱ و حتی ۹ سالگی نیز به سن بلوغ می رسـند، چنان که در عربستان، پسران در ۱۱ سالگی بالغ می شوند، در حالی که در مناطق سردسیری، دختران در ۱۵ و ۱۶ سالگی و پسران در ۱۷ و ۱۸ سالگی و حتی بالاتر بالغ می شوند. برای مثال، پسران در نروژ در ۲۰ سالگی به بلوغ جنسی می رسند.(۱)

ضعیف شـدن میل جنسـی نیز معمولاً در سن پیری رخ می دهد، چنان که به گزارش کینزی (۱۹۵۳ م.)، توان جنسی در مردان پس از ۷۰ سالگی، ۲۷ درصد و برای مردان بالای ۷۵ سال، ۵۵ درصد و از ۸۰ سال به بالا، ۷۷ درصد کاهش می یابد و زنان پس از یائسگی (در حدود ۵۰ سالگی)، قدرت تولید مثل را از دست می دهند. در مردان نیز این توان از دهه شـشم زندگی به بعـد به تدریج کاهش می یابد. البته مردان همواره توان تولید مثل دارند.(۲) به هر حـال، دست کم در دوران نوجوانی، جوانی و میان سالی، غریزه جنسی قدرت و تأثیر بسیاری در وجود انسان ها دارد. شدت این

۱- عبدالسلام الترمانینی، الزواج عند العرب فی الجاهلیه و الاسلام، حلب، دارالقلم العربی، ۱۴۰۹ هـ . ق / ۱۹۸۹م. ص۱۲۶.

۲- علی اسلامی نسب، بهداشت و درمان های جنسی، تهران، انتشارات خورشید، ۱۳۷۷، چ۱، صص ۱۹۴ و ۲۷۶.

تـأثیر چنان است که برخی از روان شـناسانماننـد فرویـد، در این زمینه به اشـتباه افتاده و با نگرشـی افراطی، گرایش جنسـی را خاستگاه تمامی فعالیت های روانی انسان دانسته اند.

ب) رابطه غریزه جنسی با تشکیل خانواده و تولیدمثل و تأثیر آن در تنظیم اجتماع

برآورده کردن درست غریزه جنسـی، مستلزم رابطه با فردی دیگر از جنس مخالف است، برخلاف نیازهایی مانند نیاز به تغذیه یا مسکن که به طور ذاتی نیازمند ایجاد رابطه با غیر نیستند و اگر امکان خاصی فراهم باشد، انسان بدون نیاز به دیگران هم می تواند این نیازها را برآورده سازد. به تبع همین ویژگی، رابطه خاصـی میان غریزه جنسی و تشکیل خانواده برقرار می شود؛ زیرا پس از آنکه این غریزه، محرک ایجاد رابطه میـان زن و مرد شـد، ایجـاد وابسـتگی میـان آن دو و علاقه به تـداوم رابطه، زمینه ایجاد پیوندی مداوم را میان دو طرف پدید می آورد که با تولد فرزندان، بر پایداری آن افزوده می شود.

تولیدمثل نیز به ایجاد رابطه جنسـی وابسـته است. از این نظر، غریزه جنسی با نسل آینده و با جامعه در ارتباط است و بقای نسل جـامعه، وابسـتگی خاصـی به این غریزه دارد. جز تولیـد نسـل، خـود خـانواده و حفـظ آن نیز در جـامعه تـأثیر مهمی دارد؛ زیرا خانواده افزون بر تولید نسل، مسـئولیت های مهمی چون پرورش نسل و برآوردن بسیاری از نیازهای جسمانی و عاطفی اعضای خانواده را بر عهـده دارد که اگر نتوانـد این مسـئولیت ها را به خوبی انجام دهـد، جامعه به ناچار نهادهای جای گزینی را برای برطرف کردن نیازهای افراد تعریف می کند. البته در مورد بسیاری از

نیازهـا، نهـاد مؤثری وجود نـدارد که بتوانـد نقش خـانواده را به خوبی بر عهـده بگیرد. در نتیجه، افراد با کمبودها و محرومیت های مختلفی روبه رو می شوند و جامعه با گرفتاری های فراوانی دست و پنجه نرم می کند. پس ارتباط خاص غریزه جنسـی با غیر و نقش آن در مورد خانواده، تولید و پرورش نسل و پذیرفتن مسـئولیت های ناشی از آن و تأثیر آن در تنظیم اجتماع، یکی از ویژگی های مهم این غریزه است.

ج) تحریک پذیری زیاد

غریزه جنسی به شدت تحریک پذیر است و افزایش و کاهش حس جنسی در انسان نیز وابستگی زیادی به تحریک های ذهنی و خـارجی دارد. تحریـک هاییماننـد نگاه کردن، لمس کردن، شـنیدن صـدای جنس مخالف، گفت وگوهای محرک، تخیل هـای جنسـی و نظیر آن، موجب بیـداری قوه جنسـی در انسـان می شونـد. برخی گفته انـد مردان بیشتر با دیـدن و زنان بیشتر با لمس کردن تحریک می شونـد.(۱) پژوهش هـا نشـان داده است میزان تحریـک مردان در برابر محرک هـای روانی ــ جنسـی ماننـد عریانی، عشوه گری، کتاب ها و فیلم ها و عکس های شـهوت انگیز بیشتر است.(۲) به هر حال، تحریک پـذیری زیاد از ویژگی هایی است که در غریزه جنسی در مقایسه با دیگر غریزه ها، شدت و نمود بیشتری دارد.

ص: ۲۵

۱- نـــک: ابوالقـــاسم مقیمی حـــاجی، جوانـــان و روابـط، فصـــل مربـــوط بـــه پی آمـــدهای روابـط، برگرفتــه از: ســایت: www.andisheqom.com.

۲- نـک: طلعـت رافعی، تحلیلی بر روان شناســی زن در ازدواج مـوقت، تهران، نشــر دانژه، ۱۳۸۱، ص۷۸، به نقـل از: مهشـید پارسایی، رشد و شخصیت کودک.

د) پیوند غریزه با عاطفه

عاطفه در انسان، نیرویی است که در رابطه با دیگری رخ می نماید؛ یعنی جنبه دیگرخواهانه دارد. در انسان برخلاف حیوانات، غریزه ها تحت تأثیر حالت های عاطفی فعال می شوند و نقش عواطف در رفتار انسان بسیار بیشتر از غرایز است،(۱) ولی غریزه جنسی به دلیل ماهیت ویژه اش و ارتباط آن با دیگران، پیوند نزدیک تری با عواطف دارد. این پیوند و شدت ارتباط سبب شد که فروید متناسب با نظر افراطی اش در زمینه غریزه جنسی، عشق را اساسا پدیده ای جنسی بداند و آن را والایش غریزه جنسی شمارد. در مقابل، هورنای اعتقاد دارد که لزوما ارتباطی میان محبت و غریزه جنسی نیست. مزلو نیز گفته است عشق و روابط جنسی، از نظر مفهومی دو چیزند، ولی در زندگی افراد سالم به هم می پیوندند و کمتر جدایی پذیرند.(۲)

به باور موریس دبس، غریزه جنسی به تدریج در نوجوانان به ویژه پسران، با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تمام اعضا و قوای بدن شدت می یابد تا جایی که در هفده و هجده سالگی، مالک اصلی احساسات انسان می شود و تمام تظاهرهای محبت آمیز انسان، از غریزه جنسی سرچشمه می گیرد.(۳) به هر حال، نمی توان غریزه جنسی را مانند گرسنگی تنها نیازی فیزیولوژیک دانست و رفتار جنسی را تنها در حد یک پاسخ بیولوژیک

ص: ۲۶

۱- نک: همان، صص ۷۶ و ۷۷.

۲- محمدباقر کج باف، روان شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، ۱۳۷۸، صص ۴۹، ۶۲ و ۶۶ .

۳- محمدتقی فلسفی، گفتار فلسفی جوان، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲، ص ۳۰۷.

بـدن به این نیـاز ارزیـابی کرد. همچنین نمی توان جنبه هـای عاطفی و انسانی را به کلی از گرایش های جنسـی جـدا دانست و پیوند غریزه و عاطفه را در این مورد نادیده گرفت.

ه) امکان تبدیل شدن به بیماری و برهم زدن تعادل زندگی

یکی دیگر از ویژگی هـای غریزه جنسـی این است که در صورت نبود تعـادل در تحریـک یا ارضا، می توانـد به نوعی بیماری تبـدیل شود. اگرچه این امر در دیگر غریزه هـا نیز کم و بیش وجود دارد، ولی غریزه جنسـی از این نظر تفـاوت هـای زیادی با گرسـنگی وماننـد آن دارد و این تفـاوت، بیشتر از اموریماننـد تحریک پـذیری زیاد و پیونـد این غریزه با عاطفه و جنبه های روحی و روانی انسان برمی خیزد. گرایش به غذا معمولاً در افراد سرکوب نمی شود و به صورت عقده ای روانی در نمی آید؛ زیرا در شـرایط عادی، این حالت در فرد چندان طول نمی کشد و او به ناچار با خوردن غذا، خود را از حالت گرسـنگی بیرون می آورد. به طور معمول، هم غـذا در مـدت کوتاهی به دست می آید و هم گوناگونی غذاها اهمیت اساسـی ندارد و شـخص گرسـنه بیشتر در پی سـیر کردن خود است. همچنین نمی توان نیاز به غذا را به مدت طولانی به فراموشی سپرد یا از راه دیگری غیر از غـذا خوردن، فرو نشانـد؛ زیرا بیش از اینکه نیـازی روانی باشـد، نیـازی زیستی است. با خوردن غـذا، میل به غـذا نیز در شخص فروکش می کنـد و نسـبت به هر نـوع خـوراکی، احسـاس سـیری خواهـد کرد. همـان گونه که تفریـط در ارضـای این گرایش، نمی توانـد چندان دامنه دار باشد، افراط در ارضای آن نیز دامنه زیادی ندارد؛ زیرا با پرخوری، فرد به سـرعت بیمار و ناتوان می شود.

افزون بر این، چون این گونه امیال از جنبه های عالی روحی دورترند، کمتر کسی خوردن غذای خاصی را بالاترین آمال و هدف غایی برای خود در نظر می گیرد.

در مقابل، غریزه جنسی می تواند در مدت زیادی در فرد سرکوب شود؛ یعنی فردی با وجود اینکه نیاز جنسی را در خود احساس می کند و در معرض تحریک های فراوانی است، سال ها امکان ارضای این غریزه را نداشته باشد یا خود به دلایلی در پی ارضای آن نباشد. حتی شاید فردی تلاش کند با روش های بدلی یا سرگرم کردن خود به امور دیگر، به طور موقتی از شدت انگیزش جنسی در خود بکاهد؛ زیرا این نیاز، وابستگی زیادی به جنبه های روانی و فکری دارد. همچنین ممکن است این غریزه در فرد به صورت یک عقده روانی درآید. نیز امکان دارد این غریزه، بر اثر افراط و تفریط در تحریک یا ارضا یا مهار نشدن به عطشی سیری ناپذیر در انسان تبدیل شود چنان که میل به سرمایه و مقام و قدرت ممکن است به صورت گرایشی پایان ناپذیر در انسان درآید. در این حال، توانایی جنسی فرد از نظر جسمانی، محدود می شود، ولی از نظر روحی، گرایش به جنس مخالف در او اشباع نمی شود، به ویژه آنکه حس تنوع طلبی و ارتباط غریزه با تخیل در این مورد می تواند بسیار اثرگذار باشد.

همچنین به دلیل آمیختگی غریزه با عواطف عالی انسانی، چه بسا دست یابی به معشوق واقعی یا خیالی برای فرد به صورت آرزوی غایی درآید و همین عشق ها که معمولاً ـ با خیال هایی نیز همراه است، با شکست در راه رسیدن به محبوب، سبب ایجاد اختلال های روانی یا حتی مشکلات جسمی در افراد شود. از نمونه های مشخص مبتلایان به زیاده خواهی

بیمارگونه جنسی، صاحبان حرم سراها بودند که با وجود گردآوری زنان زیبا و بی شمار، گرایش به داشتن زیبارویان دیگر در آنها فروکش نمی کرد. از سوی دیگر، مشکلاتی که برای مرتاضان و راهبان پیش می آید، از نمونه های بیماری های روحی ناشی از سرکوب غریزه جنسی در انسان است.

ویل دورانت به نقل از یک تاریخ نگار کاتولیک می نویسد:

سوء اخلاق کشیشان چنان ناهنجار بود که پیشنهادهایی در لزوم ازدواج کشیشان از هر سو شنیده می شد... بسیاری از صومعه ها وضعی بسیار اسفناک داشتند... یادداشت های این مرتاضان (راهبان) مشحون است از رؤیاها و تخیلات جنسی... به گمانشان چنین می رسید که شیاطین گردشان را گرفته و همواره در حال حمله هستند. ... دیوانه شدن برای راهبان امری غیرعادی نبود.(۱)

بیشتر روان شناسان به این ویژگی غریزه جنسی توجه ویژه ای داشته و گاه مانند فروید برای پرهیز از پی آمدهای نامطلوب سرکوبی غریزه جنسی، نظریه های افراطی ارائه کرده اند. هورنای، بسیاری از مشکلات جنسی را ناشی از احتیاج عصبی به محبت می داند که به صورت گرایش های جنسی نمود می یابد. بنابراین نظریه، در اجتماع هایی که روابط جنسی به صورت افراطی تبلیغ می شود یا جوانان را به گونه ای تفریطی متوجه امور جنسی می سازند، بسیاری از نیازهای روانی انسان ها به شکل گرایش های جنسی درمی آید و عطش های جنسی کاذبی را پدید می آورد. از نظر هورنای، همه

ص: ۲۹

۱- نک: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۶۳ ؛ برگرفته از: تاریخ تمدن، ج۱۷، ص۷۲؛ ج ۱۰، ص۹۹.

انحراف های جنسی و گرایش های جنسی افراطی، ناشی از کمبودها و عقده های روحی ــ روانی در فرد است. اریک فروم نیز گرایش شدید به امور جنسی را ناشی از درد بشر از تنهایی، انزوا و شکست او در غلبه بر جدایی و رهایی از زندان تنهایی می داند و اشتیاق به عیاشی های جنسی را چونان اعتیاد به می گساری و موادمخدر به شمار می آورد.(۱) ممکن است غریزه جنسی بر اثر عواملی مانند نبود تعادل در تحریک و ارضا و دیگر عوامل، به بیماری های مختلف روانی یا روان ــ تنی همچون افسردگی، اضطراب و سادیسم یا انواع انحراف ها مانند اعتیاد، الکلیسم و کام جویی های بدلی بینجامد و تعادل و سلامت فرد و حتی جامعه را به خطر بیندازد. این امر یکی از پیچیدگی هایی است که در زمینه غریزه جنسی وجود دارد و در دیگر غریزه ها به این اندازه مطرح نیست.

و) تفاوت نیاز جنسی در مرد و زن

یکی از نکته هایی که درباره غریزه جنسی باید بدان توجه کرد و در تحلیل رفتارها و روابط زن و مرد نباید نادیده انگاشت، تفاوت های موجود در زن و مرد در نوع گرایش های غریزی و نمودهای این امر در احساسات و رفتار آن دوست. شاید بتوان قوت عواطف در زنان را در مقایسه با مردان، یکی از عوامل این تفاوت دانست که موجب می شود غریزه جنسی در زنان، پیوند عمیق تری با عاطفه داشته باشد، چنان که می توان گفت مردان، بیشتر خواهان به دست آوردن جسم زن و زنان، بیشتر در پی تسخیر قلب مردند. به تعبیری، مردان بیشتر رابطه خواه و عمل گرا و زنان

۱- نک: تحلیلی بر روان شناسی زن در ازدواج موقت، صص ۱۶۲ و ۱۶۳.

تخیل گرا و عاطفی هستند.(۱) بنا بر پژوهش های روان شناسان، عده ای از دختران، گرایش های جنسی خود را تقریبا مانند پسران می دانند، ولی برای بیشتر آنان، این گونه احساسات با ارضای نیازهای دیگری مانند عزت نفس، اطمینان خاطر، محبت و علاقه همراه است. گرایش های جنسی در زنان با دیگر جنبه های شخصیتی آنان ارتباط نزدیکی دارد. ازاین رو، دختران جوان اگر میل جنسی را مخالف ارزش هایشان بدانند، بیشتر دچار بی تمایلی جنسی می شوند.

مردان از تحریک های جنسی ــ به ویژه نگاه ــ بیشتر تحریک می شوند؛ یعنی آنچه برای آنان جنسی نمود می کند، معنای شهوانی دارد، بدون آنکه لزوما جنبه عاطفی داشته باشد، ولی برای زن، زمینه عاطفی بدون توجه به نمادهای جنسی، معنای شهوانی القا می کند.(۲) همچنین روان شناسان گفته اند بیشتر مردان تنوع طلب هستند و در برخی موارد در تحریک شریک جنسی دایمی خود به علت یک نواخت شدن، ناتوان هستند، در حالی که برای شریک ها و نامزدهای دیگر جنسی از آمادگی کامل جنسی ــ روانی برخوردارند. این تنوع طلبی در بیشتر حیوانات نر و مردان بیش از زنان است، ولی قناعت جنسی در زنان به مراتب بیش از مردان است.(۳)

همچنین سردمزاجی در زنان بیشتر از مردان است، به گونه ای که

۱- همان، ص۳۶.

۲- همان، ص۷۸.

۳- بهداشت و درمان های جنسی، ص۲۶۳.

کینزی و هانت این امر را در زنان امری کاملاً عمومی دانسته اند.(۱) این امر شاید به معنای ضعف غریزه و گرایش های جنسی در زن نباشد، بلکه به تفاوت نوع گرایش های جنسی در زنان و غلبه جنبه های عاطفی بر جنبه های صرفا غریزی در آنان برگردد. بر اساس پژوهش های دانشمندان غربی، پسران بیش از دختران خواستار اوج لذت جنسی (به معنای خاص آن) هستند و بیشتر از آنها به خیال بافی های جنسی پناه می برند و برای ماندن در حالت تحریک جنسی، کمتر به تحریک مداوم احتیاج دارند. میزان روابط جنسی آنها با بیش از یک نفر، بیشتر از دختران است و کمتر از دختران اصرار دارند که محبت باید بر روابط جنسی حاکم باشد. همچنین دوام روابط یک زوج خاص، بیشتر مورد نظر دختران است تا پسران.(۲) به هر حال، وجود این تفاوت ها نیز از مواردی است که در تحلیل درست مسائل مربوط به روابط دختران و پسران باید بدان ها توجه شود.

۳- ملاحظه هایی در تنظیم روابط

با توجه به ویژگی هایی که برای غریزه جنسی برشمردیم، روشن می شود که تنظیم روابط میان دو جنس، جنبه های مختلف و پیچیدگی های ویژه ای دارد. گفتیم که غریزه در انسان، تحریک پذیری بالایی دارد و نبود تعادل و افراط و تفریط در تحریک ها و ارضای آن، برای سلامت انسان خطرآفرین است. از طرفی، به دلیل ارتباط غریزه جنسی با خانواده، بقای

۱- روان شناسی رفتار جنسی، ص۹۶.

۲- همان، ص۷۶.

نسـل و اجتماع، جامعه نیز در این زمینه حساسیت هایی دارد و مصالـح اجتماع، ضوابط خاصـی را بر روابط جنسـی تحمیل می کنـد. در نتیجه، در تنظیم درست روابط میان زن و مرد بایـد ساز و کارهایی در نظر گرفت. تا از یک سو، خواسـته های طبیعی افراد تـأمین گردد و از ایجـاد عقـده هـای روانی و سـرکوب غریزه جلوگیری شود. از دیگر سو، از افراط در اعمال غریزه و پی آمـدهای ویرانگر آن، پرهیز و بـا ایجـاد نوعی تعـادل میـان تحریک و ارضای، سـلامت روانی افراد برقرار شود. همچنین دیگر نیازها و گرایش های موجود در انسان قربانی غریزه جنسـی نشود و امکان رشد متناسب و شکوفایی همه استعدادهای بالقوه در انسـان فراهم آیـد. افزون بر این، روابـط زن و مرد بایـد بـا توجه به اقتضاهـا و نوع نیازهای هر یک از دو جنس تنظیم شود و به ویژگی هـای هر کـدام به درستی توجه کرد. همچنین بایـد مصالـح اجتماع، فـدای مصالـح فردی نشود و حقوق و آزادی های فردی نیز محترم باشد.

این پیچیـدگی تنهـا به روابـط جنسـی به معنای خاص آن مربوط نمی شود، بلکه در روابط اجتماعی معمول میان زن و مرد هم وجود دارد؛ زیرا زن و مرد در ارتبـاط بـا هم تقریبـا در تمـام حالت ها، عوامل تحریک جنسـی را همراه دارنـد؛ یعنی این گونه نیست که برای مثال، در محیط کار یا درس، دیگر عوامل تحریک غریزه جنسـی وجود نداشته باشد. چه بسا ارتباط هایی که با انگیزه های غیرجنسی صورت می گیرد، بر اثر عواملی هرچند طبیعی و ناخودآگاه، با انگیزه های جنسی در آمیزد و زمینه تغییر مسیر ارتباط به سمت ارتباط های جنسی و غریزی فراهم آید.

این گونه پیچیدگی ها و وجود جنبه های مختلف دیگر در تنظیم روابط

میان زن و مرد و نظام رفتار جنسی سبب شده است رویکردهای مختلفی درباره روابط زن و مرد در جوامع مختلف پدید آید. گروهی برای جلوگیری از غلبه غریزه و در نتیجه، تحت الشعاع قرار گرفتن دیگر جنبه های روحی در انسان و برای رسیدن به آرامش روحانی یا به دلایل دیگر، تضعیف و سرکوب غریزه را توصیه کرده اند. برخی دیگر، برای در امان ماندن از پی آمدهای ناشایست سرکوب غریزه و دست یابی به آرامش روانی، ارضای نامحدود غریزه جنسی را راه گشا دانسته اند. گروهی برای رعایت مصالح اجتماع، به تعیین محدودیت و ضوابط در این مورد اصرار دارند و گروهی نیز آزادی های فردی را مقدّم می دانند. برخی، ارتباط زن و مرد را مفسده انگیز دانسته و زنان را از تماس با مردان بر حذر داشته اند و گروهی دیگر، این ارتباط را لازم و برای سلامت روانی زن و مرد مفید پنداشته اند.

همچنین درباره پوشش یا حقوق متقابل زن و مرد و دیگر مسائل در این زمینه، نظریه ها و جهت گیری های متفاوت و گاه متضادی در میان اندیشمندان دنیا دیده می شود. همگی اینها نشان می دهد بشر با فهم و تجربه خود نتوانسته است در این زمینه به نظام رفتاری فراگیر و متعادلی برسد که مصالح کلی فرد و اجتماع را به شایستگی فراهم آورد.

ص: ۳۴

بخش دوم: روابط از دیدگاه اسلام

اشاره

زیر فصل ها

فصل اول: آسیب شناسی انواع رابطه

فصل دوم: دیدگاه ها و جهت گیری های کلی

فصل سوم: سالم سازی روابط اجتماعی و کاهش محرک های جنسی خارج از محدوده روابط زوجین

فصل چهارم: نظریه های مربوط به حضور دختران و زنان در اجتماع

فصل پنجم: دیدگاه اسلام درباره رابطه های دوستانه میان دختر و پسر

فصل ششم: راه کارهای مشروع برقراری روابط جنسی در اسلام

فصل اول: آسیب شناسی انواع رابطه

اشاره

پیش تر گفته شد که رابطه میان زن و مرد را با توجه به انگیزه و نوع رفتارهای غالب در تعامل های میان آن دو می توان به دو دسته اصلی تقسیم کرد. اکنون به آسیب شناسی این دو رابطه می پردازیم.

۱- رابطه مبتنی بر پیوندخواهی جنسی (روابط جنسی)

خطر جدی در رابطه های مبتنی بر پیوندخواهی جنسی و ارتباط هایی که با هدف لذت جویی جنسی صورت می گیرد، آن است که این روابط، خارج از ضابطه مشخص و مشروع تحقق یابد؛ یعنی میان زن و مرد، «رابطه های نامشروع» ایجاد شود. اسلام هرگونه رابطه جنسی را که فردی با شخصی غیر از همسر شرعی اش برقرار کند، نامشروع می داند، حتی اگر این گونه ارتباط ها در حدّ ردّ و بدل شدن نگاه ها یا صحبت های آمیخته با انگیزه های جنسی و شهوانی باشد.

در فرهنگ امروز دنیا، با این گونه روابط هر چند با انگیزه های جنسی

صورت گیرد، به تسامح برخورد می شود و اصطلاح رابطه نامشروع را تنها در آمیزش های غیرقانونی و نامشروع به کار می برند. در آموزه های اسلامی حتی در موضوع هایی مانند کنترل نگاه و پرهیز از صحبت های تحریک آمیز و دیگر عوامل تحریک جنسی در رابطه با نامحرمان، حساسیت زیادی وجود دارد، به گونه ای که در برخی احادیث، این گونه ارتباط ها (اموری مانند نگاه، لمس و بوسیدن)، شعبه هایی از زنا دانسته شده است.(۱)

بی تردید، این روش اسلامی، زمینه تحقق آمیزش های غیرمشروع را محدود می کند، ولی روش های رایج دیگر جوامع، زمینه های تحریک جنسی را هموار می کند، به گونه ای که پس از آن، اجتناب از آمیزش های نامشروع، دیگر چندان آسان نخواهد بود. در ادامه، زیان های دنیوی و اخروی این گونه رابطه ها را در روایت های اسلامی بررسی می کنیم.

برخی از پی آمدهای منفی زنا که بیشتر جنبه فردی دارند، عبارتند از:

یک ــ دور شدن از خدا و گرفتار شدن به حساب رسی سخت و کیفر الهی؛

دو ــ جاودانگی در دوزخ؛

سه ــ نابود شدن دین فرد و جداشدن روح ایمان از فرد؛

چهار ــ محروم شدن از استجابت دعا؛

۱- عَنْ أَبِی جَعْفَرٍ وَ أَبِی عَبْدِاللّه ِ(ع) قالا: «ما مِنْ أَحَدٍ وَ هُوَ یُصِیبُ حَظّا مِنَ الزِّنا، فَزِنَا الْعَیْنَیْنِ النَّظَرُ وَ زِنَا الْفَمِ الْقُبْلَهُ وَ زِنَا الْیَدَیْنِ اللَّمْسُ، صَدَّقَ الْفَرْجُ ذلِکَ أَوْ کَذَّبَ»، حر عاملی، وسائل الشیعه، قم، آل البیت، ۱۴۰۹ هـ. ق، کتاب نکاح، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات النکاح، ج ۲۰، ص ۱۹۱، ح۲۵۳۹۶.

پنج ـ از میان رفتن برکت؛

شش ـ افزایش مرگ های ناگهانی؛

هفت ـ کوتاه شدن عمر؛

هشت ـ فقر؛

نه ـ آبروریزی؛

ده ـ از میان رفتن نور چهره؛

یازده ـ شریک شدن شیطان در نطفه زناکار و پی آمدهای نامطلوب حرام زادگی در فرزند نامشروع.

برای نمونه به چند روایت در این زمینه اشاره می کنیم. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود:

زمانی که پس از من زنا زیاد شود، مرگ ناگهانی نیز افزایش می یابد.(۱)

همچنین حضرت رسول فرمود:

در زنا پنج ویژگی وجود دارد: آبرو را می برد؛ موجب فقر می شود؛ عمر را کوتاه می کند؛ غضب خداوند را در پی دارد و شخص را در آتش دوزخ جاودانه می کند.(۲)

امام سجاد (ع) به شخصی فرمود:

از زنا بپرهیز که بی گمان، برکت را از میان می برد و دین را نابود می سازد.(۳)

امام صادق (ع) نیز فرموده است:

۱- همان، ح ۲۵۶۸۵.

۲- همان، ح ۲۵۶۹۰.

۳- همان، ح۲۵۶۸۷.

وقتی شخصی زنا می کند، روح ایمان از او خارج می شود.(۱)

همچنین امام باقر (ع) می فرماید:

وقتی مردی زنا می کند، شیطان نیز در عمل جنسی شرکت می کند و نطفه (او و شیطان) یکی می شود و فرزند از این نطفه پدید می آید.(۲)

می دانیم که حرام زادگی پی آمدهای بسیار بدی برای فرد دارد. برای مثال، در برخی روایت ها، کینه به اهل بیت (ع)، گرایش به زنا و سبک شمردن دین، از نشانه های فرزند نامشروع شمرده شده است.(۳)

امام رضا (ع) در بیان دلیل حرام شدن رابطه نامشروع می فرماید:

خداوند، زنا را حرام کرد به دلیل مفاسدی که در آن است همچون: قتل، از میان رفتن نسب ها، ترک تربیت فرزندان، اختلاف در ارث پدر و فسادهای دیگر از این دست.(۴)

امام صادق (ع) در پاسخ به زندیقی که از حکمت تحریم زنا پرسیده بود، فرمود:

زنا حرام است به دلیل مفاسدی که در آن است، مانند: از میان رفتن ارث ها و قطع شدن نسب ها. در زنا، زن نمی داند که چه کسی او را حامله کرده است و فرزند، پدرش را نمی شناسد. نه ارتباط رحم ها حفظ می شود و نه خویشاوندی شناخته شده ای باقی می ماند... .(۵)

۱- همان، ح۲۵۷۰۷.

۲- همان، باب ۱ از ابواب نکاح المحرم، ح۲۵۷۰۲.

۳- همان، ج۱۵، کتاب جهاد، باب ۴۹ از ابواب جهاد نفس، ص۳۴۴، ح۲۰۶۹۸.

۴- همان، کتاب النکاح، باب ۱ از ابواب نکاح المحرم، ح۲۵۶۹۹.

۵- محمدباقر مجلسی، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ هـ . ق، باب ۷۶ از ابواب کتاب العقود و الایقاعات، ج ۱۰۰، ص۳۶۸.

بی گمـان، هیـچ مسـلمان عـاقلی بـا توجه به پی آمـدهای ناشـایست دنیوی و اخروی روابـط نامشـروع برای او و جامعه اش، به آسانی به این گناه بزرگ گرایش نمی یابد.

۲- روابط معمول اجتماعی

رابطه هایی مانند روابط کاری، درسـی، فامیلی و مانند آن که با هدف هایی غیر از پیوندجویی و لذت خواهی جنسـی صورت می گیرنـد، جزو رابطه هـای معمول اجتمـاعی هسـتند. در این گونه روابـط، معمولاً ـ اموری همچون نگاه کردن و سـخن گفتن ضرورت می یابـد و گاه چه بسا تماس های بـدنی و ماننـد آن نیز پیش می آیـد. خطری که در این گونه رابطه ها وجود دارد، احتمال انحراف از بستر اصـلی و آلوده شدن روابط زن و مرد نامحرم به انگیزه ها یا رفتارهای جنسی است و چون فرض بر این است که زن و مرد در محیـط هـای اجتماعی با افرادی غیر از همسـر خود نیز ارتباط خواهنـد داشت، ارتباط هایی که به سـمت رفتارهای جنسـی منحرف شود، مصـداقی از روابط نامشـروع خواهد بود. این امر به جز بر هم زدن رابطه های اجتماعی و ایجاد التهـاب هـا و هیجـان هـای ذهنی برای افراد در محیـط هـای اجتمـاعی، زیـان هـا و آثـار نامطلوبی نیز در پی دارد. اسـلام برای جلوگیری از انحراف رابطه ها، نخست، روابط جنسـی مشـروع را تعریف کرده و سپس راه کارهای مشروع برای ارضای غریزه ها و گرایش های جنسـی را پیش روی افراد نهاده است. آن گاه هنجارها و ضوابطی را با هدف کم کردن محرک های جنسی و از میان بردن زمینه های ایجاد روابط ناسالم و نامشروع میان غیر همسران وضع کرده است.

ص: ۳۹

در فصـل های بعـدی، راه کارهای مشـروع در ارتباط های جنسـی و برخی از مهم ترین ضوابطی را که اسـلام برای پرهیز از به انحراف کشـیده شـدن ارتبـاط ها و سالم سازی روابط اجتماعی تعیین کرده است، بررسـی می کنیم. در این بخش، با دیـدگاه اسـلام درباره روابط میان زن و مرد و دختر و پسـر آشـنا می شویم. در این زمینه، نخست بایـد برخی دیدگاه ها و جهت گیری هـای کلی اسـلام تبیین شود. سـپس ضوابط، هنجارها و راه کارهایی را که اسـلام برای تنظیم درست روابط معمول اجتماعی و جنسی سفارش کرده است، به طور ویژه بررسی می کنیم.

ص: ۴۰

فصل دوم: دیدگاه ها و جهت گیری های کلی

اشاره

توجه به این موارد که بیانگر همه جانبه نگری و توجه اسلام به مصالح واقعی انسان در زندگی دنیا و آخرت و در جنبه های فردی و اجتماعی است، ما را برای تحلیل درست آموزه ها و احکام اسلام در این زمینه یاری می دهد.

۱- توجه به سعادت دنیا و آخرت

از ویژگی های اساسی ادیان الهی، توجه به آخرت است. ادیان به پیروان خود می آموزند که انسان پس از مرگ، حیات ابدی خواهد داشت و نعمت های آخرت هرگز با نعمت های دنیایی قابل مقایسه نیست. همچنین سعادت انسان در آخرت، در گرو اعمال و نیت های خیر یا شرّ او در این دنیاست. در نتیجه، انسان آخرت باور در مقام ناسازگاری منافع دنیوی با منافع اخروی، نعمت های آخرت را ترجیح می دهد و از منافع زودگذر دنیایی چشم می پوشد.

آیات بسیاری از قرآن در بیان همین مطلب، انسان را به تلاش برای سعادت در آخرت و دوری از دنیادوستی فرا می خواند و برتری

ص: ۴۱

نعمت های آخرت را یادآور می شود.(۱) البته اسلام برخلاف بسیاری از ادیان، راه سعادتمند شدن در آخرت را دوری کامل از لذت ها و نعمت های دنیا نمی داند و هرگز بهره مندی از نعمت های حلال دنیوی را ناپسند نمی شمارد، بلکه به بهره مندی درست از موهبت های الهی فرا می خواند و همین بهره مندی را نیز زمینه ساز ثواب اخروی می داند.(۲) این دیدگاه آخرت محور، در تنظیم درست و متعادل مناسبات مختلف انسان در امور دنیایی اش، از جمله روابط او با جنس مخالف نقش مهمی دارد.

انسان آخرت باور، نعمت های محدود دنیایی را به اندازه واقعی آنها می بیند و هیچ گاه رسیدن به لذت ها و منافع دنیایی را کمال نهایی و غایت آمال خود نمی داند. از همین رو، از نعمت های دنیوی به طور شایسته بهره می برد و از دنیا، توقع لذت پایدار و نامحدود ندارد. این امر، زمینه ساز آرامش روحی است و از حرص و ولع نابجا و اضطراب درونی و احساس سرخوردگی و ناکامی دایمی که دامن گیر دنیاپرستان است، می کاهد. پیش تر گذشت که چه بسا رسیدن به لذت های جنسی همانند دست یابی به مال و مقام و قدرت، در نظر انسان، به اشتباه، جانشین هدف های غایی و کمال نامحدود شود و عطش سیری ناپذیر را در او پدید آورد؛ زیرا این گرایش ها افزون بر جنبه های جسمانی و محدود، با جنبه های روانی و

۱- برای نمونه نک: نساء: ۷۷؛ انعام: ۳۳؛ اعراف: ۱۶۹؛ انفال: ۶۷ ؛ توبه: ۳۸؛ یوسف: ۱۰۹؛ رعد: ۲۶؛ نحل: ۳۰ و ۴۱؛ اسراء: ۲۱؛ غافر: ۳۹؛ شورا: ۲۰؛ زخرف: ۳۵؛ اعلی: ۱۷.

۲- برای نمونه نک: بقره: ۲۰۱؛ نساء: ۱۳۴؛ اعراف: ۱۵۶؛ قصص: ۷۷ و... و احادیث مربوط به نهی اسلام از رهبانیت و ترک دنیا.

گرایش های عالی روحی در هم آمیخته است. بی تردیـد، خوشـی های جنسـی از پرجلوه ترین منافع دنیوی است، چنان که در روایت های اسلامی نیز تأکید شده است لذت جنسی، بالاترین لذت هاست (البته نه در مقایسه با لذت های معنوی).(۱)

بی گمان، کسی که دنیا و منافع آن را بالاترین کمال ممکن برای خود بداند، تمام همت خود را صرف می کند تا بیشتر از این لـذت هـا بهره برداری کنـد. طبیعی است فرد و جامعه دنیامحور، هوادار نوع خاصـی از هنجارهای جنسـی خواهـد بود که بهره منـدی جنسـی حـداکثر را برایش فراهم آورد. برای مثال، زنان را تشویق می کند حتی در محیط های اجتماعی ـ البته تا جایی که نظم امور به هم نریزد ـ هر چه بیشتر خود را در معرض کام یابی های مردان قرار دهنـد؛ زیرا دلیلی نـدارد که خود را ملزم به حدود اخلاقی خاصی بدانند.

چنین نظام اخلاقی دنیامحوری حتی از مرزهای قانونی نیز برای رسـیدن به لذت های بیشتر عبور خواهد کرد. البته چون از یک سو، روح انسـانی همواره در پی کمـال بی نهـایت است و از سوی دیگر، لـذت هـای دنیـایی، محـدود و آمیخته با کاستی های مختلف است، جویندگان لذت های جنسی نامحدود، همیشه احساس ناخرسندی می کنند و همین امر، آنها را

۱- وسائـل الشـیعه، کتـاب النکاح، باب ۳ از ابـواب مقـدمات نکـاح، ص۲۳، ح۲۴۹۲۷ و ۲۴۹۲۹؛ از امـام صادق علیه السـلام پرسـیدیم: چه چیزی بیشترین لذت را دارد؟ حضـرت فرمود: «زناشویی بیشترین لذت را دارد.» همچنین امام صادق علیه السـلام فرمود: «مردم در دنیا و آخرت از لذتی بالاتر از لذت زنان لذت جنسی بهره مند نمی شوند».

به تجربه های جنسی جدید و عیاشی های افراطی و حتی اموری مانند هم جنس بازی و مانند آن می کشاند. در مقابل، آخرت باوران و خدامحوران که دنیا را گذرگاه آخرت می دانند و منافع دنیایی را در حد واقعی آن می بینند، گرفتار این گونه اشتباه ها نمی شوند و با دیدی همه جانبه نگر و ناظر به سعادت دنیا و آخرت، به تنظیم متعادل روابط بر اساس هدف های متعالی الهی می پردازند و از منافع دنیایی نیز به شایستگی بهره می برند.

۲- توجه به کرامت انسانی و نفی تلقّی حیوانی از انسان

نگاه اسلام به انسان، در تنظیم روابط او با جنس مخالف اثرگذار است. در دیدگاه اسلام، انسان، موجودی با استعدادهای بالقوه فراوان است که می تواند در پرتو معرفت، ایمان و خودسازی و با پرورش جنبه های معنوی در وجود خود، به مراتب بالای کمال و قرب الهی دست یابد.(۱) این استعداد، در حیوانات قرار داده نشده است. از نظر اسلام، هر انسان مؤمنی دارای ارزش و احترام است و ارزش او نیز در درجه اول، به جنبه های معرفتی و روحانی او؛ یعنی به علم، ایمان و پرهیزکاری اش مربوط می شود.(۲) اسلام به انسان می آموزد که همواره بر اساس عقل (و نه شهوت) حرکت کند تا مقامی بالاتر از فرشتگان بیابد وگرنه از حیوانات نیز پست تر خواهد بود.

عبداللّه بن سنان می گوید از امام صادق (ع) پرسیدم که فرشتگان

۱- برای نمونه نک: مجادله: ۱۱؛ رعد: ۲۹؛ شمس: ۹.

۲- برای نمونه: نک: آل عمران: ۱۳۹؛ زمر: ۹؛ مجادله: ۱۱؛ حجرات: ۱۳.

برترند یا انسان ها؟ حضرت فرمود: به فرموده امیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع):

خداوند در فرشتگان، عقل بدون شهوت و در حیوانات، شهوت بدون عقل قرار داده است و در بنی آدم هر دو را ترکیب کرده است. پس کسی که عقلش بر شهوتش غلبه داشته باشد، از فرشتگان بهتر است و هرکس که شهوتش بر عقلش چیرگی یابد، از چارپایان بدتر است.(۱)

روشن است این دیدگاه با دیدگاهی که انسان را در حد حیوانی هوشمند می بیند که منافعی والاتر از خور و خواب و شهوت و لذت های جسمانی ندارد، تفاوت فراوان دارد. برای مثال، انسانی که به خود و دیگران با رویکرد انسانی می نگرد و ارزش خود را می شناسد، اجازه نمی دهد غریزه ها و شهوت های نفسانی، چنان او را دل مشغول سازد که از پرورش روح و دست رسی به کمال والای معنوی باز بماند.(۲) اگر هم بخواهد همسر مناسبی برگزیند، بی گمان به جنبه های اخلاقی، معرفتی و روحانی او نیز توجه خواهد داشت و تنها جنبه های ظاهری را ملاک ارزش گذاری قرار نمی دهد. در مقابل، فرد و جامعه ای که برداشت حیوانی از انسان دارند، به انواع دیگری از مناسبات توجه می کنند و جنبه های معنوی و کمالات روحانی انسان را فدای غریزه ها و گرایش های سطحی وی خواهند کرد.

۱- وسائل الشیعه، کتاب جهاد، باب ۹ از ابواب جهاد نفس، ص ۲۰۹، ح ۲۰۲۹۸.
۲- امیرالمؤمنین علی علیه السلام می فرماید: «من کرمت علیه نفسه هانت علیه شهواته؛ کسی که خودش را محترم بدارد، برای خودش شخصیت بالایی قائل است»؛ یعنی خواسته های سطحی و شهواتش نزد او بی ارزش خواهد شد. نک: نهج البلاغه دشتی، ص ۷۳۶، حکمت ۴۴۹.

۳– تأکید بر حرمت شخصیت زن و پرهیز از نگاه ابزاری به او

یکی دیگر از امور اثرگذار بر چگونگی تنظیم روابط میان زن و مرد، نوع نگاه به زن است. شی ء انگاشتن زن و نگاه ابزاری به او برای ارضـای هـوس رانی هـای مردان و نادیـده گرفتن ارزش هـای انسـانی زن، دیـدگاهی است که در میـان فرهنـگ هـای مختلف دنیا، پیشـینه طولانی دارد. حتی در جوامع پیشـرفته امروزی نیز همین دیدگاه به صورتی فریب کارانه و با شـکلی دیگر رایج است. برای نمونه، در فرهنگ های زیر، نگاه های تحقیرآمیزی به زن وجود داشته و دارد:

یک ــ استرالیا: در قبیله های استرالیا، زن در حکم حیوانی اهلی بود و تنها برای دفع شـهوت و تولید نسل به کار می آمد. حتی در فرهنگ های قدیم، به هنگام قحطی، زنان را می کشتند و می خوردند. زن حق نداشت با شوهرش غذا بخورد و اگر پس از سیر شدن شوهر چیزی ته سفره می ماند، به زن می رسید.

دو ــ افریقـا: در افریقـای مرکزی، غـذا خوردن زن بـا شوهر ممنوع بود و فرزنـدان حرفش را گوش نمی دادنـد. زن کتک می خورد و این را عادلانه می دانست. حتی شوهران، زنان خود را می فروختند.

سه ــ چین: چینی ها معتقـد بودنـد زنان به کلی از فکر و عقل و شـعور ادراکی بی نصـیبند. زنان حق غذا خوردن با شوهران و پسرانشان را نداشتند. مرد، زن یا دخترش را به جای بدهی به طلب کار می داد.

چهار ــ هنـد: از آن جا که در آیین بودایی هنـد، زنـدگی زناشویی آکنـده از شـهوت های دنیایی تلقی می شـد، زنان مصـدر ناپاکی و گناه معرفی می شدند

ص: ۴۶

و زنان را پس از مرگ شوهر، با او می سوزاندند.

پنج ــ عربستان: نزد عرب جاهلی، زن موجودی ضعیف و قابل تملک بود و دخترکشی، رسم عرب به شمار می رفت.

شش ــ روم: بـا اینکه روم از نظر حقوقی بسـیار پیشـرفته بود ــ به گونه ای که یکی از نظـام هـای حقوقی معاصـر جهـان (نظام حقوقی رومی ــ ژرمنی) به نام آن ثبت شده است ــ ولی رومیان، زنان را به علت نداشـتن روح انسانی، سزاوار حشر در قیامت نمی دانسـتند و او را مظهر تام شـیطان و ارواح خبیث و آمیخته با نیرنگ و پلیدی می شمردند. به همین دلیل، از سخن گفتن او در غیر موارد ضـروری جلوگیری می کردند. در یکی از مَثَل های رومیان آمده است: «نه خر را می شود اسب نامید و نه زن را انسان».

هفت ــ یونان: یونانی ها نیز زن را موجودی ناپاک و زاده شـیطان می دانسـتند و او را از هر کاری جز خدمت کاری و ارضای غریزه جنسی مرد باز می داشتند. منظور از ازدواج را نیز تنها بقای نسل خانواده با تولد پسران می دانست و زنان دخترزا را دور می انداختند. آتنی ها، زنان را مانند سـفیهان، مهجور می دانسـتند و به آنان اجازه نمی دادند اشـیایی را که ارزش آن از بیست جو بیشتر بود، معـامله کننـد. سـقراط، سـلوک بـا زن را نوعی زجر و ریـاضت کشـی و مایه خودسازی می دانـد. در یونان، زن شخصیت حقوقی نداشت و شوهر می توانست او را قرض دهد یا ببخشد.

هشت ــ اسـکاندیناوی (سوئد، دانمارک و نروژ): در اسـکاندیناوی تا چندی پیش، به دختران ارث نمی دادند و مانند شی ء با آنان برخورد می کردند. پدر می توانست آنها را بفروشد یا قرض و کرایه دهد یا بکشد.

ص: ۴۷

نه ـ ایران باستان: در حقوق ساسانی، زن شخصیت حقوقی نداشت و کالا شمرده می شد. زن حق مالکیت نداشت و مرد می توانست او را همچون غلامان و چارپایان بفروشد یا کرایه دهد. زن حق نداشت با شوهر خود یک جا سکونت کند و غذا بخورد. بیشتر، زن را برای مجازات به درخت یا تیرکی می بستند و شلاق می زدند.

ده ـ آیین یهود: قوم یهود، زن را هیچ و پوچ می شمرند و همیشه در دعاهای روزانه خود می گویند: «تبارک اللّه خالق و سلطان که مرا زن نیافریدی.» از مثل های رایج یهودیان است که: «اگر دیدی الاغ از نردبان بالا رفت، زن هم عقل پیدا می کند.» نزد آنان مادری که دختر زاییده، مایه ننگ بود و پانزده روز نجس بود و تا هفتاد روز باید تطهیر می کرد.

یازده ـ آیین مسیح: آموزه های تحریف شده آیین مسیحیت، وضع زن را بهبود نبخشید. مجمع دینی فرانسه در سال ۵۸۶ م. پس از بحث های طولانی درباره ماهیت زن، چنین نظر داد: «زن انسان است، ولی برای خدمت مردان آفریده شده است.» از لنگدون دویس، مرجع بزرگ مسیحیت درباره زنان پرسیده شد و او چنین گفت:

زنان را که بالفطره سبک مغز و شهوت ران و شیفته لباس و زینت و تظاهرند، جز اینکه مرد در خانه محفوظ و مقفّل نگاه دارد، راهی دیگر ندارد.(۱)

آنچه گذشت و شواهد فراوان دیگر، همگی بیانگر نگاه نادرست

ص: ۴۸

۱- علی کاظم زاده، تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران، تهران، میزان، ۱۳۸۲، صص ۳۴ـ۴۲.

گذشتگان به زن بوده است. افزون بر جامعه هایی مانند روم، یونان، بابل، ایران باستان، هند و اعراب جاهلی، تا چندی پیش در انگلستان، فرانسه، سوئد، دانمارک، نروژ و ژاپن، زن نه تنها ارث نمی برد، بلکه گاه به ارث داده می شد. یهودیان تنها در صورت نبودن هیچ بازمانده دیگر، به زن ارث می دادند. مسیحیان هم قانون خاصی در این زمینه نداشتند و تابع قوانین موجود در کشورها بودند.(۱)

با کمال تأسف، این نگاه ابزاری به زن، در دنیای متمدن امروزی نیز با اشکال مختلف وجود دارد. یکی از موارد بهره کشی از زنان، مسئله تجارت زنان و دختران است. گروه های بی شماری از بردگان جنسی از کشورهای جنوب شرقی آسیا یا کشورهای اروپای شرقی، به کشورهای اروپای غربی، امریکا و حتی برخی کشورهای عربی، صادر و در بدترین شرایط به کار گمارده می شوند. برای مثال، حتی این تجارت، یکی از منابع مهم درآمد دولت در کشور تایلند شمرده می شود.(۲)

افزون بر این گونه بهره کشی های جنسی از زن، نگاه ابزاری و شی ءانگارانه به زن را امروز می توان به راحتی در فیلم ها، آگهی های

۱- همان، صص ۵۹ _ ۶۳.

۲- سالانه حدود دو میلیون انسان بیشتر زنان جوان به منظور فحشا _ در جهان قاچاق می شوند. تنها در لس آنجلس نزدیک به ۴ تا ۵ هزار زن چینی در مراکز فحشا گرفتار شده اند. زنان در مولداوی به قیمت ۱۵ دلار خریده می شوند، ولی در ایتالیا به قیمت ۵ هزار دلار فروخته می شوند. آنان باید بتوانند ماهیانه تا ۲۵ هزار دلار برای صاحب خود درآمد ایجاد کنند. در اروپا درآمد ناشی از تجارت زن اروپای شرقی، سالانه نزدیک به ۱۳ میلیارد دلار برآورد می شود. نک: بهناز اشتری، قاچاق زنان بردگی جنسی، تهران، اندیشه برتر، چ۱، ۱۳۸۰.

تبلیغاتی و بازرگانی دید. این نگاه به شکل نظام مند و با ظاهری فریب کارانه در دنیای امروز نهادینه شده و با عنوان های فریبنده ای، جنبه های انسانی وجود زن را لگدمال کرده است. گستردگی تجاوز به زنان و خشونت علیه زنان در دنیای غرب نیز شاهدی بر دروغ بودن ادعای فرهنگ غرب در شخصیت دادن به زنان است،(۱) ولی در نگاه اسلام، زن در درجه اول، انسان و بنده خداست و ارزش او نیز به میزان بندگی و نزدیکی به خدا، معرفت، ایمان و تقوای اوست. خداوند، زن را نیز مانند مرد مورد خطاب و تکلیف قرار داده است. در قرآن تصریح شده است که زن نیز مانند مرد بر اساس ایمان و اعمال صالحش از پاداش، حیات طیبه و مقام های اخروی برخوردار می شود.(۲)

در دنیای امروز، در عمل، ارزش زن بیشتر به جنبه های ظاهری او و میزان توانایی اش در ارضای غریزه های حیوانی مردان دانسته می شود، ولی اسلام، افزون بر توجه عقلانی به جنبه های جسمانی و غریزی زن و مرد،

۱- برابر آمارهای سال ۱۹۹۲ م. در امریکا هر ۶ دقیقه یک تجاوز جنسی صورت می گیرد. ماهانه به طور میانگین، ۲۵٪ زنان امریکایی از شوهران یا مردانی که با آنها زندگی می کنند، کتک می خورند و تقریبا ۵۰٪ از مردان امریکایی همسر خود را دست کم سالی ۳ بار کتک می زنند. نک: سیمای زن در جهان امریکا، تهران، مرکز امور مشارکت زنان، نشر برگ زیتون، چ ۱، ۱۳۷۷، ص۱۰۴.

۲- هر کسی کار شایسته ای انجام دهد، خواه مرد باشد یا زن، در حالی که مؤمن است، او را به زندگی گوارا زنده می داریم و پاداش آنها را به بهترین اعمالی که انجام می دادند، خواهیم داد. نحل: ۹۷ به یقین، مردان مسلمان و زنان مسلمان، مردان باایمان و زنان باایمان، مردان مطیع فرمان خدا و زنان مطیع فرمان خدا(یند)....، خداوند برای همه آنها آمرزش و پاداش عظیمی فراهم ساخته است. (احزاب: ۳۵؛ نیز نک: آل عمران: ۱۹۵؛ نساء: ۱۲۴؛ غافر: ۴۰ و...).

ارزش اصلی زن را به کمالات روحانی او می داند، چنان که در قرآن کریم از زنانی مانند حضرت مریم (س) و آسیه (س) به دلیل همین کمالات روحانی و میزان معرفت و ایمان و عملشان تجلیل شده است. مقام معنوی مریم (س)تا جایی است که خداوند در قرآن از او به عنوان «صدّیقه» یاد می کند(۱) و مخاطب الهام های الهی قرار می گیرد(۲) و هم صحبت فرشتگان مقرب الهی می شود(۳) و برای او غذاهای بهشتی می آورند. مقام او چنان والاست که پیامبر زمانش؛ یعنی زکریا (ع)، از این مقام شگفت زده می شود.(۴) همچنین خداوند، آسیه (س)، همسر فرعون را ــ مانند مریم (س) ــ الگویی برای تمام مؤمنان ــ اعم از زن و مرد ــ معرفی می فرماید و درجات ایمان و معرفت او را یادآوری می کند.(۵)

زنان بزرگواری مانند خدیجه (س)، زینب کبری (س)، حضرت معصومه (س)که شفاعت کننده تمام شیعیان هستند و از همه برتر، حضرت زهرا (س) که برتر از همه پیامبران جز پیامبر اسلام است، همه دارای منزلت و ارزش الهی اند و تنها در سایه بندگی خداوند به آن مقام ها دست یافته اند. به طور کلی، اسلام، زناشویی را امری پلید و شیطانی نمی داند و زن را ناپاک و شیطان صفت نمی پندارد. او را به ارث نمی دهد و از ارث بردن نیز محروم نمی سازد. او را مهجور نمی داند و از حق مالکیت بی نصیب

۱- نک: مائده: ۷۵.

۲- همین مطلب در مورد مادر موسی علیه السلام نیز آمده است. قصص: ۷

۳- چنان که در مورد همسر ابراهیم صلی الله علیه و آله نیز این مطلب رخ داد. هود: ۷۲ و ۷۳

۴- آل عمران: ۱۷۷ ــ ۱۸۲؛ تحریم: ۱۴ و ۲۱؛ مریم: ۱۶ ــ ۲۷.

۵- تحریم: ۱۱.

نمی کند و حتی اجازه آزار دادن او را نمی دهد.

بررسی جنبه های مختلف دیدگاه اسلام درباره زن در این مختصر امکان پذیر نیست، ولی به خوبی می توان دریافت که توجه به نگاه انسانی اسلام به زن، در چگونگی تنظیم روابط میان زن و مرد تأثیر بسیاری خواهد داشت. بی گمان، نگاه انسانی اسلام به زن و ارزشی که اسلام برای شخصیت زن قائل است، با نگاه ابزاری و تحقیرآمیز به زن در دنیا، تفاوت اساسی دارد. همین تفاوت، عامل اصلی جهت دهی متفاوت در مناسبات اجتماعی است و در چگونگی تنظیم روابط میان زن و مرد تأثیر زیادی خواهد داشت.

۴- توجه به واقعیت های وجودی زن و مرد (نیازها، گرایش ها و اقتضائات)

یکی از ویژگی های اساسی در آموزه های اسلام، توجه به همه جنبه های وجود انسان ها است. خداوند، خالق جهان و انسان، بر همه امور و زوایای وجودی انسان آگاه است و با حکمت مطلق خویش، احکام دینی را بر اساس مصالح و واقعیت های وجود بشر، به او ارائه کرده است. در زمینه آموزه های مربوط به روابط زن و مرد نیز چنین است. حتی برخی تفاوت های موجود میان زن و مرد در مسائلی مانند پوشش، آداب معاشرت، حقوق و وظایف در خانواده و...، همه متناسب با تفاوت های واقعی در گرایش ها، نیازها و شرایط وجودی زن و مرد است.

البته بررسی تفصیلی این مطلب، مجال دیگری می طلبد. در اینجا تنها نظر اسلام را در مورد گرایش های جنسی بررسی می کنیم. آیا اسلام این

گرایش هـای غریزی را امری نـامطلوب می دانـد و توجه به این گرایش ها را ناپسـند می شـمارد و انسان را از لـذت ها و امور جنسی بر حذر می دارد؟ گرایش های جنسی در انسان خوب است یا بد؟ این پرسش از آن جا به ذهن می آید که زمینه ذهنی بسیاری از افراد ــ حتی تحصیل کردگان ــ در این مورد، بر اساس تصویری که از ادیانی مثل مسیحیت، بودیسم و هندو وجود دارد، شکل گرفته است.

بسـیار دیده می شود جوانان از احساسات و گرایش نسبت به جنس مخالف، احساس گناه می کنند و این امر را با روحیه دینی ناسازگار می پندارنـد. در ادیان یادشده، راهی که برای رسـیدن به کمالات معرفی می شود، دوری از دنیا و لذت ها و شـهوت های دنیایی است. این ادیان به ویژه درباره میل جنسـی، نگاه گناه آلود و بـدبینانه ای دارند و زناشویی را تنها از سـر ناچاری و اضـطرار و برای تولیـدمثل روا می شـمارند. این امر زمینه ساز احساس گناه در پیروان این ادیان و ایجاد کشـمکش دایمی میان نیاز طبیعی و عقیده مذهبی در آنها بوده است.(۱)

در آموزه های اسـلام، اثری از این عقیده و پلید شـمردن گرایش جنسـی وجود ندارد؛ زیرا اسلام به گرایش های طبیعی انسان ها توجه کامل دارد. اسـلام، راه رسـیدن به کمال را ترک دنیا و دوری از لـذت ها و خواهش ها نمی دانـد، بلکه سـفارش می کند به دنیا و لذت های آن دل نبندیم و در سایه ایمان و عمل صالح و با تقویت بینش و اراده، حالتی را در نفس خود به

۱- مرتضـی مطهری، اخلاق جنسـی در اسـلام و جهان غرب، قم، صدرا، صص ۹ـ۱۷. در ادامه، در مـورد این نگرش توضـیح بیشتری خواهیم داد.

وجود آوریم که اسیر شهوت نباشیم تا عقل فرمان روایمان باشد. این امر، هرگز با استفاده از نعمت ها و لذت های مشروع و حلال، در حد متعادل و عقلانی و شرعی منافات ندارد. خداوند در قرآن، علاقه میان زن و مرد را موهبتی الهی معرفی می کند و می فرماید:

وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ... . (روم: ۲۱)

و از نشانه های او اینکه همسرانی از جنس خودتان برای شما آفرید تا در کنار آنان آرامش یابید و در میانتان مودّت و رحمت قرار داد. در این امر، نشانه هایی است برای گروهی که تفکر می کنند.

نمونه های فراوانی از مبارزه معصومین (ع) با اندیشه رهبانیت و ترک دنیا وجود دارد که جریان عثمان بن مظعون و برخورد پیامبر با او، معروف است.(۱)

در روایتی آمده است پیامبر به برخی از اصحاب که به ترک زن پرداخته و به روزه داری و شب زنده داری روی آورده بودند، فرمود:

آیا از زنان روی می گردانید در حالی که من با زنان مباشرت می کنم و در روز غذا می خورم و شب می خوابم و هرکس از سنت من روی گرداند، از من نیست.

در این هنگام این آیات نازل شد:

امور پاکیزه ای را که خداوند برای شما حلال کرده است، تحریم نکنید و از تجاوز بپرهیزید که خداوند، تجاوزکاران را دوست ندارد و از آنچه خدا به صورت پاکیزه و حلال روزی تان کرده است، بخورید و از خدایی

۱- همان، ص۱۶؛ ثقه الاسلام کلینی، کافی، تهران، دارالکتاب الاسلامیه، ۱۳۶۷، چ۳، ج۵، ص۴۹۴.

که به او ایمان دارید، بترسید. (مائده: ۸۷ و ۸۸)

امام باقر (ع) به زنی که قصد داشت برای کسب فضیلت های انسانی تا آخر عمر ازدواج نکند، فرمود:

برو (و ازدواج کن)! اگر در این کار (تجرّد) فضیلتی بود، فاطمه (س) از تو سزاوارتر به آن می بود (در حالی که ایشان ازدواج کرد). بی گمان، هیچ کس در فضیلت بر آن حضرت پیشی نمی گیرد.(۱)

حتی در روایت های اسلامی، بی همسری به شدت نکوهیده شده است. پیامبر فرموده است: «شِرارُ مَوْتاکُمُ الْعُزّابُ؛ بدترین مردگان شما کسانی هستند که در حال بی همسری از دنیا می روند.»(۲) همچنین حضرت از مردی پرسید: آیا زن داری؟ گفت: نه. رسول اللّه فرمود: آیا کنیز داری؟ عرض کرد: نه. حضرت فرمود: آیا توانایی مالی داری؟ گفت: بله. آن گاه به او فرمود: «تَزَوَّجْ وَ إِلاّ فَأَنْتَ مِنَ الْمُذْنِبِینَ؛ ازدواج کن، وگرنه از گناه کاران خواهی بود».(۳)

حتی پیشوایان معصوم (ع) که دارای بالاترین درجات ایمان بودند، آشکارا علاقه خود را به زن اعلام می کردند و این، نشان می دهد که این گرایش ها هرگز شرم آور یا پلید نیستند. برای نمونه، امام صادق (ع)می فرماید: «مِنْ أَخلاقِ الْأَنْبِیاءِ حُبُّ النِّساءِ؛ علاقه به زنان، از اخلاق پیامبران است.»(۴) حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمود: «من از دنیای شما چیزی را دوست نمی دارم؛ جز زنان

۱- وسائل الشیعه، کتاب نکاح، ابواب مقدمات نکاح، باب۲، ص۲۱، ح۲۴۹۲۱

۲- بحارالانوار، ج۱۰۰، کتاب عقود و ایقاعات، باب کراهه العزوبه و الحث علی التزویج از ابواب النکاح، ص۲۲۰، ح۱۹.

۳- همان، ص۲۲۱، ح۲۷.

۴- وسائل الشیعه، کتاب نکاح، ج۲۰، ابواب مقدمات نکاح، باب۳، ص۲۲، ح۲۴۹۲

و عطر.»[(۱)] امام باقر (ع) در این باره می فرمود:

دو رکعت نماز که فرد دارای همسر می خواند، از عبادت فرد بی همسری که شب، بیدار و روز، روزه دار است، برتر است.[(۲)]

گرایش به جنس مخالف و زناشویی حلال در نظر اسلام نه تنها پست و پلید نیست، بلکه در روایت هایی، آن را هم ردیف امور ارزشمند و مقدس قرار داده اند. امام باقر (ع)فرمود:

تفریح مؤمن سه چیز است: بهره مندی های جنسی، هم کلامی و هم نشینی با برادران (دینی) و نماز شب.[(۳)]

با توجه به این گونه روایت ها، این توهم که اسلام با گرایش های جنسی مخالف است، کاملاً بی اساس است. هدف اسلام از تعیین حدود و ضوابط در روابط زن و مرد این نبوده که می خواست هر چه بیشتر امور جنسی را محدود کند و به حداقل برساند یا اینکه در صورت امکان، انگیزه ها و رفتارهای جنسی را به کلی از زندگی انسان حذف کند، چنان که در بعضی از ادیان و مذاهب، این جهت گیری وجود دارد. هدف اسلام، رهنمون کردن درست این امور در جهت مصالح کلی و سلامت و کام یابی بهتر فرد و اجتماع است.

۵- جهت دهی صحیح و سالم سازی روابط اجتماعی

دانستیم که اسلام به عواملی مانند تأمین سعادت دنیا و آخرت انسان ها

۱- همان، ص ۲۲، ح ۲۴۹۲۵

۲- همان، باب۲، ص۲۰، ح۲۴۹۱۶.

۳- بحارالانوار، ج۱۰۰، کتاب عقود و ایقاعات، باب کراهه العزوبه و الحث علی التزویج از ابواب النکاح، ص۲۲۰، ح۱۷.

و رشـد جنبـه هـای انسـانی و معنـوی و احـترام به شخصـیت زن و نیز گرایش هـای طـبیعی زن و مرد تـوجه دارد و غریزه هـای وجودی آنها را سـرکوب نمی کنـد. اکنون بایـد رویکردهای اصـلی و عملی اسـلام برای جهت دهی درست روابط میان زن و مرد بررسی شود. به عبارت دیگر، جهت های اساسی که در تعیین ضوابط و احکام عملی مربوط به ارتباط های میان زن و مرد دیده می شود، چیست؟

شاید بتوان دو جهت گیری مهم را اساسی ترین رویکردهای اسلام در تنظیم روابط زن و مرد دانست:

الف) جهت دهی رابطه های جنسی در مسیری تعریف شده (ازدواج)؛

ب) به حداقل رساندن محرک های جنسی در اجتماع و سالم سازی رابطه های اجتماعی.

در جهت گیری اول، اسـلام تلاش دارد رابطه جنسـی میـان زن و مرد را به شـکلی ضـابطه منـد سـازد که حقوق و وظایف دو طرف در برابر یکـدیگر و نسل آینـده مشـخص باشـد. در این رویکرد، اساسـی ترین ضابطه ای که بـدان توجه می شود و خط قرمز اصـلی در ایجـاد روابـط جنسـی میـان زن و شوهر است ـ به جز حرام بودن ازدواج با محارم ـ آن است که زن نبایـد در یک زمان با بیش از یک مرد پیوند ازدواج برقرار کند. حتی زن باید در دوره احتیاط (عدّه) نیز از ارتباط با مرد دیگر بپرهیزد.

ممنوع بودن چنـد شوهر هم زمـان برای زن و لزوم رعـایت عـدّه، یگـانه ضابطه در ارتباط های جنسـی زن و شوهر نیست، ولی اصـلی ترین ضـابطه الزامی و تغییرناپـذیر است؛ چون دیگر احکـام و وظایف در این زمینه، بیشتر با توافق دو طرف قابل تغییر و کاهش هستند. شاید مهم ترین

حکمت این مسئله نیز جدا از روحیه زن و مرد، جلوگیری از تباه شدن نسل و در خطر افتادن حقوق فرزندان باشد. در غیر این صورت، حق طبیعی فرزندان برای شناخت والدین و برخورداری از حمایت های مادی و معنوی آنان، ضایع و اجتماع نیز با نابسامانی های مختلفی روبه رو می شود. بنابراین، چون غیر از حقوق زن و مرد، حقوق نسل آینده و اجتماع نیز مهم است، توافق دو طرف هرگز نمی تواند این منع را برطرف سازد.(۱) البته در اینجا تنها در مقام بیان جهت گیری های کلان و ضوابط اصلی در زمینه روابط جنسی هستیم، ولی هنجارهای مهم دیگری نیز در این زمینه وجود دارد که در ادامه به برخی از آنها می پردازیم.

در جهت گیری دوم، اسلام، دامنه تحریک و ارضا را به حریم خصوصی افراد محدود می کند و می کوشد محیط اجتماعی را از عوامل تحریک جنسی پاک سازد. این مطلب از یک سو سبب می شود روابط اجتماعی در بستر عقلانی و همراه با آرامش و امنیت روانی برای زن و مرد جریان یابد و از شایبه ها و انگیزه های پیدا و پنهان جنسی و هیجان ها و نگرانی های آزاردهنده خالی باشد تا فضای سالم برای فعالیت های اجتماعی به وجود آید. از سوی دیگر، تکمیل کننده جهت گیری اول در جهت عملی ساختن این رویکرد؛ یعنی اختصاص روابط جنسی به رابطه میان دو زوج در چارچوبی خاص به شمار می رود؛ زیرا هرچه تحریک های جنسی در محیط اجتماع بیشتر باشد، خطر ایجاد رابطه های

۱- نک: سید محمدحسین طباطبایی، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی، ۱۳۶۷، ج۴، ذیل آیات ۲۲ _ ۲۸ سوره نساء، صص ۴۷۰ _ ۴۷۳.

نامشروع و خارج از ضابطه بیشتر خواهد شد.(۱)

ص: ۵۹

۱- اگر به تحریک پذیری زیاد و قدرت غریزه که در مقدمه به آن اشاره شد، در وجود انسان توجه کنیم، حساسیت این رویکرد بیشتر روشن خواهد شد.

فصل سوم: سالم سازی روابط اجتماعی و کاهش محرک های جنسی خارج از محدوده روابط زوجین

اشاره

زیر فصل ها

۱. مراقبت های لازم در روابط خانوادگی

۲. روحیه حیا، عفت و بزرگواری و احترام متقابل

۳. حجاب و نهی از هرگونه خودآرایی و رفتار تحریک آمیز

۴. نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم و اختلاط های غیرضروری

۵. غیرت ورزی مردان

۶. امر به معروف و نهی از منکر و مجازات فحشا

۱- مراقبت های لازم در روابط خانوادگی

زن و شوهر در محیط خانواده مجازند با یکدیگر رابطه جنسی برقرار کنند، ولی این امر باید چنان باشد که برای فرزندان بدآموزی نداشته باشد. روابط فرزندان با یکدیگر یا با والدین باید به گونه ای باشد که زمینه های آلوده شدن به شایبه های جنسی ــ حتی به صورت ناخودآگاه ــ در آنان پدید نیاید. رفتارهای جنسی والدین در حضور فرزندان حتی برای خردسالان، پی آمدهای زیان بار و جبران ناپذیری دارد؛ زیرا در سال های بعد به صورت تخیلات و دل مشغولی های ذهنی، بلوغ زودرس و مانند آن در کودک نمایان می شود و همواره او را به انحراف های جنسی و حتی بیماری های روانی می کشاند. اهمیت این مسئله چنان است که خداوند در قرآن، برنامه خاصی را به والدین توصیه می کند و می فرماید:

ای کسانی که ایمان آورده اید! بردگان شما و نیز کودکانتان که به حد بلوغ نرسیده اند، در سه وقت باید از شما اجازه بگیرند. پیش از نماز صبح و نیم روز، هنگامی که لباس های (معمولی) خود را بیرون می آورید و پس از نماز عشا. این سه وقت خصوصی برای شماست، ولی پس از این سه وقت، گناهی بر شما و بر آنان نیست که (بدون اذن وارد شوند و با

صمیمیت) بر گرد یکدیگر بگردید. خداوند این گونه آیات را بر شما بیان می کند و خداوند دانا و حکیم است و هنگامی که کودکان شما به سن بلوغ رسیدند، باید اجازه بگیرند، همان گونه که اشخاصی که پیش از آنان بودند، اجازه می گرفتند... . (نور: ۵۸ و ۵۹)

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

به خدایی که جانم در دست اوست، اگر مردی با همسر خودش در اتاقی که کودکی در آن بیدار باشد، درآمیزد، به گونه ای که آن کودک آنها را ببیند و صدا و کلام و نفس آنها را بشنود، هرگز رستگار نمی شود و پسر یا دختر سرانجام زناکار خواهد شد.(۱)

والدین باید بکوشند در روابط خود با فرزندانشان، برخی ملاحظه ها را رعایت کنند تا از تحریک جنسی کودک جلوگیری شود. امام رضا (ع) می فرماید: «مادر، دختری را که شش سالش تمام شده است، برهنه در کنار خود نخواباند که به منزله زناست.»(۲) همچنین امام صادق (ع) به نقل از پدران معصومش (ع)می فرماید: «وقتی کودکان ده ساله شدند، خوابگاه آنان از زنان جدا شود».(۳)

اسلام درباره مناسبات میان فرزندان یا میان آنها و کودکان یا بزرگ سالان دیگر از جمله خویشان و دوستان توصیه هایی دارد که رعایت آنها احتمال انحراف را به حداقل می رساند. برای مثال، در روایت های معصومان (ع) دستور داده شده است که خوابگاه کودکان ده ساله حتی

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۶۶ ، از ابواب مقدمات نکاح، ح۲۵۲۲۳.

۲- محمدباقر مجلسی، حلیه المتقین، قم، هجرت، ۱۳۷۸، چ ۱۱، ص ۱۶۲.

۳- وسائل الشیعه، ج ۲۱، کتاب النکاح، باب۷۴، از ابواب احکام اولاد، ص ۴۶۱، ح ۲۷۵۸۳.

دو پسر یا دو دختر از هم جدا شود.(۱) پیامبر در روایتی فرموده است:

وقتی فرزندان شما به هفت (یا شش) سالگی رسیدند، خوابگاه آنها را از یکدیگر جدا سازید.(۲)

همچنین امام صادق (ع) می فرماید:

هنگامی که دختربچه شش ساله شد، پسربچه نباید او را ببوسد و پسری که سنش از هفت سال تجاوز کرد، نباید زن را ببوسد.(۳)

حتی در روایتی، زنان نیز از بوسیدن پسربچه هفت ساله نهی شده اند.(۴) همچنین توصیه شده است مردان از بوسیدن، در آغوش گرفتن و روی زانو نشاندن دختربچه پنج یا شش ساله خودداری کنند.(۵)

خطر انحراف در رابطه های فامیلی نباید نادیده گرفته شود و دوستی های خویشاوندی نباید عامل سهل انگاری در رعایت حدود شرعی باشد. نقل شده است امام کاظم (ع)نزد محمد بن ابراهیم _ والی مکه _ بود. وی دختربچه ای داشت که پیش مردها (و مهمانان) می آمد و آنان (برای ابراز محبت) او را در آغوش می گرفتند. وقتی نزد امام آمد، حضرت او را با دستان کشیده نگاه داشت (و مانند دیگران او را در آغوش نگرفت). آن گاه فرمود: «وقتی دختربچه به شش سالگی رسید، جایز نیست

۱- نک: همان، ص ۴۶۰، ح ۲۷۵۸۱.

۲- حسام الدین هندی، کنز العمال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ه_ . ق، ج۱۶، ص ۴۴۱؛ مکارم الاخلاق، ص۲۲۳؛ وسائل الشیعه، ج ۲۱، کتاب النکاح، باب ۷۴ از احکام اولاد، ص ۴۶۱، ح ۲۷۵۸۲.

۳- همان، ج ۲۰، باب۱۲۷ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۰، ح ۲۵۵۰۲.

۴- مکارم الاخلاق، ص۲۲۳.

۵- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۲۷ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۲۲۹ _ ۳۱، ح ۲۵۴۹۹ _ ۲۵۵۰۵.

مرد نامحرم او را ببوسد و در آغوش بگیرد».(۱)

بنـابراین، در رعـایت احکـامی که در روابـط میان نامحرمان وجود دارد، میان نامحرمان فامیل و غیرفامیل تفاوتی وجود نـدارد. حتی خود والـدین و بزرگ ترهـا هم بایـد حریم هـا را در روابـط بـا خویشان نامحرم رعایت کننـد. اگر این گونه مراقبت ها و دسـتورهای اسـلامی در محیط خانه و در روابط خانوادگی رعایت نشود، مشـکلات جنسی اعضای خانواده به ویژه فرزندان در نوجوانی و جوانی، هرگز دور از انتظار نخواهد بود.

برخی والـدین گمان می کنند که خردسالان یا کودکان تا وقتی بالغ نشده اند، از امور جنسـی سـر درنمی آورند. در نتیجه، در روابط خودشـان یـا روابط فرزنـدان بـا یکـدیگر یا هم سالان، خویشان و دوسـتانشان، مراقبت های لازم را ندارنـد. چه بسا در حضور آنـان و بـدون توجه به اثرپـذیری کودکـان، به تماشـای فیلم هـا یـا عکس هـای محرک می پردازنـد یـا برخی مادران، پسـربچه های نابالغ را با خود به مجالس جشن و عروسـی زنانه می برنـد. این در حالی است که تمام این امور در ذهن کودک مانـدگار می شود و پی آمـدهای ناشایست آنها در انـدیشه و رفتار کودک و نوجوان ظاهر خواهـد شد. از همین رو، در برخی روایت ها، انجام دادن اعمال جنسـی حتی در حضور نوزاد و کودک در گهواره منع شـده است؛ زیرا آمیزش جنسـی در جایی که کودکی حضور داشته باشد، زمینه ساز انحراف اخلاقی و موجب

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۲۸ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۳۱، ح ۲۵۵۰۴.

مبتلا شدن به زنا دانسته شده است.(۱)

افزون بر این گونه مراقبت ها در محیط خانه، عامل مهم دیگری که در پیش گیری از انحراف های اخلاقی فرزندان نقش اساسی دارد، تربیت درست آنان و ایجاد فضای صمیمی و دوستانه در خانواده است، به گونه ای که نیازهای عاطفی و روحی فرزندان را به درستی برآورده کند و آنان را بر اساس اخلاق اسلامی پرورش دهد. گفتنی است یکی از عوامل انحراف اخلاقی، ناآشنایی افراد با آموزه ها و اخلاق تربیت اسلامی است. کمبود محبت و ارضا نشدن نیازهای عاطفی در محیط خانواده سبب می شود فرد به دلیل احساس تنهایی، به روابط انحرافی روی آورد و چه بسا عقده ها و کمبودهای عاطفی و نیازهای تأمین نشده در وجود فرد، به صورت گرایش های کاذب جنسی رخ نماید. همچنین نبود محیط امن و وجود اختلاف های خانوادگی، عامل فراری دادن فرزندان از محیط خانه و کشاندن آنان به دام های انحراف خواهد بود.

اسلام با آموزش های خود، زمینه استحکام خانواده ها را فراهم می آورد و بستر مناسبی را برای تأمین نیازهای جسمی و روانی آنان و تربیت شایسته ایجاد می کند. برای مثال، در اسلام بر حذر داشتن از هرج و مرج جنسی، معیارهای خاصی برای ایجاد روابط جنسی وضع شده است که به

۱- عَنْ جَعْفَرِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ آبائِهِ علیهم السلام عَنْ رَسُولِ اللّه ِ صلی الله علیه و آله: «إِیّاکُمْ وَ أَنْ یُجامِعَ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ الصَّبی فِی الْمَهْدِ یَنْظُرُ اِلَیْهِما». بحارالانوار، ج ۱۰۰، باب۶۵ از کتاب عقود، ص۲۹۵، ح۵۱؛ عَنْ أَبی عَبْدِاللّه علیه السلام: «لا یُجامِعُ الرَّجُلُ امْرَأَتَهُ وَ لا جارِیَتَهُ وَ فِی الْبَیْتِ صَبِی فَإِنَّ ذلِکَ مِمّا یُورِثُ الزِّنا». (همان، ص۲۹۰، ح۳۰.

تقویت بنیان خانواده می انجامد. همچنین اموری مانند نکوهیده بودن طلاق در اسلام، امر به خوش رفتاری در روابط میان زن و شوهر، اصل مدیریت مرد در خانواده، لزوم اطاعت از والدین و حفظ احترام آنان که به ایجاد نظامی ارزشی در خانواده می انجامد و نیز وظایف و احکام تربیتی در اسلام، همگی در همین راستا قابل ارزیابی است.

نقش این آموزه ها در استحکام بنیان خانواده و تنظیم درست روابط خانوادگی، هنگامی آشکارتر می شود که وضع خانواده را در جامعه هایی که در آنها این ضوابط و ارزش ها رعایت نمی شود، بررسی کنیم و ضعف و ناکارآمدی نهاد خانواده را در برآوردن نیازهای عاطفی اعضا و تربیت فرزندان بکاویم. افزون بر تقویت بنیان روابط خانوادگی که بستر مناسبی را برای فراهم شدن شایسته نیازها و تربیت درست پدید می آورد، اسلام بر محبت والدین به فرزندان تأکید فراوانی دارد. والدین باید در سال های اول زندگی به فرزندان آزادی عمل دهند تا بازی کنند و در سال های بعد آنها را تربیت کنند و با مشورت کردن با آنها در نوجوانی و جوانی، به او شخصیت ببخشند و از زمان کودکی، احکام، اخلاق و معارف اسلامی را به آنها بیاموزند.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرموده است:

هرکس فرزندش را ببوسد، خداوند برای او یک حسنه می نویسد و هرکس فرزندش را خوش حال کند، خداوند در روز قیامت او را خوش حال می کند و هر پدر و مادری که به کودکانشان قرآن بیاموزند، در قیامت فرا خوانده می شوند و دو جامه بهشتی به آنان پوشانده می شود

ص: ۶۵

که صورت های بهشتیان از نور آنها روشن می گردد.(۱)

امام صادق (ع) نیز می فرماید:

پسر بچه، هفت سال بازی کند و هفت سال کتاب (قرآن یا نوشتن) یاد بگیرد و هفت سال حلال و حرام را بیاموزد.(۲)

همچنین امیر مؤمنان علی (ع) می فرماید:

به کودکانتان از علوم ما (اهل بیت) به مقداری که خداوند به وسیله آن، آنها را نفع رساند، بیاموزید تا آرای مُرجئه (گروهی با عقاید انحرافی و متمایل به لاابالی گری) بر اندیشه آنها چیره نشود.(۳)

پیامبر در حدیث دیگری می فرماید:

اگر کسی از شما فرزندش را تربیت کند، برای او از اینکه هر روز نصف صاع صدقه دهد، بهتر است.

نیز فرمود: «أَکْرِمُوا أَوْلادَکُمْ وَ أَحْسِنُوا آدابَهُمْ یُغْفَرْ لَکُمْ؛ فرزندانتان را اکرام کنید (به آنها محبت کرده و شخصیت بدهید) و تربیت نیکو بیاموزید تا آمرزیده شوید».(۴)

بی گمان، وقتی کودک و نوجوان از نظر عاطفی در خانواده تأمین شوند و کرامت نفس یابند و شخصیتشان بر اساس تربیت اسلامی شکل پذیرد، بعدها در اجتماع و در رابطه با جنس مخالف تا حدود زیادی از انحراف در امان خواهند ماند و کمتر در دام گناهان و مفاسد اخلاقی گرفتار می شوند.

ص: ۶۶

۱- وسائل الشیعه، کتاب النکاح، باب۸۳ از ابواب احکام اولاد، ح۲۷۶۲۳.

۲- همان، ح ۲۷۶۲۱.

۳- همان، باب ۸۴ از ابواب احکام اولاد، ح۲۷۶۳۴.

۴- همان، باب ۸۳، ح ۲۷۶۲۸ و ۲۷۶۲۹.

۲- روحیه حیا، عفت و بزرگواری و احترام متقابل

در تربیت اسلامی بایـد هر فرد برای خود و دیگران احترام و ارزش قائـل باشـد و خاسـتگاه این ارزش گـذاری نیز ایمـان افراد است، چنـان که در روایـتی آمـده است: «أَلْمُـؤْمِنُ أَعْظَمُ حُرْمَةً مِنَ الْكَعْبَةِ؛ احـترام مؤمن از کعبه بیشـتر است».(۱) ازایـن رو، در اسلام به هیچ کس اجازه داده نمی شود که به شخصیت خود یا دیگران توهین روا دارد. امام صادق (ع)می فرماید:

خداونـد اختیـار تمـام کارهـای مؤمن را به او واگـذار کرده، ولی به او اجازه نـداده است خوار شود (و خود را خوار سازد)... . مؤمن از کوه عزیزتر (و استوارتر) است.(۲)

نقل است که جبرئیل بر پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله نازل شد و عرض کرد:

ای محمـد، پروردگـارت می فرمایـد هرکس به بنـده مؤمن من اهـانت کنـد (و او را خوار گردانـد)، به جنـگ بـا من برخاسـته است.(۳)

اینکه افراد برای خود و دیگران، شخصیت و احترام قائل باشند، از جنبه های مختلفی در زندگی شخصی و روابط با دیگران از جمله جنس مخـالف اثرگـذار است. هنگامی که انسان برای خود شخصـیت والایی قائل باشـد، هوس های زودگـذر به راحتی نمی تواند بر او غلبه یابد و در برخورد با محرک های جنسی تسلط بیشتری خواهد داشت. چنین شخصی از

ص: ۶۷

۱- بحارالانوار، ج۶۴، ص۷۱، ح۳۵، از باب ۱ از کتاب ایمان و کفر.

۲- همان، ص۷۲، ح۴۲.

۳- میرزا حسـین نوری، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، ۱۴۰۸ هـ . ق، ج۲، باب۱۳ از ابواب الاحتضار و ما یناسبه، ص۹۴، ح۱۵۱۴.

رفتارهای ناسنجیده ای که با کرامت انسانی و شخصیت ایمانی او ناسازگار باشد و به پشیمانی او بینجامد، می پرهیزد و عزت نفس خود را فدای شهوتش نمی کند، چنان که امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «مَنْ کَرُمَتْ عَلَیْهِ نَفْسُهُ هانَتْ عَلَیْهِ شَهَواتُهُ؛ هرکه برای خود ارزش و شخصیت قائل باشد، شهوت هایش نزد او خوار و بی مقدار می شود».(۱)

از سوی دیگر، اینکه فرد برای دیگران نیز احترام قائل باشد، سبب می شود از نگاه های ابزاری، مزاحمت و برخوردهای ناهنجار با دیگران از جمله افراد جنس مخالف بپرهیزد. این امر در پدیدآمدن تعامل های معقول و مبتنی بر احترام متقابل میان زن و مرد یا دختر و پسر در اجتماع و منحرف نشدن روابط سالم به رفتارهای مبتذل و غیرطبیعی، نقش اساسی دارد. در فرهنگ اسلامی بر دو مفهوم «حیا» و «عفاف» تأکید ویژه ای شده است. پیامبر فرمود: «... اسلام، برهنه است و لباس آن، حیا و زینتش، عفاف است.»(۲) امام صادق (ع)نیز می فرماید: «حیا و عفاف و سکوت (کم گویی و پرهیز از صحبت های بی جا)، از نشانه های ایمان است».(۳)

عفاف در روایت ها معمولاً به عفت شکم و فرج و دور نگه داشتن آن دو از خواهش های حرام و حتی هوس ها و امور مکروه گفته می شود،(۴) چنان که از دو روایت نقل شده برمی آید که حیا و عفاف از لوازم ایمان و

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، تهران، انتشارات اسلامیه، بی تا، ص۱۲۹۳، حکمت ۴۴۱؛ بحارالانوار، ج۶۷، باب ۴۶ از کتاب ایمان و کفر، ص۷۸، ح۱۲.

۲- وسائل الشیعه، ج۱۵، باب۲۱ از ابواب جهاد نفس، ص۲۴۶، ح۲۰۴۰۵.

۳- بحارالانوار، ج۶۸ ، باب ۸۱ از ابواب کفر و ایمان، ص۳۲۹.

۴- همان، ص۳۲۹؛ باب ۷۷، ص۲۶۸.

اسلام حقیقی اند. انسانی که دارای ایمان راسخی باشد، می تواند نفسش را در برابر محرک ها و کشش های گوناگون، از جمله خواهش های جنسی مهار کند و بر شهوت هایش چیره شود و به مرتبه عفت برسد. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید: «أَلْعِفَّهُ تُضْعِفُ الشَّهْوَهَ؛ عفت، شهوت را ناتوان می سازد».(۱)

پس عفت یکی از نمودهای عملی ایمان است و چونان عامل بازدارنده درونی، در جلوگیری از انحراف در روابط و گناهان جنسی نقش اساسی دارد. از همین رو، خداوند کسانی را که توانایی ازدواج ندارند، به عفت توصیه می کند و می فرماید:

وَلْیَسْتَعْفِفِ الَّذِینَ لایَجِدُونَ نِکاحا حَتّی یُغْنِیَهُمُ اللّه ُمِنْ فَضْلِهِ. (نور: ۳۳)

و کسانی که امکانی برای ازدواج نمی یابند، باید پاک دامنی پیشه کنند تا خداوند، از فضل خود، آنان را بی نیاز گرداند.

حیا نیز از لوازم ایمان واقعی است، چنان که در روایت هایی آمده است: «لا إِیمانَ لِمَنْ لا حَیاءَ لَهُ؛ کسی که ایمان ندارد، حیا نیز ندارد.»(۲) توضیح اینکه در واقع، انسان باایمان، نظام ارزشی و هنجاری دین را پذیرفته است و می کوشد خود را با الگوی شخصیتی افراد مؤمن تطبیق دهد. او خود را دارای هویت و شخصیتی ایمانی می داند و برای آن ارزش قائل است. همین امر سبب می شود از انجام دادن کارهای زشت و خلاف ارزش ها و هنجارهای ایمانی شرم کند. این شرم در درجه اول، شرم از خدا و اولیای او و سپس شرم از خویشتن و دیگر مؤمنان است؛ زیرا با انجام دادن کارهای ناپسند،

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۱، باب ۲۲ از ابواب جهاد نفس، ص۴۷۴، ح۱۲۹۸۷.

۲- بحارالانوار، ج۶۸ ، باب۸۱ از کتاب ایمان و کفر، ص۳۳۱.

شخصیت ایمانی انسان نزد خودش و دیگران خدشه دار می شود، در حالی که شخص مؤمن برای ایمان و شخصیت ایمانی خود ارزش والایی قائل است. او همواره خدا را ناظر بر اعمالش می بیند و به دلیل درک عظمت و جلال الهی، به خود اجازه نمی دهد در محضر او کارهای ناشایست انجام دهد. حال اگر شخص نظام ارزشی و هنجار دین را نپذیرد و حضور و جلال خدا و اولیایش را درک نکند و برای خود شخصیت ایمانی قائل نباشد، بی شرمانه و بدون حیا از خالق و مخلوق، به کارهای ناپسند دست می زند. در این زمینه، چند روایت را یادآور می شویم.

پیامبر به شخصی که از ایشان درخواست نصیحت کرده بود، فرمود: «از خداوند حیا کن، همان گونه که از شخص صالحی از خویشانت حیا می کنی.»(۱) همچنین امام باقر (ع) فرمود:

... زمانی که نفست تو را به گناه فرا خواند، نگاهت را به آسمان بینداز. پس اگر از خداوند نمی ترسی، به کسانی که در زمین هستند (مردم)، نگاه کن. شاید از آنان شرم کنی. پس اگر نه از کسی که در آسمان است، می ترسی و نه از کسانی که در زمین هستند، حیا می کنی، خودت را در شمار چارپایان به شمار آور.(۲)

حتی اگر کسی ایمان راسخی نداشته باشد، ولی در جامعه ای باشد که ارزش ها و هنجارهای حاکم بر بیشتر مردم، ارزش ها و هنجارهای دینی باشد، وی از جامعه و دیگران حیا می کند و می کوشد فرد بی شرمی نباشد.

۱- همان، ص۳۳۶.

۲- مستدرک الوسائل، ج۱۱، باب ۹ از ابواب جهاد نفس، ص۲۱۲، ح۱۲۷۷۱.

ازاین رو، این حیـا و ترس از سـرزنش اطرافیـان و جـامعه، زمینه سـاز حفظ ارزش ها و عمل در چارچوب هنجارهای مشـروع و پسـندیده خواهـد بود. بنـابراین، می توان وجود روحیه حیـا در افراد را یکی از عوامـل اثرگـذار در «جـامعه پـذیری» و «کنـترل اجتماعی» دانست. جامعه نیز با تقویت ارزش ها و حفظ تابوهای اجتماعی، بر شـکل گیری و تقویت روحیه حیا در افراد اثر می گذارد.

بـا توضـیحی که دربـاره رابطه حیـا و ایمان گـذشت، می توان دریافت حیای توصـیه شـده در اسـلام، حیایی آگاهانه است که مقتضای ایمان و احترام شخصیت مؤمن است و با خجالتی بودن و شرم بی مبنا که حالتی منفعلانه و ناشی از ضعف شخصیت و خودکم بینی و ناآگاهی است، تفاوت اساسی دارد. در روایت ها نیز به این تفاوت اخلاقی توجه شده است. پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله می فرماید:

حیا، دو نوع است؛ حیای عقل و حیای حماقت. حیای عقل (ناشی از) علم است و حیای حماقت (ناشی از) جهل.(۱)

نیز فرموده است:

حیا، بر دو گونه است: یک نوع آن ضعف و نوع دیگر آن، قوت و اسلام و ایمان است.(۲)

وجود حیا به مفهومی که گذشت، افراد جامعه اسلامی را به رعایت هنجارهای اسلامی از جمله روابط میان دختر و پسر و زن و مرد نامحرم

۱- بحارالانوار، ج۶۸، باب ۸۱ از کتاب ایمان و کفر، ص۳۳۱.

۲- همان، ص۳۳۴.

ملزم می کند و زمینه رفتارهای نامشروع و نامناسب را به حداقل می رساند.

افزون بر حیای عامی که از نشانه های هر زن و مرد مؤمن است، نوع خاصـی از حیا نیز که بیشتر درباره امور جنسـی و ارتباط با نامحرمـان به کـار می رود، در آیـات و روایات به عنوان صـفتی نیکو برای زنان معرفی شـده است. برای نمونه، قرآن کریم در بخشـی از داسـتان برخورد موسی (ع) با دختران شعیب (ع) و در آن جا که یکی از آن دو آمد تا موسی (ع) را به پاس کمکی که به آنها کرده بود، پیش پـدر خود ببرد، بر حیای دختر شـعیب (ع)در راه رفتن تأکیـد می کند: «فَجاءَتْهُ إِحْداهُما تَمْشـی عَلَی اسْتِحْیاءٍ؛ (موسی دید) که یکی از آن دو دختر نزد او باز آمد، در حالی که باکمال حیا، گام برمی داشت». (قصص: ۲۵)

از برخی روایت ها نیز برمی آید که حیا در زن، موهبتی الهی است. امام صادق (ع) در بخشـی از حدیث طولانی در بیان قصـه آدم و حوا می فرماید:

حوا، از خداوند خواست همان گونه که به آدم عطایایی بخشیدی، به من نیز عنایت فرما. پس خدای متعال فرمود: من به تو حیا و رحمت (مهربانی) و اُنس عنایت کردم و... .(۱)

پیامبر می فرماید: «بدترین زنان شما، زن بی حیای عبوس است.»(۲) وجود حیا و حفظ آبرو در زن سبب می شود که مردان به راحتی در او طمع نکنند. آنها وادار می شوند که در ارتباط ها و تعامل هایشان، حریمی ویژه برای زن قائل

۱- مستدرک الوسائل، ج۱۵، ص۲۱۴، ح۱۸۰۳۷.

۲- همان، ج۱۴، کتاب النکاح، باب ما یستحب اختیاره من الصفات... ، ص۱۶۰، ح۱۶۳۹۰.

شونـد و نوعی مصونیت همراه بـا احترام و ارزش برای او ایجـاد کننـد، ولی اگر زن در تعامـل با نامحرمان، بی پروا باشـد و در رفتارهـایش، حریمی برای خود قائـل نشود، به راحتی در معرض نگاه های بـد و حتی سوءاسـتفاده برخی مردان قرار می گیرد. بنـابراین، خواسـته یـا ناخواسـته، زمینه های انحراف و فساد را در جامعه پدیـد می آورد و از ارزش خود در نظر دیگران نیز می کاهد؛ زیرا وقتی به نظر آید که چیزی به راحتی دست یافتنی است، ارزش آن نیز در نظر افراد کاهش می یابد.

چه بسـا برخی گمان کننـد که حیا، تنها برای زنان، آن هم در گذشـته بوده است که به دلیل محرومیت از تحصـیل و رفتارهای اجتماعی، احساس خودکم بینی و بی اعتمادی به نفس داشـته انـد. امروزه زنان در بسـیاری از موارد از مردان جلوترنـد و دیگر معنا نـدارد که در برخورد با مردان، احساس شـرم کنند، بلکه باید در برخوردها جسارت و اعتماد به نفس کامل داشـته باشـند. بنابراین، توصیه صفت حیا به زنان امروزی مناسبتی ندارد.

بـا توجه به آنچه گـذشت، نادرستی این گمان روشن می شود؛ زیرا حیا در زنان، صـفتی است که در مورد امور جنسـی، نوعی حریم برای ایشان فراهم می آورد و آنها را از دست درازی مردان نامحرم در امان می دارد. این امر اساسا ربطی به توانایی های اجتماعی زنان نـدارد و خاسـتگاه آن، احساس عقب مانـدگی علمی و فکری و حس خودکم بینی و مانند آن نیست، بلکه حیا، نوعی مهار مسائل جنسـی است و رعایت آن برای همه زنان ضـرورت دارد. بنابراین، نه تنها نشانه ضـعف شخصیت زن نیست، بلکه نشانه آن است که زن باید برای خود احترام و شخصیت قائل باشد تا

ص: ۷۳

هنگـام خطر، شخصـیتش در امـان بمانـد. از همین رو، امیرالمؤمنین علی (ع)، ترس (از تعرض نامحرمـان و بی آبرویی)، کـبر و غرور را از صفت های پسندیده زنان معرفی می کند و می فرماید:

بهترین صـفت های زنان، بدترین صفت مردان است که عبارتند از: تکبر، ترس و بخل. پس آن گاه که زن مغرور باشد، کسی را به خودش راه نمی دهـد (و مـانع از طمع نامحرمـان می شود) و چون بخیـل باشـد، مـال خود و شوهرش را حفظ می کنـد و هر گاه اهل ترس (و احتیاط کار) باشد، از مزاحمت ها و امور ناپسند دوری می گزینند.(۱)

با دقت در این حدیث، روشن می شود که مراد از تکبر و بخل و ترس در زن، وجه منفی این صفت ها نیست، بلکه جهت ویژه ای در این صـفات مورد نظر است که موجب پـاس داشتِ شخصـیت زن و نیز حفـظ کیـان خـانواده است و این کاملاً معقول و مطلوب است، وگرنه زن مسـلمان نیز بایـد در جـای خود، متواضع، سـخاوتمند و شـجاع باشـد. می دانیم که بزرگـانی همچون حضـرت زهرا (س) و زینب کبری (س)، جلوه هـای شـکوهمندی از سـخاوت و شـجاعت همراه بـا وقار را در تاریـخ اسـلام به نمایش گذارده اند.

۳- حجاب و نهی از هرگونه خودآرایی و رفتار تحریک آمیز

افزون بر اموری ماننـد روحیه حیـا و عفت و احترام متقابـل که بیشتر گرایش هـای درونی مطلوب در زن و مرد مسـلمان را بیان می دارد، اسلام در مورد نوع پوشش و دیگر جلوه های ظاهری نیز توصیه ها و احکام خاصی

۱- نهج البلاغه فیض الاسلام، ص ۱۱۹۰، حکمت ۲۲۶.

برای زن و مرد دارد. بنا به گفته شهید مطهری و با توجه به سندهای تاریخی، لزوم پوشش برای زن به ویژه زنان محترم و شوهردار، پیش از اسلام و در تمدن های بزرگ همچون ایران، روم، یونان، هند و در میان یهودیان و دیگر اقوام، امری پذیرفته شده و رایج بوده است. البته درباره حدود و چگونگی این پوشش در میان اقوام مختلف، اختلاف هایی وجود داشته است.(۱) اسلام نیز پوشش موی سر و بدن زنان از نامحرم را واجب کرده است. خداوند در قرآن می فرماید:

(ای پیامبر) به زنان باایمان بگو چشم (از نگاه به مردان نامحرم) بپوشند و دامنشان را حفظ کنند و زینتشان را جز مقداری که آشکار است (به طور طبیعی پوشانده نمی شود، برای نامحرمان) ظاهر نکنند و روسری های خود را بر سینه خود افکنند (تا گردن و سینه با آن پوشانده شود) و... (هنگام راه رفتن) پاهایشان را به زمین نزنند تا (زینت پایشان به صدا درآید و) زینت پنهانی شان آشکار شود و... . (نور: ۳۱)

در برخی روایت ها، زینت آشکاری که پوشاندن آن لازم نیست، به صورت و کف و دو دست تا مچ و در برخی دیگر، به زینت هایی مثل انگشتر، دست بند و سرمه تفسیر شده است.(۲) آنچه به یقین از روایت ها برمی آید و برابر فتوای فقیهان نیز هست، آن است که جز صورت و دو دست تا مچ، بدن زن باید کاملاً پوشیده باشد و زینت ها و ظواهر

۱- مرتضی مطهری، مسئله حجاب، قم، صدرا، چ۴، صص ۵ _ ۱۳؛ حسن صادقی، معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۲، چ۱، صص ۸۹ _ ۹۳.

۲- وسائل الشیعه، ج۲۰، کتاب النکاح، باب۱۰۹ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۲۰۱ و ۲۰۲، ح ۲۵۴۲۵ _ ۲۵۴۲۹.

تحریک کننده در لباس و آرایش او وجود نداشته باشد. بی گمان، با توجه به هدف و روح کلی آیه و دیگر ادلّه مربوط به پوشش زن، لباس های تنگ و بدن نما یا لباس هایی با مدل ها و رنگ های تحریک کننده نمی تواند حجاب اسلامی باشد. خداوند در آیه دیگری می فرماید:

ای پیامبر! به همسران و دخترانت و زنان مؤمن بگو: جلباب ها (روسری های بلند) خود را بر خویش فرو افکنند. این کار برای اینکه شناخته شوند و آزار نبینند، بهتر است و (اگر تاکنون خطا و کوتاهی از آنها سرزده است، توبه کنند) خداوند همواره آمرزنده و مهربان است. (احزاب: ۵۹)

مفسران درباره شأن نزول این آیه نوشته اند: «عده ای اوباش در مسیر حرکتِ زنان به مسجد، برای آنان مزاحمت ایجاد می کردند. خداوند به پیامبرش دستور داد به زن ها بگو وقتی می خواهید از منزل خارج شوید، خود را با جلباب بپوشانید و مانند کنیزکان از منزل خارج نشوید تا مزاحمان، شما را بشناسند و بدانند که زنانی با شخصیت و عفاف هستید تا آزار نشوید».(۱)

حدود حجاب در این آیه مشخص نشده است، ولی از آیه برمی آید که زن مسلمان باید چنان در میان مردم رفت وآمد کند که نشانه های عفاف و وقار و پاکی اش آشکار باشد؛ یعنی به این صفت شناخته شود تا بیماردلانِ هوس ران از آنها ناامید شوند و فکر بهره کشی از آنها در ذهنشان خطور

۱- نک: ناصر مکارم شیرازی و دیگران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، ۱۳۷۹، ج۱۷؛ المیزان، ذیل آیه ۵۹ سوره احزاب.

نکند.(۱) بنابراین، یکی از حکمت های اصلی حکم حجاب در اسلام، پاسداری از زنان و تأمین امنیت روانی و اجتماعی برای زن در جامعه است.

در روایت ها نیز بر لزوم پرهیز زنان از خودنمایی و آرایش و حرکت های تحریک کننده در تعامل با نامحرمان تأکید شده است و برای این گونه گناهان که امنیت روانی زن و مرد و خانواده و اجتماع را به خطر می اندازد، کیفرهای سختی بیان شده است. برای نمونه، به چند روایت در این زمینه اشاره می کنیم.

امام باقر (ع) از پدرانشان نقل می کند که فرموده اند:

پیامبر نهی فرمود از اینکه زن برای غیر از شوهرش آرایش کند. پس اگر این کار را انجام دهد، به یقین، خدا او را با آتش مجازات می کند.(۲)

نیز پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله می فرماید:

هر زنی خود را معطر کند و از خانه خارج شود تا وقتی که به خانه باز گردد، ملعون است.(۳)

همچنین امام صادق (ع) فرمود:

هر زنی که خود را برای غیر شوهرش خوش بو سازد، خداوند هیچ نمازی را از او قبول نمی کند تا وقتی که غسل کند، همان گونه که از جنابت غسل می کند.(۴)

ص: ۷۷

۱- نک: مسئله حجاب، ص ۱۶۰.
۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۸۰ از ابواب مقدمات نکاح، ص۱۶۲، ح ۲۵۳۱۰.
۳- همان، ح۲۵۳۰۸.
۴- همان، ح۲۵۳۰۵.

پیامبر که در شب معراج، عذاب گروه هایی از زنان را دیده بود، در بخشی از حدیثی طولانی، حالت های آنها را چنین توصیف فرمود:

زنی که از موهایش آویزان بود، کسی بود که موهایش را از مردان نامحرم نمی پوشاند... و زنی که گوشت بدن خود را می خورد، کسی بود که بدنش را برای مردم (نامحرم) تزیین می کرد... .(۱)

حکم پوشش و لزوم پرهیز از رفتارهای محرک، ویژه زنان نیست پوشش و رفتار و مردان هم نباید به گونه ای باشد که زمینه های تحریک نامحرمان را فراهم آورد، چنان که امیرالمؤمنین علی (ع)می فرماید:

لباس ضخیم بپوشید. همانا لباس هرکس نازک باشد، دینش کم رنگ و سست است.(۲)

در مجموع، با توجه به اینکه محرک های جنسی در ظاهر و رفتار زنان امکان جلوه بیشتری دارد و مردان نیز در برابر محرک ها به ویژه محرک های دیداری، اثرپذیری بیشتری دارند، می توان به آسانی حکمت توصیه های اسلام به زنان را دریافت. البته اسلام هرگز با تمیزی و آراستگی و زیبایی ظاهری مخالف نیست، چنان که در سوره اعراف می فرماید:

ای فرزندان آدم، زینت های خود را هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید... بگو چه کسی زینت های الهی را که خداوند برای بندگان خود آفرید و روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ (اعراف: ۳۱ و ۳۲)

۱- همان، باب ۱۱۷، ص۲۱۳، ح۲۵۴۵۷.
۲- «عَلَیْکُمْ بِالصَّفِیقِ مِنَ الثِّیابِ فَإِنَّ مَنْ رَقَّ ثَوْبُهُ رَقَّ دِینُهُ»، وسائل الشیعه، ج۴، کتاب الصلاه، باب۲۲ از ابواب لباس المصلی، ص۳۸۹، ح۵۴۷۸.

در برخی روایت ها نیز مؤمنان به آراستگی، پاکیزگی و زیبایی لباس و ظاهر و معطر بودن سفارش شده اند. حتی در روایت هایی به آرایش مناسب موی سر، روغن زدن، رنگ کردن مو و استفاده زن و شوهر از لباس هایی با رنگ های شاد و زنده در خانه توجه شده است.(۱) برای نمونه، امام باقر (ع) می فرماید: «موی نیکو از پوشش های خدایی است. پس آن را گرامی دارید.»(۲) در روایتی آمده است که گروهی بر امام وارد شدند و دیدند ایشان موی خود را با خضاب سیاه رنگ کرده است. وقتی از ایشان درباره این امر پرسیدند، حضرت فرمود: «من همسرم را دوست دارم و خود را برای او زینت می کنم.»(۳) در منابع اسلامی، احادیث زیادی از این دست وجود دارد.

چون آرایش زن در محافل عمومی، زمینه ساز تحریک های جنسی و مفاسد گوناگون و نیز به خطر افتادن آرامش و امنیت خانواده و اجتماع می شود، اسلام، حضور زن آرایش کرده را در محیط های اجتماعی ممنوع کرده است. البته نهی نکرده است که زنان و دختران در حضور محارم یا دیگر زنان، زینت های معمول خود را آشکار سازند(۴) و حتی زنان را به

۱- نک: همان، ج۲، کتاب الطهاره، ابواب آداب الحمام و تنظیف و زینه و باب استحباب الطیب، باب استحباب التدهین، باب استحباب اکرام الشعر و...؛ ج۵، کتاب الصلاه، ابواب احکام الملابس، باب استحباب التجمل، باب استحباب تزیّن المسلم للمسلم، باب استحباب لبس الثوب النقی النظیف و... .

۲- همان، باب ۷۸ باب استحباب اکرام الشعر از ابواب آداب الحمام، ص۱۲۹، ح۱۷۰۴.

۳- همان، ج۲، کتاب الطهاره، باب۴۱ از ابواب آداب الحمام، ص۸۲، ح۱۵۵۱.

۴- نک: نور: ۳۱.

آرایش و زینت کردن برای شوهران خود توصیه کرده است.(۱) در این زمینه، حتی شخص پیامبر برخی امور جزئی را به زنان و مردان توصیه می فرمود. برای مثال، امام صادق (ع) می فرماید:

پیامبر به مردان فرمود ناخن های خود را بگیرید و به زنان فرمود (مقداری از) ناخن هایتان را باقی بگذارید؛ زیرا این کار، زینت و زیبایی شما را افزایش می دهد.(۲)

پس نباید گرایش به آراستگی و خودآرایی را که به ویژه در جوانان و زنان و دختران طبیعی است، امری ضد دینی دانست و جوانان را در تضاد میان خواسته طبیعی و نگاه دینی سرگردان ساخت، بلکه باید به این احساسات احترام گذاشت. همچنین با توجه به اینکه اسلام برای زیبایی های ظاهری نیز در حد خود ارزش قائل است، باید جوانان را با مصالح اجتماعی احکام اسلام آشنا کرد و به عمل به دستورهای دین فرا خواند. البته مدگرایی و به کار بردن نمادهای غیراسلامی و پوشش و آرایش که نوعی وابستگی به فرهنگ غربی است، جدا از زیبایی و آراستگی است و باید در جای خود مورد نقد قرار گیرد. در مباحث آینده به برخی نقدهای کلی که به سیستم تنظیم روابط در اسلام وارد شده و پاسخ آنها اشاره خواهیم داشت.

۴- نگاه به نامحرم، خلوت با نامحرم و اختلاط های غیرضروری

در فقه اسلامی، اختلاط زن و مرد نامحرم ــ به جز افراد کهن سال ــ و

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۸۵ از ابواب مقدمات نکاح.
۲- همان، ج ۲، کتاب الطهاره، باب ۸۲ از ابواب آداب الحمام، ص۱۳۴، ح ۱۷۲۰.

مراوده هـای غیر لازم و نیز گفت وگوی زن و مرد نـامحرم در موارد غیرضـروری، به ویژه در مورد جوانان مکروه است و اگر این گفت وگوهـا و نگاه ها میان زن و مرد نامحرم، با انگیزه لـذت جویی جنسـی بوده یا مفسـده انگیز و زمینه ساز گناه باشـد، حرام است. همچنین نگاه مرد به بـدن و موی زن نامحرم، به جز صورت و دسـتان تا مچ و نگاه زن به قسـمت هایی از بدن مرد که معمولاً پوشانده می شود و لمس کردن نیز مطلقا جایز نیست.(۱)

مناسب است برای آشـنایی بیشتر خوانندگان محترم، به برخی از آیات و روایت های مربوط به این جهت گیری ها اشاره کنیم. خداوند در قرآن به مردان و زنان دستور می دهد که مراقب نگاه های خود باشند:

(ای پیامبر!) به مردان مؤمن بگو چشم های خود را (از نگاه به نامحرمان) فرو گیرنـد و دامان خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه تر است... و به زنان باایمان بگو چشم های خود را (از نگاه هوس آلود) فرو گیرنـد و دامان خویش را حفظ کننـد و... . (نور: ۳۰ و ۳۱)

درباره شأن نزول آیه اول چنین آمـده است که جوانی از انصار در راه با یک زن روبه رو شـد (زنان در آن زمان مقنعه خود را پشت گوش ها قرار می دادنـد و گردن و بخشـی از سـینه آنها پیدا بود) و چهره زن، نظر جوان را به خود جلب کرد و دیدگان خود را به او دوخت. هنگامی که زن گذشت،

۱- نک: توضیح المسائل مراجع؛ سید روح الله موسوی خمینی رحمه الله، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا، مسئله ۱۸ و ۱۹ و ۲۹ از کتاب نکاح و... ؛ عروه الوثقی، مسئله ۳۱ و ۳۹ و ۴۰ و ۴۹ از کتاب نکاح و... البته برخی از فقیهان، حتی نگاه به صورت و دست های زن و مرد نامحرم را نیز جایز نمی دانند.

جوان او را با چشمانش تعقیب کرد تا اینکه جوان وارد کوچه ای شد، در حالی که هنوز پشت سرش را نگاه می کرد. در این هنگام، ناگهان صورتش به دیوار خورد و تیزی استخوان یا قطعه شیشه ای در سینه دیوار، صورتش را شکافت. چون آن زن رد شد، جوان دید خون بر روی لباس و سینه اش جاری است. پس با خود گفت: به خدا سوگند، خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله می روم و این ماجرا را بازگو می کنم. وقتی نزد پیامبر آمد، حضرت با دیدن آن جوان، حال او را پرسید و جوان ماجرا را نقل کرد. در این هنگام، جبرئیل فرود آمد و آیه اول را نازل فرمود که: «(ای پیامبر!) به مردان باایمان بگو چشمان خود را فرو گیرند».(۱)

پیامبر اسلام می فرماید:

هرکس چشم هایش را از زنی به حرام پر کند، خداوند در روز قیامت، به چشم هایش میخ های آتشین می زند و آنها را از آتش پر می کند تا میان مردم قضاوت کند. آن گاه او را به دوزخ می فرستد.(۲)

نیز فرمود:

غضب خداوند بر زن شوهرداری که چشمش را از غیرشوهر یا محارمش پر کند، شدت می گیرد. به درستی که اگر زنی این کار را بکند، خداوند تمامی اعمال خیرش را از میان می برد.(۳)

بنا بر آیات و روایت ها، زن و مرد هر دو از نگاه به نامحرم منع

۱- نک: تفسیر نمونه، ج۱۴، ص۴۳۵؛ وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح،ص۱۹۲، ح۲۵۳۹۸.
۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص۱۹۵، ح۲۵۴۱۰.
۳- همان، باب ۱۲۹، ص۲۳۲، ح۲۵۵۰۹.

شـده اند، چنان که وقتی پیامبر از حضـرت زهرا (س) پرسـید که بهترین چیز برای زن چیست، حضـرت پاسخ داد: «بهترین چیز برای زنـان این است که نه آنهـا مردان را ببیننـد و نه مردان آنهـا را.» آن گـاه پیـامبر در تأییـد این سـخن فرمود: «فـاطمه از من است».(۱)

در برخی احـادیث، به شـماری از حکمت های حرام بودن نگاه به نامحرم اشاره شـده است. چه بسا نگاه هوس آلود زمینه ساز روابط نامشـروع شود. اگر هم چنین نشود، دست کم سـبب آلوده شـدن فکر، التهـاب و احساس حسـرت و ناکامی در فرد می شود. امام رضا (ع) در نامه ای چنین نوشت:

نگاه به موی زنان شوهردار و دیگر زنان حرام شـده است؛ زیرا نگاه موجب تهییـج مردان می شود و این تهییج، به فساد و وارد شدن به امور حرام و ناپسند می انجامد.(۲)

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز می فرماید: «أَللَّحْظُ رائِدُ الْفِتَنِ؛ نگاه، راهنمای فتنه ها است.»(۳) امام صادق (ع) فرمود: «نگاه، تیری از تیرهای مسموم شیطان است. چه بسا یک نگاه، حسرتی طولانی به بار آورد».(۴) همچنین آن حضرت می فرماید:

نگاه پی درپی، بذر شهوت را در دل می نشاند و همین برای گرفتار شدن

۱- همان، ح ۲۵۵۱۰ و ۲۵۰۵۴.
۲- همان، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۱۰۴، ص۱۹۴، ح۲۵۴۰۶.
۳- مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص۲۶۸، ح۱۶۶۸۷.
۴- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۱۰۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۱۹۱، ح۲۵۳۹۵.

بیننده در فتنه کافی است.(۱)

در فرهنگ دینی، خودداری از نگاه به نامحرم موجب برخورداری از نعمت آرامش روان و نعمت های اخروی و معنوی است. پیامبر می فرماید:

نگاه به جذابیت ها و زیبایی های زنان (نامحرم)، تیری از تیرهای ابلیس است. پس هرکس آن را ترک کند، خداوند به گونه ای طعم عبادت را به او می چشاند که از آن شاد شود.(۲)

همچنین امام صادق (ع) می فرماید:

هیچ کس به اندازه چشم پوشی از نگاه (حرام)، سود نبرده است. همانا چشم از حرام پوشیده نمی شود، مگر آنکه قلب به مشاهده عظمت و جلال الهی توجه می یابد.(۳)

امیرالمؤمنین علی (ع) نیز فرموده است: «مَنْ أَطْلَقَ طَرْفَهُ کَثُرَ أَسَفَهُ؛ کسی که چشمش را آزاد بگذارد، حسرتش زیاد می شود.»(۴) یا از همان حضرت است که: «مَنْ غَضَّ طَرْفَهُ أَراحَ قَلْبَهُ؛ کسی که چشم خود را مهار کند، دلش را آسوده ساخته است».(۵)

پس از دانستن احکام نگاه کردن به نامحرم، حکم اموری چون لمس کردن، دست دادن و روبوسی معلوم می شود. امام صادق (ع)می فرماید:

هر کس با زن نامحرم دست بدهد، به غضب الهی دچار می شود و هر دو به آتش

۱- همان، ص۱۹۲، ح ۲۵۴۰۰.
۲- مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ح۱۶۸۸۶.
۳- همان، ص۲۶۸، ح۱۶۶۸۳.
۴- عبدالواحد آمدی تمیمی، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات حوزه علمیه قم، ۱۳۶۶، ص ۲۶۰.
۵- مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص۲۶۸، ح۱۶۶۸۳.

می افتند.(۱)

یکی دیگر از لغزش های ارتباط، ارتباط های کلامی است. در آموزه های اسلامی، به زن و مرد نامحرم توصیه شده است که هم در میزان ارتباط های کلامی و هم در چگونگی آن، مسائل شرعی را رعایت کنند تا زمینه انحراف، کمتر شود. پیامبر اسلام نهی فرمود از اینکه زن نزد غیرشوهر و محارمش، در اموری که ضرورتی ندارد، بیشتر از پنج کلمه (شاید منظور جمله باشد) صحبت کند.(۲)

امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید:

وَ مُحادَثَهُ النِّساءِ تَدْعُوا إِلَی الْبَلاءِ وَ یَزِیغُ الْقُلُوبَ وَ الرَّمَقُ لَهُنَّ یَخْطَفُ نُورَ أَبْصارِ الْقُلُوبِ وَ لَمْحُ الْعُیُونِ مَصائِدُ الشَّیْطانِ.(۳)

گفت و گو با زنان (نامحرم)، عامل گرفتاری است و دل را منحرف می سازد و چشم دوختن به ایشان، چشم دل را بی نور می کند و نگاه های گذرا و کوتاه، دام های شیطان است.

همچنین خداوند در قرآن به زنان پیامبر چنین یادآور می شود:

ای همسران پیامبر، شما مانند یکی از زنان معمولی نیستید، اگر تقوا پیشه کنید. پس به گونه ای هوس انگیز و با ناز سخن نگویید که بیماردلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویید و در خانه های خود بمانید و همچون دوران جاهلیت نخستین، (در میان مردم) ظاهر نشوید... . (احزاب: ۳۲ و ۳۳)

۱- همان، باب۱۰۵، ص۱۹۶، ح۲۵۴۱۲.

۲- همان، باب۱۰۶، ص۱۹۷، ح۲۵۴۱۶.

۳- بحارالانوار، ج۷۴، کتاب الروضه، باب ۱۴ از ابواب المواعظ، ص۲۹۱.

حکم ضرورت ماندن در خانه، ویژه همسران پیامبر بوده و مصالح اجتماعی و سیاسی خاصی نیز داشته است که مجال بیان آنها نیست.(۱) البته لحن و شیوه بیان آیه به گونه ای است که تمام زنان برای جلوگیری از انحراف در روابط باید به آن توجه داشته باشند. از همین رو، از شوخی و بگو و بخند با نامحرمان نهی شده اند. ابوبصیر می گوید: «قرائت قرآن را به زنی می آموختم. روزی، با او مقداری شوخی و مزاح کردم. بعدها که به خدمت امام باقر (ع) رسیدم، فرمود: به آن زن چه گفتی؟ سپس فرمود: دیگر پیش او نرو.»(۲) همچنین از علی (ع) روایت شده است که فرمود:

همانا پنج چیز به واسطه پنج چیز دیگر رخ می دهد که برای آن پنج چیز چاره ای جز آتش نیست... هر کس با دخترها و پسرها شوخی کند، به ناچار به زنا (و روابط نامشروع) گرفتار می شود و برای زناکار چاره ای از آتش نیست.(۳)

پیامبر نیز می فرماید:

کسی که با زن نامحرمی بگو و بخند و خوش وبش داشته باشد، خداوند، او را به هر کلمه ای که در دنیا به زبان آورده است، (در آخرت) هزار سال زندانی می کند.(۴)

البته میزان ارتباط های کلامی و غیرکلامی تا اندازه ای به شرایط و مقتضیاتی مانند سن و سال افراد مربوط می شود. امام صادق (ع)می فرماید:

۱- نک: مسئله حجاب، ص۶۵.

۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۱۰۸ از ابواب مقدمات نکاح، ص۱۹۸، ح۲۵۴۱۹.

۳- مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب۸۳ از ابواب مقدمات نکاح، ح۱۶۶۹۳.

۴- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۰۸ از ابواب مقدمات نکاح، ص۱۹۸، ح۲۵۴۱۸.

پیامبر به زنان سلام می داد و آنها هم جواب سلام می دادند. امیرالمؤمنین علی (ع) نیز به زنان سلام می کرد، ولی دوست نداشت که به زن جوان سلام دهد و می فرمود: «می ترسم که از صدای زن جوان خوشم آید و گناه آن از ثوابش بیشتر باشد».(۱)

از دیگر حدودی که زمینه انحراف در روابط را کاهش می دهد، نهی از خلوت کردن با نامحرم و توصیه به ترک اختلاط میان نامحرمان است. از جمله اموری که پیامبر درباره آن از بانوان پیمان گرفت، این بود که با مردان (نامحرم) در خلوت ننشینند.(۲) در روایت ها به ترک اختلاط های غیرضروری و دست کم کاهش زمینه های برخورد میان زن و مرد نامحرم ــ البته در حدی که موجب مختل شدن امور ضروری زندگی نشود ــ سفارش شده است. امیرالمؤمنین علی (ع) می فرماید:

ای اهل عراق، به من خبر رسیده است که زنانتان در راه، با مردان برخورد پیدا می کنند. آیا حیا نمی کنید؟(۳)

از پیامبر نیز وارد است که فرمود: «بانوان از وسط راه ها نروند، بلکه از کنار دیوار و راه گذر کنند.»(۴) همچنین به مردان سفارش می فرمود که از وسط کوچه و خیابان عبور کنند.(۵) پیامبر در زمان حیاتش دستور داد در ورودی زنان به مسجد از در ورودی مردان جدا باشد. حتی روزی به یکی

۱- همان، باب ۱۳۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص۲۳۴، ح۲۵۵۱۸.

۲- همان، کتاب النکاح، باب۹۹ از ابواب مقدمات نکاح، ص۱۸۵، ح ۲۵۳۸۱.

۳- همان، باب۱۳۲، ص۲۳۵، ح ۲۵۵۲۱.

۴- همان، باب۹۷، ص۱۸۳، ح۲۵۳۷۶.

۵- نک: مسئله حجاب، ص۲۱۸، به نقل از: کافی، ج۵، ص۵۱۸.

از درها اشاره کرد و فرمود: «خوب است این در را به بانوان اختصاص دهیم.»(۱) همچنین دستور داد شب هنگام که نماز تمام می شود، اول زن ها و سپس مردها بیرون بروند. پیامبر خوش نداشت که زن و مرد در حال اختلاط از مسجد بیرون روند.(۲)

در روایت دیگری آمده است امیرالمؤمنین علی (ع)و حضرت زهرا (س) پس از ازدواج خدمت پیامبر رسیدند و از ایشان خواستند که کارها را میانشان تقسیم کند. پیامبر نیز کارهای بیرون خانه را به عهده علی (ع)گذاشت و کارهای داخل خانه را به فاطمه (س)واگذار فرمود. در این هنگام، فاطمه (س) فرمود: «کسی جز خدا نمی داند که چه قدر شادمان شدم؛ زیرا پیامبر مرا از هم دوشی و اختلاط با مردان (و یا انجام وظایف مردان) باز داشت».(۳)

به هر حال، حدی از جداسازی و اختلاط نداشتن زنان با مردان در فرهنگ اسلامی اهمیت دارد. از همین رو، اموری همچون شرکت در نماز جمعه و جماعت، عیادت بیمار و تشییع جنازه مؤمن برای زنان لازم نیست و شرکت زنان جوان در نماز جمعه و عید، مکروه دانسته شده است.(۴)

۱- همان، به نقل از: سنن ابوداود، ج ۱، ص ۱۰۹.
۲- مسئله حجاب، ص ۲۱۸.
۳- نک: بحارالانوار، ج ۴۳، باب ۴؛ از تاریخ فاطمه علیهاالسلام، ص ۸۱، ح ۱. متن حدیث چنین است: «فَقالَتْ فاطِمَهُ علیهاالسلام: فَلا یَعْلَمُ ما داخَلَنِی مِنَ السُّرُورِ إِلاَّ اللّه ُ بِإِکْفائِی رَسُولُ اللّه ِ صلی الله علیه و آله تَحَمُّلَ رِقابِ الرِّجالِ. «تحمّل رقاب الرّجال» به هر دو معنا که در ترجمه آوردیم قابل تفسیر است».
۴- نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب ۱۱۷ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۱۲، ح ۲۵۴۵۶ و باب ۱۳۶، ص ۲۳۹، ح ۲۵۵۲۹.

در بحث های بعدی در مورد حضور زنان در اجتماع و میزان و چگونگی آن بیشتر بحث می کنیم.

۵- غیرت ورزی مردان

یکی دیگر از عوامل اثرگذار در حفظ روابط سالم میان زن و مرد و جلوگیری از ناهنجاری ها و انحراف ها، وجود روحیه غیرت در مردان است. غیرت؛ یعنی نگه داری آنچه حفظش ضروری است و در معنای آن «محافظت از دیگری» بیشتر مورد توجه است. غیرت مرد درباره همسر و خانواده اش، آنها را از اینکه مورد طمع یا تجاوز مردان بیگانه قرار گیرند، نگاه می دارد و زمینه تجاوز، مزاحمت و روابط ناسالم و انحرافی میان زن و مرد نامحرم را به حداقل می رساند. در روایت های اسلامی، غیرت از اخلاق پیامبران شمرده شده است و بی غیرتی و حساس نبودن مرد درباره مزاحمت نوامیسش، زمینه ساز نابودی روح ایمان در اوست و بسیار ناپسند دانسته شده است.(۱) در روایتی، امام صادق (ع) از پیامبر نقل می کند که فرمود: «إِنَّ الْغَیْرَهَ مِنَ الْإِیمانِ؛ غیرت از نشانه های ایمان است.»(۲) امیرالمؤمنین علی (ع) نیز در روایتی فرموده است:

ای اهل عراق، به من خبر داده اند که زنانتان در راه، با مردان برخورد پیدا می کنند. آیا حیا نمی کنید؟ خدا کسی را که غیرت ندارد، لعنت کند.(۳)

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۷۸ از ابواب مقدمات نکاح، بابُ وُجُوبِ الْغَیَرَهِ عَلَی الرِّجالِ.

۲- همان، ص۱۵۴، ح ۲۵۲۸۹.

۳- همان، باب۱۳۲، ص۲۳۵، ح ۲۵۵۲۰.

همچنین پیامبر می فرماید:

هر زنی که زینت کرده و خوش بو از خانه خارج شود و شوهرش به این امر راضی باشد، خدا در مقابل هر قدمی که برمی دارد، برای شوهرش، خانه ای در دوزخ بنا خواهد کرد.(۱)

باید توجه داشت که غیرت توصیه شده در اسلام، امری کاملاً معقول و برآمده از روحیه دین باوری، احساس مسئولیت و خیرخواهی است. ازاین رو، غیرت باید بجا و دور از تعصب، افراط، بدبینی و سوءظن باشد. ملاک غیرت ورزی، تنها حفظ احکام شرعی و سلامت فرد و جامعه و جلوگیری از انحراف در روابط ناسالم است وگرنه ارزش دینی و اخلاقی نخواهد داشت و چه بسا اثر معکوس داشته باشد، چنان که غیرت ورزیدن در مورد امور حلال و بی اشکال نیز تعصب جاهلانه است. امیرالمؤمنین علی (ع) به فرزندشان سفارش فرمود که: «از غیرت نابجا بپرهیز؛ به درستی که غیرت نابجا زنان سالم و پاک را به بیماری و انحراف می کشاند».(۲) امام صادق (ع) می فرماید: «لا غَیْرَهَ فِی الْحَلالِ؛ در امور حلال، غیرت بی معناست».(۳)

گفتنی است غیرت اساسا با حسادت متفاوت است. ملا احمد نراقی در این باره می گوید:

حسد عبارت است از تمنای زوال نعمت از برادر مسلمان خود که آن نعمت صلاح او باشد و اگر زوال چیزی را از کسی بخواهد که صلاح او

۱- بحارالانوار، ج ۱۰۰، باب۴ از ابواب النکاح، ص۲۴۹، ح۳۸.
۲- وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۱۳۴ از ابواب مقدمات نکاح، ص۲۳۷، ح۲۵۵۲۴.
۳- همان، باب۱۳۵ از ابواب مقدمات نکاح، ص۲۳۸، ح۲۵۵۲۷.

نباشد، آن را غیرت گویند.(۱)

استاد مرتضی مطهری رحمه الله نیز در این باره می نویسد:

ریشه حسادت، خودخواهی بوده و حسادت، از غرایز و احساسات شخصی می باشد، ولی غیرت یک حس اجتماعی و نوعی است و فایده و هدفش متوجه دیگران است. غیرت نوعی پاسبانی است که [دست] آفرینش برای مشخص بودن و مختلط نشدن نسل ها، در وجود بشر نهاده است... از آن جا که انتساب فرزند به مادر همیشه محفوظ است و اشتباه پذیر نیست، می توان فهمید که حساسیت زن در منع آمیزش شوهر با دیگران، ریشه ای غیر از حساسیت مرد در این مسئله دارد. احساس زن را می توان ناشی از خودخواهی و انحصارطلبی دانست و احساس مرد جنبه نوعی و اجتماعی دارد... در برخی از روایات نیز بدین موضوع اشاره شده که آنچه در مردان است، غیرت است و آنچه در زنان است، حسادت... .(۲)

باید توجه داشت که در مردان نیز چه بسا حسادت وجود داشته باشد؛ مثل جایی که دو خواستگار که هنوز به طور شرعی، نسبتی با عروس ندارند، بر سر تصاحب او با یکدیگر درگیر شوند. بنا به برخی اقتضائات طبیعی و حکمت ها و مصالح خانوادگی و اجتماعی، مرد می تواند بیش از یک همسر داشته باشد، ولی زن در یک زمان نمی تواند چند شوهر داشته باشد. ازاین رو، حساسیت زن درباره رابطه مشروع مرد با زن دیگر مبنای دینی ندارد، برخلاف حساسیت مرد درباره رابطه همسرش با مرد بیگانه که

۱- نک: ملا احمد نراقی، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاویدان، بی تا، ص۳۲۴.

۲- نک: مسئله حجاب، صص ۴۴ و ۴۵.

بی گمان رابطه ای نامشروع است. از همین رو، در روایت های اسلامی، غیرت، ویژه مردان دانسته شده است.(۱)

اگر وجود این روحیه در جهت حفظ موازین شرعی و صیانت از سلامت افراد و مصالح خانواده و اجتماع و همراه با احساس مسئولیت باشد، می توان آن را غیرت نامید. اگر روحیه خودخواهی و تعصب های شخصی و غیردینی در فرد غلبه داشته باشند، در واقع، صفاتی چون حسادت و عصبیّت و مانند آن رخ می نماید که از امور نکوهیده به شمار می روند.

۶- امر به معروف و نهی از منکر و مجازات فحشا

امر به معروف و نهی از منکر یکی از احکام مهم اسلامی است که با ایجاد نظارت همگانی و مهار اجتماعی، در حفظ و گسترش ارزش های اسلامی و مقابله با هنجارشکنی در جامعه نقش مهمی دارد. تأثیر اجرای درست این وظیفه از سوی تک تک افراد جامعه، رعایت شدن حدود شرعی در روابط میان زنان و مردان و جلوگیری از انحراف در روابط، انکارناپذیر است. همچنین مجازات تجاوزکنندگان از حدود قانونی اسلام در این زمینه که به اعمال منافی عفت و روابط نامشروع در جامعه روی می آورند، عامل دیگری برای جلوگیری از هنجارشکنی در جامعه و تضمینی برای رعایت هر چه بیشتر ضوابط شرعی است.

صد ضربه تازیانه برای افراد مجرد و اعدام (رجم: سنگ سار کردن) افراد متأهل، حدّی است که برای عمل زشت زنا در نظر گرفته شده است.

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، کتاب النکاح، باب۷۸ از ابواب مقدمات نکاح، صص۱۵۵_۱۵۷.

قرآن تأکیـد می فرمایـد که بایـد مجازات تازیـانه در مورد زناکـار، آشـکارا و بـا حضور شـماری از مؤمنان انجام شود و نباید عواطـف و احسـاس ترحم بیجـا مـانع از اجرای حـدود الهی شود.(۱) این تأکیـد نشـانه توجه ویژه اسـلام به مصالـح اجتمـاع و بازدارندگی اجرای حدود از رواج فساد در جامعه است. اسـلام، رضایت دو طرف زناکار را موجب برداشته شدن پی آمدهای گناه نمی دانـد؛ زیرا عمل آن دو، مصالـح جامعه، خانواده ها و نسل آینـده را به خطر می انـدازد. البته اسـلام تأکید دارد که تا ممکن است از آشـکار شـدن این گونه جرم هـا و گناهان جلوگیری کنـد تا هم آبروی افراد حفظ شود و هم زشتی این اعمال شکسته نشود.

در آموزه های اسـلام تأکیـد شـده است که مؤمنان در جامعه اسـلامی بایـد اعمال یکـدیگر را حمل بر صـحت کنند و از عیب جویی، سوءظن، تجسـس در امور شخصـی و افشای اسـرار یکـدیگر به شدت بپرهیزند.(۲) حتی به اشـخاص گناه کار سفارش شـده است که به جای اعتراف به این گونه گناهان که موجب حـد می شود، توبه کننـد تا خـدا نیز آنان را بیامرزد و آبرویشان حفظ شود. افزون بر این، شـرایط سختی برای اثبات این گونه جرم ها تعیین شده است. این شرایط وقتی تحقق می یابد که جرم کاملاً آشـکارا و بدون پروا انجام گرفته باشد. این شرایط سخت چنین است که فرد باید چهار بار در چهار مجلس گوناگون به اختیار خودش، به جرم اعتراف کرده باشد یا

۱- نک: نور:۲.

۲- برای نمونه نک: نور: ۴_۱۹؛ حجرات: ۱۲ و... ؛ وسائل الشیعه، ج ۱۲، کتاب الحج، ابواب احکام العشره، باب های ۱۵۰ _ ۱۵۲، ۱۵۷، ۱۵۸، ۱۶۱ و ج۱۶، کتاب الامر بالمعروف، باب ۲۱ و ۳۳ از ابواب فعل معروف و... .

اینکه چهار مرد عادل، انجام عمل منافی عفت را آشکارا به چشم دیده باشند و به آن شهادت دهند که تحقق چنین شرایطی بسیار دشوار است. حتی اگر سه نفر عادل شهادت دهند و یک نفر شهادت ندهد یا شهادتش با دیگران متفاوت باشد، آن سه نفر عادل را به جرم زدن اتهام ناروا، هشتاد ضربه تازیانه می زنند. همین حدّ اخیر که آن را «حدّ قذف» می گویند، خود، مانع از آبروریزی افراد، آشکار شدن و رواج فساد در جامعه است. در اینجا درصدد بیان کامل حدود و مجازات گناهان جنسی و شرایط و احکام آنها نیستیم و در این زمینه باید به کتاب های فقهی مراجعه شود.

ص: ۹۴

فصل چهارم: نظریه های مربوط به حضور دختران و زنان در اجتماع

اشاره

دربـاره میزان و چگونگی حضور زنان و دختران در اجتماع و مجلس هایی که خواه ناخواه به اختلاط با مردان می انجامـد، دو نظریه مطرح است:(۱)

۱- نظریه اضطرار

بنا بر این نظریه، ارتباط زن با مرد نامحرم، بایـد به موارد ضـرورت محـدود گردد. در نتیجه، در محیط های اجتماعی نیز تا حد توان، باید این برخوردها و ارتباط ها کاهش یابد تا زمینه انحراف ها و تحریک ها به حداقل برسد.

۲- نظریه اختلاط

بنابراین نظریه، جداسازی یا محـدود کردن حضور زنان در اجتماع نه تنها مفید نیست، بلکه به احساس محرومیت و حریص تر شدن افراد به

۱- قسـمت مهمی از مطالب این بخش برگرفته است از: مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسـران دانشجو»، مجموعه مقاله های نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، دفتر تحقیقات و مطالعات زنان، قم، ۱۳۸۰، صص ۶۷۵ _ ۶۹۸.

جنس مخالف می انجامد و میزان حساسیت و تحریک پذیری افراد را در این زمینه بالا می برد. همچنین سبب محروم شدن دختران و زنان از پیشرفت علمی و اجتماعی و اقتصادی می شود و از شکوفایی استعدادهای آنها جلوگیری می کند. پس باید با گسترش اختلاط و حضور بیشتر زنان و دختران در محیط های اجتماعی، این حساسیت ها کم شود و در این زمینه ها، عادی سازی صورت گیرد تا بدین وسیله، نگاه جنسیتی به زن و مرد، جای خود را به نگاه انسانی دهد. البته باید حدود شرعی مانند حجاب در این زمینه رعایت شود، ولی گفت وگو و حتی ارتباط صمیمی میان دختر و پسر اگر به نگاه شهوانی و تماس بدنی نینجامد، اشکالی ندارد. همچنین بر این گونه رفتار، زمینه ازدواج های آگاهانه و شناخت بهتر از شریک آینده زندگی را به وجود می آورد و به استحکام نهاد خانواده کمک می کند. پس باید تنها بر رعایت حدود شرعی تکیه کنیم، نه جداسازی.

نقد و بررسی

در ارزیابی این دو نظریه باید گفت در آموزه های اسلام افزون بر حدودی مثل حجاب و حفظ حریم در روابط میان زن و مرد نامحرم، حدی از جداسازی در محیط های اجتماعی نیز توصیه شده است؛ یعنی در اسلام، اختلاط و ارتباط های غیرلازم میان نامحرمان، مناسب دانسته نشده است و تلاش می شود این امور کاهش یابد. بنابراین، نمی توان نظریه اختلاط را برابر با آموزه های اسلامی دانست، ولی این فرضیه که جداسازی، سبب ایجاد حساسیت بیشتر و حریص تر شدن افراد می شود، تا حدی پذیرفتنی و برابر با واقع است. اگر در کنار این جداسازی و اختلاط

نداشتن، دیگر آموزه های اسلام، مانند آسان شدن ایجاد روابط مشروع (با ازدواج دایم و موقت) جدی گرفته شود و افزون بر رعایت تقوا و پاک دامنی، امکان برآوردن شایسته نیازهای غریزی برای افراد وجود داشته باشد، این حساسیت، به احساس محرومیت و حرص تبدیل نمی شود؛ یعنی در حد احساسی عادی خواهد بود و کمتر زمینه های آزار روحی و تحریک جدی و سرانجام انحراف را به وجود می آورد. در عوض، با رواج دادن اختلاط زن و مرد، زمینه تحریک و انحراف و حتی تبدیل شدن گرایش های جنسی به بیماری های روانی مثل سادیسم بسیار بیشتر می شود، چنان که تجربه غرب در این زمینه و آمار بالای آزارهای جنسی همکاران و هم کلاسی ها در کشورهای غربی، گواهی بر این مطلب است.(۱)

در صورت اختلاط، حساسیت افراد به جنس مخالف، اندکی کاهش می یابد، ولی هرگز از میان نمی رود. حتی اگر فرض شود مردی که مدت ها با چندین زن در یک مجموعه کاری ارتباط دارد، پس از مدتی نسبت به آنها حالتی عادی پیدا کند و حساسیت خود را از دست بدهد، پیوسته این

۱- بر اساس نظرسنجی هفته نامه ساندی تایمز، چاپ لندن، بیش از نیمی از زنان رده های بالای مشاغل حرفه ای و ۳۰٪ کارکنان امور اداری و دفتری در انگلستان و ۷۷٪ آنان در امریکا با مزاحمت های مدیران و همکارانشان در محیط کار روبه رو هستند. روزنامه کیهان، ۲۸/۹/۱۳۷۰، به نقل از: هفته نامه ساندی تایمز. همچنین در گزارش جاناتان راس، روزنامه نگار انگلیسی، در پی پژوهش های روان شناسانه، بیشتر مردان غربی نسبت به زنانی که با آنان از صبح تا شام در ارتباط هستند (مثل همکار و هم کلاسی و...) در آرزوی آمیزش همراه با خشونت شدید، حتی در حدّ قتل هستند. (نک: ابوالقاسم مقیمی حاجی، جوانان و روابط، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۰، به نقل از: ثریا مکنون و مریم صانع پور، بررسی تاریخ منزلت زن از دیدگاه اسلام، ص۲۱۱). در بخش مربوط به بررسی اخلاق جنسی در غرب، آمارهایی از ناهنجاری های جنسی خواهد آمد.

امکان وجود دارد که با تحریک های خواسته یا ناخواسته، گرایش های جنسی در او بیدار شود و در برخوردهای پیاپی، او را به احساس محرومیت یا انواع انحراف ها مبتلا کند. غریزه جنسی در انسان، غریزه ای بسیار قوی است که شاید سرکوب شود، ولی نابود نمی شود و در تماس ها و ارتباط با جنس مخالف به ویژه میان دختران و پسران مجرد، همیشه احتمال تحریک شدن آن وجود دارد. این نظریه که اختلاط سبب می شود نگاه انسانی جای گزین نگاه جنسی شود و حساسیت ها و تحریک ها و در نتیجه، جرم ها و انحراف ها کاهش یابد، از واقع بینی به دور است.

همچنین این نظر که اختلاط، به شناخت بهتر دختر و پسر از یکدیگر پیش از ازدواج و در نتیجه، استحکام بیشتر خانواده می انجامد، توجیه مناسبی برای تجویز اختلاط نیست؛ زیرا این ارتباط ها در عمل، موجب تقویت جاذبه های سطحی است؛ یعنی هوس را حاکم می سازند و عقلانیت را کم رنگ می کنند. در نتیجه، بسیاری از این گونه انتخاب ها چندان هم سنجیده و معقول نیستند و پس از گذشت مدتی، ناسازگاری در ویژگی های باطنی افراد رخ می دهد و زندگی را با مشکل روبه رو می سازد.

اگر در انتخاب ها، نخست، خاستگاه خانواده که ریشه فکری و اخلاقی افراد است، شناسایی شود، بسیاری از ویژگی های باطنی و حقیقی افراد را می توان شناخت و پس از آن، ویژگی های ظاهری را نیز ارزیابی کرد. در نتیجه، انتخاب ها، بسیار عاقلانه تر می شود و بنیان زندگی حاصل از آن نیز استوارتر خواهد بود. البته برای اینکه دختر و پسر هر چه بیشتر از ویژگی های فردی یکدیگر شناخت پیدا کنند، افزون بر تحقیق از دوستان و آشنایان و برقراری گفت وگوهایی میان دختر و پسر، مناسب است آن دو

برای مدتی به صورت موقت و با محرمیت شرعی ــ با در نظر گرفتن محدودیت ها و حفظ شرایط و با نظارت خانواده ها ــ با هم ارتباط داشته باشند تا در صورت ناهم خوانی روحیه ها بتوانند به راحتی در قصد ازدواجشان تجدیدنظر کنند. البته این امر، در شرایط امروز جامعه ما کاملاً پذیرفته نیست و به فرهنگ سازی نیاز دارد.

به هر حال، اینکه برای شناخت بیشتر دو طرف، اختلاط را توصیه و همه جامعه را تحریک پذیر کنیم، عاقلانه نیست و به افزایش انحراف ها و گسترش روابط ناسالم و نامشروع می انجامد که پی آمدهای منفی آن، گریبان گیر فرد و جامعه می شود. همچنین این باور که جداسازی، از پیشرفت زنان جلوگیری می کند، درست نیست؛ زیرا ایجاد فضاهای آموزشی یا کاری یا تشکل های اجتماعی که در آن زن و مرد کمترین تماس را داشته باشند، کاملاً امکان پذیر است و هرگز رشد و شکوفایی استعدادها، به محیط های مختلط نیاز ندارد. افزون بر اینکه شرکت زنان در هر نوع فعالیتی ــ حتی اگر با شرایط روحی و جسمی آنان، ناسازگار باشد ــ نوعی پیشرفت برای آنان نیست. اینکه مسئولیت بزرگ زنان در خانواده؛ یعنی پرورش فرزندان و حفظ نهاد خانواده را از فعالیت های سازنده اجتماعی جدا بپنداریم و ایفای نقش اجتماعی را تنها در بیرون از محیط خانه جست وجو کنیم، اندیشه ای نادرست است. بنابراین، نظریه اختلاط و عادی سازی بر اساس آموزه های اسلامی پذیرفته نیست.

در نظریه اضطرار نیز نوعی ابهام در تعریف و تعیین مصداق های اضطرار وجود دارد. به طور کلی، در روابط میان زن و مرد نامحرم، جدا از مواردی مانند لمس کردن و تماس بدنی که بدون تردید حرام است،

بسیاری از برخوردها و رفتارها پیش می آید که از نظر شرع نمی توان آنها را حرام دانست، مانند صحبت کردن و روابط عادی روزانه که در تعامل های اجتماعی وجود دارد. چه بسا برخی از این روابط در شرایطی شبهه ناك و فسادانگیز برقرار شوند که این امر، بیشتر به قصد افراد و شرایط آنها بستگی دارد. از همین رو، نمی توان حکم یکسانی برای همه این ارتباط ها بیان کرد. بنابراین این نظریه که ارتباط مرد و زن نامحرم باید به موارد ضروری محدود شود، ابهام دارد؛ زیرا منظور از اضطرار و ضرورت، کاملاً ـ مشخص نیست. آیا منظور تنها مواردی است که خطر مالی یا جانی وجود دارد یا اینکه رفتن دختران و زنان برای تحصیل به محیط هایی که در آن جا با مردان در ارتباط هستند، دربردارنده همین ضرورت خواهد بود؟ چه ملاکی برای تعیین موارد ضرورت و تشخیص اولویت ها وجود دارد؟ برای برطرف کردن این ابهام ها و جلوگیری از برداشت های نادرست از این نظریه، نظریه دیگری را نیز می توان طرح کرد.

۳– نظریه معروف

این نظریه بر آن است تا در میان گستره ای از رفتارهایی که لزوما از نظر شرعی حرام نیستند، رفتارهای مطلوب از نامطلوب تشخیص داده شود. در بسیاری از رفتارها مانند نگاه، صحبت کردن، «نیت»، تعیین کننده است، ولی از آن جا که نیت، امری شخصی و درونی است، نمی توان تمام هنجارهای اجتماعی را بر مبنای آن تعریف کرد و تنظیم امور اجتماعی را به امری شخصی وا نهاد. ازاین رو، در این موارد، ملاك روشن تری باید

ص: ۱۰۰

ارائه شود که دیگر افراد و جامعه ها نیز آنها را تشخیص دهند. علامه طباطبایی رحمه الله در تفسیر آیاتی مانند «وَ عاشِرُوهُنَّ بِالْمَعْرُوفِ.» (نساء: ۱۹) یا آیه «وَ قُلْنَ قَوْلاً مَعْرُوفًا.» (احزاب: ۳۲)، «معروف» را به منزله یک اصل قرآنی برای زندگی اجتماعی زن به شمار آورده است.

واژه «معروف» سی و هشت بار در قرآن آمده است که نوزده مورد آن، به نوعی به زنان مربوط است. پس در ارتباط با زنان، روش «معروف» یک اصل قرآنی است. راغب در مفردات در تعریف معروف می گوید: «أَلْمَعْرُوفُ إِسْمٌ لِكُلِّ فِعْلٍ يُعْرَفُ بِالْعَقْلِ أَوِ الشَّرْعِ حُسْنُهُ؛ معروف، اسم هر فعلی است که با عقل یا شرع خوبی آن شناخته شود.» علامه طباطبایی رحمه الله نیز می فرماید:

معروف؛ یعنی امری که انسان با ذوق اجتماعی اش می شناسد و آن را شایسته می داند. کار معروف؛ یعنی کار نیک که پیوسته با دلیل عقل و قانون شرع و فضیلت اخلاقی و آیین ادب مقرون است.(۱)

در زمینه روابط میان زن و مرد نیز برای تشخیص میزان و چگونگی حضور دختران و زنان در اجتماع و رفتارهای مطلوب یا نامطلوب میان زن و مرد و دختر و پسر در محیط های اجتماعی، باید به عُرف پسندیده که بر اساس قوانین و جهت گیری های شرعی و آداب جمعی عقلانی است، مراجعه کرد؛ یعنی روش پسندیده ای که با حدود عقل و شرع و فطرت سازگار باشد و جامعه دینی نیز آن را بپسندد.

چه بسا در محیطی علمی، میان زن و مرد یا دختر و پسر، با رعایت حدود شرعی، بحث های علمی رایج باشد. ضرورت به معنای خاص آن

۱- نک: تفسیر المیزان، ج۲، ص۳۲۸، تفسیر آیه ۲۲۸ سوره بقره.

در این مورد مطرح نیست، ولی این امر خلاف عرف پسندیده جامعه نیست، هر چند شاید در محیطی دیگر، همین امر خلاف معروف باشد. البته صحبت کردن دو جوان مجرد، معمولاً ـ خالی از گمانه زنی ها نیست. برای مثال، احوال پرسی و گفت وگوهایی که میان بستگان در مهمانی های فامیلی مرسوم است، اگر در محیط های دیگر و با اشخاص دیگری صورت پذیرد، برابر با معروف نیست یا صحبت استاد و دانشجو در کلاس، با خارج از کلاس، متفاوت است.

در سیره معصومین (ع) نیز توجه به شرایط و انگیزه ها و عرف پسندیده در مسائل مختلف وجود داشته است. برای مثال، پیامبر به زنان سلام می کرد، ولی امیرالمؤمنین علی (ع) از سلام کردن به زنان جوان کراهت داشت.(۱) بی گمان، سیره عملی این دو بزرگوار، بیش از آنکه با نظریه اضطرار سازگار باشد، با نظریه معروف هم خوانی دارد. همچنین در تاریخ آمده است که برخی از صحابه، همراه پیامبر برای دیدار به خانه حضرت زهرا (س) می رفتند یا اینکه صحابه به عیادت آن بزرگوار می آمدند. همچنین حضرت زهرا (س) در موارد مختلفی با برخی اصحاب مانند سلمان، بلال و دیگران صحبت می فرمود. حتی ایشان از سلمان که مردی سال خورده بود، خواست تا به خانه ایشان بیاید و به او دعای نور را آموخت. همچنین سلمان گاهی در کارهای خانه به ایشان کمک می کرد.(۲) این گونه ارتباط ها یا نگه داری زکریای سال خورده از مریم جوان و سرکشی

۱- نک: وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب۱۳۲ از ابواب مقدمات نکاح، ح۲۵۵۱۸.

۲- بحارالانوار، ج۴۳، صص ۲۸، ۶۲، ۶۶، ۷۶، ح۳۳، ۵۳، ۵۹ و ۶۳ .

به او و نیز مذاکره های سلیمان و بلقیس که بیشتر جنبه سیاسی و دینی دارد و نیز رفتار موسی با دختران شعیب (ع)،(۱) همه مطابق با عرف پسندیده ای است که در چارچوب قانون های شرع قرار دارد.

شاید در عمل، پی آمدهای نظریه معروف و اضطرار در بیشتر موارد، تفاوتی نداشته باشد، ولی در نظریه معروف، ملاک مناسبی برای تشخیص موارد مطلوب از نامطلوب به چشم می خورد. افزون بر اینکه این نظریه، انعطاف پذیری بیشتری دارد و در چارچوب احکام شرعی، با اوضاع جامعه در دوران ها و شرایط مختلف انطباق پذیر است. همچنین این نظریه بیشتر اثباتی است؛ یعنی روابط اجتماعی را در حد معروف می پذیرد، ولی نظریه اضطرار بیشتر نفی کننده است و هر گونه رابطه را جز در موارد اضطرار نفی می کند.

توجه داشته باشیم که عرف، همواره در آستانه دگرگونی است و باید به سمت بهترین عرف که بیشترین تناسب را با فطرت و شرع و عقل انسانی دارد، گام برداشت. در این راستا، باید عالمان دین و انسان شناسان و جامعه شناسان عرف سازی کنند تا عرف جامعه را دیگران به انحراف نکشانند و به تدریج از الگوی مطلوب دور نسازند.(۲) در پایان این بخش، شایسته است به ماجرای برخورد موسی (ع) با دختران شعیب (ع) که در آیات ۲۳ تا ۲۶ سوره قصص آمده است، به عنوان الگویی از برخورد اجتماعی پسندیده میان دختر و پسر اشاره شود. موسی که جوانی رشید

۱- نک: آل عمران: ۳۷؛ نمل: ۴۴؛ قصص: ۲۳ _ ۲۵.

۲- مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، صص ۶۷۵ _ ۶۹۵.

بود، پس از فرار از دست سربازان فرعون و چند روز پیاده روی و خستگی زیاد، به چاه آبی در کنار شهر مدین می رسد. در قرآن چنین می خوانیم:

و هنگامی که به (چاه) آب مدین رسید، گروهی از مردم را در آن جا دید که چارپایان خود را سیراب می کنند و در کنار آنها دو زن را دید که گوسفندان خود را مراقبت می کنند(، ولی به چاه نزدیک نمی شوند. موسی) به آنها گفت: کار شما چیست؟ (چرا گوسفندان خود را آب نمی دهید؟) گفتند: ما آنها را آب نمی دهیم تا چوپان ها همگی خارج شوند و پدر ما پیرمرد کهن سالی است. (به همین خاطر ما مجبوریم این کار را انجام دهیم.) موسی (به گوسفندان آنها) آب داد. سپس رو به سوی سایه آورد و گفت: خدایا هر خیر و نیکی بر من فرستی، من به آن نیازمندم. ناگهان یکی از آن دو (دختر) به سراغ او آمد و در حالی که با حیای کامل گام برمی داشت، گفت: پدرم از تو دعوت می کند تا مزد سیراب کردن گوسفندان ما را به تو بپردازد. هنگامی که موسی نزد او (شعیب) آمد و سرگذشت خود را شرح داد، [شعیب] گفت: نترس، از قوم ظالم نجات یافتی. یکی از آن دو (دختر) گفت: ای پدر، او را استخدام کن؛ چون بهترین کسی را که می توانی استخدام کنی، فردی است که نیرومند و امین باشد. (قصص: ۲۳ _ ۲۶)

پیام ها و نکته های این آیه را می توان به شرح زیر بیان کرد:

۱. در این داستان آمده است که دختران شعیب، جدای از جمعیت مردان ایستاده بودند و این، نشانه حیای آنان است.

۲. دختران در پاسخ موسی (ع) که پرسید چه می کنید، گفتند چون پدر ما پیر است، ما این مسئولیت را بر عهده گرفته ایم. از این مطلب برمی آید که در صورت امکان بهتر است این گونه کارها به مردان واگذار شود، ولی اصل حضور دختران در اجتماع و محیط های کاری با رعایت

حدود شرعی مانعی ندارد.

۳. گفت و گوی میان موسی (ع) با دختران شعیب در حد لازم خلاصه می شود و با وقار و متانت همراه است، به گونه ای که حتی موسی (ع) پس از کمک به دختران، بی درنگ به سایه و محل استراحتش باز می گردد.

۴. خداوند در قرآن می فرماید دختر شعیب (ع) که برای دومین بار نزد موسی آمد و پیغام پدرش را به او رساند، با «استحیاء»، یعنی حیا و وقار و متانت کامل گام برمی داشت.

در توضیح این ماجرا، در روایتی آمده است هنگامی که موسی (ع) با دختر شعیب (ع) همراه شد تا او را پیش پدرش ببرد، در میان راه، چون باد بر جامه های دختر می پیچید و حجم بدنش ظاهر می شد، موسی (ع) به او گفت شما از پشت سر من بیا و در راه مرا راهنمایی کن؛ زیرا من از کسانی هستم که به پشت سر زنان نگاه نمی کنند. همچنین وقتی دختر شعیب (ع)به پدر پیشنهاد داد که موسی (ع) را استخدام کند، پدرش از او پرسید: چگونه به امانت داری موسی پی برده ای؟ دختر گفت: چون او راضی نشد که من پیش روی او راه روم که مبادا نظرش بر پشت سر من بیفتد.(۱) این رفتار موسی (ع) و دختران شعیب (ع) را می توان نمونه مناسبی از برخوردهای اجتماعی مطلوب میان دختر و پسر به شمار آورد.

۱- نک: تفسیر نمونه، ج۱۶، صص ۵۵ _ ۶۵ ؛ محمدباقر مجلسی، حیات القلوب، تاریخ پیامبران علیهم السلام، قم، انتشارات سرور، چ۱، ۱۳۷۵، ج۱، صص ۶۰۰ و ۶۰۱ .

فصل پنجم: دیدگاه اسلام درباره رابطه های دوستانه میان دختر و پسر

پیش تر گفتیم که روابط میان زن و مرد و دختر و پسر به دو دسته کلی تقسیم می شود:

۱. رابطه های معمول اجتماعی که در آن انگیزه های غیرجنسی مانند رسیدن به هدف های کاری، علمی و... زیربنای روابط است؛

۲. رابطه های مبتنی بر پیوندخواهی جنسی.

در این میان، نوع دیگری از روابط نیز هست که در آن، رابطه عاطفی میان دو طرف برقرار است و آنها در ارتباط با یکدیگر، همین با هم بودن را می خواهند و انگیزه اصلی آنها از ارتباط با یکدیگر، رسیدن به هدف های کاری یا علمی و مانند آن نیست. در عین حال، انگیزه های جنسی در این گونه ارتباط ها وجود ندارد؛ رابطه ای دوستانه و صمیمی، ولی غیرجنسی و سالم بسان رابطه دو دوست هم جنس یا رابطه خواهر و برادر که با وجود روابط دوستانه با هم، از هرگونه انگیزه و رفتار جنسی به دور هستند.

پرسش این است که این گونه رابطه از نظر اسلام چه حکمی دارد؟ دراین باره به چند نکته باید توجه شود: اینکه اشخاصی به یکدیگر محبت

داشته باشند و یکدیگر را دوست بدارند، به خودی خود اشکالی ندارد، چنان که هر محبتی میان هر زن و مردی، از نوع گرایش های جنسی نیست و میان هر زن و مرد مؤمنی، محبت ایمانی وجود دارد؛ هم چنان که همه شیعیان، خود را از دوستان و ارادت مندان حضرت زهرا (س)می دانند و ایشان نیز به اصحاب مؤمن و بااخلاص پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله مانند سلمان محبت داشته است. بی گمان، این گونه محبت ها هرگز غریزی نیستند، ولی توضیح خواهیم داد که دوستی های روزانه میان دختر و پسر چنین نیست. همچنین گاهی افراد به کسانی مانند آشنایان و همکاران که مدتی با آنها در تعامل بوده اند، دوست خطاب می کنند، بدون اینکه میان آنها رابطه عاطفی و عمیقی که ایشان را از نظر روحی به یکدیگر وابسته کند، وجود داشته باشد. منظور از دوستی در این گونه زمینه ها، رابطه های عاطفی نیست. در دوستی های عرفی میان دختر و پسر، با «دیدار» و ارتباط بصری یا لفظی، معمولاً نوعی احساس دل بستگی قلبی پدید می آید. در مواردی نیز ارتباط هایی مانند نامه نگاری سبب می شود دختر و پسری که تاکنون یکدیگر را ندیده و با هم هیچ گفت وگویی نکرده اند، گمان کنند که با هم دوست شده اند، ولی در واقع، در این نوع دوستی ها، معمولاً ـ دو طرف، تصویری ذهنی از یکدیگر می سازند و در واقع، با شخصیتی ذهنی دوست می شوند و نه شخص حقیقی و واقعی.

آنچه در رابطه دوستانه، خواسته اصلی دو طرف است، دیدار از نزدیک و با هم بودن است. افراد می کوشند با برقراری تماس های بصری، کلامی یا لمسی، حضور یکدیگر را در کنار هم بهتر حس کنند و از آن لذت ببرند. اموری مانند نگاه ها و صحبت های محبت آمیز، خنده ها و شوخی ها و

ابراز علاقه به صورت های مختلف، از لوازم جدایی ناپذیر در روابط دوستانه و صمیمی است.

با توجه به آنچه گذشت، روشن شد که هر چند تصور دوستی صمیمی میان دختر و پسر، بدون وجود انگیزه های جنسی، تصور محالی نیست، ولی عملی شدن چنین رابطه ای چندان عقلانی به نظر نمی رسد؛ زیرا دیدار و تماس های بصری و کلامی، نگاه های دوستانه همراه با خنده و شوخی و ابراز علاقه زیاد میان دو جنس، معمولاً موجب تحریک جنسی می شود. افزون بر اینکه اساسا جداسازی رابطه عاطفی از گرایش های غریزی و جنسی در رابطه میان دختران و پسران بسیار دشوار است و عاطفه و غریزه در این گونه رابطه ها در هم آمیخته اند.(۱) حتی اگر فرض شود که انگیزه اولیه دختر و پسر از این گونه رابطه، تنها بهره مندی از

ص: ۱۰۸

۱- در طول تاریخ ادبیات همه کشورها، عشق که رابطه ای عاطفی است، معمولاً میان زن و مرد جلوه می کند. بنابراین، این رابطه عاطفی از گرایش های جنسیتی جدا نیست. فروید، عشق را اساسا پدیده ای جنسی می داند و آن را والایش غریزه جنسی می شمارد، ولی هورنای معتقد است لزوما ارتباطی میان محبت و گرایش جنسی نیست؛ یعنی این گونه نیست که پس از هر محبتی، انگیزه شهوانی باشد، ولی او نیز رابطه نزدیک میان این دو و تأثیر ناخودآگاه این دو بر هم را می پذیرد. مزلو نیز می گوید مفهوم عشق و روابط جنسی دوچیزند، ولی در زندگی افراد سالم به هم می پیوندند و کمتر جدایی پذیرند. نک: محمدباقر کجباف، روان شناسی رفتار جنسی، صص ۴۹، ۶۲ و ۶۶؛ نیز کارن هورنای، عصبانی های عصر ما، ترجمه: ابراهیم خواجه نوری، ص ۱۹۱ موریس دبس نیز معتقد است: غریزه جنسی کم کم در نوجوانان به ویژه پسران، با تأثیر مستقیم و غیرمستقیم بر تمام اعضا و قوای بدن قوت می گیرد تا جایی که در ۱۷ و ۱۸ سالگی، مالك اصلی احساسات انسان می شود و تمام تظاهرهای محبت آمیز انسان از غریزه جنسی سرچشمه می گیرد. (نک: گفتار فلسفی (جوان)، ص۳۰۷).

جنبه های معرفتی و روحی یکدیگر بوده باشد، به دلیل وجود تحریک های مداوم، تضمینی وجود ندارد که انگیزه های جنسی به صورت ناخودآگاه در رابطه آنها راه نیابد؛ زیرا غریزه جنسی در وجود انسان غریزه ای بسیار نیرومند است. از همین رو، با ایجاد انگیزه های جنسی در رابطه دختر و پسر، اجتناب از رفتارهای جنسی نیز بسیار دشوار خواهد بود. بنابراین، دوستی دختران و پسران بدون شایبه های جنسی، بیشتر یک ادعا است. اگر هم به واقع چنین رابطه ای صورت گیرد، رابطه ای طبیعی نخواهد بود؛ زیرا با گرایش های درونی دختران و پسران جوان در تضاد است. ازاین رو، همواره ممکن است آنها را به مشکلات عصبی و روحی دچار کند و جوانان در این گونه رابطه ها، همواره در معرض انحراف و رفتارهای جنسی قرار دارند.

با بررسی رویکرد اسلام در مورد رابطه میان زن و مرد نامحرم، در می یابیم که در این آموزه ها تلاش می شود تا زمینه های انحراف و تحریک های خواسته یا ناخواسته، به حداقل برسد و افراد از پرتگاه انحراف و مرز خطر فاصله داشته باشند. حتی در احکام اسلام، نگاه به مو و بدن نامحرم، هرچند بدون قصد لذت، حرام شده است. همچنین قرار گرفتن در جای خلوت با نامحرم در صورت وجود احتمال فساد ممنوع شده و از خنده و شوخی و هم کلامی های بی مورد و اختلاط های غیرضروری میان نامحرمان نهی فرموده است؛ چون احتمال پیدایش انگیزه ها و رفتارهای جنسی در این گونه امور زیاد است و برای پیش گیری از انحراف، لازم است به کلی از این امور اجتناب شود.

رابطه دوستی میان دختر و پسر نیز رابطه ای است که احتمال انحراف

در آن بسیار بالا است. ازاین رو، باید از آن پرهیز کرد؛ زیرا از نظر شرعی، توجیه مناسبی ندارد. افزون بر این، چنین رابطه ای، نوعی اختلاط با نامحرم است و غالبا از نگاه های شبهه ناک و شوخی و خنده و هم کلامی نهی شده در شرع مقدس به دور نیست. در فرهنگ اسلامی، حتی میان مردان و زنان متأهل نیز ـ که انگیزه جنسی کمتری از دختران و پسران جوان دارند ـ چنین رابطه ای تجویز نشده است.

اساسا در اسلام، رابطه این گونه دوستی ها در رابطه های مجاز میان زن و مرد نامحرم تعریف نشده است. البته در فرهنگ غرب، چنین رابطه ای تعریف شده است و ادعای عملی بودن آن وجود دارد، ولی در عمل، با انحراف ها و مشکلات بسیاری همراه است که در غرب بدان با دیده اغماض نگریسته می شود.

در پایان، گفتنی است اصل اینکه فردی نسبت به فردی نامحرم از جنس مخالف، احساس محبت و علاقه داشته باشد، حتی اگر این علاقه به دلیل جذابیت های جنسیتی بوده باشد، گناه دانسته نمی شود. اگر این محبت درونی به حدّ عشق شدید عاطفی رسیده باشد، نمی توان خود این عشق و دل بستگی قلبی را فعل حرامی به شمار آورد. آنچه حرام است، آن است که این حالت درونی و قلبی، در خارج نیز به برقراری روابط و رفتارهای نادرست و خارج از احکام شرعی بینجامد؛ یعنی عمل فرد را نیز به انحراف کشاند، هر چند این انحراف، نگاهی شهوانی باشد. اگر این محبت در دل بماند و به هیچ رفتار خارج از ضابطه ای نینجامد، حرام نیست.

البته اینکه شخصی با وجود علاقه به فردی، این امر را در رفتارهای خارجی اش نشان ندهد، برای او بسیار آزاردهنده خواهد بود. ازاین رو،

اصـل علاـقه به فرد نـامحرم در صورتی که امکـان ازدواج بـا او را نداشـته باشـد، امر مطلوبی نیست. از همین رو، چون احتمال انحراف در این گونه علاقه ها زیاد است، فراهم آوردن زمینه های این علاقه، مانند نگاه کردن، صـحبت کردن و فکر کردن و خیال بافی ها و ماندگار کردن احساسات زودگذر سطحی در ذهن، نسبت به زنان متأهل یا نامحرمانی که فرد امکان ازدواج با آنها را ندارد، جایز نیست و باید تا می تواند، از پدید آمدن چنین عشق هایی جلوگیری کند، ولی اگر به هر دلیل، چنین علاقه ای در دل شخص پدید آمد و از اختیار او خارج شد، باید مراقب رفتارهای خود باشد و از رابطه های انحرافی بپرهیزد.

این کار بسـیار دشوار است، ولی موفق شدن در این کار، پاداش بسیاری خواهد داشت، چنان که از پیامبر روایت شده است که فرمود: «مَنْ عَشَقَ فَکَتَمَ فَماتَ، ماتَ شَـهِیدا؛ کسـی که عاشق شود و این عشق را پنهان بدارد (و رفتارش را مهار کند،) پس اگر بمیرد، مرگ او شهادت خواهد بود».(۱)

۱- نک: کنز العمال، ج۳، ص۳۷۳، ح ۷۰۰۰.

فصل ششم: راه کارهای مشروع برقراری روابط جنسی در اسلام

اشاره

پیش تر گذشت که برنامه اسلام در تنظیم رابطه های میان دو جنس زن و مرد، دو محور اساسی دارد:

الف) جهت دهی و آسان سازی روابط جنسی در چارچوبی معیّن؛

ب) کاهش زمینه های انحراف در روابط معمول اجتماعی و کم کردن محرک ها و انگیزه های جنسی در اجتماع و بیرون از محدوده های شخصی.

در اینجا به بررسی راه کارهای مشروع برقراری روابط جنسی در اسلام می پردازیم. بنا بر آیات و روایت های اسلامی، روابطی که در آنها انگیزه ها و رفتارهای جنسی (رفتارهایی که با لذت جویی جنسی همراه است) وجود دارد، حتما باید در یکی از این سه قالب صورت گیرد: ازدواج دایم؛ ازدواج موقت؛ ملک یمین (رابطه مالک با کنیز خود).

پیامبر اعظم صلی الله علیه و آله در خطبه ای فرمود:

ای مردم، خداوند سه گونه زناشویی را برای شما حلال فرموده است: زناشویی که در آن ارث هست و آن ازدواج دایم است؛ زناشویی بدون

ارث و آن متعه (ازدواج موقت) است و کنیزانتان.(۱)

هرکدام از این رابطه ها، شرایط ویژه ای دارند، ولی تقریبا یک ضابطه اصلی در آنها مشترک است که هرگز حتی با توافق دو طرف، تغییرپذیر نیست و آن اینکه زن در یک زمان نباید با چند مرد رابطه داشته باشد. حکمت اصلی این ضابطه، حفظ شدن نسب ها و از میان بردن هر گونه شبهه در نسبت دادن فرزندان به والدین است. پیش تر نیز از قول روان شناسان گفتیم که زنان بیشتر به انحصار رابطه با یک مرد گرایش دارند و رابطه با چند مرد با عواطف و روحیه زنانگی شان سازگاری ندارد.(۲) همچنین با توجه به اینکه زن در رابطه با مرد بیشتر او را به عنوان پشتیبان عاطفی خود می خواهد و چون مدیریت خانواده ها نیز بر عهده مرد است، به خوبی مشخص می شود که چندشوهری سبب بر هم خوردن امنیت روانی زن و نیز بی سامانی در نظام خانواده می شود.

در آموزه های اسلام، درباره رابطه زناشویی از راه های مشروع به ویژه ازدواج دایم، توصیه های فراوانی شده است. پیشوایان معصوم (ع)، نکاح و زناشویی حلال و علاقه به زنان را از سنت های پیامبران شمرده و افراد را به این امر، تشویق و در مقابل، از بی همسر ماندن به شدت نهی کرده اند. حتی برای عمل زناشویی، اگر از طریق حلال صورت گیرد، ارزش و

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب۳۵ از ابواب مقدمات نکاح، باب ان النکاح الحلال ثلاثه اقسام، ص۸۶، ح۲۵۰۹۸.

۲- مرتضی مطهری، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، چاپ شرکت افست، ۱۳۵۹، بخش هفتم، صص ۱۵۷_۱۷۵، بخش یازدهم، صص ۳۰۰ _ ۳۴۶.

پاداش بسیاری قائل شده اند.

روایت هایی را که در مورد ارزش ازدواج یا زشت بودن بی همسر ماندن وارد شده است، بیشتر می توان ناظر به ازدواج دایم دانست، ولی مطلق نکاح و زناشویی در این روایت ها مورد تأکید اصلی است. البته در جای خود، بر اهمیت فراوان خانواده ــ که از ثمره های ازدواج دایم است ــ تأکید شده است. در کتاب عروه الوثقی، پس از بیان مستحب بودن نکاح آمده است: «ظاهر این است که استحباب اختصاصی به نکاح دایم و موقت ندارد، بلکه آنچه مستحب است اعم از ازدواج دایم و موقت و زناشویی با کنیزان است».(۱)

«نکاح» در لغت به معنای عمل جنسی است و در اصطلاح روایت ها و کتاب های فقهی نیز گاهی در همین معنا مانند اصطلاح «ناکِحُ الْبَهِیمَهِ» به کار می رود، ولی غالبا به معنای مطلق زناشویی مشروع، در مقابل «سِفاح» به معنای زناشویی نامشروع به کار برده می شود. حتی حضرت محمد صلی الله علیه و آله خطاب به عده ای از اصحاب که به رهبانیت پرداخته و هم بستری با همسرانشان را ترک گفته بودند، در حدیث مشهور فرمود: «أَلنِّکاحُ سُنَّتِی، فَمَنْ رَغِبَ عَنْ سُنَّتِی فَلَیْسَ مِنِّی.»(۲)، در این حدیث، ظاهرا نکاح به همین معنی به کار رفته است.

شواهدی نیز در برخی روایت ها هست که نشان می دهد اصل رابطه

۱- نک: سید محمدکاظم طباطبایی یزدی، عروه الوثقی، قم، اسماعیلیان، ۱۳۷۴، چ۳، ج۲، ص۶۲۸ ، مسئله سوم از کتاب النکاح.

۲- نک: همان، ص۶۲۷.

زناشویی مشروع مورد تأکید ویژه اسلام است. برای مثال، پیامبر از مردی پرسید: آیا زن داری؟ گفت: خیر. رسول اللّه فرمود: آیا کنیز داری؟ گفت: نه. سپس فرمود: آیا توانایی مالی داری؟ گفت: بله. حضرت به او فرمود: «ازدواج کن و گرنه از گناه کاران خواهی بود». در روایتی دیگر از امام محمد باقر (ع) آمده است: «دو رکعت نماز که مرد متأهل به جای آورد، بهتر از آن است که مرد بی همسری تمام شب را عبادت کند و روز را روزه بدارد.» در این هنگام، یکی از حاضران عرض کرد: جانم به قربانت، من اهلی ندارم. حضرت فرمود: «آیا کنیزانی نداری (یا فرمود: آیا کنیز امّ ولد نداری)؟» پاسخ داد: دارم. حضرت به آن شخص فرمود: «پس تو عَزَب نیستی».(۱)

از این روایت ها استفاده می شود که اصل داشتن زناشویی مشروع هر چند از طریق کنیز باشد، مورد تأکید ویژه اسلام است. البته این به معنای نادیده گرفتن اهمیت ازدواج دایم و تشکیل خانواده نیست، بلکه به این معناست که نباید آنچه را در روایت ها آمده است، تنها ازدواج دایم معنا کرد؛ زیرا این نکته در فهم درست روایت های نکاح مهم است. به هر حال، چون در حال حاضر، رابطه با کنیز در عمل منتفی است، راه کارهای ایجاد رابطه مشروع جنسی، به دو نوع ازدواج، دایم و موقت منحصر می شود.

۱- ازدواج دایم و اهمیت آن

مرسوم ترین و به یک اعتبار، مهم ترین راه کار برای روابط جنسی در

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۲ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۲۰، ح۲۴۹۱۸.

اسلام، ازدواج دایم است. ازدواج دایم دو ثمره مهم دارد:

یک ـ ارضای غریزه و تعدیل گرایش های جنسی؛

دو ـ پی ریزی بنای خانواده.

در این نوع ازدواج، دو شریک جنسی پیمان می بندند که تا آخر عمر در کنار هم زندگی مشترکی داشته باشند. این امر، به طور طبیعی با نوعی پیوند عاطفی قوی همراه است و رابطه ای فراتر از دوستی های معمولی یا روابط موقتی دارد. این رابطه، با آمدن فرزندان تقویت می شود و مجموعه خانواده به عنوان نهادی که تأمین بسیاری از نیازهای اساسی افراد را بر عهده دارد، با این پیوند شکل می گیرد. اساس روابط در خانواده، محبت و احساس دل بستگی میان اعضا است و هیچ نهاد اجتماعی نمی تواند جای گزین کاملی برای آن باشد. برخی از مهم ترین فایده های تشکیل خانواده عبارت است از:

۱. تولید مثل و پرورش نسل جدید؛

۲. فراهم ساختن بخش مهمی از نیازهای عاطفی و جسمی اعضا و ایجاد امنیت روانی، عاطفی، مالی و... برای افراد خانواده؛

۳. پشتیبانی از والدین در کهن سالی؛

۴. ایفای نقش اساسی در جامعه پذیری و مهار اجتماعی اعضا از طریق تربیت و آموزش هنجارها و مراقبت بر اعضای خانواده.

بی گمان، ازدواج دایم به دلیل اینکه بستر ایجاد خانواده است، مسئولیت های مختلفی برای زن و شوهر در پی دارد. البته برخی از این مسئولیت ها مانند مسئولیت زوج در دادن نفقه زوجه و فرزندان و مسئولیت زوجه در تمکین از زوج در مورد خواسته های جنسی، تکلیفی

قانونی و شرعی است. بعضی از مسئولیت ها نیز وظایفی است که از نظر عرفی یا اخلاقی بر عهده همسران است و پذیرفتن آنها برای زن و شوهر اجتناب ناپذیر خواهد بود. بحث از جنبه های گوناگون ازدواج دایم، مجال دیگری می خواهد، ولی بر این نکته تأکید می کنیم که چون در میان چارچوب های ارتباط جنسی مشروع تنها ازدواج دایم می تواند بستر مناسبی برای داشتن فرزند و خانواده باثبات باشد، نمی توان دیگر راه کارها را بدیلی برای آن دانست. بنابراین، اهمیت ازدواج دایم و ضرورت تشکیل خانواده برای سلامت فرد و جامعه هرگز قابل خدشه نیست.

تأکید بر داشتن «اهل؛ (خانواده)» و «فرزندان باایمان»، از مهم ترین فایده هایی است که در روایت های اسلامی بر آن تأکید فراوانی شده است.(۱) همه این تأکیدها، اهمیت خاص ازدواج دایم را در آموزه های اسلامی بیان می دارد.(۲) همچنین آرامشی که خداوند در قرآن کریم آن را از مهم ترین

۱- برای نمونه، پیامبر فرموده است: «إِتَّخِذُوا الْأَهْلَ فَإِنَّه أَرْزَقَ لَکُمْ؛ اهل همسر و خانواده برگزینید؛ زیرا این امر موجب افزایش روزی تان می شود.» نیز فرمود: «ما یَمْنَعُ الْمُؤْمِنَ أَنْ یَتَّخِذَ أَهْلاً؟ لَعَلَّ اللّه یَرْزُقُهُ نَسَمَةً تُثْقِلُ الْأَرْضَ بِلا إِلهَ إِلاّ اللّه؛ چه چیزی مانع می شود که مؤمن اهلی برگزیند؟ شاید خداوند فرزندی روزی اش کند که زمین را با لا ـ اله الا اللّه (ایمان و توحید) سنگین گرداند.» نک: وسائل الشیعه، ج۲۰، باب ۱ از ابواب مقدمات نکاح، صص ۱۴ و ۱۵، ح۲۴۹۰۰ و ۲۴۹۰۲؛ نک: وسائل الشیعه، ج۲۱، باب استحباب تکثیر الاولاد و باب استحباب اکرام الولد الصالح و طلبه و حبّه و... از ابواب احکام الاولاد.

۲- پیش تر در حدیثی آمد که امام علیه السلام به فردی که ازدواج نکرده بود، ولی کنیزانی داشت، فرمود: «تو عزب نیستی»، ولی این به معنای دارای «اهل» بودن صاحب کنیز نیست. بر همین اساس، آورده اند: زراره بر امام صادق علیه السلام وارد شد. حضرت پرسید: ای زراره، آیا تو متأهل هستی؟ عرض کرد: خیر. حضرت فرمود: پس چگونه بر تجرّد مانده ای، در حالی که جوان هستی؟ زراره جواب داد: کنیزانی می خرم... .» (وسائل الشیعه، ج۲۰، باب ۱۲ از ابواب ما یحرم بالکفر و نحوه از کتاب نکاح، ص۵۶۰، ح۲۶۳۴۷). از این روایت استفاده می شود که در عرف روایات و نزد اصحاب ائمه نیز داشتن کنیز به معنای متأهل بودن نبوده است.

فایده های ازدواج می داند،(۱) بستری مناسب تر از ازدواج دایم ندارد؛ زیرا روابط کوتاه مدت و ناپایدار نمی تواند این آرامش روانی را به شایستگی برقرار سازد.

۲- سن مناسب برای ازدواج

یکی از نکته های مهم برای تبیین طرح اسلام در زمینه برقراری روابط جنسی، پاسخ به این پرسش است که اسلام چه سنی را برای برقراری روابط جنسی مشروع سفارش می کند و سن مناسب برای ازدواج کدام است؟ در پاسخ باید گفت به طور طبیعی، هر زمانی که گرایش های جنسی در فرد بیدار شود و او این ارتباط خواهی را به عنوان نیاز واقعی و محرک درونی در خود احساس کند، زمان مناسبی برای پاسخ گویی به این نیاز است و این، امری عقلانی و طبیعی است. البته تعیین سن خاصی برای ازدواج همه افراد درست نیست؛ زیرا این امر بنا بر شرایط جسمی و روحی و حتی شرایط محیطی، در افراد متفاوت است. همچنین اگر تشکیل خانواده در نظر باشد، شرایط دیگری مانند توانایی های اقتصادی و فکری و مقبولیت و مهارت های اجتماعی نیز در این امر اثرگذار خواهد بود.

برخلاف فرهنگ رایج در دنیای امروز که نسبت به روابط جنسی نوجوانان و جوانان پیش از ازدواج، تسامح بیشتری دارند و این گونه روابط بی ضابطه را به عنوان اقتضای سال های جوانی به راحتی می پذیرند، دین

۱- «وَ مِنْ آیاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَکُمْ مِنْ أَنْفُسِکُمْ أَزْواجًا لِتَسْکُنُوا إِلَیْها وَ جَعَلَ بَیْنَکُمْ مَوَدَّةً وَ رَحْمَةً ...». روم: ۱۲

مبین اسلام هر گونه رفتار جنسی را تنها با ضابطه ازدواج جایز می داند. بنابر قاعده و متناسب با اقتضای طبیعی، سن مناسب برای ازدواج، زمانی است که افراد در آن به مرحله بیداری یا «بلوغ جنسی» می رسند. در روایت های اسلامی نیز ازدواج در همین سال ها سفارش شده است. برای نمونه، پیامبر می فرماید:

ای گروه جوانان، هر کس از شما توانایی جنسی پیدا کرد، ازدواج کند. بی گمان، این امر موجب حفظ بهتر چشم و دامان است.(۱)

نیز فرمود:

هر جوانی که در سن پایین (ابتدای جوانی) ازدواج کند، شیطانی که مأمور اوست، ناله می زند: «ای وای! دو سوم دینش را از دست من حفظ کرد.» پس باید این بنده در ثُلث باقی، تقوای الهی پیشه کند.(۲)

همچنین روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله بر فراز منبر فرمود:

ای مردم، جبرئیل از سوی خداوند لطیف و خبیر نزد من آمد و گفت: دختران به منزله میوه ای بر درختند که اگر برسد و چیده نشود، آفتاب آن را خراب و فاسد می کند و بادها آن را می پراکند. دوشیزگان زمانی که به حالت هایی که زنان دارند رسیدند (و بالغ شدند)، دوایی جز همسر (و ازدواج) ندارند، وگرنه از فساد مصون نیستند؛ چون آنان بشرند.(۳)

ص: ۱۱۹

۱- «یا مَعْشَرَ الشَّبابِ، مَنِ اسْتَطاعَ مِنْکُمُ الْباهَ فَلْیَتَزَوَّج، فَإِنَّهُ أَغَضُّ لِلْبَصَرِ وَ أَحْفَظُ لِلْفَرْجِ» مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب۱ از کتاب النکاح، ص۱۵۳، ح ۱۶۳۵۰.
۲- «ما مِن شابٍّ تَزَوَّجَ فِی حِداثَهِ سِنِّهِ إلاّ عَجَّ شَیطانُهُ یا وَیْلَهُ! عَصَمَ مِنِّی ثُلُثَی دِینِهِ فَلْیَتَّقِ اللّهَ الْعَبْدُ فِی الثُّلُثِ الْباقِی»، مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب ۱ از ابواب النکاح، ص۱۴۹، ح ۱۶۳۳۱.
۳- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۲۳ از ابواب مقدمات نکاح، ص ۶۱، ح۲۵۰۳۷.

همچنین فرمود:

از سعادت مرد این است که دخترش در خانه او عادت زنانگی را تجربه نکند (و پیش از رسیدن به این سن، به خانه شوهر رفته باشد).(۱)

نیز در روایتی وارد شده است که «از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اینکه اسم نیکو برایش بگذارد و به او نوشتن بیاموزد و زمانی که بالغ شد، ترتیب ازدواجش را بدهد.»(۲) در این روایت ها بر ازدواج در سن پایین و هم زمان با بلوغ جنسی و تأخیر نینداختن آن از این سن تأکید شده است و این امر، کاملاً با نیازهای طبیعی در دختران و پسران سازگار است.

ص: ۱۲۰

۱- همان، ص۶۴، ح۲۵۰۴۷.

۲- «مِنْ حَقِّ الْوَلَدِ عَلی والِدِهِ ثَلاثَةٌ: یُحَسِّنُ اسْمَهُ، وَ یُعَلِّمُهُ الْکِتابَهَ، وَ یَزَوِّجُهُ إِذا بَلَغَ». وسائل الشیعه، ج۲۱، باب ۸۸ از ابواب احکام الاولاد، ص۴۸۲، ح۲۷۶۴۶.

بخش سوم: تنظیم روابط در غرب

اشاره

بی شک، امروزه فرهنگ غرب یکی از فرهنگ های اثرگذار و پرجاذبه است که با در اختیار داشتن مهم ترین ابزارهای تبلیغی، بیشترین امکان را در جهت دهی فرهنگی در اختیار دارد. این فرهنگ می کوشد دیگر فرهنگ ها و جوامع را به شکل های مختلف تحت تأثیر خود قرار دهد. جامعه ما نیز از این وضعیت برکنار نیست، بلکه به دلایلی، غرب به جامعه ایران بیشتر از دیگر جوامع، هجوم فرهنگی کرده است. ازاین رو، برای درک بهتر دگرگونی های فرهنگی در جامعه و برنامه ریزی برای بهبود شرایط فرهنگی، ضروری است که ریشه های فرهنگ غرب، نقاط قوت و ضعف آن و موارد انطباق داشتن یا نداشتن آن با فرهنگ اسلامی شناسایی شود.

یکی از پرجلوه ترین نمودهای تفاوت فرهنگ امروز غرب با فرهنگ اسلامی، مسائل مربوط به روابط زن و مرد و دختر و پسر است. این امر، بسیاری از افراد را شیفته خود ساخته و بسیاری دیگر را نیز به موضع گیری و نقد فرهنگ خودی واداشته است. ازاین رو، در این بخش می کوشیم به مهم ترین ریشه ها و اصول نظام رفتاری رایج در غرب در زمینه روابط زن و مرد و نقاط ضعف اصلی آن، اشاره کوتاهی داشته باشیم.

ص: ۱۲۱

۱– رویکردهای رایج در قرون وسطا و دوره رنسانس

دیدگاه های اندیشمندان و افراد اثرگذار غرب در جهت دهی های اجتماعی، مذهبی و فرهنگی در زمینه رفتار با جنس مخالف، معمولاً ـ در یکی از دو جهت مخالف؛ یعنی افراط و تفریط قرار می گیرد. در مسیحیت تحریف شده که قرن ها بر اروپا حاکم بود و فرهنگ رسمی و غالب اروپای قرون وسطا و دروه رنسانس بر پایه آن شکل گرفته بود، گرایش های جنسی، پست و پلید و رابطه جنسی، عملی ناپاک قلمداد می شد که باید به کلی ترک می شد؛ یعنی هر چند برای تولید مثل یا جلوگیری از گناه تجویز می گردید، ولی به هر حال عملی نامطلوب بود. در مقابل، ریاضت کشی و تجرد، امری مطلوب و مقدس دانسته می شد. البته پیش تر نیز در یونان و روم، فیلسوفان کلبی و نوافلاطونیان و دیگران، ریاضت طلبی را ترویج می کردند. بودابیان، برهماییان و هواداران مانی در ایران نیز چنین بودند.

از آغاز شکل گیری کلیسا، علت مجرد زیستن مسیح (ع)، پلیدی ذاتی زناشویی دانسته شد. در نتیجه، مقدسین مسیحی، شرط رسیدن به مقام های روحانی را آلوده نشدن به زن در تمام عمر می دانند و همواره پاپ از میان چنین افرادی برگزیده می شود.(۱) پولس مقدس گفته است:

به مجردان و بیوه زنان می گویم ایشان را نیکوست که مثل من (مجرد) بمانند، ولی اگر پرهیز ندارند، ازدواج کنند؛ زیرا ازدواج از آتش هوس

ص: ۱۲۲

۱– اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۱۰_۱۴؛ اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، صص ۲۵_۵۵.

بهتر است.(۱)

راسل می گوید:

کلیسای اولیه در مورد نظریات پولس راه افراط در پیش گرفت تا جایی که تجرد، مفهوم تقدس پیدا کرد. مردها سر به بیابان نهادند تا با شیطان درآویزند؛ حال آنکه همین شیطان، فکر و ذهنشان را با توهمات شهوانی از خود می انباشت... اشخاص شریف در قرون وسطا این غریزه را نتیجه گناه نخستین می دانستند. [به همین دلیل]، از جسم و امیال جسمانی نفرت داشتند و شادی محض و پاک را فقط در تفکرات خلسه آمیز و فارغ از هرگونه شایبه جنسی می شمردند... سن ژرم که آخرسلسله اولیای خدا بود، همیشه با لحنی مؤکد می گفت: «درخت ازدواج را با تبر تجرد از بن برکنیم».(۲)

ویل دورانت می گوید:

مبالغه کلیسا در مخالفت با میل جنسی، شاید به دلیل خنثی کردن اِعمال غرایز شدید و بی لگام بوده است؛ مثل نمایش بی عفتی در تماشاخانه های رُم، مکاتب فحشا در بعضی معابد یونانی و شرقی، سقط جنین دامنه دار، شهوت رانی طبقات عالی و... ، اما کلیسا سرانجام رویه ملایم تری نسبت به معاصی جسمانی اتخاذ کرد.(۳)

دیدگاه سرکوب غریزه جنسی، به دلیل مخالفت با طبیعت و اقتضائات واقعی وجود انسان، خود به خود محکوم به شکست است و به مشکلات

ص: ۱۲۳

۱- نیره ستوده، مقاله «بنیان های فکری اسلام و غرب در دفاع از شخصیت و حقوق زنان»، ماهنامه حوراء، ش ۴، اردی بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص۲۰.

۲- گفتار فلسفی، صص ۱۹۵ ــ ۱۹۸، به نقل از: راسل، زناشویی و اخلاق.

۳- اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص۵۲، به نقل از: ویل دورانت، تاریخ تمدن، ج۱۰، ص۱۲۶.

فراوانی می انجامد و چه بسا نتیجه عکس نیز داشته باشد، چنان که تجربه تمدن غرب این موضوع را ثابت کرده است. این رویکرد، حتی در میان راهبان و کشیشان مسیحی نیز مشکل آفرین بوده است. ویل دورانت در این باره می نویسد:

یادداشت های این مرتاضان (راهبان) مشحون است از رؤیاها و تخیلات جنسی... . به گمانشان چنین می رسید که شیاطین گردشان را گرفته و همواره در حال حمله هستند... دیوانه شدن برای راهبان، امری غیرعادی نبود.(۱)

راسل نیز می نویسد:

تعجبی ندارد وقتی ناگهان درمی یابیم که برخی راهبان عهدهای خویش (مبنی بر تجرد) را می شکنند و در زندگی ای پای می گذارند که به عنوان زندگی معصیت بار فرض شده است و در این زمینه، از مردم عادی نیز پای فراتر گذاشته و در سطح اسفل از مردم عادی فرو می روند.(۲)

همچنین یک تاریخ نویس کاتولیک در این زمینه می نویسد:

سوء اخلاق کشیشان چندان ناهنجار بود که پیشنهادهایی در لزوم ازدواج کشیشان از هر سو شنیده می شد... بسیاری از صومعه ها، وضعی بسیار اسفناک داشتند... .(۳)

پیش تر به نمونه هایی از ناهنجاری های اخلاقی و رابطه های نامشروع راهبان و راهبه ها اشاره شد. حتی امروزه نیز اعمال خلاف اخلاق کشیشان،

ص: ۱۲۴

۱- همان، ص ۶۴ ، به نقل از: تاریخ تمدن، ج ۱۰، ص ۹۹.

۲- همان، ص ۶۳ ، به نقل از: زناشویی و اخلاق، ص ۷۷.

۳- همان، به نقل از: تاریخ تمدن، ج ۱۵، ص ۷۲.

انتقادهـای فراوانی را برای کلیسـای کاتولیـک در پی دارد. وضـعیت دیگر قشـرهای جـامعه نیز در اروپـای قرون وسـطا، وضـع منـاسبی نـداشت و هرگز قـانون هـای سـخت گیرانه کلیسـا در تنظیم رابطه هـای جنسـی و جلوگیری از ناهنجـاری هـا توانـایی نداشت. از سویی، بازداشتن از رابطه های موقت، چندهمسری و طلاق، زمینه را برای گسترش بیشتر فحشا فراهم آورده بود.

ویل دورانت در این باره می نویسد:

ظاهرا مناسـبات جنسـی قبل از ازدواج و بعـد از آن (در جهان عیسوی)، به همان انـدازه رایـج بوده که از اعصار باسـتان تا قرن بیسـتم. سـیل طبیعت بوالهوس مرد، از سـیل بنـدهایی که قوانین کلیسـایی برای عوام النـاس ایجاد کرده بود، سـرازیر می شـد و برخی از زنـان نیز احسـاس می کردنـد می توان با طاعات هفتگی، کفاره لـذات شـهوانی آنی را داد... جهان عیسوی پر بود از اطفال حرام زاده و حرام زادگی که موضوع اصلی هزاران قصه مختلف گردید.(۱)

به هر حال، نبود تناسب میان باورها و هنجارهای رسـمی یا مذهبی با نیازهای طبیعی، به ایجاد تضاد درونی در افراد می انجامد و سرانجامی جز رسیدن به بن بست و از میان رفتن تعادل در زندگی فردی و اجتماعی نخواهد داشت.

در گذشـته اروپا، با وجود تمام نابسامانی هایی که در عمل وجود داشت، هنجارها و ارزش های اخلاقی به نسبت مشخصی در زمینه روابط

۱– همان، ص ۶۲ ، به نقل از: تاریخ تمدن، ج ۱۳، ص ۴۷۴.

میان زن و مرد تعریف شده بود و مرز میان روابط اخلاقی مشروع با رابطه های غیراخلاقی و نامشروع تا اندازه ای معین بود. هر چند سرپیچی از این حدود، بسیار رخ می داد، ولی غیراخلاقی بودن بعضی رفتارها تردیدناپذیر بود. برای مثال، پاک دامنی برای زنان و دختران ارزش بود؛ حتی در آغاز دوره رنسانس نیز دختران خانواده های اصیل برای حفظ عفت به ویژه پیش از ازدواج مراقبت می شدند و آنان از مردان غیر فامیل دوری می کردند و حتی در صورت از دست دادن عفت، خودکشی می کردند.(۱)

در انگلستان قرن هفدهم و در زمان حکومت کرامول اگر مردی آشکارا همسرش را می بوسید، سخت تنبیه می شد و جزای آن بوسیدن، شصت ضربه شلاق در میدان شهر بود.(۲)

در اروپا، حتی تا میانه قرن نوزدهم، بیشتر آموزش ها در مؤسسه های آموزشی و تربیتی به صورت جداگانه بود و در موارد اندکی، زنان و دختران جوان در کنار جنس مخالف و در مدرسه های مختلط آموزش می دیدند.(۳) وضع پوشش زنان و دختران و اموری از این دست نیز در

۱- فرحناز ابونیاعمران، بررسی تاریخ جرایم جنسی از دوران باستان تا کنون، ساری، نشر رنگارنگ، ۱۳۸۱، ص ۱۶۴.
۲- نک: علی رضا حسین پور، آن روی سکه بحثی درباره روابط دختر و پسر، تهران، نشر آهسته، چ ۱، ۱۳۷۹، ص ۲۱.
۳- نک: معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۲۸.

گذشته غرب با آنچه امروز دیده می شود، تفاوت داشت.(۱)

۲- رویکردهای رایج در عصر حاضر

در این قرن، ارزش ها و هنجارهایی که پیش تر در رابطه های میان زن و مرد مطرح بود، به طور محسوسی کم رنگ شد یا از اساس در آن تردید کردند. امروزه به تصویر کشیدن روابط بی ضابطه دختران و پسران و حتی روابط نامشروع میان زنان و مردان متأهل، به صورت یکی از کارهای اصلی سینما در جهان به ویژه سینمای غرب درآمده است و سکس در ادبیات و دیگر هنرها، دست مایه بسیاری از هنرمندان است.

در بیشتر کشورهای جهان، بیشتر تبلیغات مجله ها، روزنامه ها و تلویزیون ها، بر پایه گزارش های جنسی طراحی شده اند. در برخی از کشورها، هر شهر بزرگی چندین سینما دارد که تنها فیلم های سکسی را نمایش می دهند.(۲) در عصر ویکتوریا، وقتی فروید گفت گرایش های جنسی در طبیعت بشر نقش محوری و اساسی دارند، امواج گسترده ای سراسر دنیای علمی را فرا گرفت. در آن زمان، آرای فروید، نه تنها انقلابی، بلکه غیراخلاقی و شیطانی قلمداد شد، ولی پس از گذشت چند دهه، دیدگاه های مبتنی بر لغو سرکوب جنسی، زمینه ساز انقلاب جنسی در غرب شد.

۱- برای مطالعه بیشتر نک: مارتین سگالن، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵.

۲- نک: گزارش ملی جوانان ۱۷، بررسی جنسی جوانان، سازمان ملی جوانان، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۲، ج ۱، ص ۲.

این انقلاب جنسی که در دهه های ۱۹۶۰ و ۱۹۷۰ رخ داد، تعریف رفتار جنسی بهنجار را گسترده کرده است. رابطه جنسی پیش از ازدواج و حتی رفتارهایی مانند هم جنس گرایی که تا چندین سال پیش به طور پنهانی مطرح بود، امروزه آشکارا طرح می شود. بر اساس پژوهشی که مرتن هانت، در آغاز دهه ۱۹۷۰ در امریکا انجام داد، تقریبا بیشتر افراد، رفتار جنسی بدون ازدواج را امری پذیرفته می دانستند و بیش از ۷۵ درصد افراد به آموزش جنسی در مدرسه ها اعتقاد داشتند. در این پژوهش، ۷۵ درصد زنان، رابطه جنسی بدون ازدواج را گزارش کردند، در حالی که این درصد در پژوهش آلفرد کینزی که در اواخر دهه ۱۹۴۰ و اوایل دهه ۱۹۵۰ انجام گرفته است، ۴۸ درصد بود.

در تمدن جدید غربی، اخلاق جنسی که در گذشته بر آموزه های مسیحی مبتنی بود، تا حدود زیادی ضعیف شده و محدودیت ها به کلی برداشته شده است. دنیای غرب ادعا می کند که در این زمینه، ساختاری علمی بر اساس نیازهای انسان و تأمین کننده آزادی های فردی را جای گزین نظام اخلاقی و ارزشی گذشته کرده است؛ یعنی باید از هر گونه محدودیت در اعمال غریزه جنسی، جز در موارد ناسازگار با آزادی دیگران، پرهیز کرد تا از سرکوب غریزه و ایجاد عقده های جنسی دوری شود و آزادی افراد به خطر نیفتد. در نتیجه، ملاک اصلی در تجویز رابطه جنسی، تنها رضایت دو طرف خواهد بود. حتی امروزه بسیاری از روان شناسان غربی، اموری مانند هم جنس گرایی و خودارضایی را نیز اعمال طبیعی و غیر انحرافی می دانند. البته بسیاری نیز این موارد را

غیرطبیعی و زیان بار می شمارند،(۱) هر چند همه اینها بر اساس یافته های به اصطلاح علمی و تجربی است و نه اصول اخلاقی یا مذهبی.

نگاهی به آمار سقط جنین یا کودکان نامشروع در غرب می تواند تا حدودی جنبه های گسترده روابط بی ضابطه را در غرب نشان دهد. برای مثال، میزان نوزادان نامشروع در سوئد از ۱۷ درصد درسال ۱۹۷۰ به ۵۱ درصد در ۱۹۸۸ رسیده است و در سال های دهه ۱۹۸۰م، تقریبا ۱۵ درصد نوزادان اروپایی به طور نامشروع زاده شده اند، هر چند در کشورهای کاتولیک، این میزان بسیار کمتر از دیگر کشورها است. بنا بر آمارهای منتشر شده در ۱۹۹۳، هر سال نزدیک به یک میلیون دختر نوجوان امریکایی پس از آمیزش جنسی، ۴۰ درصد داوطلبانه و ۱۳ درصد به علت بیماری، اقدام به سقط جنین می کنند و ۴۷ درصد نیز فرزند نامشروع خود را به دنیا می آورند.(۲)

برای شناخت بهتر مبانی نظری نظام رفتار جنسی امروز غرب، مناسب است به اجمال، با آرای برخی نظریه پردازان روابط آزاد آشنا شویم:

۱. زیگموند فروید (۱۸۵۶م. _ ۱۹۳۹م.): وی روان شناس معروف اتریشی بود که تأثیر شگرفی در روان شناسی داشت. فروید تأکید داشت که گرایش های سرکوب شده کاملاً فراموش نمی شوند، بلکه در ضمیر ناخودآگاه به حالت بازداشت به سر می برند تا به هنگام، از ناخودآگاه نفوذ

۱- نک: همان، ص ۷؛ فردین صالحی، مؤلفه های انحراف جنسی در کودکان، قم، رازبان، ۱۳۸۱، چ ۱، ص ۹.
۲- سیمای زن در جهان امریکا، صص ۳۵ _ ۳۹.

کنند.

او نیروی محرک جنسی را «لیبیدو»(۱) می نامد و آن را شدیدترین غریزه درانسان می داند. فروید، جنسیت را بر بسیاری از عواطف و احساسات بشر حاکم می پندارد و بیشتر فعالیت هایی را که گذشتگان غیرجنسی می دانستند، برآمده از جنسیت می شمارد. به باور او، عشق مادری، محبت فرزندی، برادری، دوستی و.... در جنسیت ریشه دارند. به طور کلی، تمام ارتباط های اجتماعی میان اشخاص، یا به طور طبیعی ویژگی جنسی دارند یا دارای اصل و ریشه جنسی هستند. همچنین نمودهای مربوط به زیبایی و زیبایی شناسی، ابداع های هنری و ادبی، همه دارای عوامل جنسی بوده اند. به باور فروید، عامل بیماری عصبی این است که به یک گرایش شهوانی پاسخ داده نمی شود و همین امر، به تدریج بر قوه فاعله روحی فرد اثر می گذارد. به نظر او، به طور کلی، غریزه سرکوب شده، عامل همه ناهنجاری هاست. فروید از مذهب و تمدن به دلیل جلوگیری اش از اعمال آزادانه غریزه جنسی به شدت انتقاد می کند.(۲)

۲. برتراند راسل (۱۸۷۲م. ـ ۱۹۷۰ م.): وی که فیلسوف معروف انگلیسی است، محدودیت ها و سنت های اعمال شده در گذشته به ویژه از سوی کلیسا را مخالف طبیعت بشر می دانست و خواهان برقراری نظام ارزشی و اخلاقی جدید عملی با آزادی بیشتر بود. او آزادی روابط و

۱- libido.۴

۲- نک: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۶۶؛ گفتار فلسفی بزرگ سال و جوان از نظر افکار و تمایلات، صص ۲۰۱ ـ ۲۰۶.

برچیده شدن محدودیت ها را حتی در حد جواز رابطه با زن های شوهردار توصیه می کرد، ولی معتقد بود باید از تولد فرزند در این گونه رابطه ها جلوگیری شود.(۱)

۳. کارل مارکس (۱۸۱۷م. _ ۱۸۸۳م.) و فردریک انگلس (۱۸۲۰م. _ ۱۸۹۵م.): این دو اندیشمند آلمانی، از بنیان گذاران مارکسیسم بودند. این دو و اندیشمندان دیگری در قرن نوزدهم معتقد بودند شکل های اشتراکی زندگی باید جای گزین نمونه های سنتی خانواده شود. حتی برخی از ایده های آنان عملی شد، ولی به علت ناسازگاری با هویت انسانی و به بازی گرفتن عواطف والدین و فرزندان به زودی از جوامع بشری رخت بست. این نوع زندگی را «خانواده اشتراکی»(۲) می گویند. قدر مشترک این نوع خانواده، «روابط آزاد ومشترک میان مردان و زنان و پذیرش مسئولیت جمعی برای پرورش کودکان است»؛ یعنی همه مردان با همه زنان می توانستند رابطه داشته باشند و فرزندان احتمالی نیز فرزند همه افراد به شمار می آمد و با روش های خاصی، مثلاً در پرورش گاه ها، نگه داری و تربیت می شدند. گسترده ترین نوع این زندگی، پس از انقلاب شوروی (۱۹۱۷م.) ایجاد شد. انگلس، همکار مارکس، خانواده سنتی را سنگ بنای سرمایه داری و خاستگاه تک همسری و تک شوهری را مالکیت خصوصی می دانست و با آن مخالف بود. به نظر آنها، تنها عشق میان زن و مرد،

۱- نک: اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۷۸؛ اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۳۱ _ ۳۶.

۲- community family.۷

ملاـکی برای جواز برقراری رابطه است و برای رابطه جنسی، توافق کـافی است. پس از انقلاـب اکتبر شوروی، سیاست هـایی مانند غیردینی کردن ازدواج، برابری کامل دو جنس، ممنوع نبودن طلاق و سقط جنین را که هدف آن، آزادی زن اعلام شد، به کار گرفتند و در ۱۹۲۶ قانونی تصویب شد که در عمل، هر نوع رابطه جنسی با جنس مخالف را ازدواج تعریف می کرد و داشتن چند همسر برای زنان را جایز می دانست.

در پی پیش آمدن مشکلات اجتماعی فراوان در دهه ۱۹۳۰، استالین در سیاست رسمی کشور تجدید نظر کرد. لنین هم بعدها مخالفت صریح خود را با نظریه «خانواده اشتراکی» و «پیونـد عشق آزاد» اعلام کرد و سرانجام در ۱۹۹۴، قانونی در روسیه به تصویب رسید که ازدواج «دِفاکتو؛ یعنی پیوند غیررسمی زن و مرد» را باطل اعلام کرد.(۱)

گروه ها، جریان ها و مکتب های مختلف دیگری نیز در غرب بودند که بر روند شکل گیری اخلاق جنسی در غرب اثرگذار بودنـد؛ از جمله روان شناسان انسان گرا که مجال بحث از آنان نیست. البته بایـد توجه داشت که دیدگاه های مبتنی بر روابط آزاد، در بستر تـاریخی، فرهنگی و اجتمـاعی منـاسبی مطرح شدنـد وگرنـه نمی توانستند فرهنـگ غرب را بـه این گستردگی دگرگون کنند. گرایش به علوم تجربی و یافته های بشری، تقویت انسان محوری، فردگرایی، لذت پرستی و برتری یافتن سود و منفعت شخصی و تضعیف دین و ارزش های آن و عواملی از این دست که در

۱- نک: عبـدالرسول هاجری، مقاله «واژه نامه زنان»، ماهنامه حورا، ش ۴، اردی بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۳۵؛ اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، صص ۸۶ _ ۹۷.

نتیجه رنسانس در غرب قوت یافته بود، زمینه مناسبی را برای پذیرش این دیدگاه ها فراهم آورد.

۳- زمینه های اثرگذار بر شکل گیری نظام رفتار جنسی در غرب

اشاره

زیر فصل ها

الف) تضعیف باورهای دینی و نسبی شدن دین و اخلاق

ب) فردگرایی، دنیامحوری و اصالت سود و لذت

ج) فمینیسم و رواج اندیشه تساوی زن و مرد

د) باورها و سنت های غلط در قرون وسطا

ه‍ـ) نبود قوانین مذهبی و رسمی و هنجارهای اخلاقی ضابطه مند

و) صنعتی شدن جوامع

ز) گسترش سرمایه داری و مصرف گرایی

الف) تضعیف باورهای دینی و نسبی شدن دین و اخلاق

در اروپای پیش از رنسانس، باورهای مذهبی، مهم ترین پشتوانه اخلاق بود و قوانین مذهبی، تعیین کننده اصلی هنجارهای رفتاری به شمار می آمد. در دوره رنسانس، با تردید در باورهای مسیحی، بسیاری از آنها را نامعقول یا قابل تأویل دانستند و دین و قوانین مذهبی، در عمل، از صحنه های اثرگذار بر زندگی به حاشیه رانده شد. پایگاه سیاسی و اجتماعی کلیسا از میان رفت و اندیشمندان کوشیدند زندگی علمی و تجربی و یافته های بشری را جای گزین زندگی دینی و ایمان و تعبد مذهبی سازند. البته آموزه های نامعقول و تحریف شده مسیحیت و عملکرد نادرست کلیسا نیز در این روی گردانی، نقش زیادی داشت. به هر حال، تضعیف باورها و هنجارهای دینی و نسبی شدن دین و بی مبنا فرض شدن اخلاق، در پدید آمدن وضع فعلی در اخلاق جنسی غرب اثر مهمی گذاشت.

ب) فردگرایی، دنیامحوری و اصالت سود و لذت

همراه با تضعیف باورهای دینی در غرب، اندیشه های مبتنی بر فردگرایی و انسان محوری در برابر خدامحوری یا جامعه گرایی و نیز اصالت یافتن منافع دنیا و لذت های مادی در برابر منافع اخروی و اندیشه های ماده گرا به جای معناگرا رشد کرد. نتیجه طبیعی این امر،

گسترش شهوت پرستی و لـذت خواهی مـادی بود؛ زیرا هنگـامی که انسـان، بالاترین ارزش و لـذت قابل دست رسـی خود را لـذت های مادی بدانـد و به کلی از لذت های معنوی و منافع اخروی غافل باشد، تمام تلاش خود را جهت افزایش همین لذت ها و منافع مادی به کار خواهد بست و رسیدن به سود مادی و شخصـی را فدای هیچ چیز نخواهد کرد. بی گمان، آرای مبتنی بر روابط آزاد، امکان افزایش بهره جویی های جنسی را فراهم می آورد. ویل دورانت تصریح می کند:

میل به تنوع جنسـی، اگر چه از همان آغاز در بشـر بوده است، ولی امروزه به سـبب اصالت فرد در زندگی نو و تعدد محرکات جنسی در شهرها و تجاری شدن لذت جنسی، ده برابر گشته است.(۱)

ج) فمینیسم و رواج اندیشه تساوی زن و مرد

آگوست کنت (۱۸۵۷ م.) و جـان اسـتوارت میل (۱۸۶۹ م.)، اندیشـمندانی بودنـد کـه نظریه برابری زن و مرد را در چـارچوب حقوق فردی و اومـانیستی مطرح کردنـد. بر پایه این انـدیشه ها، از قرن نوزدهم میلادی، نهضتی در غرب آغاز شـد که تساوی زن و مرد را در تمام شـئون زنـدگی و حقوق و وظایف خواسـتار بود و هواداران زیادی نیز پیـدا کرد. فمینیسم با تأیید شـباهت کامل زن و مرد، نظریه «دگرگونی الگوهای ارزشـی و رفتاری زن و مرد و اهمیت انسان بودن به جای زن یا مرد بودن» را تبلیغ کرد. در نتیجه، تسـاوی زن و مرد را در کـار، آموزش، لبـاس و رفتـار اجتماعی گسترش داد. همچنین در افزایش اختلاط زن و مرد و از میان رفتن

۱- نک: «جوانان و روابط»، به نقل از: لذت فلسفه، ص ۷.

هنجارهای رفتاری در روابط جنسی زن و مرد اثر فراوانی گذاشت.(۱)

از سوی دیگر، حضور گسترده زنان در محیط های کار، استقلال مالی زنان از شوهران و تلاش برای از میان بردن جایگاه های مرسوم زن و مرد در خانواده که مادری و پرورش فرزنـد و اداره امور خانه را وظیفه ای ارزشـی برای زن و مـدیریت خانواده و تـأمین نیازهـای اقتصـادی را بر عهـده مرد می دانست و همچنین برابری زن و مرد در تمام حقوق؛ماننـد حق درخواست طلاق، حضـانت اطفـال و غیره، نظـام خانواده را در غرب به شـدت تحت تأثیر قرارداد. این وضـعیت، وابسـتگی افراد خانواده به محیط خانه و روابط عاطفی را به چالش کشـید و بنیان خانواده ها را متزلزل ساخت. سـستی بنیان های خانوادگی نیز به طور طبیعی به روابط بدون ضابطه زن و مرد در محیط های مختلف و خارج از چارچوب خانوادگی دامن زد.

د) باورها و سنت های غلط در قرون وسطا

همان گونه که گذشت، بی اعتنایی به نیازهای جنسـی و پلید دانستن این گرایش ها در قرون وسطا، زمینه را برای تغییر افراطی این رویکردها فراهم آورد. استفان تسویک می گوید:

نبایـد فراموش کرد که فرویـد در عصـری تعالیم خویش را آغاز [کرد] که به طور کلی، غریزه جنسـی را غیر مهم می گرفتند و نسبت به آن، با نظر تردیـد نگاه می کردند. پس افراط کاری فروید، در حقیقت، عکس العملی است نسبت به معتقدات زمان خودش و اگر

۱- نک: معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، صص ۲۶ و ۲۷.

در این زمینه افراط کرده است، برای این بود که بدین وسیله سدّ عظیمی را بشکند.(۱)

افزون بر اینها، باورها و رسم های نادرست دیگری نیز بر سر راه ازدواج قانونی، مانع ایجاد می کرد، به گونه ای که در اروپای قرون وسطا، سن ازدواج بسیار بالا و شمار مجردان بسیار زیاد بود. یکی از قوانین ازدواج در اروپای قرون وسطا، شرطِ داشتن امکان تأمین زندگی بود. فرزندان کشاورزان در زمان حیات پدر و رئیس خانواده و پیش از آنکه مالک زمین های کشاورزی مستقلی شوند، حق ازدواج نداشتند و افراد مجبور بودند سال ها با بی همسری سپری کنند و گاهی نیز به پدرکشی دست می زدند.(۲) در بسیاری از شهرهای اروپایی به ویژه در آلمان، حتی تا قرن هجده، از ازدواج افراد فقیر جلوگیری می شد و دادن مقداری پول، مانند دویست فلورین در روستا و سیصد فلورین در شهرها یا اموال غیرمنقول، شرط اساسی برای ازدواج بود. در نتیجه، سن ازدواج برای مردان ۲۷ _ ۲۸ سالگی و برای دختران ۲۵ _ ۲۶ سالگی بود.(۳)

ه_) نبود قوانین مذهبی و رسمی و هنجارهای اخلاقی ضابطه مند

در دنیای مسیحی، بسیاری از احکام و قوانین مذهبی، ملاک مشخصی ندارد؛ زیرا در مسیحیت برخلاف اسلام، متون وحیانی و روایت ها و سیره

۱- گفتار فلسفی، ص ۲۰۰.

۲- جامعه شناسی تاریخی خانواده، صص ۱۲۷ _ ۱۶۰.

۳- مجید شرقی شهری، پایان نامه «تأثیر ازدواج موقت در کاهش جرایم جنسی»، دانشگاه آزاد نراق، ۱۳۸۰، ص ۴۹.

قطعی وجود ندارد که بتوان آن را مبنای احکام شرعی قرار داد. در طول تاریخ مسیحیت، بیشتر قوانین و هنجارهای مسیحی، بر اساس برداشت ها و سلیقه های شخصی اربابان کلیسا و نظر شورای کلیسا، تعیین و ابلاغ می شد و سپس حالت تقدّس می یافت. برای مثال، در مسیحیت، هیچ نصّی در ردّ چندهمسری نیست و بنا بر شواهد گوناگون، این امر از ابتدای تشکیل کلیسا، منعی نداشته است. اکنون نیز بعضی فرقه های مسیحی، این امر را جایز می دانند، ولی در قرن شانزده میلادی، کلیسا چندهمسری را حرام دانست. همچنین شکل هایی از ازدواج موقت وجود داشته است که بعدها کلیسا جلو آن را گرفت.(۱) در عوض، وقتی جامعه با بی تعادلی و مشکلات فراوان و گسترش تجاوز و روابط جنسی نامشروع روبه رو شد، برخی کشیشان و اسقف های مسیحی، قانونی کردن فحشا و تأسیس فاحشه خانه را برای جلوگیری از گسترش تجاوز جنسی جایز دانستند.

درباره حکم طلاق در غرب نیز همین آشفتگی وجود دارد. در مسیحیت، نخست، کلیسای کاتولیک با طلاق جز در صورت رخ دادن زنای محصنه، مخالف بود، ولی در قرن دوازدهم، با استناد به این قول مسیح که: «اتحادی را که خداوند به وجود آورده، بندگان قادر به جدایی آن نیستند»، حتی در زنای محصنه، حق طلاق را برداشتند. در قرن

۱- ابوسریع محمد عبدالهادی، حکم الاسلام فی زواج المتعه، قاهره، دارالذهبیه، بی تا، ص ۲۶؛ الزواج عند العرب فی الجاهلیه و الاسلام، ص ۲۲۲؛ دورنمای حقوقی ازدواج موقت، ص ۳۷.

شانزدهم، در کشورهای پروتستان، به طلاق در این زمینه اجازه دادند.(۱) پولاک که در زمان ناصرالدین شاه قاجار از ایران دیدن کرده بود، در سفرنامه اش می نویسد:

در مشرق زمین، کار ازدواج برای هر کسی سهل است... از آن گذشته، سهولت طلاق، دیگر اقدام به ازدواج را در دیده مردم مانند اروپا، کاری چنان مشکل جلوه نمی دهد. پس می توان فهمید که چرا از پیردختران و پیرعزب ها که این روزها در کشورهای متمدن، گروه گروه از آنها دیده می شود، در ایران خبری نیست.(۲)

همچنین در فرهنگ اروپای مسیحی درباره روابط جنسی، مرزها کاملاً مشخص نبود و احکامی مانند حجاب، حرام بودن نگاه و لمس کردن، به صورت دقیق و مستحکم وجود نداشت. در نتیجه، روابط، نامتعادل، مشکل آفرین و در معرض انحراف بود. راسل در این باره می نویسد:

چیز غریبی است که نه کلیسا و نه افکار جدید اجتماعی، هیچ کدام معاشقه های جنسی را به شرطی که از حد کوتاه و معینی پیش تر نرود، سرزنش نمی کنند. اینکه گناه از چه حدی به بعد شروع می شود، امری است که صاحب نظران در آن اختلاف نظر دارند.(۳)

بی گمان، وقتی یک نظام رفتاری بر قوانین و احکامی مبتنی باشد که نتیجه اندیشه های بشری و سلیقه های شخصی و یک جانبه نگرانه و گاه

ص: ۱۳۸

۱- نک: محمدرضا مجیدی، پایان نامه «روابط زن و مرد در دین اسلام، مسیح، یهود»، تهران، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران، ص ۸۵ .

۲- نک: میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت تاریخ نویسان فرنگی، تهران، نشر آفرینش ــ روزگار، ۱۳۷۹، ص ۱۷۷.

۳- جوانان و روابط به نقل از: برگزیده افکار راسل، ص ۱۲۳.

نامعقول اربابان کلیسا است و هنجارهای استوار و حکیمانه نداشته باشد، نمی تواند مصالح فرد و جامعه را به درستی پاس دارد و چندان دوام نمی یابد.

و) صنعتی شدن جوامع

انقلاب صنعتی در اروپا در نیمه قرن هجدهم میلادی، مسائل جدیدی مانند مهاجرت به شهرها برای کار در کارخانه ها، تشکیل خانواده های هسته ای و کوچک در شهرها، کار زنان در کارخانه ها و آزادی آنان در فعالیت های اجتماعی و نیز استقلال مالی و اجتماعی زنان را در پی داشت. این عوامل، به اختلاط بیشتر میان زن و مرد، ضعیف شدن نظارت اجتماعی و محلی در شهرها، ایجاد فرهنگ جدید در روابط زن و مرد و فروپاشی خانواده ها انجامید. همچنین تخصصی شدن کار در جوامع صنعتی و نیاز به تحصیل طولانی مدت و تخصصی برای کار، زمینه ساز بالا رفتن سن ازدواج و افزایش مشکلات غریزی جوانان شد. همه این عوامل، زمینه را برای تجویز روابط آزاد و روابط پیش از ازدواج و تغییر نظام رفتار جنسی در غرب فراهم کرد.

ز) گسترش سرمایه داری و مصرف گرایی

سرمایه داری از سویی، زنان را برای استفاده بیشتر از نیروی کار ارزان، به حضور در محیط های کار فرا می خواند و از سوی دیگر، با بهره برداری تجاری و تبلیغاتی از جاذبه های جنسیتی زنان، تحریک های جنسی را در تمام جامعه گسترش می داد. افزون بر این، با تشویق به مصرف گرایی و ارضای فوری همه نیازها و هوس ها، به گسترش بی بندوباری در تمام امور حتی در امور جنسی کمک بسیاری می کرد.

ص: ۱۳۹

اریک فروم، روان شناس معروف در این باره می نویسد:

بدون فروید هم جامعه سرمایه داری به این وضع می افتاد؛ زیرا در این جامعه، دایما نسبت به ارضای همه هوس ها و مصرف بیشتر تشویق می شود.(۱)

نقد و بررسی

آرای مبتنی بر سرکوب غریزه یا کمونیسم جنسی به دلیل هم خوانی نداشتن با فطرت انسانی، بسیار ناکارآمد و غیرواقعی هستند، چنان که تجربه تاریخی نیز این مطلب را ثابت کرده است. رابطه های آزاد آن گونه که در آرای راسل و دیگران مطرح شده است و کشیده شدن دامنه تحریک و ارضای جنسی به سطح اجتماع، از چند جنبه قابل نقد و بررسی است. شاید مهم ترین اصول اخلاق جنسی در غرب را بتوان چنین بیان کرد:

۱. آزادی هر کس تا آن جا که بر هم زننده آزادی دیگران نباشد، باید حفظ شود؛

۲. سرکوب غریزه ها به ویژه غریزه جنسی سبب حرص و افزایش رغبت و بی تعادلی در انسان می شود. از سوی دیگر، برآورده شدن و اشباع غریزه ها، به آرامش و تعادل فردی و اجتماعی می انجامد.

از هر دو اصل که یکی، فلسفی و دیگری، اصلی روانی است، این نتیجه برمی آید که باید هر گونه ممنوعیتی در مسیر ارضای غریزه جنسی لغو و برای برقراری روابط جنسی، تنها به رضایت دو طرف بسنده شود. بر همین اساس، جلوگیری از رفتارهای جنسی در محیط های اجتماعی نیز

۱- اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، ص ۱۲۱.

نوعی محدودیت و سلب آزادی افراد شمرده می شود.

درباره نقـد اصل آزادی بایـد گفت آنچه آزادی و گرایش های انسان ها را محدود می کند، مصالح واقعی افراد است، نه میل افراد دیگر. چه بسـا فردی بخواهـد مصالـح واقعی خودش یـا دیگران را به خطر انـدازد، ولی این کـار بـا خواسـته های دیگران تعارض پیـدا نکنـد. وجود خود ما و دیگران از خـداست و خداونـد حتی اجازه آسـیب رساندن به خودمان را نداده است. پس بایـد میزانی از آزادی را که تـأمین کننـده مصالـح واقعی فرد و اجتمـاع باشـد، شـناخت و آن را محترم شـمرد. به بـاور ما، تنها خداوند می تواند با علم جامع خود، میزان این آزادی را معین سازد.

اصل دوم که می گوید سرکوبی غرایز و گرایش ها به ویژه غریزه جنسی، زیان ها و مشکلات فراوانی در پی دارد و موجب بر هم خوردن تعادل روانی می شود، مطلبی درست و مهم است، ولی بی گمان، این سـخن که برای جلوگیری از سـرکوب غریزه ها سفارش می شود هرگونه محدودیتی درباره روابط جنسی باید از میان برداشته شود، اشتباه است.

داشـتن رابطه های بی ضابطه و کشـیده شدن دامنه تحریک و ارضای جنسـی به محیط های اجتماعی، افزون بر ایجاد مشکلات فراوان، مانند زایش فرزندان نامشـروع و بی پدر و سـست شدن بنیان های خانواده، موجب ایجاد عطش جنسی کاذب و التهاب و هیجان های تمام نشدنی و احساس محرومیت همیشگی در افراد می شود و امنیت روانی فرد و اجتماع را به

خطر می اندازد.(۱) پیش تر نیز اشاره شد که میل جنسی همانند میل به جاه طلبی و ثروت اندوزی، می تواند به عطش کاذب و سیری ناپذیر در وجود انسان تبدیل شود.

وقتی محرک های جنسی در اجتماع زیاد باشد، افراد پیوسته در معرض تحریک های عصبی خواهند بود و امکان ایجاد این عطش سیری ناپذیر و احساس محرومیت دایمی و مشکلات روانی مختلف در این شرایط بیشتر می شود، به ویژه اگر فرد، ماده گرا و دنیاپرست باشد و از لذت های معنوی و اخروی به کلی غافل باشد و بالاترین کمال ممکن را دست یابی به همین لذت های مادی بداند. انسان، بی نهایت خواه و خواهان کمال مطلق است و نمی تواند روح تشنه خود را سیراب سازد. بنابراین، همواره با تنوع جویی در تجربه های جنسی و افراط در این زمینه، در ارضای روانی خود خواهد کوشید، ولی این امر ناشدنی است؛ زیرا انتظار لذت مطلق و کمال بی نقص از دنیا و امور دنیوی، انتظاری بجاست و این شهوت رانی ها نتیجه ای جز افزایش عطش و احساس ناکامی و تبدیل شدن انسان به موجودی بی اراده و بوالهوس نخواهد داشت.

از همین رو، با وجود آزادی ها و امکان فراوان ارضای جنسی در دنیای امروز، آمار ناهنجاری هایی مانند تجاوز به عنف، سوءاستفاده جنسی از کودکان، زنای با محارم و هم جنس بازی در غرب در حال افزایش است.

۱- نک: اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، صص ۳۸ ـ ۸۳. برای مطالعه بیشتر درباره آزادی و حدود آن نک: الف) دین و آزادی؛ ب) معارف قرآن (بخش مربوط به انسان شناسی)؛ ج) حقوق و سیاست در قرآن، ج ۱، از آثار محمدتقی مصباح یزدی.

آزادی جنسی در غرب هرگز نتوانسته است حتی بیماری هایی مانند سادیسم (ارضای جنسی با تحمیل درد و خشونت نسبت به دیگران) و مازوخیسم (ارضای جنسی با تحمیل درد نسبت به خود) را که روان شناسان، خاستگاه اصلی آن را محرومیت های جنسی می دانند، مهار کند.

افزون بر اینها، آزادی روابط، خانواده و نسل را در خطر فروپاشی قرار می دهد. راسل برای حل این مشکل پیشنهاد می کرد که زن باید ملزم شود در رابطه جنسی با مردانی غیر از شوهر قانونی اش، از بچه دار شدن جلوگیری کند تا فرزندان، ناشناس و بلاتکلیف زاده نشوند، ولی او برای این الزام، هیچ گونه تضمینی را مشخص نمی کرد که زن از مردان مورد علاقه اش بچه دار نشود و او را به شوهر خود تحمیل نکند.

امروزه با وجود ابزارهای جلوگیری از بارداری، آمار سقط جنین و زایمان ها و فرزندان نامشروع و مادرانی که پدر فرزند خود را نمی شناسند، هر روز رو به افزایش است. افزون بر این، اساسا روحیه زن با داشتن چندین رابطه، سازگار نیست و زنان در جوامع مختلف از این مسئله کمتر استقبال کرده اند، به خلاف مردان که برای داشتن رابطه های زیاد، گرایش نسبی دارند.

مشکل دیگر این است که اگر زن با چندین مرد رابطه داشته باشد، دیگر عاملی برای حفظ خانواده باقی نمی ماند؛ یعنی همیشه این امکان هست که زن، خانواده را ترک کند و با مرد دیگری زندگی کند و در عمل، زن و شوهر جدا از هم زندگی کنند، به ویژه آن که مردان در رابطه با زن، تمامیت خواه هستند. بدیهی است در چنین محیط خانوادگی سست و

متزلزلی، نه نیازهـای عـاطفی زن و شوهر تـأمین می شود و نه امکـان پرورش فرزنـدان و تـأمین نیازهای جسـمی و روحی آنان فراهم می آیـد. در واقع، چنین خـانواده ای با خانواده کمون که زاییـده کمونیسم جنسـی بود، فرق چنـدانی نـدارد؛ یعنی دیگر خانواده ای وجود نخواهد داشت و مهم ترین نهاد اجتماعی که فراهم کننده اساسـی ترین نیازهای جسمی و روحی افراد است، فرو خواهد پاشید. بنابراین، تجویز داشتن چندین رابطه حتی برای زنان شوهردار، امری کاملاً نامعقول و برخلاف مصالح فرد و اجتماع است.

۴- تفاوت های اصلی نظام رفتار جنسی در اسلام و غرب

مهم ترین تفاوت ها و مزیت های نظام رفتار جنسی اسلام با نظام رفتار جنسی در غرب را می توان چنین برشمرد:

الف) نهـادینگی درونی باورها و گرایش های مبتنی بر خـداباوری، آخرت گرایی و گرایش به لـذت های معنوی و شـناخت و بهره مندی به اندازه از لذت های مادی، در کنار بهره مندی درست از آنها؛

ب) کاسـتن از تحریـک هـا و زمینه های رفتار جنسـی در محیط های اجتماعی و منحصـر کردن دامنه تحریک و ارضای روابط فردی زن و مرد در محیط های خصوصی؛

ج) جلوگیری از رابطه هم زمان زن با بیش از یک مرد؛

د) تقویت بنیان های خانوادگی.

اسـلام با وضع قوانینیماننـد حجاب و پرهیز از رفتارهای محرک و تماس ها و نگاه های لـذت جویانه و اختلاط های بی مورد میان زن و مرد، از محرک های جنسی در سطح اجتماع می کاهد و زمینه آرامش روحی افراد و

جلوگیری از هیجان ها و التهاب های روانی و سالم سازی محیط های اجتماعی را فراهم می آورد و زمینه های انحراف جنسی را تا حدود زیادی از میان می برد.

اسلام، ایجاد رابطه های مشروع میان زن و مرد را با جایز شمردن ازدواج برای همگان، متناسب با شرایط مختلف و در حد نیازهای طبیعی افراد، آسان می کند و زمینه ارضای مطلوب گرایش های جنسی و جلوگیری از سرکوب غریزه ها را فراهم می آورد، ولی از رابطه هم زمان زن با بیش از یک مرد جلوگیری می کند. این امر از اختلاف های میان مردان برای تصاحب زنان و تعرض به زنان شوهردار و نیز زاده شدن فرزندان ناشناس و بلاتکلیف جلوگیری می کند و زمینه ساز استحکام بنیان خانواده می شود.

همچنین به این وسیله، داشتن چندین رابطه برای مردان نیز بسیار کمتر می شود؛ زیرا به طور طبیعی، هر زنی به یک مرد اختصاص می یابد مگر اینکه شمار زنان بیش از مردها باشد که آن نیز چندان قابل ملاحظه نخواهد بود. در عین حال، مردانی که از نظر غریزی تأمین نمی شوند، امکان داشتن چندین رابطه و ارضا شدن نیازهای غریزی را ـ با رعایت شرایط لازم ـ خواهند داشت.

اسلام برای حفظ کانون خانواده، تدبیرهای مهمی دارد که مجال بررسی آنها نیست. در اینجا تنها اشاره می شود که یکی از مهم ترین عوامل فروپاشی ساختار خانواده در غرب، ترویج اندیشه های فمینیستی و تساوی حقوق زن و مرد است. اینکه مرد و زن، هر دو، خود را مدیر خانواده بدانند و هر دو حق تقاضای طلاق داشته باشند و از استقلال مالی برخوردار باشند، نقش مهمی در فروپاشی خانواده در غرب دارد. روحیه

ص: ۱۴۵

خودخواهی و فردمحوری نیز در غرب به این عوامل کمک کرده است. در مقابل، احکام، آموزه ها و ایمان دینی اسلامی و تعهد اخلاقی در تربیت فرزندان، بسیاری از مشکلات جامعه اسلامی را از بین می برد، به گونه ای که در نتیجه این تدبیرهای دقیق، از بسیاری هوس رانی ها و سوءاستفاده های احتمالی از آزادی های مشروع، جلوگیری می شود.

ص: ۱۴۶

بخش چهارم: روابط در جامعه ایران و راه کارهای اصلاحی آن

اشاره

زیر فصل ها

فصل اول: روابط در جامعه ایران

فصل دوم: راه کارهای اصلاحی

فصل اول: روابط در جامعه ایران

اشاره

در این فصل کوشیده ایم رویکردهای اصلی تنظیم رابطه در جامعه ایرانی و مشکلات ساختاری و آسیب های موجود در این زمینه را به اختصار بررسی کنیم. برای این منظور، نخست، به وضعیت روابط در دوره های گذشته اشاره ای خواهیم داشت، سپس رابطه های جنسی در عصر حاضر و میزان سازگاری آن با آموزه های اسلامی را بررسی می کنیم.

۱- روابط در دوره های گذشته

اشاره

زیر فصل ها

الف) ایران پیش از اسلام

ب) از صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار

ج) از اواخر دوره قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی

د) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

الف) ایران پیش از اسلام

روابط زن و مرد و دختر و پسر در تمام دوران های تاریخی، حتی پیش از اسلام، ضابطه و محدودیت های ویژه ای داشت. ایرانیان باستان، جز برخی گروه های محدود، مانند پیروان مزدک که در دوره ای به زندگی اشتراکی جنسی معتقد بودند، همه بر ازدواج و حفظ اصالت خانوادگی و پرهیز از زیان دیدن شرافت خونی تأکید داشتند. در زمینه رابطه های

اجتماعی نیز در بیشتر دوره ها، بر جلوگیری از اختلاط میان دو جنس به ویژه در خانواده های اصیل و طبقات بالای اجتماعی تأکید می شد.(۱)

به پوشش و حجاب زنان محترم نیز توجه ویژه ای می شد. در ایران پیش از اسلام، زنان از چادر استفاده می کردند و برای زنان و دختران، نگه داری حریم خویش از بیگانگان، ارزش بود و عملی شرافت مندانه به شمار می آمد. سروده های شاهنامه نیز نشان می دهد پوشیده بودن زن مایه افتخار بوده است:

ز پرده برون کس ندیده مرا ***نه هرگز کس آوا شنیده مرا

در جایی دیگر، منیژه خود را چنین توصیف می کند:

منیژه منم، دخت افراسیاب ***برهنه ندیده سرم آفتاب(۲)

به هر حال، حفظ حریم و رعایت هنجارهای ویژه در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر در ایران پیش از اسلام، امری رایج بود که شاید انگیزه اصلی آن، حفظ نسب ها و اصالت خونی و شرافت خانوادگی باشد که در ایران باستان، اهمیت بسیاری داشت.

ب) از صدر اسلام تا اواسط دوره قاجار

پس از گسترش اسلام در ایران، فرهنگ غالب، بر اساس برداشت هایی از آموزه های اسلامی شکل گرفت. البته این فرهنگ، از برخی افراط و تفریط ها و اثرپذیری های قومی و بومی و امور خلاف اسلام نیز خالی نبود. در این فرهنگ، تلاش می شد دختر و پسر و زن و مرد نامحرم، از

۱- نک: علی اکبر مظاهری، خانواده ایرانی، ترجمه: عبدالّله توکلی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷.

۲- معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۹۱.

هم جـدا باشـند و اختلاط میان نامحرمان کاهش یابد. زنان به کارهای خانه می پرداختند و محیط بیرون از خانه، تقریبا محیطی مردانه بود. بیشتر زنان محترم و آزاد، با حجاب کامل و با چادر و روبند از خانه بیرون می آمدند و از برخوردهای غیرضـروری و ارتباط با نامحرمان پرهیز می کردند. حتی این مراقبت ها و جداسازی ها گاهی حالت افراطی به خود می گرفت، به گونه ای که دختر و پسـری که با هم ازدواج می کردند، در بسیاری موارد تا هنگام زناشویی، حق دیدن یکدیگر یا صحبت کردن با هم را نداشتند. این در حالی است که اسلام سفارش می کند دختر و پسر پیش از ازدواج، یکدیگر را ببینند.

همچنین درباره عفت زنان و دختران حساسیت زیادی وجود داشت. در دوره هایی، برخی خانواده ها، پسر و دختر را در سنین پـایین و نزدیـک بلوغ، به ازدواج یکـدیگر درمی آوردنـد و در بسـیاری دوره هـا، در کودکی برایشان نامزد معین می کردنـد. ازاین رو، در ازدواج ها، بیشتر نظر خانواده ها ملاک بود تا نظر دختر و پسـر. ازدواج در سنین پایین، جداسازی دو جنس و کم بودن اختلاط میان زن و مرد، در عمل سـبب می شـد زمینه های روابط میان دختران و پسـران بسـیار کمتر باشـد. در این دوره، چندهمسری در میان مردان ثروتمند رواج نسبی داشت و ازدواج دوباره زنان بیوه و مطلقه، به راحتی صورت می گرفت.

به طور کلی، در میـان همه قشـرها و زنـان محترم و آبرومنـد، رعـایت عفت و پوشـش اسـلامی و پرهیز از ارتبـاط با نامحرمان، ارزش بود. بـا وجود تمـام فراز و نشـیب هـا، این فرهنـگ تـا اواسط دوره قاجاریه که جامعه ایرانی به تدریـج با فرهنگ مغرب زمین آشنا شد، بر ایران حاکم بود و

رقیبی برای آن وجود نداشت.(۱)

ج) از اواخر دوره قاجار تا پیروزی انقلاب اسلامی

اولین نشانه های دگرگونی های فرهنگی و گرایش به فرهنگ غرب در روابط زن و مرد را می توان از میانه های دوره قاجار در ایران پی گرفت. ناصرالدین شاه پس از بازگشت از سفر فرنگ، به زنان دربارش دستور داد به تقلید از زنان اروپایی، دامن کوتاه بر تن کنند.

استاد غلام حسین مصاحب درباره تاریخچه حجاب از قول آدام اولشگر می نویسد:

زنان ایرانی هرگز در کوچه ها روگشاده نمی روند، بلکه در حجاب سفیدی مستورند که تا زانو پایین می آید و فقط شکافی در مقابل چشمان خود باز می گذارند تا بتوانند پیش پای خود را ببینند.

در دوره فتح علی شاه قاجار و پس از آن، چادر خارج از خانه به رنگ سیاه یا بنفش بود که آن را روی چاقچور به سر می کردند و صورت را با روبنده می پوشانیدند. پس از مسافرت ناصرالدین شاه به فرنگ، دگرگونی هایی در لباس زنان ایرانی روی داد، ولی چادر و چاقچور باقی ماند.

پس از کشف حجاب در سال ۱۳۱۴، به سر کردن چادر خارج از خانه نزد زنان روشن فکر به کلی و دیگر زنان با توجه به زمان و مکان و طبقه

۱- نک: الف) بنفشه حجازی، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تا عصر صفوی)، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶؛ ب) بنفشه حجازی، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)، تهران، نشر قصیده سرا، ۱۳۸۱؛ ج) بشری دلریش، زن دوره قاجار، دفتر مطالعات دینی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، تهران، ۱۳۷۵؛ د) میترا مهرآبادی، زن ایرانی به روایت سفرنامه نویسان فرنگی؛ هـ) علی اکبر مظاهری، خانواده ایرانی؛ و) مرتضی راوندی و دیگران، تاریخ اجتماعی ایران.

اجتماعی، کم و بیش از میان رفت.(۱)

از نشانه های دیگر این تغییر فرهنگی، تغییر شیوه های زناشویی و شرایط و ویژگی های ازدواج بود. دالمانی که در عصر مظفرالدین شاه در ایران بوده است، می نویسد:

سابق بر این، تعدد زوجات در میان بزرگان و ثروت مندان معمول بود، ولی مدتی است که این رسم تا اندازه ای متروک شده و قناعت کردن به یک زن تقریبا در تمام طبقات اجتماعی عمومیت پیدا کرده است.(۲)

احمدشاه به تقلید از اروپاییان به یک زن ــ البته زن رسمی ــ قناعت کرد. بلوشر نوشته است:

رضا شاه به دو زن بسنده کرد. در اوایل زمان رضا شاه، تعدد زوجات کاهش یافت. بر طبق آنچه از منابع موثق شنیدیم، در تهران با جمعیتی در حدود ۲۵۰ هزار نفر، فقط هزار مرد بودند که دو زن داشتند.(۳)

محمد شاه قاجار در ژوئن ۱۸۴۸م. به پیمان منع خرید و فروش برده که در ۱۸۱۵م. در وین اتریش میان دولت های بزرگ منعقد شده بود، پیوست، ولی تا زمان مشروطه، در عمل، خرید و فروش کنیز در ایران رواج داشت. با فشارهای بین المللی، پس از مشروطه، اندک اندک تملک کنیز در ایران لغو شد.(۴) بر اساس پژوهشی در سال ۱۳۳۹ در تهران، سی

۱- معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، ص ۹۰، به نقل از: غلام حسین مصاحب، دایره المعارف فارسی، ص ۷۸۷.

۲- زن ایرانی به روایت تاریخ نویسان فرنگی، ص ۲۵۰.

۳- همان، ص ۲۵۵.

۴- ناصرالدین صاحب الزمانی، جوانی پررنج، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۴، ص ۲۷۶.

سال پیش از آن (یعنی اوایل دوره رضا شاه)، میانگین سن ازدواج برای دختران ۱۳ سال و برای پسران ۱۷ سال بوده است، در حالی که در سال ۱۳۳۹، این سن در تهران برای دختران به ۱۸ و برای پسران به ۲۲ سال رسیده بود.(۱)

پس از روی کار آمدن سلسله پهلوی، با نفوذ بیشتر فرهنگ غرب و تلاش روشن فکران غرب زده، راه کارهای آسان و مشروع برقراری روابط، مانند ازدواج موقت، بد معرفی شد. در عوض، تلاش گسترده ای برای رواج دادن روابط آزاد و نفی هنجارهای شرعی و عرفی در روابط زن و مرد صورت گرفت. دکتر صاحب الزمانی در سال ۱۳۴۰؛ یعنی میانه دوره پهلوی دوم چنین می نویسد:

طبق نظرسنجی ها از دختران دبیرستانی، دختران در سن ۵/۱۴ سالگی، رابطه با پسران قبل از زناشویی (ازدواج) را همگی بد می دانند، ولی در سن ۵/۱۵ سالگی، ۲۶ درصد خواستار این آشنایی بودند و در سن ۱۹ سالگی، کسی با اصل آشنایی مخالف نبوده و فقط با بی بندوباری مخالف بوده اند.(۲)

هر چند جامعه در برابر این دگرگونی ها مقاومت می کرد، ولی تأثیر این دوره در تغییر فرهنگ جامعه و هنجارشکنی و ایجاد هنجارهای جدید غربی انکارناپذیر است. از این نظر، شاید رخداد کشف حجاب را بتوان نقطه عطفی در تاریخ دگرگونی های فرهنگی ایران به شمار آورد.

حسین مکّی درباره رویداد کشف حجاب می نویسد:

۱- همان، ص ۲۴۹.

۲- همان، ص ۲۴۴.

در تاریخ ۱۲/۴/۱۳۱۴، مردم ایران در اعتراض به کشف حجاب، در مسجد گوهرشاد (مشهد) تحصن کردند و عده زیادی به خاک و خون کشیده شدند، ولی رضاخان در ۱۷ دی ماه به طور رسمی با حاضر کردن بدون حجاب ملکه و دخترانش در دانش سرای مقدماتی تهران، آن را به مرحله اجرا گذشت و چند روز بعد با زور سرنیزه، به عملی کردن کشف حجاب پرداخت.(۱)

در دوره محمدرضا پهلوی نیز با استفاده از سینما، تلویزیون، آموزش و پرورش و دیگر امکانات فرهنگی و با ایجاد مراکزی مانند «کاخ جوانان»، تلاش حساب شده ای برای مبارزه با احکام اسلامی و ترویج فرهنگ غرب در زمینه روابط جنسی دختر و پسر و زن و مرد صورت گرفت. در این دوره، فرهنگ رایج در ایران در زمینه روابط دختر و پسر و زن و مرد، به دوگانگی فرهنگی دچار شد، به گونه ای که جوانان و حتی خانواده های بسیاری به ویژه در شهرهای بزرگ، گرفتار تجددمآبی و الگوبرداری از فرهنگ غربی شدند و از فرهنگ سنتی و هنجارهای اسلامی فاصله گرفتند. البته بسیاری از مردم با پافشاری بر حفظ سنت ها و هنجارهای اسلامی، در برابر دگرگونی های فرهنگی مقاومت کردند. در نتیجه، برای مثال، در یک خانواده، برخی افراد به ویژه بزرگ ترها کاملاً ـ به اخلاق مذهبی و سنتی پای بند بودند، ولی برخی دیگر همچون فرزندان، فرهنگ رسمی تبلیغ شده از سوی نهادهای حکومتی را می پذیرفتند و به اخلاق برگرفته از فرهنگ غربی می گراییدند. این وضع تا پیروزی انقلاب اسلامی ادامه داشت.

ص: ۱۵۳

۱- حسین مکّی، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، ۱۳۶۳، چ ۱، ص ۲۵۲.

د) پس از پیروزی انقلاب اسلامی

پیروزی انقلاب اسلامی، دگرگونی فرهنگی بنیادین را در جامعه ایران رقم زد. در این دوره، جامعه ایران آشکارا به ارزش ها و هنجارهای اسلامی گرایش یافت و از ترویج رسمی فرهنگ و هنجارهای غربی نهی شد. خانواده هایی که پیش از انقلاب، بر حفظ ارزش های اسلامی پافشاری می کردند، از فضای ناسالم و فاسد گذشته رهایی یافتند و بسیاری از افراد به ویژه جوانان، درصدد شناخت و اجرای احکام اسلامی برآمدند. حکومت اسلامی نیز کوشید با استفاده از ابزارهای موجود به ویژه صدا و سیما و آموزش و پرورش، به تبیین و ترویج فرهنگ اسلامی بپردازد. نهادهای انقلابی با همکاری جوانان پرشور و با توجه به فضای انقلابی حاکم در جامعه، با مظاهر فساد و بی بندوباری و فرهنگ غیراسلامی در زمینه روابط زن و مرد برخورد کردند. در نتیجه، فضای حاکم در جامعه به ویژه در محیط های رسمی و عمومی، از بسیاری ناهنجاری ها فاصله گرفت و رعایت احکام شرعی در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر در محیط های اجتماعی به صورت هنجارهای عمومی و پذیرفته شده در آمد؛ یعنی با وجود برخورد قانونی یا نظارت عمومی و تنبیه های اجتماعی، مجال زیادی برای سرپیچی آشکار از این موازین وجود نداشت. البته شرایط ویژه و حماسی جامعه در سال های اول انقلاب و دوران دفاع مقدس نیز در تقویت این فضا اثر گذاشت. در آن سال ها، اگر زنی با آرایش و یا پوشش ناشایست در اجتماع حضور می یافت، بیشتر با نگاه های سرزنش آمیز مردم روبه رو می شد یا اگر مشخص می شد که دانش آموزی با فردی از جنس مخالف دوست شده است، معلمان با او

برخورد می کردند. همچنین اگر دختر و پسری به صورت مشکوک دیده می شدند، گشت کمیته یا حتی مردم عادی از آنها مدرک ازدواج می خواستند.

با وجود اقبال حقیقی و گسترده جامعه ایرانی به ارزش های اسلامی در دوران انقلاب اسلامی، هنوز بسیاری از خانواده هایی که تحت تأثیر حکومت پهلوی و فضای حاکم بر دوره طاغوت بودند، با فرهنگ اسلامی، بیگانه و شیفته آداب غربی بودند. ازاین رو، در این دگرگونی انقلابی، نتوانستند فرهنگ و عادت های پیشین خود را ترک گویند و ارزش های اسلامی را درونی کنند و با هنجارهای اسلامی سازگار شوند. این افراد به دلیل فشارها و نظارت های اجتماعی یا قانونی مجبور بودند برخی ظواهر را در محیط های اجتماعی رعایت کنند، ولی در محیط های خانوادگی و دوستانه یا هر محیطی که از محدوده نظارت های اجتماعی خارج بود، چندان به مسائل شرعی پای بند نبودند و فضای حاکم در جامعه برای آنان، تحمیلی و ناخوشایند بود.

بنابراین، رسوب فرهنگ طاغوتی پیش از انقلاب در جامعه ایران، از عوامل ایجاد ناسازگاری و دوگانگی ارزشی و فرهنگی در روابط میان زن و مرد در جامعه بوده است. شخصی که در محیط خانواده و جمع دوستان و آشنایان بر اساس فرهنگ و هنجارهای غیرشرعی رابطه برقرار می کند، در مدرسه یا محیط کار و دیگر محیط های اجتماعی، با هنجارهایی کاملاً متفاوت روبه رو می شود و به ناچار به شیوه دیگری رفتار می کند.

افزون بر این، پس از گذشت چند سال از پیروزی انقلاب، آهسته آهسته نشانه های نفوذ فرهنگی غرب نیز نمایان شد. دنیای غرب که با در

اختیـار داشـتن ابزارهـای تبلیغاتی برتر، همه دنیا را تحت تأثیر فرهنگ خود قرار داده است، برای اسـتحاله فرهنگی مسـلمانان به ویژه جامعه ایران اسـلامی، برنامه گسترده ای را اجرا می کند تا بتواند در بلند مدت، جوامع اسـلامی و انقلابی را از درون تهی کند. بی گمان، آشـکارترین تفاوت فرهنگ غرب با فرهنگ اسلام، در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر است. از همین رو، همواره این موضوع به عنوان یکی از حربه هـای اصـلی تهـاجم فرهنگی غرب علیه مسـلمانان به کـار رفته است. توزیع نوارهـا، عکس ها و مجله ها، ورود گسترده ویدئو و فیلم های مبتذل در سال های آخر دوره دفاع مقدس و پس از اتمام جنگ و بعدها رواج استفاده از ماهواره، زمینه را برای نفوذ هر چه بیشتر فرهنگ غرب در جامعه فراهم آورد. مصرف گرایی و توجه به ارزش های مادی نیز که حتی گاهی با نیت خیر و با هـدف توسـعه اقتصادی، در سال های پس از جنگ ترویـج می شد، فضا را برای گرایش بیشتر به فرهنگ غرب در جامعه آماده کرد.

تهاجم فرهنگی غرب، بر دو گروه بیشتر اثر گذاشت:

الف) افراد و خانواده هایی که بر اثر فضای انقلاب، به افرادی به نسـبت مقیّـد و حتی مـذهبی و انقلابی تبدیل شده بودند؛ ولی چون این تغییر رفتـار، سـطحی و در اثر غلبه فضای مـذهبی در جامعه بود، در پی تغییر تـدریجی فضای غالب جامعه، رفتارهای این گونه خانواده ها و افراد نیز به سرعت دگرگون شد.

ب) گروه انبوهی از جوانـان و نوجوانـان؛ یعنی نسـل سوم انقلاـب که بـا فضـای اوایل انقلاب و ارزش های آن دوره، آشـنایی چندانی نداشتند و خانواده ها نیز نتوانسته بودند در انتقال باورها و ارزش های اسلامی به آنان،

موفق عمل کنند. این گروه، به شدت در معرض تبلیغ گسترده غرب بودند که از راه های غیررسمی و زیرزمینی یا نیمه رسمی و گاه رسمی، در جامعه ترویج می شد و زرق و برق و گیرایی آن، بر قدرت خودداری ایشان چیره می گشت و بر وجدان مذهبی آنان اثر می گذاشت.

تهاجم فرهنگی و گرایش به فرهنگ غرب نیز از عواملی بود که دوگانگی ارزشی و فرهنگی را در روابط میان زن و مرد در جامعه ایران، تقویت کرد. در این زمینه، موضوعی مانند کار و حضور زنان در محیط های بیرون از خانه که پیش تر، از نظر دین داران چندان شایسته نبود و در فرهنگ گذشته ایران نیز پذیرفته نمی شد، پس از انقلاب اسلامی، از نظر مذهبی و فرهنگی پذیرفته شد.

پیش از انقلاب، زنان و دختران مسلمان تا جایی که امکان داشت، از حضور در محیط هایی که ناچار بودند با نامحرمان برخورد داشته باشند، پرهیز می کردند و اختلاط با نامحرم را مکروه می شمردند، ولی پس از انقلاب، به تدریج این فرهنگ جا افتاد که حضور زن در محیط های اجتماعی، با رعایت حجاب و احکام شرعی اشکالی ندارد و حتی در مواردی، زنان به حضور بیشتر در این محیط ها تشویق شدند. تحصیل دانشجویان دختر و پسر به صورت مختلط تجویز شد و کار زنان در اداره ها و سازمان های دولتی و خصوصی افزایش یافت. هر چند برخی از مراجع دینی مانند آیت اللّه العظمی گلپایگانی رحمه الله ، اموری مانند تحصیل مختلط دانشجویان دختر و پسر را جایز نمی دانستند، ولی در عمل، قبح این امر در جامعه ایران از میان رفت.

پس از انقلاب، جلو بسیاری از بی بندوباری ها و روابط آزاد گرفته شد،

ص: ۱۵۷

مراکز فحشا برچیده گشت و زمینه برای روابط نامشروع به طور محسوسی کاهش یافت. در ادامه، به توصیف و تبیین شرایط و وضع فعلی حاکم بر روابط میان زن و مرد در جامعه ایران می پردازیم و مهم ترین آسیب های موجود در این زمینه را بررسی می کنیم.(۱)

۲- روابط در جامعه امروز ایران

اشاره

زیر فصل ها

الف) هنجارهای اسلامی در برخوردهای اجتماعی

ب) بررسی وضعیت روابط جنسی

ج) مشکلات فراروی ازدواج جوانان

د) بررسی وضعیت دختران و پسران در فاصله بلوغ تا ازدواج

هـ) رفتارهای نوجوانان و جوانان در فاصله بلوغ تا ازدواج

و) تحریک های موجود در جامعه

الف) هنجارهای اسلامی در برخوردهای اجتماعی

اشاره

برای آنکه تصویری کلی از میزان توجه به جهت گیری ها و رعایت هنجارهای اسلامی در برخوردهای اجتماعی در جامعه فعلی به دست آید، نخست، به وضع پوشش ظاهری افراد به عنوان یکی از نمونه های مشخص از دستورهای شرعی در روابط میان نامحرمان توجه می کنیم. از آن جا که وضعیت حجاب، امری به نسبت توصیف پذیر است، با بررسی میزان رعایت این ضابطه، تا اندازه ای می توان به میزان رعایت هنجارهای اسلامی در روابط میان زن و مرد پی برد. سپس میزان اختلاط میان نامحرمان و نیز فرهنگ حاکم بر رابطه های اجتماعی میان دو جنس را در جامعه فعلی به اجمال بررسی می کنیم.

۱- موضوع رابطه زن و مرد و دختر و پسر، موضوعی کمّی نیست، ولی در توصیف وضع جامعه دربرخی موارد انتظار می رود از توصیف های کمّی و آماری نیز استفاده شود. باید توجه داشت که درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر، بیشتر آمارهایی

که ارائه می شود، آمارهـای غیررسـمی انـد که در روزنامه ها و مجله ها و بـدون اسـتناد به منابع قابل اعتماد ارائه می شود و نه تنها در اعتبار و واقع نمایی آنها تردیـد هست، بلکه در موارد زیادی، زمینه انحراف و تحلیل های غلط را فراهم می آورد. حتی اسـتناد به برخی آمارهای رسـمی نیز به دلیل ماهیت خاص این گونه موضوع ها و پیچیدگی زیاد و وجود زوایای پنهان در این مسائل، چندان راه گشا نیست و چه بسا سبب برداشت های نادرست شود. ازاین رو، از آوردن آمارهای بی مبنا پرهیز کرده ایم و توصیف ها بیشتر بر واقعیت های قطعی مبتنی است. البته گاهی نیز به برخی آمارها توجه کرده ایم.

یک _ وضعیت پوشش و آرایش

اسلام درباره پوشش و نوع آرایش ظاهری مرد و زن در روابط میان نامحرمان، احکام ویژه ای دارد. احکام الهی، بانوان را به رعایت حجاب و پرهیز از هر گونه خودآرایی و جلوه گری نزد نامحرمان مکلف کرده است. ازاین رو، بی حجابی یا پوشیدن لباس های بدن نما یا پوشش هایی که از نظر رنگ و طرح، تحریک کننده هستند و نیز آرایش و زینت کردن در محیط هایی که نامحرم حضور دارد، برای زن حرام است.

به نظر می رسد بیشتر زنان و دختران ایرانی، به رعایت حجاب پای بند هستند و در بسیاری از شهرستان ها، استفاده از حجاب برتر؛ یعنی چادر، رایج است. در یک نظرسنجی از میان نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان های کشور در سال ۱۳۸۱ درباره این گزاره که «در تابستان که هوا خیلی گرم است، نباید درباره پوشش بانوان سخت گیری شود»، ۶۰ در صد نظر مخالف و ۴۰ درصد نظر موافق دادند.(۱) این، نشان می دهد لزوم رعایت حجاب از سوی بیشتر جوانان ایرانی، امری پذیرفته شده است.

در این میان، باید پذیرفت که فرهنگ عمومی در این زمینه، در حال حاضر نسبت به ده سال پیش و ده سال پیش نسبت به دهه پیش از آن، با دگرگونی هایی روبه رو بوده و دور شدن از هنجارهای اسلامی در این زمینه، روند رو به رشدی داشته است. این ناهنجاری ها در شهرهای بزرگ، گسترده تر است، به گونه ای که چهره ظاهری شهری مانند تهران را که

۱- نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان های کشور، سازمان ملی جوانان، تهران، نشر روناس، ۱۳۸۱، ج ۱، ص ۷۸.

پـایتخت ایران اسـلامی و به تعبیری، امّ القرای جهـان اسـلام است، نمی توان چهره ای اسـلامی و قابـل قبول دانست به ویژه در منطقه هـای بالای شـهر تهران، بانوانی که چادر بر سـر داشـته باشـند، کمترنـد و بسـیاری از زنان و دختران با مانتوهای کوتاه و تنگ و روسری های کوچک و آرایش و وضع ظاهری کاملاً نامناسب رفت وآمد می کنند که هیچ شباهتی به حجاب اسلامی نـدارد و این امر، شایـد به انـدازه بی حجابی یا گاهی بیشتر از آن، تحریک کننـده باشـد. حتی می توان حـدس زد بسـیاری از کسانی که این وضع ظاهری را دارنـد، اگر اجبار حکومتی یا اجتماعی نباشـد، به رعایت همین میزان از پوشـش در محیط های اجتمـاعی نیز پـای بنـد نباشـند، چنـان که بسـیاری از این گونه افراد در محیـط های فامیلی و دوسـتانه و مهمانی ها و هر جا که اجبـاری نباشـد، آزادانه و کاملاً ـ بی حجاب نزد نامحرمان حاضـر می شونـد و حتی دست دادن با نامحرمان و دیگر رابطه های حرام، در نظر آنها قبحی ندارد.

این گونه ناهنجاری ها در شهرهای بزرگ، نشان دهنده نوعی دوگانگی ارزشی است. گروهی از مردم، ارزش ها و هنجارهای اسـلامی را پـذیرفته انـد و گروهی دیگر، به هنجارهـای غربی گرایش دارنـد و این امر، خود، زمینه سـاز تضادهـای اجتماعی و آزارهـای روانی در افراد است. به دیگر سـخن، افرادی که به رعـایت هنجارهـای اسـلامی پای بندنـد، از دیـدن افرادی با ظاهر غیراسلامی و نقض صریح احکام اسلام در محیط های اجتماعی ناخرسندند و به راحتی نمی توانند با افرادی که ظواهر اسلامی را رعـایت نمی کننـد، رابطه خوبی داشـته باشـند. البته افراد غیرملتزم نیز در ارتبـاط هـای عمومی، احسـاس خوبی در این زمینه ندارند و همین نبود تفاهم و

احساس دوگانگی ارزشی میان افراد، چه بسا تعامل میان آنها را با مشکلاتی روبه رو سازد. حتی شاید به دلیل وجود ارزش های دوگانه در جامعه، افراد در درون خود با تضاد ارزشی روبه رو شوند. از سویی، این نوع ناهنجاری ها، به بالا رفتن آستانه تحریک در جامعه و تقویت زمینه های انحراف یا التهاب و ناراحتی های روحی به ویژه در میان جوانان خواهد انجامید. متأسفانه، فرهنگ حاکم در شهرهای بزرگ به تدریج به شهرهای کوچک نیز سرایت می کند و امواج این دگرگونی های فرهنگی، کم کم در سراسر کشور احساس می شود.

در بررسی علل گسترش این ناهنجاری ها و این روند منفی در جامعه، باید دانست بسیاری از بدحجابی ها و رفتارهای غیراسلامی، از افراد و خانواده هایی سر می زند که پیش از انقلاب نیز به رعایت این موازین شرعی پای بندی چندانی نداشتند، ولی به دلیل جوّ انقلابی حاکم بر جامعه، خود را به رعایت برخی ظواهر در محیط های اجتماعی مجبور می دیدند. البته با تقویت رویکردهای دنیاگرایانه و فرهنگ مبتنی بر تساهل و تسامح در سال های اخیر، این افراد، آزادی عمل بیشتری یافتند. در نتیجه، قبح بی حجابی در جامعه شکسته شد و گروه های دیگر نیز به ویژه جوانان و نوجوانان نسل سوم، با وجود داشتن خانواده های ملتزم، تحت تأثیر این فضای ناسالم، به الگوهای نامناسب گرایش یافتند. بی تردید، نفوذ روزافزون فرهنگی غرب، با ماهواره، فیلم های جذاب، اینترنت و دیگر ابزارهای فنی و با تهاجم فرهنگی در قالب مدگرایی و تقلید از هنرپیشه ها و خوانندگان غربی یا غرب زده، مهم ترین نقش را در پیدایش وضع کنونی داشته است. همچنین در سال های اخیر، تبلیغات منفی فراوانی در داخل و

خارج از کشور علیه حجاب اسلامی شد و در بیشتر مجله ها و رمان ها، مستقیم یا غیرمستقیم، حجاب، مظهر عقب ماندگی و واپس گرایی و سلب کننده آزادی زنان معرفی گشت و شبهه های فراوانی در این باره القا شد.(۱) از همین رو، بدحجابی و آرایش، برای عده ای نشانه تجددطلبی و روشن فکری شد و حتی برخی از آن، به عنوان نمادی سیاسی برای اظهار مخالفت با حاکمیت بهره جستند.

باید دانست همه زنان و دخترانی که با آرایش و به صورت بدحجاب در اجتماع ظاهر می شوند، قصد جلب توجه مردان نامحرم و تحریک جنس مخالف را ندارند، بلکه بسیاری از آنها برای هم رنگ شدن با محیط و عقب نماندن از دیگران، مانند هم کلاسی ها و همکاران و دوستان، پیرو محیط و مدهای روز شده اند. با این حال، نمی توان انکار کرد که این امر به تحریک های جنسی می انجامد و پی آمدهای ویرانگر اخلاقی و اجتماعی بسیاری دارد. افزون بر این، از ضعف روحیه دین باوری، خدامحوری و کم بودن بینش اسلامی در افراد جامعه خبر می دهد.

دو ـ وضعیت اختلاط میان زن و مرد در جامعه

پیش تر گفتیم که شرع مقدس اسلام با اختلاط های غیرضروری میان زن و مرد نامحرم موافق نیست و سفارش می کند تا حد توان با، پرهیز از این برخوردها، در مواردی که امکان دارد، جداسازی بر اختلاط ترجیح

۱- برای مطالعه بیشتر در این باره نک: مهدی مهریزی، آسیب شناسی حجاب، تهران، نشر جوانه رشد، ۱۳۷۹؛ حسین مهدی زاده، حجاب شناسی، قم، نشر مرکز تحقیقات و مطالعات فرهنگی حوزه علمیه قم، ۱۳۸۱.

داده شود. فقیهان شیعه نیز اختلاط میان زنان و مردان نامحرم را مکروه دانسته اند. حتی برخی فقیهان بزرگوار همچون آیت اللّه العظمی گلپایگانی رحمه الله ، اموری مانند تحصیل زنان و دختران در کنار نامحرمان و در مراکز آموزشی مختلط را جایز ندانسته اند. البته چون بیشتر فقیهان این گونه اختلاط ها را مکروه دانسته اند و نه حرام، باید درباره چگونگی این اختلاط ها بررسی های بیشتری صورت گیرد.

در گذشته تاریخی ایران، فرهنگ حاکم در جامعه، اختلاط و برخورد میان نامحرمان را به موارد ضرورت محدود می کرد و محیط های بیرون از خانه، بیشتر محیط های مردانه بود. در دوران قاجاریه و پهلوی، در راستای ترویج فرهنگ غرب، تلاش شد زنان به محیط های بیرون از خانه کشیده شوند. پس از انقلاب، با رویکردی اسلامی، این فکر مطرح شد که حضور زنان در محیط های اجتماعی برای انجام مسئولیت های انقلابی، دینی و اجتماعی، مفید و حتی گاهی لازم است. برای مثال، برای آموزش متخصصان زن در امور بهداشت و درمان و آموزش و پرورش بانوان، لازم است زنان بتوانند در این زمینه آموزش ببینند و در صورت لزوم، در کلاس های مختلط شرکت کنند، ولی باید احکام دینی مانند حجاب و پرهیز از نگاه های مسموم در این محیط ها رعایت شود. در سال های بعد به ویژه در دوره سازندگی، با توجه به نیاز کشور برای بهره گیری از نیروی کار زنان و نیز تحت تأثیر فضای حاکم بر جهان که زن و مرد را در کار و محیط های اجتماعی در کنار هم قرار می دهد و جداسازی را مخالف تساوی حقوق زن و مرد می داند و نیز برای ترسیم تصویری روزآمد از زن مسلمان ایرانی، این فکر در جامعه رواج یافت که مرد و زن هر دو باید در

تحصیل و کار، سهم برابری داشته باشند و در محیط های اجتماعی حضور یابند. بنابراین، زنان به حضور هر چه بیشتر در این محیط ها تشویق شدند. این روند در دوره اصلاحات با شدت بیشتر و اثرپذیری آشکارتری از اندیشه های فمینیستی ادامه یافت و این امر، به افزایش اختلاط میان زن و مرد و دختر و پسر نامحرم انجامید.

در حال حاضر، این گمان به طور نسبی در جامعه جا افتاده است که اصل اختلاط اشکالی ندارد و تنها باید ضوابط شرعی مانند حجاب در محیط های مختلط رعایت شود. امروزه بیش از ۶۰ درصد ورودی دانشگاه های کشور را دختران تشکیل می دهند و حتی دختران، ورود به دانشگاه را برای خود، امری لازم و عامل ارتقای شخصیت اجتماعی می دانند. ازاین رو، بسیاری از آنان می کوشند به هر ترتیب و در هر رشته ای که باشد، پذیرفته شوند.

امروزه، با گذشت سال ها از پیروزی انقلاب و گسترش آموزش عالی، هنوز بیشتر کلاس های دانشگاهی در کشور به صورت مختلط برگزار می شود. از سویی انبوه دختران تحصیل کرده، به طور طبیعی می خواهند از تخصصشان برای کسب درآمد و کار بهره گیرند و در محیط های کار حضور یابند و این، خود، به افزایش اختلاط میان نامحرمان در محیط های اجتماعی خواهد انجامید. این در حالی است که بسیاری از مردان که وظیفه شرعی اداره خانواده را بر عهده دارند، بی کار مانده اند.

در حال حاضر، در اداره ها، بانک ها، شرکت ها، آژانس های خدماتی و تقریبا تمامی محیط های اجتماعی، زنان در کنار مردان حضور دارند و بیشتر افراد شاغل در محیط کار با افرادی از جنس مخالف همکارند. حتی

در مشاغلی مانند منشی گری که بیشترین ارتباط را با مردان دارند، زنان بیشتر حضور دارند که این امر، نوعی تقلید ناآگاهانه یا آگاهانه از شیوه های مرسوم دنیا در استفاده تجاری از جذابیت های زنانه است.

امروزه، کار و حضور گسترده زنان در محیط های بیرون از خانه، روندی رو به رشد دارد و در عرف جامعه تا اندازه ای پذیرفته شده است. مقایسه ای پژوهشی که پیش از انقلاب، میان دانشجویان ده دانشگاه معتبر کشور انجام شده بود و پژوهش یکسانی که در سال ۱۳۸۱ در همان دانشگاه ها تکرار شد، نشان داد پیش از انقلاب، ۸۷ درصد پسران دانشجو اساسا گرایشی به ازدواج با زن شاغل نداشته اند، ولی در پژوهش دوم، ۹۷ درصد مایل بودند با زنان شاغل ازدواج کنند.(۱) در نظرسنجی از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان ها نیز درباره این گزاره که «زنان باید همانند مردان در بیرون از خانه کار کنند و در تولید و خدمات اجتماعی نقش داشته باشند»، ۸۱ درصد نظر موافق و ۱۹ درصد نظر مخالف داشته اند.(۲)

همه اینها نشان دهنده تغییر رویکرد جامعه، از رویکردهای سنتی به رویکردهای جدید در این زمینه است. اکنون در مقام نقد و ارزش گذاری مثبت یا منفی درباره این رویکردها نیستیم، بلکه می کوشیم جهت گیری های فرهنگی حاکم در جامعه را توصیف کنیم. تنها اشاره می کنیم این اندیشه که فعالیت سازنده و رشد شخصیتی و اجتماعی زن را

۱- نک: مصاحبه با دکترشکوه نوابی نژاد، «خانواده در جهان معاصر»، ماهنامه حورا، ش ۴، اردی بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۲۳.

۲- نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران، ص ۷۰.

به کار در محیط های بیرون از خانه خلاصه کنیم و مسئولیت و نقش اساسی زن را در خانواده، امری جدا از فعالیت های سازنده اجتماعی بپنداریم، کاملاً نادرست است. همچنین نباید جهت گیری اسلام در ترجیح جداسازی و جلوگیری از اختلاط های غیرضروری به کلی فراموش شود. می توان محیط های اختصاصی برای فعالیت های اجتماعی زنان و مردان تدارک دید و افزون بر زمینه سازی برای شکوفایی استعدادهای بانوان، از میزان اختلاط آنان با نامحرمان کاست.

سه _ فرهنگ حاکم بر روابط اجتماعی میان دو جنس

پیش تر دانستیم که منظور از روابط اجتماعی میان دو جنس، روابطی است که در آنها به طور طبیعی، انگیزه ها و رفتارهای جنسی وجود ندارد و هدف های کاری، تحصیلی و اقتصادی، بسترساز رابطه هاست. آسیب اصلی در این روابط، انحراف آن به سوی روابط جنسی و غلبه انگیزه های جنسی یا رخ نمودن رفتارهای ناشایست است.

رویکرد غالب بر فرهنگ جامعه ما در روابط اجتماعی میان دو جنس، بر اساس سنت ها و فرهنگ اسلامی، حفظ حریم میان نامحرمان و پرهیز از رفتارهای شبهه برانگیز است. ، با این حال، باید دانست با توجه به اینکه جامعه ایران، جامعه ای در حال گذار از جامعه سنتی به جامعه مدرن است، ساختار فرهنگ جامعه ما در این زمینه با مشکلات فزاینده و پیچیده ای روبه رو است.

وجود دوگانگی ارزشی و هنجاری و ابهام در این زمینه، در نتیجه تقابل سنت و مدرنیسم و گرفتار شدن فرهنگ جامعه در برزخ میان این دوگانگی هنجاری، کاملاً مشخص است. بسیاری از افراد به ویژه دختران

و پسـران مجرد نمی دانند که در رابطه با جنس مخالف چگونه برخوردی داشته باشند؟ همچنین بسیاری از افراد نمی توانند در روابط اجتماعی با دیگران، در معرض انحراف ها و شایبه های جنسـی قرار نگیرند. برای نمونه، در یک نظرسـنجی در دانشگاه اصـفهان که از صد دانشـجوی دختر، از شهرسـتان ها و رشـته های مختلف انجام گرفت، دانشـجویان به پرسـش های زیر چنین پاسخ دادند:

پرسش اول ــ مشکل شما به عنوان دختر دانشجو با چه افرادی است و چرا؟

پسرها (۶۱ درصـد)؛ والدین (۱۵ درصد)؛ اسـتادان (۱۲ درصـد)؛ دیگر افراد خـانواده و نزدیکـان (۱۰ درصـد)؛ دختران دیگر؛ یعنی دوستان و هم شاگردی ها (۱۰ درصد) و مخالفان فکری (۸ درصد).

پرسش دوم ــ مهم ترین مانع رشد دختران دانشجو را چه می دانید؟

موانع مربوط به برخورد با جنس مخالف در جامعه (۳۸ درصد)؛ موانع خانوادگی، مانند: ازدواج، فرزند و سنت های غلط (۲۵ درصد)؛ موانع تحصیلی و رفتاری (بی علاقگی، ناامیدی و...) (۲۳ درصد)؛ موانع اجتماعی (سـنت ها، قوانین، حقوق و...) (۱۲ درصد)؛ موانع اقتصادی (اشـتغال، نبود امکانات و...) (۱۸ درصـد) ؛ موانع زنان از ناحیه خود (زن بودن، احساسات و عواطف) (۱۰ درصد) و هیچ مانعی نیست (۲ درصد).

پرسش سوم ــ مهم ترین دغدغه فکری شما درباره مسائل زنان چیست؟

ارتباط با جنس مخالف و محدودیت های آن (۱۲ درصد)؛ احکام و نظر دین در مورد زن (۱۱ درصد)؛ ایرادها و ناتوانی زنان (۱۱ درصد)؛ اشتغال زنان (۷ درصد)؛ ازدواج (۶ درصد) و دیگر موارد با درصدهای

کمتر.

بر اساس این پژوهش، مهم ترین مشکل ارتباطی و دغدغه فکری و مهم ترین مانع پیشرفت دختران از نظر آنان، در زمینه ارتباط با جنس مخالف در جامعه است. تفصیل برخی از ابهام ها، دغدغه ها و مشکلاتی که این گروه از دختران دانشجو بیان کرده اند، چنین است: «حتی در مورد مسائل درسی هم نمی توان حرف زد؛ کوچک ترین صحبت از طرف دیگران، شک برانگیز است... ؛ پسرها حد تعادل را رعایت نمی کنند؛ برخوردهای نادرست، مشکل روحی ایجاد می کند... ؛ نمی دانیم به پسرها سلام کنیم یا نه؟ بی ادبی است یا نیست؟ اگر ارتباط برقرار نکنیم، حریص تر می شوند یا کناره گیری می کنند؟ نمی دانیم قصد ازدواج دارند یا نه؟ حسن نیت دارند یا سوء نیت؟ پسرها بدون قصد، ارتباط برقرار نمی کنند؛ احساس راحتی ندارم... ؛ حتی ارتباط مجاز هم جا نیفتاده است... ؛ در کلاس، در حضور پسرها نمی توان از استاد پرسید؛ ارائه کنفرانس و تدریس در کلاس های مختلط مشکل است؛ به ویژه آن که پسرها ابراز علاقه نیز می کنند... ؛ پسرها نامحرمند، ولی ما مجبوریم در کلاس با آنها ارتباط برقرار کنیم... ؛ نامحرمان رفتارهای زشتی دارند... ؛ خانواده، ارتباط با مردان و پسران را مانند غول وحشتناکی جلوه می دهد... ؛ پدرم بسیار متعصب است و اجازه نمی دهد با پسرهای فامیل ارتباط داشته باشم... ؛ در ارتباط با استادان مرد مشکل دارم؛ نمی دانیم با پسرهایی که در خیابان مزاحم می شوند، به شدت برخورد کنیم یا بی اعتنا باشیم یا منطقی صحبت کنیم؟ در برابر افرادی که قصد آزار دختران را دارند، سر و صدا کنیم که دیگران دخالت کنند یا سکوت کنیم؟ اگر برخورد کنیم،

جلب توجه و آبروریزی می شود؛ سکوت هم باعث نگرانی است؛ نمی دانیم با پسرهایی که ابراز علاقه می کنند، برخورد پذیرا داشته باشیم یا سرد؟ آیا آنها واقعا خواستگارند؟ نکند پسرهایی که در دانشگاه ابراز علاقه می کنند، ما را زیر نظر گرفته باشند، به ویژه اگر احساس خوشایندی درباره آنها نداشته باشیم؛ حریم زنان شکسته شده است، به گونه ای که زنان و مردان آزادانه با هم گفت وگو می کنند؛ چرا عالمان دینی، مرز حضور زن در اجتماع را تبیین نکرده اند؟ چرا زنان در خانه اسیرند و پیوسته در قیمومیت پدر یا شوهر هستند و آزادی و حق انتخاب نوع پوشش را ندارند؟ چرا زنان نمی توانند از نامزد مورد علاقه خود خواستگاری کنند؟ در خیابان ها، امنیت نداریم و...».(۱)

همچنین در نظرسنجی دیگری که با عنوان «مهم ترین موضوع مورد علاقه دانشجویان برای جلسه های پرسش و پاسخ» در چند دانشگاه انجام گرفت، در میان چهل موضوع، بیشترین بسامد با فاصله چشم گیری از موضوع دوم، درباره موضوع «ارتباط دختر و پسر» بود.(۲)

همچنین بنا بر پژوهش دیگری، بزرگ ترین مشکل دختران دانشجو، مشکل روانی است و مهم ترین عامل آن، نداشتن احساس امنیت به دلیل ترس از مزاحمت در داخل دانشگاه یا خارج آن و اموری مانند افسردگی،

۱- نک: امیرحسین بانکی پور فرد، مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو» از کتاب، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، صص ۶۴۵ _ ۶۷۰ .
۲- نک: همان، ص۶۷۴ .

بی نشاطی و بی انگیزگی است.(۱)

ابهام، ناهم گونی و تضاد ارزشی و هنجاری موجود در روابط میان دختران و پسران را به خوبی می توان در محیط های دانشگاهی به چشم دید. در یکی از دانشگاه های دولتی استان تهران، شماری از دانشجویان غیرخوابگاهی، در فضای سبز دانشگاه در گروه های دو یا چند نفره در حال غذاخوردن یا استراحت بودند. در این میان، برخی ترجیح می دادند با افراد هم جنس خود باشند. آنان از نشستن در کنار جنس مخالف پرهیز داشتند و در فاصله ای دورتر از دوستان غیر هم جنس خود می نشستند، ولی برخی نیز غذا خوردن در کنار غیر هم جنس را ترجیح می دادند. دو یا چند پسر و دختر در کنار هم می نشستند و به گفت وگو و شوخی و خنده می پرداختند. البته انگار برخی نیز برخلاف میل باطنی شان و با تردید، دعوت افراد جنس مخالف را برای پیوستن به جمع آنها پذیرفته بودند. برخی چادری و باحجاب و برخی نیز بدحجاب و آرایش کرده بودند. به هر حال، وجود دوگانگی فرهنگی در میان این دانشجویان که همه دانشجوی یک دانشگاه بودند، کاملاً مشخص بود.

توجه به نظرسنجی ها و واقعیت های موجود در جامعه نشان می دهد که در روابط اجتماعی میان دختران و پسران، ابهام ها و تضادهای مهمی وجود دارد. از یک سو، در روابط اجتماعی میان زن و مرد بین هنجارهای غربی و فرهنگ اسلامی ناسازگاری وجود دارد؛ یعنی گروهی به فرهنگ غرب و

ص: ۱۷۰

۱- نک: ناهید طیبی، مقاله «مشکلات دختران دانشجو، اولویت ها و رویکردها»، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، ص ۶۳۸ .

گروهی دیگر به فرهنگ اسلامی گرایش دارند. از سوی دیگر، کسانی که خود را به رعایت هنجارهای اسلامی ملزم می دانند، در این زمینه با ابهام روبه رو هستند؛ زیرا الگوهای رفتاری در احکام و اخلاق اسلامی، با رابطه های کنونی میان دختران و پسران نامحرم _ آن گونه که در دانشگاه های کشور روبه رو هستیم _ تناسب ندارد. ازاین رو، افراد نمی دانند با هم کلاسی های خود از جنس مخالف، خشک و جدی برخورد کنند یا صمیمی باشند یا بکوشند از برخورد با آنان بپرهیزند و از نگاه کردن و گفت وگو با ایشان اجتناب کنند. بی گمان، در ارتباط های همیشگی، حفظ چنین حالتی دشوار خواهد بود. همچنین حفظ مرز میان ارتباط های اجتماعی و رفتارهایی که در آن شایبه های جنسی وجود دارد، برای دختران و پسران جوان که به طور طبیعی تحت فشار گرایش های جنسی قرار دارند، دشوار است و زمینه انحراف در این گونه رابطه ها زیاد است. این امر، زمینه ساز لغزش ها یا احساس ناامنی و فشارهای روحی و گرفتاری های مختلف برای افراد است. البته با گسترش اختلاط میان دختران و پسران در محیط های اجتماعی و نیز نبودن زمینه های ازدواج و ارضای مشروع نیازهای غریزی جوانان، افزایش زمینه های انحراف در روابط اجتماعی و روی آوردن به روابط ناسالم، تا اندازه ای قابل پیش بینی است.

این نوع گرفتاری ها، در روابط اجتماعی میان دختران و پسران مجرد و جوان، بسیار بیشتر است، ولی با افزایش اختلاط میان زن و مرد نامحرم در جامعه، زنان و مردان متأهل نیز با این تضادها و مشکلات روبه رو خواهند بود. در گذشته، ارتباط های اجتماعی میان زنان و مردان نامحرم، معمولاً به

برخورد و گفت وگوهای کوتاه، مانند آنچه در رابطه میان زنان و فروشندگان است، خلاصه می شد. در این گونه ارتباط ها، به طور طبیعی با رعایت مسائل شرعی، می توان از صحبت یا رفتارهای دوستانه و شبهه برانگیز خودداری کرد، ولی امروزه بیشتر افراد در محیط کار با اشخاصی از جنس مخالف همکارند. این افراد هر روز به صورت ثابت، ساعت ها در یک اتاق یا یک محیط کاری، با یکدیگر در ارتباطند. به طور طبیعی، اگر انسان با شخصی در دراز مدت در ارتباط باشد، نوعی آشنایی دوستانه میان آنها ایجاد می شود و اینکه آنها بخواهند با هم رفتاری خشک داشته باشند و از هر گونه شوخی و خنده و گفت وگوهای غیرضروری پرهیز کنند و نگاه خود را از همکارشان برگیرند و به یکدیگر بی توجه باشند، حالتی غیرعادی خواهد بود که در واقع، چندان ممکن نیست. از سوی دیگر، در آموزه های اسلامی تأکید شده است از شوخی و خنده و گفت وگوهای غیرضروری و نگاه به نامحرم پرهیز کنیم. از همین جا، نبود هماهنگی در نظام فرهنگی روابط میان زن و مرد در جامعه ما معلوم می شود. از یک سو، حضور گسترده زنان در محیط های اجتماعی و اختلاط آنها با مردان تأیید می شود و از سوی دیگر، هنوز هنجارهای متناسب با این فرهنگ، در جامعه تعریف نشده است.

در فرهنگ غرب، روابط صمیمی همراه با شوخی و خنده در میان همکاران زن و مرد قبحی ندارد و به این رفتارها چونان رفتارهای شبهه ناک نگاه نمی کنند، ولی در فرهنگ دینی ما این گونه نیست. همچنین در غرب، در روابط جنسی میان دختران و پسران، با تسامح برخورد می شود و خانواده ها، دختران و پسران خود را در گزینش شریک جنسی

آزاد می گذارند، ولی در جامعه ما نسبت به روابط جنسی، حساسیت شدیدی وجود دارد و ازدواج یا روابطی که می تواند به ازدواج بینجامد، باید با اجازه و زیر نظر خانواده باشد. در غیر این صورت، شبهه ناک خواهد بود.

این ناهم گونی فرهنگی، به دلیل التقاط فرهنگ اسلام با فرهنگ غرب یا ناسازگاری سنت با مدرنیسم به وجود آمده است. در نتیجه، جامعه برخی از ارزش ها و هنجارهای زندگی مدرن را پذیرفته است و از سوی دیگر، برای حفظ برخی از سنت های بومی و هنجارهای اسلامی می کوشد که نتیجه آن، نبود هماهنگی و ناکارآمدی نظام فرهنگی است. به نظر می رسد برای کاستن از مشکلات و ایجاد روند منطقی در رابطه ها، یکی از این دو راه را پیش رو داریم:

۱. بازگشت به سنت ها و اجرای کامل احکام اسلامی با محدود کردن اختلاط میان نامحرمان و کاهش زمینه های انحراف؛

۲. بازخوانی احکام و اخلاق اسلامی و سازگار کردن آنها با شرایط امروز جامعه؛ مانند اینکه بگوییم روابط دوستانه میان نامحرمان، تا آن جا که به رفتارهای جنسی نینجامد، اشکالی ندارد.

این روش چون نوعی تصرف در دین و انحراف از آموزه های اصیل اسلامی است، هرگز توصیه نمی شود.

در جامعه ما، در روابط اجتماعی میان زن و مرد، مشکلات دیگری نیز وجود دارد. برای مثال، ارتباط همیشگی افراد با جنس مخالف در محیط های اجتماعی سبب می شود آنان به صورت ناخودآگاه، همسر خود را با دیگران مقایسه کنند. در نتیجه، چه بسا زمینه ناخشنودی از همسر و

مشکلات خانوادگی به شکلی ناخواسته در افراد ایجاد شود. به ویژه اگر فرد در ارضای نیازهای عاطفی یا غریزی خود در خانواده مشکل داشته باشد، با توجه به محدود بودن امکان ارضای جنسی در جامعه ما، احتمال انحراف ها دو چندان می شود.

در حال حاضر، متأسفانه استفاده تجاری از جذابیت های جنسی زنان در محیط های اجتماعی رو به گسترش است. با نگاهی به آگهی های کاریابی و استخدام در نشریه ها، به آگهی های فراوانی برمی خوریم که در پی استخدام «منشی یا حسابدار خانمِ زیر ۲۵ سال، با روابط عمومی بالاـ و ترجیحا مجرد» هستند. اگر چه ترجیح دادن دختران و زنان جوان برای شغل هایی که بیشترین ارتباط را با مردان نامحرم دارد، شاید با توجه به نظم پذیری و جنبه های کاری آنان توجیه شود، ولی بدون تردید، جذابیت های ظاهری نیز در گزینش آنان بی تأثیر نیست، چنان که روابطی که در برخی از شرکت های خصوصی وجود دارد، از روابط کاری در آغاز، به روابط ناسالم، منحرف می شود. همواره شواهدی از رعایت نشدن احکام اسلامی و حتی وجود روابط نامشروع و سوءاستفاده از زنان و دختران در برخی از این محیط ها گزارش می شود.(۱) مشکلاتی مانند مزاحمت های خیابانی برای زنان و دختران(۲) و رفتارهای پرخاش گرانه یا غیرطبیعی در

۱- در سال ۱۳۸۲، یازده هزار و سی صد شکایت از این گونه شرکت ها به مقام های انتظامی رسید که بیشتر آنها حاکی از مسائل ناموسی و جنسی بود. نک: مجید ابهری، مقاله «شرکت های دروغ و فریب»، ویژه نامه تپش، ضمیمه ش ۱۲۹۳، روزنامه جام جم، ۲۰/۸/۱۳۸۳)

۲- فرمانده وقت نیروی انتظامی اعلام کرد در سه ماهه اول سال ۱۳۸۱، بیست هزار مورد تماس مردمی با پلیس، در مورد مزاحمت های اجتماعی گزارش شده است. (روزنامه جمهوری اسلامی، ۱۸/۴/۱۳۸۱)

محیط های اجتماعی و در برخورد با جنس مخالف، از دیگر مسائلی است که بیشتر در عقده های روانی و یا جنسی افراد ریشه دارد.

مشکلات موجود در روابط اجتماعی میان دو جنس مخالف، در شهرهای بزرگ بسیار بیشتر است. در شهرهای کوچک و روستاها، از یک سو، سنت ها بیشتر حفظ شده و به طور نسبی رابطه ها از گزند اختلاط و ناهم گونی دور مانده است. از سوی دیگر، به دلیل اینکه بیشتر افراد و خانواده ها یکدیگر را می شناسند، نظارت اجتماعی در این گونه جوامع کارآمدتر است. در نتیجه، زمینه انحراف روابط اجتماعی و کاری به روابط جنسی، بسیار محدودتر است. در عوض، وقتی فردی از این گونه محیط ها به شهرهای بزرگ می آید، چه بسا دچار مشکل بیشتری شود. برای مثال، از نوع رفتارها و نمادهای اجتماعی رایج در شهرهای بزرگ، به غلط، برداشت جنسی پیدا کند یا به سرعت شیفته فرهنگ جدید شود و در این راه، افراط را در پیش گیرد یا اینکه با پافشاری بر فرهنگ سنتی، با فرهنگ غالب محیط های جدید تعارض پیدا کند.

بنابراین، رابطه های اجتماعی میان دو جنس، با مشکلات مختلفی روبه رو است که مهم ترین عوامل آن عبارتند از:

۱. اختلاط و ناهم گونی فرهنگی و دوگانگی هنجاری برخاسته از التقاط فرهنگ اسلامی و غربی و فرهنگ سنتی و مدرن؛

۲. وجود انبوهی از دختران و پسران جوان و مجرد و مشکلات و محدودیت های فراوان در زمینه ارضای مشروع نیازها و گرایش های جنسی.

بنابراین، اگر به تناسب ساختارهای فرهنگی و رفع اساسی مشکلات

جوانان توجه نشود، مشکلات موجود در روابط اجتماعی، تنها با سفارش به امور اخلاقی، مانند حفظ نگاه، رعایت حجاب و حفظ حریم یا تأکید بر روحیه غیرت و عفت و حیا و امر به معروف و نهی از منکر، حل شدنی نیست؛ زیرا اجرایی شدن این نظام رفتاری و رعایت شایسته این هنجارها، در بستر فرهنگی خاصی امکان پذیر است. ازاین رو، با وجود رویکردهای التقاطی و نبود تعادل در ساختارهای فرهنگی، اختلال در نظام رفتاری و هنجاری، قابل پیش بینی است.

ب) بررسی وضعیت روابط جنسی

درباره میزان رفتارها و ارتباط های نامشروع در جامعه ایران، آمار مشخصی وجود ندارد. اساسا به دلیل مخفیانه بودن این گونه ارتباط ها، برآورد دقیقی از میزان شیوع این ناهنجاری امکان پذیر نیست. به نظر می رسد به دلایلی که در پی خواهد آمد، زمینه برای گسترش روابط نامشروع در کشور ما روزافزون است: افزایش اختلاط میان نامحرمان، با توجه به جوان بودن جامعه و بالاـ رفتن سن ازدواج؛ بر هم خوردن تعادل جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج و نیز بالا رفتن آمار طلاق و افزایش شمار زنان مطلّقه؛(۱) گسترش فرهنگ غرب و افزایش تحریک های موجود در جامعه از طریق فیلم ها و سی دی های مبتذل، اینترنت و ماهواره

۱- بررسی ها نشان می دهند از هر چهار ازدواج، یک مورد به طلاق می انجامد و آمار طلاق، رشد هشداردهنده ای دارد، به گونه ای که در سال ۱۳۸۳ نسبت به سال پیش از آن، رشدی هفت درصدی داشته است. از سوی دیگر، جامعه، رشد ازدواج هم نداشته است، بلکه فرار از ازدواج رو به فزونی است؛ به گونه ای که میانگین سن ازدواج در حال حاضر برای دختران و پسران ایرانی به ترتیب به ۲۵ و ۲۸ سال رسیده است. (ویژه نامه «بازارچه» همشهری، ۱۸/۴/۱۳۸۳، ضمیمه ش ۳۴۳۱.

و نیز رواج پدیده هایی مانند دختران فراری و خیابانی؛(1) شیوع اعتیاد به مواد مخدر و قرص های روان گردان و... .

امروزه در شهرهای بزرگ، افراد هوس ران می توانند از طریق دوستان یا راه های دیگر، با پارتی های مختلط یا راه اندازی خانه های فساد و باندهای سازمان یافته اغفال دختران آشنا شوند تا طعمه خود را بیابند. این وضعی است که متأسفانه ساکنان شهرهای بزرگ مانند تهران با آن آشنا هستند و بارها صحنه هایی از سوار کردن زنان و دختران خیابانی به خودروهای مدل بالا- یا مزاحمت برای بانوان و دختران در پارک ها و خیابان ها را دیده اند. روابط ناسالم در محیط های کار به ویژه شرکت های خصوصی و اغفال دختران جوان از سوی کارکنان و مدیران به بهانه استخدام نیز از اموری است که توجه افکار عمومی و آسیب شناسان را به خود جلب می کند. همچنین رواج روزافزون دوستی ها میان دختران و پسران که حتی گاه با عنوان آشنایی پیش از ازدواج صورت می گیرد، در جامعه ما مشکل آفرین شده است.

میزان رواج روابط نامشروع در ایران، در مقایسه با بسیاری از کشورها بسیار کمتر است، ولی با توجه به اینکه جامعه ما، جامعه ای دینی و اسلامی است، رواج این گناه بزرگ در هر شکلی پذیرفتنی نیست. بنابراین، روند رو به رشد روابط نامشروع در جامعه ایران اسلامی، بسیار

۱- بنا بر آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۸، خانه گریزی ۹۴۰ نفر نوجوان دختر، ۱۰۰۶ نفر دوشیزه جوان و ۷۳۷ نفر نوجوان پسر، در کشور ثبت شده است. البته بسیاری از اینها، یعنی ۶۳۶ نوجوان دختر، ۲۵۸ نفر دوشیزه جوان و ۳۱۰ نوجوان پسر، به شهر تهران اختصاص دارد.

نگران کننده است.

در حال حاضر، ازدواج دایم به شکل تک همسری، رایج ترین شیوه زناشویی است. به همین دلیل، ازدواج در زندگی یک فرد اهمیت ویژه ای دارد و گزینش همسر از سرنوشت سازترین انتخاب ها در طول عمر هر فردی است. البته همین امر می تواند نوعی وسواس و هراس از ازدواج را در جوانان پدید آورد و ازدواج جوانان را به تأخیر اندازد.

ج) مشکلات فراروی ازدواج جوانان

اشاره

امروزه شرایط ازدواج در جامعه ایران، در مقایسه با گذشته، تفاوت های چشم گیری یافته است. پیش از فراگیر شدن موج مدرنیسم در جامعه سنتی ایران، بیشتر ازدواج ها در سنین پایین انجام می گرفت و خود دختر و پسر در این امر چندان نقشی نداشتند، بلکه در واقع، خانواده ها، تصمیم گیرنده اصلی بودند.

در زمان قاجاریه بیشتر دختران از هفت تا سیزده سالگی ازدواج می کردند. دختران و پسران تقریبا هیچ اختیاری در گزینش همسر آینده نداشتند. بسیاری از آنها با رسیدن به سن بلوغ یا اندکی پیش از آن، به عقد یکدیگر درمی آمدند. دختران یا بیوه هایی که به دلایلی از ازدواج باز مانده بودند، بی میل نبودند به همسری مردی درآیند که همسر یا همسران دیگری نیز داشت؛ زیرا ازدواج نکردن، ملامت آور بود. پسران از یازده سالگی، به محیط های خارج از اندرون خانه ها راه می یافتند یا در کنار پدر مشغول کار می شدند. آنها حداکثر در شانزده و هفده سالگی ازدواج

می کردند و مسئولیت خانواده را بر عهده می گرفتند.(۱) پولاک، از سفرنامه نویسان دوره ناصرالدین شاه می نویسد:

در مشرق زمین، کار ازدواج برای هر کسی سهل است... این دیگر از جمله بدیهیات است که دختری که به سن معینی برسد، باید شوهر کند... از آن گذشته، سهولت طلاق، دیگر اقدام به ازدواج را در دیده مردم مانند اروپا کاری مشکل جلوه نمی دهد... .(۲)

دالمانی نیز که از سفرنامه نویسان دوره مظفرالدین شاه است، می نویسد:

موضوع ازدواج در ایران، یکی از امور مهم به شمار می رود و ایران از این جهت، بر تمام کشورها و مللی که ادعای ترقی و تمدن می کنند، برتری دارد... . در دستورات اسلامی، با تأکید زیادی امر به ازدواج شده و شرایط آن هم سهل است. نظر به همین دستورات که نتایج عالی اخلاقی دارند، والدین در تأهل فرزندان خود شتاب دارند. معمولاً دختران را در سنین یازده و دوازده سالگی و پسران را در شانزده و هفده سالگی، وادار به ازدواج می کنند.(۳)

با آغاز روند صنعتی شدن و دگرگونی های فرهنگی و اجتماعی در جامعه ایران، در سن ازدواج و شرایط آن تغییرهایی ایجاد شد. برابر پژوهشی در سال ۱۳۳۹ در تهران، میانگین سن ازدواج برای دختران و پسران به ۱۸ و ۲۲ سال رسیده بود، در حالی که سی سال پیش از آن، این سن برای دختران ۱۳ و برای پسران ۱۷ سال بود.(۴) بنا بر آمارهای رسمی،

۱- زن در دوره قاجار، صص ۲۲ و ۳۵.

۲- زن ایرانی به روایت تاریخ نویسان فرنگی، ص ۱۷۷.

۳- همان، ص ۱۹۶.

۴- جوانی پررنج، ص ۲۴۹.

سن ازدواج در سال ۱۳۴۵ برای دختران و پسران به ترتیب ۴/ ۱۸ و ۲۵ سال بود. اگر چه در سال های نخست انقلاب، میانگین سن ازدواج پسران کاهش محسوسی داشت، ولی پس از سال ۱۳۶۵، سن ازدواج سیر صعودی یافت. در سال ۱۳۶۵، این سن برای دختران و پسران به ترتیب، ۸/۱۹ و ۶/۲۳ بود که در سال ۱۳۷۵ به ۴/۲۲ و ۶/۲۵ رسید. البته سن ازدواج پسران در شهرها بالاتر از روستاها بود (۲/۲۶ در شهر، در مقابل ۵/۲۴ در روستا). پس از سال ۱۳۷۵ نیز این سیر صعودی ادامه یافت و بیشترین میزان تأهل در سال های ۱۳۷۵ تا ۱۳۸۰، برای مردان در فاصله سنی ۲۵ تا ۳۴ سالگی و در دختران بین ۲۰ تا ۲۹ سالگی بوده است.(۱)

در حال حاضر، به باور بسیاری از کارشناسان، میانگین سن ازدواج برای دختران و پسران به ترتیب به ۲۵ و ۲۸ سال رسیده است. در پژوهشی که در سال ۱۳۸۱ از جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان های کشور انجام گرفت، معلوم شد که تنها هفده درصد آنها ازدواج کرده اند. «رقم بزرگ ۸۱ درصدی جوانان مجرد نشان می دهد که وضعیت جوانان (مجرد) دوره کنونی با جوانان نسل گذشته که درصد بسیار کمتری بوده اند، بسیار متفاوت است».(۲)

در زمینه دیگر شرایط ازدواج نیز دگرگونی های اساسی رخ داده است. امروزه در بیشتر ازدواج ها، خود دختر و پسر تصمیم گیرنده اصلی هستند و نقش خانواده ها کمتر شده است. بسیاری از جوانان دوست دارند خودشان،

۱- نک: گزارش ملی جوانان۳، بررسی ازدواج جوانان، سازمان ملی جوانان، صص ۲۲ _ ۷۶.

۲- وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، ص ۱۷.

فرد مورد علاقه شان را پیدا کنند. برخی نیز حتی پیش از اینکه با خانواده ها در میان بگذارند، خودشان به توافق می رسند؛ یعنی شیوه خواستگاری ها تغییر یافته است.

بنا بر برخی پژوهش ها و نظرسنجی ها از جوانان ایرانی، مهم ترین عوامل تأخیر ازدواج از نظر پسران، مشکلات اقتصادی مانند نداشتن کار، مسکن و توان مالی کافی و از نظر دختران، موانع روحی و ذهنیتی، مانند نبود عشق و علاقه به شخص خاص، نیافتن همسر دل خواه و نداشتن اعتماد به جنس مخالف است.(۱)

برخی از مهم ترین موانع ازدواج در جامعه ما عبارتند از:

یک _ طولانی شدن دوره تحصیل، افزایش سن استقلال اقتصادی و مشکل گذران زندگی

در گذشته، دوره تحصیل برای نوجوانان و جوانان کوتاه تر بود و بیشتر آنان از همان دوره نوجوانی در کنار پدر مشغول کار می شدند، ولی امروزه با صنعتی شدن جوامع، برای حفظ توان رقابت و رشد علمی و اقتصادی در عرصه جهانی و در نتیجه، تخصصی شدن مهارت ها، لازم است بسیاری از افراد پس از تحصیلات عمومی، مدت ها به تحصیلات تکمیلی و آموختن مهارت های تخصصی بپردازند. به همین دلیل، دوره تحصیل بسیار طولانی تر از گذشته شده است. همچنین در نظام آموزشی ما، همین آموزش ها نیز چندان کاربردی و متناسب با نیازهای شغلی و تخصصی نیست. در نتیجه، افراد دانش آموخته برای یافتن کار، مشکل

۱- گزارش ملی جوانان ۳، بررسی وضعیت ازدواج جوانان، ص ۱۳۱.

دارنـد. جـدا از بحث نیاز واقعی جامعه به متخصـصان، امروزه در جامعه ایرانی، مـدرک گرایی به شـکل افراطی درآمده است. بسیاری از دختران و پسران، تنها داشتن مدرک دانشگاهی را عامل بالا رفتن شخصیت اجتماعی خود می دانند و حتی حاضرند برای گرفتن مدرک، چند سال از بهترین سال های جوانی شان را پشت کنکور در انتظار ورود به دانشـگاه بمانند و پس از آن، سال ها در رشته ای که حتی علاقه ای بدان ندارند و در آینده نیز هیچ بهره عملی از آن نمی برند، تحصیل کنند. در این میان، پسران پس از پایان تحصیل باید دو سال نیز به خدمت سربازی بروند. سپس اگر از سرمایه پدر یا آشنایی در شرکت ها و اداره ها بی بهره باشند، به گروه جوانان جویای کار بپیوندند.

دختران نیز که در حال حاضـر، بیش از شـصت درصد ورودی دانشگاه ها را تشکیل می دهند، به طور طبیعی، پس از تحصیل، به جمع جویندگان کار افزوده می شوند. از همین رو، بسـیاری از آنان دیگر با پسـرانی که مدرک دانشـگاهی ندارند، ازدواج نمی کننـد. آمارهـا و بررسـی هـای انجـام گرفته در سازمـان ملی جوانان در سال ۱۳۸۱، نشان می دهـد جـدا از دانشـجویان و سربازان، تنها ۵/۱۷ درصد از نوجوانان و جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان های کشور کار دارند. در گروه سنی جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ای که درس نمی خواننـد، ۸۵ درصد دختران و ۵۲ درصد پسران بی کارند و ۶۶ درصد جوانان متأهل که درس نمی خواننـد، کاری ندارنـد. ناگفته نماند وضـعیت اقتصادی جوانان شاغل هم چندان مناسب نیست، به گونه ای که میانگین درآمد ماهیانه پسران و دختران جوان شاغل، ۵۵ هزار و ۵۰ هزار تومان و میانگین درآمد ماهیانه مردان و زنان جوان متأهل و

شاغل، ۹۲ هزار و ۸۵ هزار تومان بوده است. بنا بر آمار، درآمد ماهیانه ۷۳ درصد از خانواده های جوانان، صد و پنجاه هزار تومان و کمتر بوده است.(۱)

بی گمان، با وجود این مسائل و مشکل کار و مسکن و نبود درآمد، جوانان امکان پذیرفتن مسئولیت اداره خانواده را در سنین پایین نخواهند داشت. از همین رو، تأخیر در ازدواج و افزایش مشکلات خانواده ها طبیعی خواهد بود.

دو _ افزایش سطح توقع جامعه و رواج هزینه های اضافی

در زمان حکومت پهلوی، تجمل گرایی در ایران رواج یافت. به ویژه در سال های ۱۳۴۵ تا ۱۳۵۵، با افزایش بی سابقه درآمد نفتی و ورود و تبلیغ کالاهای مصرفی، بیش از پیش فرهنگ تجمل گرایی به ویژه از سوی غرب زده ها ترویج شد.

پس از پیروزی انقلاب، در این فرهنگ، دگرگونی اساسی صورت پذیرفت و اموری مانند ساده زیستی و تکریم مستضعفان ارزش پیدا کرد. ولی پس از پایان جنگ و متناسب با سیاست های توسعه اقتصادی، بار دیگر سرمایه داری به عنوان ارزش در نظر گرفته شد و مصرف گرایی، تبلیغات تجاری و توجه به تجمل و کالاهای لوکس گسترش یافت. در نتیجه، ساده زیستی و قناعت بی ارزش شد و رقابت دنیوی برای به دست آوردن ثروت در جامعه رواج پیدا کرد.

از سوی دیگر، با افزایش تورم و ثابت ماندن نسبی حقوق کارمندان و قشرهای متوسط و پایین جامعه، شکاف طبقاتی بیشتر شد و بالا رفتن

۱- وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، صص ۳۰ _ ۳۵ و ۵۱۱.

سطح زندگی سرمایه داران، بسترهای ایجاد نیازهای کاذب، رقابت و چشم و هم چشمی و افزایش توقع ها را در میان قشرهای مختلف جامعه فراهم آورد. در نتیجه، امروزه تشکیل خانواده روز به روز مشکل تر شده است. در حال حاضر، بسیاری از خانواده ها، از پسر و دختر توقع دارند خانه مستقل، خودرو، جهیزیه کامل و لوکس و در واقع، امکانات یک زندگی کامل ــ حتی بالاتر از سطح زندگی خانواده هایشان ــ را داشته باشند.

سه ــ پی آمدهای گسترش شهرنشینی

شهرنشینی از پیش از انقلاب تاکنون، سیر صعودی داشته است و بر اثر صنعتی شدن جامعه و جمع شدن امکانات در شهرهای بزرگ، پیوسته مهاجرت از روستاها و شهرستان های کوچک به شهرهای بزرگ بیشتر شده است.

گسترش شهرنشینی، از جنبه های مختلفی بر روند ازدواج اثر گذارده است. وجود فرهنگ های مختلف در شهرها سبب می شود افراد در یافتن فردی مناسب برای ازدواج که از نظر فرهنگی به آنها نزدیک تر باشد، مشکل داشته باشند. افزون بر این، در شهرهای بزرگ، وجود امکان گزینش های زیاد و مقایسه موارد و نبود آگاهی از پیشینه افراد، انتخاب همسر را دشوار می سازد و احتمال ناموفق بودن ازدواج و ایجاد مشکلات بعدی را بالاـ می برد. ازدواج های فامیلی نیز به دلیل پی آمدهای پزشکی که برای آن گفته می شود، بسیار محدود شده است، ولی در روستاها و شهرهای کوچک، این دشواری ها و پیچیدگی ها در ازدواج جوانان وجود نداشته است.

چهار ــ رواج فرهنگ غرب

رواج فرهنگ غرب از جنبه های مختلفی بر ازدواج جوانان اثر گذاشته است. بی بندوباری ها و آزادی های جنسی به شیوه غربی، برخی از جوانان را از پذیرفتن محدودیت های تشکیل خانواده باز می دارد. اساسا فرهنگ غرب، روحیه خودخواهی، راحت طلبی و نپذیرفتن مسئولیت را در افراد تقویت می کند. ترویج روحیه های فمینیستی و تأکید بر تشابه حقوق زن و مرد نیز سبب شده است برخی از دختران، به جنس مخالف، با دید منفی نگاه کنند و حاضر به پذیرش مدیریت مرد در خانواده نباشند. اینان حقوق و وظایف تعریف شده برای افراد را که به منظور حفظ بنیان خانواده است، در تقابل با استقلال و حقوق خود می پندارند. این نگاه منفی، زمینه ساز احساس تقابل با جنس مخالف و فرار از ازدواج و مسئولیت های آن شده است. همین امر، عامل مهمی در فروپاشی بنیان خانواده ها به شمار می رود.

پیش تر گفتیم که بنا بر نظرسنجی ها، مهم ترین عامل تأخیر ازدواج از نظر پسران، عوامل اقتصادی و از نظر دختران، عوامل روحی و ذهنیتی مانند نبود عشق و علاقه به شخص خاص و نیافتن همسر دل خواه و نداشتن اعتماد به جنس مخالف است.(1) افزایش اختلاط میان نامحرمان و در نتیجه، افزایش امکان مقایسه پیش و پس از ازدواج نیز تأثیرهای ویژه خود را دارد. نفوذ فرهنگ غرب از جنبه های دیگر نیز بر تأخیر ازدواج و افزایش طلاق اثر گذاشته است که بررسی همه این جنبه ها مجال دیگری می خواهد.

پنج ــ بر هم خوردن توازن جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج

۱- نک: گزارش ملی جوانان ۳ بررسی وضعیت ازدواج جوانان، ص ۱۳۱.

هرگاه نوسان نرخ رشـد جمعیت، رونـدی فزاینـده بیابد، با توجه به وجود اختلاف در سن ازدواج دختران نسبت به پسـران، در سال های بعـد، شـمار دختران آماده ازدواج در مقایسه با پسـران افزایش می یابد. نرخ رشد جمعیت در ایران از ۸/۲ درصد در سال ۱۳۵۵ به ۹/۳ درصـد در سال ۱۳۶۵ افزایش یـافت. این امر سـبب شـد در دهه هشـتاد، دختران آماده ازدواج در مقایسه با پسـران، افزایش یابد، چنان که با فرض وجود اختلاف سـنی پنج سال میان دختران و پسـران در ازدواج، در سال ۱۳۸۰، افزونی جمعیت دختران ۱۵ تا ۲۹ ساله نسـبت به پسران ۲۰ تا ۳۴ ساله، به بیش از دو میلیون و صـد و سـی و هفت هزار نفر می رسـد؛ یعنی در مقایسه با شمار پسران، بیش از دو میلیون دختر آماده ازدواج وجود دارد که هرگز شانس ازدواج نخواهند داشت. این مشـکل در مقیاسـی کوچـک تر، در دهه چهـل نیز وجود داشت، ولی در آن زمان، به دلیل لزوم ازدواج برای دختران و امکان چندهمسـری برای مردان، بحرانی در کشور ایجاد نشد، ولی در حال حاضر، از این نظر، شرایط نگران کننده ای وجود دارد که آثار آن در سال های آینده مشخص تر خواهد شد.(۱)

د) بررسی وضعیت دختران و پسران در فاصله بلوغ تا ازدواج

دختر و پسـر در خردسالی یا نسبت به یکدیگر احساسـی ندارند یا احساس منفی دارند. با آغاز دوره دبستان، کم کم نسبت به هم موضع منفی می گیرنـد، ولی بیـداری تدریجی غریزه، آنها را با دنیایی ناشـناخته روبه رو می کند. بسـیاری از نوجوانان در دوازده و سیزده سالگی،

۱- نک: همان، صص ۱۱۶ _ ۱۱۸.

گرایش هـای جنسـی را کاملاًـ در خود احساس می کننـد که شایـد برایشان آزاردهنـده باشـد و به آشـفتگی روحی و احساس تعارض و گناه در آنها بینجامد. البته چه بسا سمت و سوی این گرایش ها، به سمت جنس مخالف نباشد و نوجوان حتی نسبت به هم جنسان خود نیز احساس خاصی پیدا کند، ولی کم کم این احساس گرایش نسبت به جنس مخالف، در نوجوان و جوان، جهت دار و در وجودش نهادینه می شود.

پیش از بلوغ نیز کودکان و نوجوانان به مسائل جنسـی حساسـند، ولی با فرا رسـیدن بلوغ، کشـش جنسی و گرایش به ارتباط با جنس مخـالف را بـه صـورتی اثرگــذار در درونشـان احسـاس می کننــد و از نظر فیزیولـوژیکی نیز آمـادگی هـای لاـزم برای رفتارهـای جنسـی در آنهـا ایجـاد می شود. سن بلوغ در نوجوانـان از نظر شـرایط آب و هوایی، تغـذیه، وراثت و تحریک ها و شرایـط محیطی، بین هشت تـا شـانزده سالگی برای دختران و ده تا هجـده سالگی برای پسـران در نوسان است. در ایران، بیشتر دخترهـا در سـنین دوازده و سـیزده سـالگی و بیشتر پسرها در چهـارده و پـانزده سالگی بالغ می شونـد. در شـهرهای صـنعتی و بزرگ به دلیل وجود رسانه ها، رابطه های بیشتر و دیگر عوامل، معمولاً سن بلوغ زودتر است.

در دوران بلوغ، افزون بر ظهور گرایش های جنسی، روحیه هایی مانند آرمان پرستی، استقلال خواهی و تلاش برای کم کردن وابسـتگی هـا، مـاجراجویی و تجربه انـدوزی، قبـول مسـئولیت و پرداختن به کارهـای جـدی، علاـقه به گروه هم سالاـن، حس ستایش از دیگران و نیاز به سـتایش دیگران، گرایش به تقلیـد و هم رنگی با دیگران و میل دست یابی به ایـدئولوژی و ترسـیم دورنمای زندگی، در نوجوانان تقویت می شود. از نظر گرایش های

جنسی نیز غالبا نوجوانان در چهارده و پانزده سالگی، نسبت به جنس مخالف گرایش پیدا می کنند و در پانزده تا هجده سالگی، با نهادینه شدن این حالت، به احساس تمایلی عمیق و جدّی نسبت به جنس مخالف می رسند.(۱)

امروزه با گسترش دامنه تحریک های جنسی و قرار گرفتن بیشتر کودکان و نوجوانان در معرض انیمیشن هایی با موضوع های جنسی یا اشاره های جنسی، بازی های رایانه ای با صحنه های تحریک کننده و فیلم ها و عکس هایی از این دست و حتی به دلیل رعایت نشدن برخی از موازین در محیط خانواده، رسیدن به سن بلوغ و گرایش های جنسی در کودکان و نوجوانان زودتر شده است؛ بلوغ زودرسی که می تواند به ایجاد تشویش درونی و اختلال های مختلف روانی بینجامد. از سوی دیگر، سن ازدواج نیز به دلایل مختلف بالا ـ رفته است، چنان که در سال ۱۳۷۵، میانگین سن ازدواج در شهرها برای پسران ۲/۲۶ و برای دختران ۵/۲۲ بوده است. بنا به نظر بسیاری از کارشناسان، در حال حاضر، میانگین سن ازدواج برای دختران به ۲۵ سال و برای پسران به ۲۸ سال رسیده است. بررسی های انجام شده در سال ۱۳۸۱ در مورد جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله مراکز استان های کشور نشان داد ۸۱ درصد آنان (۸۷ درصد پسران و ۷۷ درصد دختران) مجرد و تنها ۱۷ درصد از این جوانان (۱۳ درصد پسران و ۲۲ درصد

۱- روان شناسی رفتار جنسی، ص ۷۶؛ نیاز جاودانی، روابط دختر و پسر در جامعه امروز، مشهد، انتشارات کتاب درمانی، ۱۳۸۲، ص ۱۲.

دختران) متأهل هستند.(۱)

می دانیم که نزدیـک به ۶۰ درصد جمعیت ایران زیر ۲۴ سال هسـتند و میانگین جمعیت جوان ایران در مقایسه با کل جمعیت بالاـست، چنـان که جمعیت پانزده تا بیست و نه ساله ایران در سال ۱۳۷۵، ۴/۲۸ درصد و در سال ۱۳۸۰، ۲/۳۲ درصد جمعیت ایران را تشکیل می داد. این درصد به طور میانگین در جهان، ۸/۲۵ درصد است و ایران پس از اردن، جوان ترین کشور جهان است. البته در دوره سـنی ۱۵ تا ۱۹ سـاله ها، ایران بالاترین درصـد جمعیت را در جهان داراست. بر اساس برخی پیش بینی ها، جمعیت ۱۵ تا ۲۹ ساله، از ۲۱ میلیون و ۳۱۶ هزار نفر (۸/۳۲ درصد جمعیت) در سال ۱۳۸۰، به ۲۴ میلیون و ۴۸۴ هزار نفر (۳۵ درصد جمعیت) در سال ۱۳۸۵ افزایش یافته است.(۲)

این ترکیب سـنی، شـرایط خاصـی را در جـامعه ایجـاد کرده است و فرصت هـا و تهدیـدهای بالقوه ای در پی دارد. اکنون این پرسـش مطرح می شود که این انبوه جوانان در فاصـله میان بلوغ تا ازدواج، در رابطه با جنس مخالف چگونه عمل می کننـد و در برخورد با کشـش های شدید جنسی چه رویکردهایی را در پیش می گیرند؟ بی گمان، بیشتر جوانان به دلیل مجرد بودن و نبود امکان ارضای مشـروع نیازهای جنسی، در این باره با مشکلات مختلفی دست به گریبانند. در پژوهشی که از جوانان ۱۴ تا ۲۹

۱- وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، ص ۱۷.

۲- نـک: گزارش ملی جوانان ۱ بررسـی وضـعیت جمعیت جوانان، سازمان ملی جوانان، تهران،مؤسـسه فرهنگ اهل قلم، چ ۱، ۱۳۸۱، صص ۱۷ _ ۲۵.

ساله مراکز استان های کشور در سال ۱۳۸۱ به عمل آمد، نزدیک به ۷۴ درصد ایشان درباره این گزینه که «از نظر ارضای غریزه جنسی مشکلی ندارم»، نظر مخالف داشتند. همچنین نزدیک به ۵۷ درصد آنان نیز درباره این گزینه که: «مسائل جنسی فکرم را آزار می دهد»، نظر موافق داشتند. با توجه به اینکه ۱۷ درصد این جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله، متأهل بوده اند، می توان گفت بیشتر جوانان مجرد در ارضای نیازهای جنسی شان مشکل دارند.

ه_) رفتارهای نوجوانان و جوانان در فاصله بلوغ تا ازدواج

اشاره

رفتارهای نوجوانان و جوانان را می توان در چند دسته کلی تقسیم بندی کرد:

یک _ خود نگه داری و پرهیز از رابطه با جنس مخالف

گروهی از نوجوانان و جوانان به ویژه در خانواده های مذهبی، به دلیل باورهای دینی و نیز شرایط فرهنگی حاکم در خانواده های ایرانی که رابطه دختر و پسر را پیش از ازدواج نمی پذیرد، از این گونه رابطه ها خودداری می کنند و با خود نگه داری، از انحراف ها می پرهیزند. در آموزه های دینی و قرآنی نیز پس از توصیه خانواده ها به فراهم ساختن شرایط ازدواج و روابط مشروع برای دختران و پسران، به خود جوانان سفارش می شود که اگر توان و شرایط ازدواج را نداشتند، تا زمان تأهل در حفظ عفت و دوری از گناه بکوشند. با توجه به حاکم بودن فرهنگ دینی و سنتی در بیشتر خانواده های ایرانی و نیز حساسیت مردم به مسائل ناموسی و مراقبت های اجتماعی به ویژه در روستاها و شهرهای کوچک، به نظر می رسد بیشتر دختران و پسران در جامعه ما، پیش از ازدواج از رابطه با

جنس مخالف خودداری می کننـد و چون رابطه پیش از ازدواج را رابطه ای نامشـروع می دانند، آن را ناپسـند و غیراخلاقی به شمار می آورند.

در نظرسـنجی از جوانان ۱۴ تا ۲۹ سـاله مراکز اسـتان های کشور در سال ۱۳۸۱، دربـاره این گزینه که: «جوانـانی که پیش از ازدواج بـا جنس مخـالف خود دوست می شونـد، از نظر من کـار درسـتی نمی کننـد»، نزدیـک به ۶۷ درصـد نظر موافق و ۳۳ درصد نظر مخالف داشتند.(۱) البته پسـران به دلیل آزادی بیشتر و حساسـیت کمتری که دارنـد، در این زمینه، کمتر از دخترها پرهیز دارند. در شهرهای بزرگ، این پرهیز کمتر است.

در دو پژوهش جـداگانه که در سـال های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ از میـان دانش آموزان سال سوم دبیرسـتان های تهران انجام شـد، به ترتیب ۴۵ درصد و ۴۲ درصد آنان اظهار داشـته اند که «دوستی از جنس مخالف ندارم و مایل نیستم داشته باشم.» در پژوهش دیگری که در سـال ۱۳۷۶ از جوانان ۱۵ تا ۲۵ سـال مجرد در تهران به عمل آمـد، ۵۸ درصد دختران و ۳۷ درصد پسران (در مجموع، ۴۶ درصد) گفتند که «تا کنون با فردی از جنس مخالف رابطه نداشته اند.» همچنین در یک نظرسنجی در سال ۱۳۷۸ از دانش آموزان سـال سوم دبیرسـتان های تهران، ۵۱ درصـد دختران و ۳۹ درصد پسـران (در مجموع، ۴۶ درصد) گفتند که «تاکنون با جنس مخالف رابطه نداشته ام».(۲)

۱- نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، ص ۱۰۴.
۲- نـک: محمـدرضا طالبـان، دین داری و بزه کـاری در میـان جوانـان دانش آمـوز، تهران، مؤسـسه پژوهشـی فرهنـگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، ۱۳۸۰، چ ۱، صص ۸۵ ، ۱۳۲ و ۱۳۳.

بـا توجه به فرهنـگ غـالب در جـامعه و قبـح این گونه روابـط در نظر افراد، نمی توان موضع گیری منفی بیشـتر جوانـان کشور دربـاره دوستی هـای پیش از ازدواج بـا جنس مخالف را به طور قطع نمایانگر نوع رفتار عملی آنان در این زمینه دانست. با این حال، در جامعه ما کم نیستند جوانان مؤمنی که با تربیت دینی، از سر آگاهی و اعتقاد، خود را از آلودگی و انحراف حفظ می کنند.

دو ـ دوستی ها و رابط ه های پنهانی

با توجه به اینکه در جامعه ما روابط دختر و پسر پیش از ازدواج پذیرفته نیست و بیشتر خانواده ها اجازه چنین رابطه هایی را به فرزنـدانشان نمی دهند، برخی از جوانان و نوجوانان به دوستی ها و رابطه های پنهان با فرد یا افرادی از جنس مخالف روی می آورنـد. این نوع رفتار، بیشتر در خانواده هایی دیده می شود که بزرگ ترها به دلیل سـطحی بودن آگاهی های دینی شان و به کار نگرفتن روش های صـحیح تربیتی، نتوانسـته انـد فرهنگ و ارزش های پـذیرفته شده خود را به صورت شایسـته به فرزندان منتقل سازنـد. به دلیل پنهانی بودن این رابطه ها، نمی توان میزان شـیوع این گونه دوستی ها و ارتباط ها را به درستی مشـخص کرد، ولی به نظر می رسد با توجه به نفوذ فرهنگ غرب و امکان دست رسـی آسان به عکس ها، رمان ها، فیلم ها، موسیقی ها و آوازهـای مبتـذل و انواع عوامـل تحریـک کننـده دیگر و نیز نبود راه کارهایی برای آسان شـدن دوستی ها و روابط مشـروع، بسیاری از نوجوانان و جوانان در معرض این نوع رفتارها هستند.

در نظرسـنجی از جوانـان ۱۴ تـا ۲۹ سـاله مراکز اسـتان هـا در سال ۱۳۸۱، نزدیـک به یـک سوم جوانـان دربـاره این گزینه که «جوانانی که قبل از

ص: ۱۹۲

ازدواج با جنس مخالف خود دوست می شوند، از نظر من کار درستی نمی کنند»، نظر مخالف داشتند. همچنین ۳۱ درصد نیز با این گزینه که «گاهی به خاطر رفتارهای جنسی به دردسر افتاده ام»، موافق بودند.(۱)

چنان که پیش تر گفتیم، این نوع رفتار در شهرهای بزرگ و در میان پسرها بیشتر است. در دو پژوهش جداگانه ای که در سال های ۱۳۷۴ و ۱۳۷۸ در میان دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تهران انجام گرفت، به ترتیب ۳۶ درصد و ۳۹ درصد دانش آموزان گفتند یک یا چند دوست از جنس مخالف دارند و ۱۹ درصد افراد نیز گفته اند که «دوستی از جنس مخالف ندارم، ولی مایلم که داشته باشم».

در پژوهش دیگری که در سال ۱۳۷۶ از جوانان ۱۵ تا ۲۵ ساله مجرد در تهران صورت گرفت، ۶۲ درصد پسران و ۴۲ درصد دختران (در مجموع، ۵۴ درصد افراد) بیان کردند با جنس مخالف رابطه داشته اند. همین طور در یک نظرسنجی در سال ۱۳۷۸ از دانش آموزان سال سوم دبیرستان در تهران، ۶۰ درصد پسران و ۴۹ درصد دختران (در کل، ۵۴ درصد دانش آموزان) گفته اند با یک یا چند نفر از جنس مخالف رابطه داشته اند؛ یعنی اگر شمار کسانی که هیچ دوستی از جنس مخالف نداشته اند، حذف شود، میانگین شمار دوستان جنس مخالف برای پسران، ۵/۳ دوست دختر و برای دختران، ۵/۲ دوست پسر می شود.(۲)

به هر حال، تمامی یافته ها از فراگیر بودن نسبی دوستی ها و ارتباط های

۱- نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، صص ۱۰۲ و ۱۰۴.

۲- نک: دین داری و بزه کاری در میان جوانان دانش آموز، صص ۸۵ ، ۱۳۲ و ۱۳۳.

پیش از ازدواج میان دختران و پسران در شهرهای بزرگی مانند تهران خبر می دهد و به نظر می رسد بسیاری از این دوستی ها به صورت پنهانی شکل می گیرند. این آشنایی ها و دوستی ها، از راه های مختلفی صورت می گیرند، مانند: دوستی های خیابانی، آشنایی در محیط کار و تحصیل و آشنایی از طریق دوستان و واسطه ها. حتی برخی از دخترها زمینه آشنایی دوستان و هم کلاسی های خود را با برادر یا پسران فامیل فراهم می آورند. شرکت در جشن تولدها، عروسی ها و پارتی های مختلط و مراسم های حرام به دعوت دوستان یا آشنایان نیز زمینه ساز فسادهای گوناگونی از جمله دوستی ها و رابطه های نامشروع است.

در پژوهشی در سال ۱۳۷۸، از میان دانش آموزان سال سوم دبیرستان های تهران، ۴۵ درصد پسران و ۲۱ درصد دختران (در مجموع، ۳۱ درصد) گفته بودند یک یا دو بار یا بارها در پارتی های مختلط دوستانه و غیرخانوادگی شرکت کرده اند.(۱)

بی گمان، جوانان تهرانی از این نظر در مقایسه با دیگر جوانان وضعیت بدتری دارند و فراگیری این آمارها را نباید به همه جوانان کشور گسترش داد، ولی معمولاً ـ چنین است که این گونه ناهنجاری های فرهنگی به تدریج از مرکز کشور به جوانان دیگر مناطق نیز سرایت می کند. رواج روزافزون پیوندهای اینترنتی و آشنایی های چتی و گسترش استفاده از ابزارهای ارتباط شخصی مانند تلفن همراه نیز به شکل قابل توجهی امکان شکل گیری و استمرار رابطه های پنهانی را برای نوجوانان و جوانان فراهم

ص: ۱۹۴

۱- نک: همان، ص ۱۳۸.

کرده است. چه بسا این دوستی ها با انگیزه آشنایی پیش از ازدواج صورت گیرد، ولی یک طرف با این بهانه، طرف دیگر را فریب دهد و از حسن ظنّ او سوءاستفاده کند.

در این نوع دوستی ها، دو اشکال اساسی وجود دارد. اول آنکه بیشتر این رابطه ها، آلوده به گناه است و مشروع نیستند. بنا بر احکام اسلامی، تنها دختر و پسری که در واقع قصد ازدواج دارند، می توانند تا اندازه ای که برای شناسایی با یکدیگر لازم است، یکدیگر را ببینند و با هم صحبت کنند و بیش از این مقدار، رابطه ها باید در چارچوب هایی مشخص و همراه با محرمیت شرعی باشد. با این حال، در بیشتر دوستی ها و رابطه های پنهانی میان دختران و پسران، این ضابطه رعایت نمی شود.

اشکال دوم، پنهانی بودن این رابطه ها و خارج بودن آن از دایره مراقبت های اجتماعی و خانوادگی است. از همین رو، نوجوان یا جوان، بسیاری از نیروی فکری خود را در ایجاد و حفظ این گونه رابطه ها و پنهان کردن آن از خانواده صرف می کند که این امر، خستگی روحی و مشکلات عصبی خاص خود را دارد. افزون بر این، رابطه های پنهانی، با نگرانی و مشغولیت های ذهنی همراه است و آرامش و نشاط جوانی را از فرد می گیرد. این گونه رابطه ها، به دوری از خانواده و اطرافیان می انجامد و جوان را در دام دوستان ناباب، شیادان و انواع خطرها و انحراف ها گرفتار می کند. از همین رو، به دلیل نبود مراقبت خانواده ها، احتمال اینکه پسر و به ویژه دختر فریب بخورند و از نظر جسمی و روحی آسیب های جبران ناپذیری ببینند، بسیار است.

چه بسا قصد اولیه بسیاری از دختران و حتی پسران از دوستی و رابطه

ص: ۱۹۵

با جنس مخالف، ارتباط ها و رفتارهای جنسی نیست، بلکه بیشتر در پی آشنایی با فضای فکری و روانی جنس مخالف و تجربه احساسی جدید در رابطه عاطفی با او هستند، ولی واقعیت این است که این رابطه ها به ویژه اگر پنهانی و دور از نظارت خانواده ها باشد، به احتمال زیاد به رفتارهای جنسی می انجامد. دخترانی که در این گونه رابطه ها، عفت خود را از دست می دهند، چه بسا دچار عذاب وجدان شوند یا روی در میان گذاشتن مسائل را با خانواده نداشته باشند یا خانواده ها دیگر آنها را نپذیرند. در این صورت، شاید برای همیشه از داشتن زندگی سالم محروم شوند و ازدواج مناسبی نداشته باشند و چه بسا به ناهنجاری هایی مانند فرار از خانه،(۱) خودفروشی، اعتیاد و حتی خودکشی گرفتار شوند.

باید دانست بیشتر این دوستی ها و رابطه ها دیر یا زود کشف می شود و افزون بر آبروریزی و زیان های روحی و اختلاف ها و درگیری های خانوادگی، در صورت ریشه دار بودن محبت میان دختر و پسر، قطع ارتباط موجب سرخوردگی و خسارت های روحی برای آنها گردد. حتی اگر آنها به ازدواج با هم موفق شوند، به دلیل نبود راهنمایی ها و نظارت خانواده در گزینش همسر و انتخاب های احساسی و غیرواقع بینانه نوجوانان و جوانان که بر اساس جذابیت های ظاهری صورت گرفته است و نیز نبود سازگاری های بعدی خانواده ها با همسر فرزندشان، این ازدواج ها چندان

۱- بنا بر پژوهشی در سال ۱۳۷۹ در تهران، ۴۳ درصد از دخترانی که از خانه فرار کرده بودند، انگیزه فرار را داشتن دوست پسر، ۳۴ درصد بدرفتاری والدین و دیگر موارد دانسته اند. نک: گزارش ملی جوانان ۱۹ بررسی وضعیت فرار از خانواده جوانان، ص ۱۷.

دوام نخواهد یافت.

در حال حاضر، بنا بر آمار، ۷۶ درصد طلاق های زیر سه سال و ۸۹ درصد کل طلاق ها، از آن کسانی است که خود، بانی آشنایی شده اند و با وجود مخالفت خانواده، بر ادامه آن پای فشرده اند.(۱) به هر حال، دوستی ها و روابط پنهان میان دختر و پسر از هر نظر برای جوانان و خانواده ها دردسرساز است و افزون بر پی آمدهای معنوی و اخروی، مشکلات فراوانی برای آنها دارد. البته شاید در این زمینه، تقصیر خانواده ها و جامعه در مقایسه با نوجوانان و جوانان بیشتر باشد، ولی به هر حال، بازنده و آسیب پذیر اصلی، کسی جز خود نوجوان و جوان نخواهد بود.

سه _ دوستی ها و رابطه های آزاد

در جامعه ما برخی از دختران و پسران نیز پیش از ازدواج، آشکارا با فرد یا افرادی از جنس مخالف دوست می شوند. این افراد معمولاً در خانواده های به اصطلاح امروزی پرورش یافته اند که چندان به مسائل شرعی پای بند نیستند و فرهنگ غرب را به طور کامل در زندگی شان پذیرفته اند. در فرهنگ امروز غرب، داشتن دوست از جنس مخالف و رابطه های پیش از ازدواج برای جوانان و نوجوانان امری پذیرفته شده است و جزو حقوق و آزادی های طبیعی به شمار می رود و حتی نسبت به روابط جنسی به معنای خاص آن نیز با تسامح رفتار می شود.

متأسفانه رویکردهای غرب گرایانه در میان طبقه تحصیل کرده و

۱- نک: ویژه نامه «تپش»، ضمیمه ش ۱۱۸۴، روزنامه جام جم، ۱۰/۴/۱۳۸۳، ص ۲ و «تپش» ضمیمه ش ۱۲۱۷، روزنامه جام جم، ۲۱/۵/۱۳۸۳، ص ۲.

روشن فکر که یا در غرب تحصیل کرده اند یا تحت تأثیر نظریه ها و اندیشه های رایج در غرب قرار گرفته و نیز در میان قشر مرفّه جامعه بیشتر است.

بنا بر برخی پژوهش های مربوط به جوانان دبیرستانی در تهران، تحصیلات والدین و نیز کار مادر، نسبت معکوسی با میزان التزام به دین و دین داری در جوانان داشته است. همچنین میزان بزه کاری به ویژه کج روی اخلاقی و فرهنگی در جوانانی که والدینشان تحصیلات دانشگاهی داشتند یا مادرانشان شاغل بوده اند، بسیار بیشتر از دیگر جوانان بوده است. حتی میزان کج روی های اخلاقی، جنسی و فرهنگی در جوانانی که در مدرسه های غیرانتفاعی درس می خواندند، بیش از دانش آموزان مدرسه های دولتی است.(۱)

متأسفانه برخی خانواده ها، به جوان درباره رابطه و دوستی با جنس مخالف، آزادی نسبی می دهند؛ یعنی به او اجازه می دهند تا آن جا که به آمیزش جنسی نینجامد، با دوستی از جنس مخالف رابطه داشته باشند. حتی چه بسا در این خانواده ها، این گونه دوستی ها میان دختر و پسری باشد که با هم نسبت فامیلی دارند و از کودکی با یکدیگر هم بازی بوده اند و پس از بلوغ نیز همین حالت را حفظ کرده اند. اندکی از خانواده ها در رابطه با جنس مخالف، به جوانان آزادی کامل می دهند و هیچ محدودیتی در این زمینه ندارند.

۱- نک: دین داری و بزه کاری در میان جوانان دانش آموز، صص ۹۳ _ ۹۶.

گروهی از جوانان نیز که آشکارا با جنس مخالف دوست می شونـد، در خانواده هایی زنـدگی می کنند که به دلایل مختلف مانند درگذشت پدر یا پیر بودن والدین و نظیر آن، قدرت لازم را برای مراقبت از جوانان ندارند؛ یعنی والدین یا دیگر اعضای خانواده با وجود آنکه از این گونه رابطه های جوانانشان ناراحتنـد و آن را تأییـد نمی کننـد، در عمل توان جلوگیری ندارنـد و مجبور به پـذیرش خواست جوانانشان هسـتند. البته این نوع از رابطه های آزاد، در بخش کوچکی از جامعه و اندکی از جوانان شیوع دارد و بیشتر خانواده ها این گونه روابط را به فرزندانشان اجازه نمی دهند.

پـذیرش آزادی به سبک غربی، بیشتر در شـهرهاییماننـد تهران و در خانواده های به اصـطلاح غرب زده دیـده می شود و در بیشتر خـانواده هـا، این فرهنـگ وجود نـدارد. بـا این حال، با توجه به گیرایی، تبلیغ و نفوذ فرهنگ غرب در جامعه، به نظر می رسـد به تدریـج، به ویژه در شـهرهای بزرگ، خـانواده هـای بیشتری این آزادی هـا و روابـط را بپذیرنـد و دوستی هـا و روابط پنهانی، هر چه بیشتر جای خود را به دوستی های آشکار بدهد.

هر چند ممکن است خانواده هایی، جوانان خود را در این امور آزاد بگذارند، ولی جامعه نسبت به این گونه روابط حساسیت دارد و چه بسا جوانان در مـدرسه، دانشـگاه یا محیط های دیگر، با توبیخ دیگران و حتی برخوردهای قانونی و قضایی روبه رو شوند. ازاین رو، این گونه روابط نیز ــ گذشته از گناه بودنشان ــ با توجه به شرایط جامعه، پذیرفتنی نیست.

چهار ــ رفتارهای غیرطبیعی و ارضاهای بدلی

منظور از عنوان یادشـده، مزاحمت های خیابانی، پناه بردن به فیلم ها و عکس های مبتـذل، خودارضایی و مانند آن است. پیش تر گفتیم که با توجه

به شرایط فرهنگی جامعه ما، نوجوانان و جوانان پیش از ازدواج راه مشروعی برای دوستی و رابطه عاطفی با جنس مخالف ندارند و بیشتر رابطه های موجود غیرشرعی است. از طرفی، با توجه به باورهای اعتقادی و دینی، جامعه و خانواده ها، پذیرای رابطه های نامشروع نیستند. در نتیجه، جوانان در برآوردن نیازها و گرایش های جنسی شان، با دوگانگی هنجاری روبه رو هستند، چنان که سه چهارم جوانان ۱۴ تا ۲۹ ساله در مراکز استان ها اظهار داشته اند که در ارضای نیاز جنسی مشکل دارند و ۵۷ درصد نیز بیان کرده اند که مسائل جنسی، فکرشان را آزار می دهد. در این میان، گروهی از نوجوانان و جوانان به رفتارهای غیرطبیعی روی می آورند و به ارضاهای عاطفی یا جنسی ناسالم و بدلی گرفتار می شوند. نامحسوس ترین و در عین حال، فراگیرترین نوع این ارضاهای بدلی، فرو رفتن در تخیل ها و اوهام جنسی است که اگر هم گناه نباشد، عامل خستگی ذهنی و ملال روحی و عصبی می شود. امام صادق (ع) می فرماید:

عیسی (ع) به حواریون فرمود:

... کسی که با خودش درباره عمل منافی عفت فکر کند، مانند کسی است که در خانه آراسته، آتش روشن کند. اگر این آتش روشن کردن، خانه را به آتش نکشد، حداقل دودش آراستگی خانه را خراب می کند.(۱)

پناه بردن به عکس ها و نوشته های پورنوگرافی؛ مانند فیلم ها و عکس های سکسی در ماهواره، اینترنت و سی دی های مبتذل و رمان های

۱- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۵ از ابواب النکاح المحرم، ح ۲۵۷۱۹.

عاشقانه، ترانه ها و موسیقی های مبتذل و حتی دوستی های افراد با اشخاص ناشناس و شخصیت های مجازی در چت روم ها، همه جزو کام جویی های بدلی هستند که در افزایش تخیلات جنسی مؤثرند. این گونه امور، با تحریک و تشدید احساس محرومیت جنسی، وقت و توان فکری جوانان را هدر می دهد و بی تعادلی روحی و فشار عصبی را به ارمغان می آورد و زمینه ساز انحراف های دیگر می شود. این ناهنجاری ها، در میان برخی جوانان و نوجوانان رواج دارد و بیشتر آنان تجربه تماشای فیلم ها و عکس ها، خواندن رمان های مبتذل، گوش کردن به موسیقی ها و ترانه های تحریک کننده، چت کردن و مانند آن را دارند. گروهی نیز به شکل خطرناکی به این امور معتاد شده اند. بنا بر برخی پژوهش ها، بیشترین مقدار مطالعه غیردرسی در نوجوانان و جوانان کشور به ویژه در میان دختران، مربوط به مطالعه رمان است. تحلیل محتوایی ۶۵۹ رمان مربوط به سال های ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۱ نشان می دهد ۷۰ درصد رمان ها محتوایی مبتذل و ۴۰ درصد دارای رویکرد پورنوگرافی داشته و به تشریح صحنه های خلاف اخلاق جنسی پرداخته اند.(۱)

چشم چرانی و مزاحمت های خیابانی، مزاحمت های تلفنی و رفتارهایی از این دست نیز از رفتارهای غیرطبیعی و ارضاهای بدلی است که سلب آسایش و امنیت روانی و اجتماعی و نیز هدر رفتن وقت و توان جوانی و مشکلات روحی را برای جوانان و نوجوانان در پی دارند.

ص: ۲۰۱

۱- نک: حسن غفاری فر، مقاله «واکاوی آسیب های فرهنگی علیه زنان»، نشریه کتاب زنان، ش ۲۰، تابستان ۱۳۸۲، ص ۱۳۶.

و) تحریک های موجود در جامعه

به دلیل رواج بی سابقه فرهنگ ولنگاری، نمایش و تبلیغ مسائل جنسی، گسترش روزافزون رسانه ها در دنیای امروز و تغییر شرایط فرهنگی در جامعه ما، میزان تحریک های جنسی بسیار زیاد است. در دنیای امروز، با اثرگذاری فلسفه های مادی گرا و ترویج آزادی های فردی و تکیه بر نظریه هایی مانند آرای فروید و نیز با انگیزه های تجاری و تبلیغی، مسائل جنسی به یکی از ارکان اصلی در تولیدات فرهنگی و از مهم ترین جذابیت های تبلیغی تبدیل شده است. امروزه، فیلم و سریال یا ترانه و آواز و برنامه های تبلیغی و حتی برنامه های خبری کمتری را می توان یافت که در آنها به گونه ای، از جذابیت های جنسی استفاده نشود.

تکنیک های سینمایی و استفاده از نور، رنگ، حرکت، صدا و تصویر و در هم آمیختن خیال و واقعیت، چنان صحنه های محرک و جذابیت های شنیداری و دیداری را پدید می آورد که هیچ گاه در عالم واقع برای کسی تجربه شدنی نیست. با توجه به این مطلب گفته ها و فراگیر شدن رسانه ها در دنیای امروز به جرئت می توان گفت در طول تاریخ بشر، هیچ گاه تحریک های جنسی چونان امروز فراگیر و اغواگر نبوده است.

به یقین، جامعه ما نیز نمی تواند خود را به کلی از این جریان فرهنگی غالب در دنیای امروز، برکنار بدارد. اگر خودمان نیز این را بخواهیم، گسترش ارتباطات و درنوردیده شدن مرزها با امواج، خواه ناخواه ما را با این جریان فرهنگی درگیر می سازد. از سویی، دشمنان اسلام نیز برای فریب دادن جوانان ما از هیچ تلاشی فروگذار نمی کنند. امروزه گروهی از جوانان و نوجوانان، برنامه های شبکه های ماهواره ای خارجی را تماشا

می کننـد. سـی دی های مبتذل، بازی های رایانه ای با صـحنه های محرک، آهنگ ها و ترانه های نامناسب، عکس ها و مجله ها و انواع محصولات فرهنگی مبتذل، به فراوانی و با قیمت ارزان قابل دست رسی است.

یک نظرسـنجی در سال ۱۳۷۸ از دانش آموزان سـال سوم دبیرسـتان در تهران، نشـان داد بیشتر آنهـا فیلم هـای کاملاً غیرمجاز تماشا کرده اند.(۱) البته نباید تصور شود که فیلم های به اصـطلاح مجاز، از تحریک های جنسـی و مسائل ضد اخلاق به کلی تهی هسـتند. حتی بیشتر انیمیشن ها و برنامه های کارتونی که برای کودکان در بازار وجود دارد، دارای موضوع های عشقی و صحنه های جنسی هستند. برای مثال، کارتون های معروف و پرطرفداری چون سیندرلا، تام و جری، میکی موس، زیبای خفته، دیو و دلبر، آناسـتازیا، شِرِک و... که از کارتون های مجاز هستند، هیچ کدام از این صحنه ها تهی نیستند. در بیشتر بازی های رایانه ای مورد علاقه کودکان و نوجوانان نیز همین وضـعیت دیده می شود، به گونه ای که کودکان در سنین پایین با تحریک ها و مسائل جنسـی کاملاً آشـنا می شونـد و زمینه بلوغ زودرس و انحراف های مختلف در آنان فراهم می آیـد. موسـیقی ها و ترانه های تحریک کننده به اصـطلاح مجاز یا کاملاً غیرمجاز نیز که به راحتی از طریق اینترنت یا رادیو و تلویزیون های فارسی زبان بیگانه یا روش های دیگر در اختیار جوانان قرار می گیرند، فراوان است.

بر اساس پژوهش سازمان ملی جوانان در سال ۱۳۷۶، گوش دادن به

ص: ۲۰۳

۱- نک: دین داری و بزه کاری در میان جوانان دانش آموز، ص ۸۲ .

ترانه های خوانندگان پیش از انقلاب در مقایسه با خوانندگان پس از انقلاب در میان نوجوانان و جوانان بسیار بیشتر است و بسیاری از آنها برای آگاهی از اخبار و گوش دادن به موسیقی، رادیوهای بیگانه را گوش می کنند.(۱) بنا بر همین پژوهش، بیشترین میزان مطالعه در نوجوانان و جوانان به ویژه نوجوانان، به کتاب های رمان و قصه مربوط است.(۲) با ورود نظریه روان شناسی فروید، رمان در اروپا به نهایت هرزگی افتاد. در ایران هم به ویژه پس از زمان مشروطه، با حضور روشن فکرنمایان، ابتذال در داستان ها رواج یافت که تا همچنان ادامه دارد.

امروزه نیز اینترنت، امکان دست رسی به انواع عکس ها و مطالب مبتذل را به آسانی برای نوجوانان و جوانان فراهم کرده است. از آن گذشته، سایت های دوست یابی و امکاناتی مانند پست الکترونیک و چت روم ها، امکان ارتباط میان دختر و پسر و آشنایی نوجوانان با فضاهای فکری، اندیشه ها و موضوع های جنسی را بیش از پیش فراهم آورده است. امروزه بیشتر جوانان و نوجوانان دوست دارند رها از مراقبت خانواده ها، چت کردن با جنس مخالف را تجربه کنند و به تدریج پا را از چارچوب های بسته گذشته فراتر بگذارند. فضای جامعه، رعایت نشدن هنجارهای اسلامی در محیط های اجتماعی و افزایش میزان اختلاط میان دو جنس در محیط های تحصیل و کار، زمینه تحریک و انحراف جنسی را در جامعه ما

۱- نک: گزارش ملی جوانان ۶ بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان، تهران، سازمان ملی جوانان، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، ۱۳۸۱، صص ۱۲۰ و ۱۲۴.

۲- نک: همان، ص ۱۳۰.

افزایش داده است.

به نظر می رسد میزان تحریک های موجود در جامعه کنونی ما، نسبت به زمان صدر اسلام یا دوره های بعدی تاریخ گذشته ایران تا عصر پهلوی و حتی با بیست سال گذشته، قابل مقایسه نیست. بی تردید، افزایش میزان تحریک ها از سویی و کاهش امکان ارضای مشروع گرایش های جنسی در جامعه نسبت به گذشته از سوی دیگر، بی تعادلی اجتماعی و فرهنگی، افزایش احساس محرومیت در نوجوانان و جوانان و گسترش انحراف ها را بیش از پیش دامن زده است.

۳- آسیب شناسی نظام رفتار جنسی در جامعه ایران

اشاره

پیش تر بیان شد که در روابط زن و مرد و دختر و پسر در جامعه ما، چه از نظر روابط معمول اجتماعی مانند حجاب و رعایت ظواهر شرعی و اختلاط میان نامحرمان و چه از نظر روابط جنسی، مشکلات مختلفی وجود دارد. وضعیت حجاب و عمل به ظواهر شرعی، در شهرهای بزرگ چندان شایسته نیست. اختلاط میان نامحرمان در محیط های اجتماعی، افزایش یافته و به امری پذیرفته شده و عادی تبدیل شده است. در عین حال، فرهنگ مناسب با این شرایط وجود ندارد و افراد در این زمینه، با ابهام و ناسازگاری روبه رو هستند.

بنا بر آموزه های اسلام، اختلاط و برخوردهای طولانی مدت میان نامحرمان باید کاهش یابد و ضابطه های بیان شده نیز در برخوردهای کوتاه، هیچ مشکلی ایجاد نمی کند؛ ولی امروزه که اختلاط و ارتباط های طولانی مدت و پی گیر میان نامحرمان در مقایسه با صدر اسلام افزایش

یافته است، رابطه های میان نامحرمان حتی با رعایت همه هنجارهای دینی، در نظر بسیاری چنـدان طبیعی به نظر نمی رسد. در نتیجه، دین مداران در این زمینه با تضاد و ابهام روبه رو می شوند. این، تنها نمونه ای از پیچیدگی، ناسازگاری و دوگانگی در رفتارهـای اجتمـاعی میـان نامحرمـان در جامعه امروز ماست. در روابط جنسـی نیز موانع موجود در مسیر ازدواج، افزایش سـن ازدواج و افزایش میزان تحریک های جنسی و زمینه های روابط نامشروع، از دیگر مشکلات جامعه به شمار می رود.

اگر این مشـکلات با دیدی کلان ریشه یابی شود، عامل بسیاری از این گرفتاری ها را در تضاد فرهنگی و بی تعادلی ساختاری در نظام رفتار جنسـی ــ به معنای فراگیر آن ــ می توان جُست. وجود ارزش های ناهمگون که هر کدام، هنجارهای متناسب با خود را بر جامعه تحمیل می کند، تضاد میان سنت و مدرنیته و ناسازگاری میان فرهنگ اسلامی و فرهنگ غربی، از عوامل این اختلاـط و تضـاد فرهنگی است. در یـک نظـام رفتـاری هماهنـگ، بایـد میان اجزای مختلف تناسب برقرار باشـد. همچنین باید متنـاسب بـا هـدف هـا، هنجارها و قالب های رفتاری خاصـی تعریف شود تا نظام رفتاری سازگار و کارآمـدی در جامعه ایجاد شود. در نظـام رفتـار جنسـی مطلوب، بایـد بـا توجه به جهت گیری هـای اسـلامی، به نیازهای همه افراد و نیز مصالـح جامعه به شایستگی توجه شود.

به طور کلی، مهم ترین آسیب های جنسی در میان نوجوانان و جوانان را می توان چنین برشمرد:

الف) مشکلات روحی و روانی

در نتیجه گیری از گزارش سازمان ملی جوانان که از جوانان ۱۴ تا ۲۹

ساله مراکز استان های کشور در سال ۱۳۸۱ انجام گرفته است، می خوانیم: «مشکلات مربوط به سلامت روانی، در شمار جدی ترین مسائل جوانان ایران است و نیازمند آن هستیم که پژوهش های کاربردی به منظور کشف راه حل های این معضل اساسی صورت گیرد.»(۱) در همین پژوهش آمده است ۵۲ درصد جوانان درباره این گزینه که «احساس نشاطی را که یک جوان باید داشته باشد، ندارم»، نظر موافق داشته اند. ۵۳ درصد نیز درباره این گزینه که «زندگی آن قدر طاقت فرسا است که گاهی آرزو می کنم ای کاش هرگز به دنیا نیامده بودم» و همچنین ۶۸ درصد آنان در مورد این گزینه که «در زندگی من چیزی وجود ندارد که از آن لذت ببرم»، نظر موافق داشته اند. ۲۶ درصد آنها نیز با این گزینه که «گاهی فکر خودکشی به سرم افتاده و درصدد انجام آن بوده ام»، موافق بوده اند. بر اساس این پژوهش، ۵۴ درصد جوانان مراکز استان های کشور، دچار انواعی از افسردگی هستند. ۵۱ درصد آنان دچار معضل روانی اضطراب، ۵۳ درصد دارای روحیه پرخاشگری و ۵۵ درصد دچار خشم نهفته هستند.(۲) به طور کلی، احساس محرومیت و بن بست، احساس گناه و نگرانی و پنهان کاری، شکست های عاطفی، سرخوردگی و آزارها و خستگی های روحی، از پی آمدهایی هستند که گریبان گیر جوانان و نوجوانان است.

بیان این مطالب بدان معنا نیست که آزادی رابطه دختر و پسر، سلامت روانی را برای جوانان و نوجوانان به ارمغان می آورد. حتی رویکردهای

ص: ۲۰۷

۱- نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، ص ۵۲۲.

۲- نک: همان، صص ۹۰ و ۵۲۲.

افراطی و توجه صرف به لذت های جنسی، بدون در نظر گرفتن جنبه های والای معنوی در زندگی، یکی از عوامل مهم مشکلات روحی و روانی جوانان است. بنا بر پژوهش سازمان بهداشت جهانی، از صد و پنجاه هزار نوجوان و جوان در کشورهای مختلف، نوجوانان و جوانان انگلیسی بیش از دیگران مشروب و سیگار مصرف می کنند و روابط جنسی دارند. در عین حال، از همه افسرده تر و ناسالم تر هستند و بیش از نیمی از آنها، دوستان خود را اعتمادناپذیر و نامهربان می دانند.(۱) بدون تردید، برآوردن متعادل نیازهای مادی و گرایش های غریزی و عاطفی در کنار توجه به جنبه های والای معنوی و معرفتی، تا حد زیادی سلامت روانی جوانان و نوجوانان را تأمین می کند.

ب) دین گریزی و اثرپذیری از دشمنان نظام اسلامی

بسیاری از جوانان، تصور نادرستی از اسلام دارند. آنها دین را بیشتر عامل محدودکننده به ویژه در امور جنسی می دانند که از هنگام بلوغ و هم زمان با آغاز احساسات جنسی و اوج گیری گرایش های غریزی، آنها را از رابطه با جنس مخالف باز می دارد. از همین رو، نظام اسلامی در نظر بسیاری از جوانان و نوجوانان، نظامی محدود کننده به نظر می آید. این نگرش سبب می شود زمینه های دین گریزی و اثرپذیری از دشمنان و احساس نارضایتی و حتی تضاد و رودررویی با نظام اسلامی در جوانان و نوجوانان افزایش یابد.

واقعیت این است که آموزه های اسلام کاملاً با فطرت انسانی سازگار

۱- اخبار واحد مرکز خبر، ۱۶/۳/۱۳۸۳.

است و اگر به درستی شناخته و اجرا شود، نوجوانان و جوانان به آسانی آنها را می پذیرند. برای مثال، کمتر جوانی با تحریم دروغ یا دزدی در اسلام، مشکل دارد. در مورد نیازها و غریزه های مختلف نیز اگر چه اسلام محدودیت هایی دارد، مثل آنکه افراد را از برخی خوردنی ها و آشامیدنی های حرام نهی می کند، ولی در کنار آن، گستره ای از حلال ها را در اختیار انسان ها گذارده است، به گونه ای که کسی احساس تنگنا نمی کند و همگان به راحتی می توانند نیازهای طبیعی و غریزی خود را برطرف سازند.

ج) دور شدن از خانواده ها و ناسازگاری با والدین

حساسیت خانواده ها در مورد مسائل جنسی و نیز نیازهای برآورده نشده یا تحریک شده نوجوانان و جوانان که گاه آنها را به رفتارهای نامطلوب می کشاند، زمینه احساس نارضایتی متقابل، پنهان کاری، اختلاف و کشمکش و دور شدن از خانواده ها را فراهم می آورد.

د) افتادن در دام کام جویی های بدلی

فرو رفتن در اوهام و خیال ها، چشم چرانی، پناه بردن به عکس ها، فیلم ها، ترانه های مبتذل و دوستی های مجازی و چتی و مانند آن، از دیگر مشکلات روحی و روانی جوانان است.

ه_) رواج بدحجابی، مزاحمت های خیابانی و دیگر ناهنجاری های فرهنگی و اجتماعی

بی تردید، اگر حس خودآرایی و دلبری که در نهاد زنان و دختران قرار دارد و نیز غریزه پیوندخواهی جنسی که در پسران و مردان وجود دارد، به طور طبیعی و مشروع برآورده شود، زمینه بسیاری از ناهنجاری های

اجتماعی ـ فرهنگی مانند خودآرایی و بدحجابی، مزاحمت های خیابانی و مانند آن، کاهش می یابد. البته برخی از ناهنجاری ها نیز به دلیل همان احساس محدودیت و محرومیت های جنسی است که در اثر آن افراد به صورتی نمادین، اعتراض خود را به فرهنگ و نظام حاکم نشان می دهند. بی گمان، بدحجابی و خودآرایی دختران و زنان از عوامل گوناگونی سرچشمه می گیرد، ولی مسائل و خواسته های جنسی نیز در این باره بی تأثیر نیست.

و) اعتیاد، مشروبات الکلی و بزه کاری های مختلف بر اثر ناکامی ها و مشکلات روحی

آشفتگی روحی و فکری و فشارهای روانی، از مهم ترین عوامل روی آوردن افراد به مواد مخدر و مشروبات الکلی است. افرادی که از نظر روحی در فشارند، چه بسا به غلط، روی آوردن به این امور را راهی برای فرار از مشکلات خود بپندارند. یکی از اموری که به ویژه در دوران نوجوانی و جوانی سبب آشفتگی فکری و فشار روانی می شود، نیازهای جنسی است. شکست های عشقی، مخالفت ها و محدودیت ها یا طرد از ناحیه خانواده و اجتماع، کشمکش ها، احساس محرومیت ها و ناکامی ها و اموری مانند آن که مستقیم یا غیرمستقیم از نیازها یا انحراف های جنسی ناشی می شود، بستر مناسبی را برای اعتیاد و انواع ناهنجاری ها و بزه کاری ها فراهم می آورد.

ز) مهاجرت به خارج از کشور

رفتن به خارج از ایران به امید دست یابی به آزادی و رهایی از تنگناهای فرهنگی و اخلاقی و قانونی در رابطه با جنس مخالف، مشکل

دیگر جوانان است.

ح) فرار دختران و پسران

بنا بر آمار نیروی انتظامی در سال ۱۳۷۸، خانه گریزی ۷۳۷ نوجوان پسر و ۹۴۰ نوجوان دختر و ۱۰۰۶ دوشیزه و زن جوان ثبت شـده است که بیشتر این آمـار، به تهران اختصـاص دارد.(۱) رئیس مرکز مشـاوره و خـدمات روان شـناختی سازمان آموزش و پرورش می گویـد: «ماهانه ۸۰ تا ۱۱۰ کودک و نوجوان از خانه ها فرار می کننـد که شـصت درصـد آنها دخترنـد. ۵۱ درصد دبیرستانی؛ ۴۱ درصـد راهنمـایی و ۷ درصد ابتدایی.»(۲) بنـا بر پژوهش هـای گونـاگون، یکی از مهـم ترین انگیزه هـای فرار جوانـان و نوجوانـان، دوستی بـا جنس مخـالف است که چون خـارج از نظـارت خـانواده شـکل می گیرد، آنـان را به تضـاد با خانواده ها و سرانجام خانه گریزی می کشاند.

در یک بررسـی از ۴۳ دخـتر فراری سـاکن در مراکز مـداخله در بحران اسـتان تهران، ۶۰ درصـد آنان گفته انـد پیش از فرار، دوست پسر داشته اند و بیشتر آنها را همین دوستان وا داشته اند تا فرار کنند.(۳)

ط) آلوده شدن به رابطه های نامشروع و فسادهای اجتماعی گوناگون

روابط نامشروع، پی آمدهای ناگواری برای فرد و جامعه دارد. افزون بر زیان های اجتماعی این روابط، مانند ناامنی اجتماعی و فرزندان نامشروع و

ص: ۲۱۱

۱- نک: گزارش ملی جوانان ۱۹ بررسی وضعیت فرار از خانواده جوانان، ص ۸۲ .

۲- نشریه یالثارات، ش ۳۲۴، ۲۸/۲/۱۳۸۴.

۳- نک: رضا مه کام، خانه گریزی دختران، ریشه ها و پی آمـدها، قم، مرکز پژوهش های اسـلامی صدا و سـیما، ۱۳۸۳، چ ۱، ص ۶۸ .

بی سرپرست، بیشترین پی آمدهای منفی روابط نامشروع برای خود فرد است که مهم ترین آنها، آثار منفی اخروی و معنوی است. جوانی که در اثر تحریک های جنسی و فشارهای غریزی مرتکب عمل نامشروع می شود، چه بسا دچار احساس گناه شدید و عذاب وجدان شود، ولی به غلط گمان کند که با این گناه بزرگ، آب از سرش گذشته است. در این حالت، وی به احساس دوری از خدا و ناامیدی از رحمت الهی گرفتار می شود و زندگی خود را تباه می سازد. بی آبرویی، ترس و نگرانی، جدا شدن از خانواده و اجتماع، افتادن در دام اعتیاد، الکلیسم، خودفروشی و انواع بزه کاری ها، از دست دادن امکان ازدواج مناسب و زندگی سالم و انواع گرفتاری ها، از پی آمدهای روابط نامشروع برای دختران و پسران نوجوان و جوان است. البته به دلیل حساسیت های موجود در جامعه، این آسیب ها برای دختران بیشتر است. چه بسا دختران و پسرانی که از روی غفلت و تحت تأثیر گرایش های جنسی، به دوستی با افراد ناباب و شرکت در پارتی ها روی آوردند و با انواع بزه کاری ها و انحراف ها آشنا شدند و پس از آنکه راه بازگشت را بسته دیدند یا از سوی خانواده ها رانده شدند، به جمع مجرمان حرفه ای پیوستند.

چنان که گفتیم، روابط نامشروع زمینه ساز انواع فسادها است. حتی عامل اصلی بسیاری از قتل ها و جنایت ها در کشور، مسائل ناموسی و روابط نامشروع به شمار می رود. بی گمان، مهم ترین راه جلوگیری از گسترش این نوع رابطه ها، زمینه سازی برای برآوردن و آسان سازی نیازهای جنسی دختران و پسران در کنار افزایش تقوا و تربیت دینی است.

ص: ۲۱۲

فصل دوم: راه کارهای اصلاحی

اشاره

در فصل های گذشته به مهم ترین مشکلات موجود در روابط میان زن و مرد و دختر و پسر در جامعه امروز ایران اشاره کردیم. در حوزه روابط اجتماعی، مشکلاتی مانند رعایت نشدن کامل احکام و ظواهر شرعی، گسترش اختلاط و تماس های گسترده میان نامحرمان و ناسازگاری لوازم آن با فرهنگ سنتی و اسلامی جامعه، وجود ابهام و دوگانگی فرهنگی و بالا بودن میزان انحراف در روابط اجتماعی بررسی شد. در حوزه روابط جنسی نیز به افزایش آستانه تحریک پذیری جوانان و رابطه های غیرشرعی، مانند دوستی ها و روابط محدود تا روابط نامشروع، بالا رفتن سن ازدواج جوانان و نبودن بسترهای مناسب برای برآورده ساختن نیازهای عاطفی و جنسی آنان اشاره کردیم و گفتیم که این گونه مشکلات تا حد زیادی از اختلاط فرهنگی و بی تعادلی در نظام رفتار جنسی به معنای عام آن سرچشمه می گیرد. برای حل ریشه ای مشکلات موجود، راهی نداریم جز التزام همه جانبه به ارزش ها و هنجارهای اسلامی و اجرای کامل و غیرگزینشی نظام رفتاری اسلام در جامعه. برای این منظور، باید به محورهای عملی توجه ویژه شود:

۱. تقویت و درونی سازی آموزه ها، ارزش ها و احکام اسلامی در افراد

و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه؛

۲. شناخت واقع بینانه از فرهنگ غرب و آگاهی از نقاط قوت و ضعف آن؛

۳. ایجاد بسترهای مناسب برای روابط مشروع میان دختران و پسران و پاسخ گویی مناسب به نیازهای عاطفی و غریزی آنان.

اکنون درباره این سه محور اصلاحی و نیز نهادها و گروه هایی که می توانند در جهت دهی درست به روابط دختر و پسر اثرگذار باشند، بحث خواهیم کرد.

۱- اساسی ترین راه کارهای اصلاحی

اشاره

زیر فصل ها

الف) نهادینه کردن باورها و هنجارهای اسلامی در افراد و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه

ب) آگاهی از فرهنگ غرب و شناخت نقاط قوت و ضعف آن

ج) بسترسازی مناسب برای ازدواج دختر و پسر

د) بستر سازی برای روابط مشروع میان دختر و پسر

الف) نهادینه کردن باورها و هنجارهای اسلامی در افراد و گسترش فرهنگ اسلامی در جامعه

برای جلوگیری از التقاط فرهنگی و ناهنجاری ها و انحراف ها در جامعه، باید باورها و ارزش های اسلامی در همگان تقویت شود تا زمینه رعایت هر چه بهتر هنجارها و احکام اسلامی پدید آید. باید ایمان و بینش های آگاهانه را در همه مردم به ویژه نوجوانان و جوانان تقویت کرد تا تقوا و خداترسی و آخرت باوری، در درونشان نهادینه شود. باید تصور نادرست جوانان از دین را اصلاح کرد تا بدون شناخت از جاذبه ها و زیبایی های دین و آزادی های اسلامی، دین را عامل محدودیت و محرومیت نپندارند. همچنین باید جهت گیری ها و احکام اسلامی را در زمینه رابطه با جنس مخالف، به خوبی تبیین کرد. شناخت درست هدف ها، جهت گیری ها و نظام رفتار جنسی در اسلام و اجرای کامل و غیرگزینشی

آن همچون حدود و ضوابط و آزادی های مشروع می توانـد جامعه را از بسیاری از انحراف ها باز دارد و سلامت و نشاط و خوش بختی دنیا و آخرت را برای افراد جامعه به ارمغان آورد.

تمام جهت گیری هایی که در بخش های گذشته به صورت مبسوط از آنها یاد شد و نیز دستورها و سفارش هایی مانند اهتمام به مراقبت های لازم در خانواده، حجاب و پرهیز از خودآرایی، حفظ حریم، روحیه حیا و عفت، کاستن از اختلاط های غیرضروری میان نامحرمان، حفظ نگاه، کاستن از محرک های جنسی در محیط های اجتماعی، تقویت روحیه غیرت، پرهیز از روابط ناسالم و شبهه ناک، امر به معروف و مجازات مجرمان و آسان سازی روابط مشروع در چارچوب های شرعی بایـد در جامعه تبیین شود تا همگان از پی آمدهای منفی گناه و غفلت از این امور آگاه شوند.

در این زمینه، بیشترین زمینه سازی، با کار فرهنگی و تربیتی است؛ زیرا اگر ارزش ها و هنجارها در درون افراد نهادینه شود، خود به خود فضای جامعه نیز اصلاح می شود. البته نظارت عمومی و مراقبت های اجتماعی امر به معروف و نهی از منکر و نظارت ها و برخوردهای قانونی با مجرمان نیز حفظ و دوام این سلامت اجتماعی را تضمین می کند.

بی تردید، اگر هر کدام از جهت گیری های اسلامی، در جامعه عملی نشود و نظام رفتاری اسلام، به طور کامل اجرا نشود، پی آمدهای آن به صورت بی تعادلی و اختلال در نظام رفتاری جامعه و انحراف ها و ناهنجاری های مختلف رخ می نمایـد. در جامعه ای که آستانه تحریک های جنسی در محیط های اجتماعی اش زیاد است، حجاب و دیگر احکام

شرعی به درستی رعایت نمی شود و اختلاط گسترده میان نامحرمان در محیط های اجتماعی نهادینه شده است، از سوی دیگر، ارضای مشروع گرایش های جنسی جوانان با محدودیت های فراوان روبه روست؛ رخ دادن مشکلات گوناگون، دور از انتظار نیست.

ب) آگاهی از فرهنگ غرب و شناخت نقاط قوت و ضعف آن

گفتیم که از عوامل مهم اختلاط فرهنگی و دوگانگی ارزشی در جامعه ما، نفوذ و گسترش فرهنگ غرب است که در پرتو سیطره علمی و اقتصادی و قدرت رسانه ای، همه دنیا را تحت تأثیر خود قرار داده است. درباره جهان اسلام به ویژه ایران، انگیزه های سیاسی نیز زمینه های شدت گرفتن این تهاجم فرهنگی را فراهم آورده است. به هر حال، گسترش فرهنگ و ارزش های غربی در دنیای امروز، واقعیتی انکارناپذیر است و نمی توان خود را از تماس با این واقعیت برکنار دانست. البته برخورد ما با فرهنگ غرب باید برخوردی عقلانی، علمی و فعال باشد، نه منفعلانه و غیرمنطقی.

از یک سو، نباید فرهنگ غرب را به کلی بی ارزش دانست و از سوی دیگر، نباید به کلی در برابر آن تسلیم شد. اگر یک سره جوانان را از غرب بترسانیم و آزادی های غربی را نفی کنیم، ولی میان نقاط قوّت و منفی تمدن غربی تمایز قائل نشویم یا در نقد فرهنگ غرب، با مبنای علمی برخورد نکنیم، نمی توانیم نوجوانان و جوانان را در برابر این هجمه فرهنگی حفظ کنیم و دفاع مناسبی از فرهنگ اسلامی داشته باشیم.

ج) بسترسازی مناسب برای ازدواج دختر و پسر

امروزه در جامعه، بسیاری از جوانان شرایط مناسب ازدواج را ندارند،

در حالی که در دوره های گذشته، این مشکل برای بسیاری از جوانان وجود نداشت و بیشتر دخترها و پسرها در فاصله کمی از بلوغ، ازدواج می کردند. در واقع، شرایط نوجوانان ایران در مقایسه با گذشته تاریخی و نیز وضعیت دنیا، متفاوت است و همین امر، ریشه بسیاری از ناهنجاری ها و انحراف هاست. حتی افزایش زمینه های انحراف در روابط اجتماعی معمول میان دو جنس و ناهماهنگی در روابط اجتماعی نیز تا حدود زیادی به همین مسئله برمی گردد. بی تردید، وضعیت کنونی جامعه ما از این جهت، شایسته نیست و اساسی ترین راه کار اصلاحی در رابطه میان دختر و پسرها، فراهم کردن شرایط مناسب ازدواج برای ارضای مشروع کشش های عاطفی و غریزی آنها است.

در آموزه های اسلامی نیز راه کار اصلی و توصیه اولیه در برخورد با مسائل جنسی جوانان، ارضای نیازهای جنسی به صورت طبیعی است و خودنگه داری (عفت)، در مرحله بعد و به عنوان تکمیل کننده این راه کار اصلی سفارش می شود، چنان که خداوند در قرآن، نخست، بزرگ ترها را به فراهم آوردن زمینه ازدواج جوانان امر می فرماید سپس کسانی را که امکانی برای ازدواج نمی یابند، به حفظ پاک دامنی و عفت فرا می خواند.(۱)

بر اساس بسیاری از روایت ها، ارضای نیازهای جنسی، راه کار اصلی دین داری و دوری از گناهان و انحراف ها به ویژه برای جوانان است، چنان که پیامبر می فرماید:

هر جوانی که در آغاز جوانی اش ازدواج کند، شیطانی که مأمور اوست،

۱- نک: نور: ۳۳.

نـاله می زنـد: «ای وای! دو سوم دینش را از دست من حفـظ کرد.» پسZ بایـد این بنده، در ثلث باقی مانده، تقوای الهی پیشـه کند.(۱)

همچنین فرمود:

ای گروه جوانان، هر کس از شـما توانایی جنسی پیدا کرد، ازدواج کند. به درستی که این امر، موجب حفظ بیشتر و بهتر چشم و دامان است.(۲)

امیرالمؤمنین علی (ع) پس از تعزیر شخصی که خودارضایی می کرد، با خرج بیت المال، ترتیب ازدواج او را فراهم آورد.(۳)

همین رویکرد برای حل مشـکلات جنسی جوانان در سفارش های عالمان و مراجع دینی نیز به خوبی مشهود است. برای نمونه، در پاسخ آیت اللّه العظمی گلپایگانی رحمه الله به پرسشـی در این زمینه آمده است: «بهترین راه برای اینکه غریزه جنسـی سبب آلودگی به حرام نشود، ازدواج دایم یا موقت است که ثواب بسیار هم دارد».(۴)

بی تردید، ارضای شایسـته نیازهای عاطفی و غریزی افراد در جامعه، در کنار گسترش تربیت دینی، زمینه مناسبی را برای رشـد اخلاـقی و گسترش فضـای معنوی در میـان افراد به ویژه جوانـان فراهم می آورد و موجب سـلامت روحی و جسـمی آنـان می شود. همچنین آسـیب پـذیری آنان را از تهاجم فرهنگ غرب کاهش می دهـد و زمینه های دین گریزی و گناه و انحراف را تا اندازه زیادی از میان می برد.

ص: ۲۱۸

۱- همان، باب ۱ از ابواب النکاح، ص ۱۴۹، ح ۱۶۳۳۱.
۲- همان، ص ۱۵۳، ح ۱۶۳۵۰.
۳- وسائل الشیعه، ج ۲۰، باب ۲۸ از ابواب النکاح المحرم، ح ۲۵۸۰۶.
۴- نک: آیت الله العظمی گلپایگانی، مجمع المسائل، مسائل متفرقه، سؤال ۸۹ .

د) بستر سازی برای روابط مشروع میان دختر و پسر

بنابر آموزه های اسلام، رابطه دختر و پسر و زن و مرد، باید در چارچوب و با ضابطه خاصی باشد؛ یعنی باید دختر و پسر و زن و مرد، نخست با خواندن عقد شرعی محرم یکدیگر شوند. عقد شرعی نیز به دو شکل عقد دایم و موقت است. البته روابط جنسی، از لوازم ازدواج دایم است، ولی در ازدواج موقت دو طرف می توانند با شرط ضمن عقد، روابط خود را تنها به محرم بودن شرعی ــ بدون آمیزش ــ محدود سازند.

آسان سازی ازدواج در سنین پایین

با تغییر در شرایط جامعه و شرایط عمومی زندگی امروزی و نیز وجود مشکلات و موانع گوناگون برای ازدواج جوانان، میانگین سن ازدواج افزایش یافته است. البته برخی از این موانع، لازمه اجتناب ناپذیر زندگی های امروزی است، ولی برخی از این موانع با فرهنگ سازی و تغییر نگرش ها و حمایت های دولت و خانواده ها از زوج های جوان، رفع شدنی هستند. با توجه به شرایط فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و واقعیت های دنیای امروز و جامعه ما نمی توان مسئولیت تشکیل خانواده و اداره کامل یک زندگی مستقل را بر دوش نوجوانان و جوانان گذاشت. چنین خواسته ای از دختر و پسر پانزده یا شانزده ساله ای که هنوز در دوره دبیرستان و آغاز نوجوانی است، غیر عقلانی است؛ زیرا او اگر چه به بلوغ جنسی رسیده و از این نظر رشد یافته است، ولی تا رسیدن به بلوغ اجتماعی و اقتصادی و حتی رشد شخصیتی لازم برای اداره زندگی، راه زیادی در پیش دارد. ازاین رو، قرار دادن او در مسیر دشوار زندگی و تحمیل بار اداره زندگی بر او غیر منطقی است و خود او نیز چنین چیزی

را نمی پذیرد. به دلیل همین مسئولیت های دشوار، امروزه بسیاری از جوانان (چه رسد به نوجوانان) از تشکیل خانواده سر باز می زنند. از سویی نیز اگر بخواهد در انتظار فراهم شدن شرایط لازم برای تشکیل خانواده و پذیرفتن مسئولیت زندگی باشد، باید دست کم چندین سال (نزدیک به ده سال)، نیازهای غریزی خود را بی پاسخ بگذارد و خواسته هایش را سرکوب کند. برای حل این مشکل، گروهی از عالمان دینی و کارشناسان تربیتی، ازدواج بدون مسئولیت های معمول آن را در سنین پایین جوانان سفارش کرده اند.(۱)

خانم دکتر شکوه نوابی نژاد، استاد دانشگاه و عضو شورای فرهنگی و اجتماعی زنان در این زمینه چنین می گوید:

ما اکنون در تهران قطعا با یک آسیب شناسی عمیق خانواده مواجه هستیم؛ یعنی ما برای این دوران انتقال از سنّت به مدرنیته، خیلی بهای سنگینی می دهیم. دوره انتقال، همیشه یک دوره محدود است، ولی برای ما خیلی طولانی شده است. اگر از من به عنوان یک متخصّص خانواده، تعریف یک خانواده ایرانی را بخواهید، برای آن تعریفی ندارم. خانواده ایرانی را من (یک قطب) پیوست وار می بینم که یک سر این قطب، سنّت و یک سرش مدرنیته است... من روابط آزاد دختر و پسر را تأیید نمی کنم. البته او نیاز هم دارد؛ چون تا زمان ازدواج، هفت، هشت یا ده سالی باید منتظر بماند. در سنت فرهنگی ما، خانواده یک اتاق می داد و پسرش را زن می داد و او گوشه خانه اش می نشست، خرجش را هم می داد. در این شرایط، پسر درسش را هم می خواند. دختر هم اگر بخواهد درسش را

۱- برای نمونه، آیت اللّه ابراهیم امینی در خطبه های نماز جمعه قم، این راه کار را مطرح کردند. نک: کتاب جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان، ص ۶۹ .

می خوانـد و پـدر و مادرش خرجش را می دهـد. اگر ما هیـچ راه حلی ارائه نـدهیم و صـرفا به اینها بگوییم رابطه آزاد نداشـته باشـید، فایده ندارد. اینها هر دو منبع آتشند. از همین رو، این همه روابط آزاد در ایران داریم و هیچ کس نمی تواند جلوی آن را بگیرد... .(۱)

در این راه حـل، دختر و پسـر در نوجوانی که نیازهـای جنسـی را احسـاس می کننـد (۱۴ _ ۱۵ سـالگی در دخـتر و ۱۶ _ ۱۷ سالگی در پسـر) ازدواج می کنند. برای مثال، هفته ای یک یا دو بار به دیدن هم می روند تا وقتی که توان تشـکیل زندگی را به دست آورنـد. یـا اینکه به روش گذشـتگان، در اتـاقی از خـانه پـدر پسـر ساکن می شونـد و هزینه شان نیز بر عهـده خانواده هایشان خواهد بود.

مزیت هـا و مشـکلات: راه کـاری که اسـلام برای ازدواجِ بـدون مسـئولیت های ناشـی از تشـکیل خانواده پیش بینی می کنـد، ازدواج موقت است، ولی به دلیل ذهنیت ها و شرایط فرهنگی جامعه ما، ازدواج موقت با مانع های اساسی روبه رو است که در ازدواج دایم در کم سنّ و سـالی، بسـیاری از این موانـع وجود نـدارد و این مهم ترین مزیت این راه کـار است. البته در ازدواج های در سـنین پایین نیز مشـکلاتی ماننـد اسـتقبال نشـدن و پـذیرفته نشـدن از سوی خانواده ها و جوانان و مشـکل انتخاب های احساسی یا تحمیلی وجود دارد که آینده زندگی را با دشواری هایی روبه رو می سازد.

یکی از علت های پذیرفته نشدن این راه کار، آن است که ازدواج مبادله ای اجتماعی است که در آن ،مجموعه ارزش های دو طرف، با

۱- ماهنامه حوراء، ش چهارم، اردی بهشت و خرداد ۱۳۸۳، ص ۳۷.

یکدیگر سنجیده می شود. موقعیت اجتماعی و شغلی، وضعیت اقتصادی، میزان سن، احترام فامیلی و میزان زیبایی در این مبادله اثر گذار است. درباره دختر و پسری که به بلوغ اقتصادی و اجتماعی نرسیده اند و وضعیت آینده آنها چندان مشخص نیست (برای مثال، هر دو دبیرستانی هستند)، خانواده ها و حتی خود آنان نمی توانند از دارا بودن ویژگی های لازم برای هم شأن بودن در همسری مطمئن باشند. ازاین رو، به ازدواج دایم راضی نمی شوند.(۱)

حتی اگر خانواده ها و جوانان نیز به این پیوند رضایت بدهند، مشکل جدی تری وجود دارد؛ زیرا دختر و پسر در این سن، بیشتر گرفتار احساسات و التهاب های غریزی و عاطفی هستند و درک درستی از نیازها و گرایش های واقعی و جنبه های اخلاقی و روحی یکدیگر ندارند. حتی خودشان نیز به یک ثبات شخصیتی و شناخت واقع بینانه از خودشان و هدف های زندگی شان نرسیده اند. در نتیجه، نمی توانند به درستی تشخیص دهند فردی که می خواهند تا آخر عمر با او زندگی کنند، باید چه ویژگی هایی داشته باشد. از همین رو، انتخاب ها، احساسی می شود و پس از گذشت چند سال از زندگی و رشد عقلانی و ثبات شخصیتی و کاسته شدن از التهاب های غریزی، اثر منفی آن به شکل ناسازگاری در زندگی آشکار می شود.

همچنین ممکن است به دلیل همین کم سن و سالی دختر و پسر، در

۱- نک: غلام رضا صدیق اورعی، جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چ ۱، ۱۳۷۴، ص ۶۹.

عمل انتخاب از سوی خانواده ها صورت گیرد و خود دختر و پسر نقش زیادی در این میان نداشته باشند، چنان که در گذشته، تصمیم اصلی در بسیاری از ازدواج ها بر عهده خانواده ها بود و حتی در گهواره دختر و پسر را با هم نامزد می کردند. این گونه ازدواج ها نیز همان مشکلات را در آینده داشت؛ یعنی دختر و پسر با رسیدن به کمال عقلی و ثبات شخصیتی، درمی یابند همسرشان ملاک های مورد نظر آنها را ندارد و مجبور می شوند زندگی را با بی علاقگی ادامه دهند یا به ناسازگاری جدی یا جدایی کشیده شوند به ویژه آنکه امروزه، شرایط با گذشته بسیار متفاوت است. امروزه خود جوانان می خواهند همسر دل خواه خود را برگزینند و به آسانی زیر بار ازدواج های تحمیلی و تصمیم خانواده ها نمی روند. در گذشته، به دلیل کم بودن میزان اختلاط، زن و مرد ارتباط زیادی با افرادی غیر از همسرشان نداشتند. همچنین برای زن ارزش بود که با لباس عروسی به خانه شوهر برود و با کفن از خانه او بیرون آید و طلاق امری ناپسند بود. چندهمسری و خریدن کنیز نیز برای مردان ممکن بود. به همین دلیل، همسران با مشکلات زندگی می ساختند و به ناسازگاری و جدایی تن نمی دادند، ولی امروزه باافزایش اختلاط زن و مرد و گسترش رسانه ها، شخص هر روز، شمار بیشتری از افراد جنس مخالف را می بیند. این امر، هم پیش از ازدواج، گزینه های انتخابی را برای افراد بیشتر می کند و هم سبب می شود پس از ازدواج، فرد به صورت ناخودآگاه، همسرش را با دیگران مقایسه کند و کم کم زمینه های نارضایتی برای او فراهم شود.

جوانان امروز، کمتر حاضرند با مشکلات روزانه بسازند و زندگی را با نداشتن توافق ادامه دهند. بنابراین، راحت تر از گذشته، کار را به

تعارض های جدی و سرانجام جدایی می کشانند. ازاین رو، بیشتر ازدواج هایی که با انتخاب های احساسی یا تحمیل و اجبار خانواده ها صورت می گیرند، با مشکل روبه رو می شوند. پژوهش های مختلف در جوامع دیگر نیز نشانه ناموفق بودن ازدواج در کم سن و سالی است. برای مثال، در سوریه که ازدواج دختران و پسران روستایی در کم سالی صورت می گیرد، ازدواج زودهنگام در روستاها عامل ۷۱ درصد طلاق ها شناخته شده است.(۱)

به سبب این گونه مشکلات در ازدواج دایم در نوجوانی، بسیاری از کارشناسان این امر را سفارش نمی کنند و برآنند که بهتر است ازدواج دایم در سنی انجام پذیرد که قوای عقلانی بر قوای احساسی و شهوانی چیره شده باشد، ولی به هر حال، با به کار بردن تدبیرهای گوناگون، می توان پی آمدهای منفی ازدواج دایم در سن پایین را بسیار کاهش داد.

۲- نقش گروه ها و نهادهای اثرگذار

اشاره

برای اصلاح روابط میان زن و مرد و دختر و پسر و عملی کردن برنامه های اصلاحی پیش گفته، بیش از همه به کار تربیتی و فرهنگی و استفاده از ابزارهای جامعه پذیری نیاز است. همچنین در کنار آن، ابزارهای

ص: ۲۲۴

۱- نک: «سیمای زن در جهان سوریه»، مرکز امور مشارکت زنان، تهران، نشر برگ زیتون، چ ۱، ۱۳۷۷، ص ۲۸.

مراقبت اجتماعی برای نظارت و رویارویی با انحراف ها لازم است.(۱) معمولاً خانواده، مدرسه و دانشگاه، رسانه ها، گروه دوستان و هم سالان و محیط جامعه را مهم ترین عوامل درونی کردن ارزش ها در افراد و جامعه پذیری می دانند و در مراقبت اجتماعی نیز افزون بر نظارت و مراقبت درون خانواده و نظارت های اجتماعی ـ از جمله امر به معروف و نهی از منکر ـ اعمال مراقبت و نظارت نهادهای حکومتی و انتظامی و تنبیه و مجازات مجرمان اهمیت می یابد. مهم ترین گروه ها یا نهادهای اثرگذار در روابط دختر و پسر عبارتند از:

الف) خانواده

بی تردید، خانواده، مهم ترین نقش را در تربیت و سلامت فرزندان بر عهده دارد. تربیت شایسته در خانواده می تواند ایمان دینی و التزام به ارزش ها و هنجارهای اسلامی را در اعضا استوار سازد. البته این امر، به آگاهی و هشیاری والدین و اعضای خانواده و بهره گیری آنان از راهنمایی های عالمان دینی و کارشناسان تربیتی و ارتباط با جمعیت ها و محافل مذهبی و معنوی نیازمند است. خانواده باید الگوی اسلامی و

۱- «جامعه پذیری»، کیفیتی است که در نتیجه آن، انسان شیوه زندگی در جامعه را می آموزد و خود را با هنجارهای جامعه سازگار می کند؛ یعنی با آن هنجارها آشنا می شود و آنها را درونی می کند. «مراقبت کنترل اجتماعی» نیز ادامه جامعه پذیری است؛ یعنی اگر جامعه پذیری اختیاری نباشد یا ناقص انجام شود، مکانیزم های مراقبت اجتماعی برای انتقال، تحمیل و اجرای هنجارها و انتظارات به کار می روند. در واقع، مجموع عواملی که یک جامعه برای حفظ معیارهای خود به کار می برد و موانعی که به قصد جلوگیری از کج روی های اجتماعی در راه افراد قرار می دهد، مراقبت اجتماعی را ایجاد می کند. (نک: عبدالله جوان، نظم اجتماعی در اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، ۱۳۸۳، چ۱، ص ۱۲).

مناسب رفتار جنسی و احکام محرم و نامحرم را به فرزندان خود بیاموزد و انحراف های جنسی را به خوبی به آنان گوشزد کند. همچنین والدین باید متناسب با مراحل رشد فرزندان و به شکلی حساب شده، آگاهی های لازم درباره مسائل جنسی و رابطه با جنس مخالف را به فرزندان بدهند تا کنجکاوی های فرزندان، آنها را به رفتارهای پرخطر نکشاند.

همچنین خانواده باید کانون محبت و آرامش باشد تا از ایجاد خلأهای عاطفی و روانی که زمینه ساز انحراف در دوران نوجوانی و جوانی است، جلوگیری شود و فرزندان در جست وجوی محبت و آرامش، در دام شیادان گرفتار نیایند. محیط خانواده باید محیطی سالم باشد و والدین در روابط خود و نیز روابط خویشاوندی و دوستانه، مراقب باشند که زمینه های بدآموزی و انحراف های بعدی را در کودکان ایجاد نکنند. اگر در خانواده ای، خود والدین به تماشای فیلم های تحریک کننده ویدئویی یا ماهواره ای بپردازند و گمان کنند که فرزندان کوچکشان از این مسائل سر در نمی آورند، انحراف فرزندان در آینده، دور از انتظار نخواهد بود.

نقش خانواده ها در مراقبت از فرزندان، بسیار اثرگذار است. معمولاًـ خانواده ها درباره نوجوانان و جوانان به ویژه در زمینه رابطه با جنس مخالف، یکی از سه رویکرد زیر را در پیش می گیرند:

یک _ ایجاد محدودیت و منع شدید؛

دو _ آزاد گذاشتن و نداشتن مراقبت؛

سه _ آگاهی دادن، جهت دهی و مراقبت ضمنی.

محدود کردن و منع شدید ممکن است اثر عکس داشته باشد و نوجوان و جوان را بیشتر حساس کند و او به خیال بافی های جنسی روی

آورد یا در پی یافتن راهی برای گریز از محدودیت ها، در دام افراد ناباب یا تجربه های انحرافی گرفتار شود. آزاد گذاشتن و مراقبت نکردن زمینه انحراف را فراهم می آورد. اگر خانواده ها بتوانند رفتارهای نوجوان و جوان خود را با آگاهی دادن، جهت دهند و در کنار تقویت عزت و اعتماد به نفس و دادن آزادی نسبی و حقّ گزینش، او را در انتخاب هایش یاری رسانند و به طور نامحسوس از او مراقبت کنند، آسیب های کمتری، نوجوان و جوان شان را تهدید خواهد کرد. همچنین آسان تر به مرحله خودکنترلی و درونی سازی ارزش ها و هنجارها می رسند.

یکی دیگر از وظایف مهم خانواده ها این است که هنگام آشکار شدن گرایش ها و نیازهای جنسی نوجوان و جوان، زمینه ارضای این نیازها را به صورت مشروع فراهم آورند، چنان که بنا بر برخی روایت ها، یکی از حقوق اساسی فرزندان بر والدین آن است که با رسیدن به بلوغ، شرایط ازدواج وی را فراهم آورند.(۱)

ب) گروه دوستان و هم سالان

در دوره نوجوانی و جوانی، گروه دوستان و هم سالان در شکل گیری شخصیت و اخلاق و رفتار افراد بسیار اثرگذارند، به گونه ای که نوجوان و جوان برای همسان سازی خود با دوستان و هم سالان، شاید به بسیاری از رفتارهای خوب یا بد روی آورد. ازاین رو، والدین باید دوستان فرزندانشان

۱- امام معصوم صلی الله علیه و آله می فرماید: «از حقوق فرزند بر پدرش سه چیز است: اینکه اسم نیکو برایش بگذارد و به او نوشتن بیاموزد و زمانی که بالغ شد، زمینه ازدواجش را فراهم کند». نک: وسائل الشیعه، ج ۲۱، باب ۸۸ از ابواب احکام الاولاد، ص ۴۸۲، ح ۲۷۶۴۶.

را بشناسند و زمینه دوستی او با افراد دین دار و با ادب را فراهم آورند.

ج) مدرسه و دانشگاه

آموزش و پرورش و دانشگاه، از نهادهای مهم تربیتی و آموزشی و فرهنگ سازی هستند که باید باورها، ارزش ها و هنجارهای اسلامی را در افراد نهادینه کنند. حتی بسیاری از مسایل جنسی نوجوانان و جوانان به گونه ای هستند که خانواده ها نیز آگاهی کافی را در مورد چگونگی برخورد با این مسائل ندارند، ولی مربیان و اولیای مدرسه ها و مشاوران و استادان دانشگاهی می توانند برخورد سنجیده تری با این موضوع داشته باشند.

بر اساس بررسی های انجام شده در سازمان ملی جوانان، میانگین مسائلی مانند رشد هویت (اعم از هویت دینی، ملی، سیاسی و...) و سطح باورها و میزان التزام عملی به دین یا داشتن روحیه غیردینی، مشکلات جنسی و مانند آن، در گروه جوانان ۱۴ تا ۱۸ ساله مراکز استان های کشور که هرگز به مدرسه نرفته اند، با آنهایی که دانش آموز مدرسه های راهنمایی و دبیرستان هستند، تقریبا یکسان است و در این امور، تفاوت های اندکی میان این دو گروه دیده می شود. همچنین میانگین این امور در جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ای که دانشجو یا دانش آموخته دانشگاه هستند، با جوانان ۱۸ تا ۲۹ ساله ای که به مراکز آموزش عالی نرفته اند، تفاوتی ندارد.(۱)

در اینجا این پرسش مطرح می شود که مدرسه ها و دانشگاه های کشور، در شکل دهی هویت جوانان و تقویت گرایش و التزام به دین و کاستن از مشکلات آنها چه نقشی دارند؟ چرا این مراکز آموزشی، در این زمینه

۱- نک: وضعیت و نگرش و مسائل جوانان مراکز استان های کشور، ص ۸۴.

تاکنون اثر بوده اند؟

محیط مدرسه و دانشگاه می تواند عاملی برای اصلاح یا انحراف نوجوان و جوان باشد؛ به ویژه در دانشگاه که افراد با فرهنگ های متفاوت و از شهرهای مختلف در آن گرد می آیند. بسیاری از این جوانان، دور از خانواده و در خوابگاه های دانشجویی با مسائل مختلفی روبه رو می شوند و در معرض آسیب های گوناگون قرار می گیرند. همچنین اختلاط میان دختر و پسر در دانشگاه برای جوانانی که پیش تر در محیط مدرسه و جامعه، امکان ارتباط با نامحرم را نداشته اند، چه بسا آنها را با ابهام و تضاد فرهنگی روبه رو سازد یا به هیجان زدگی و وادادگی دچار کند.

د) رسانه ها

نقش رسانه های شنیداری، دیداری و نوشتاری در فرهنگ سازی شایسته، آگاهی رسانی، هشدار به جهت گیری های نادرست و انحرافی و زمینه سازی برای روابط سالم در جامعه، کاملاً جدّی است. در بخش همراه با برنامه سازان، در این باره بیشتر بحث خواهد شد.

ه_) نهادهای حکومتی

دولت در جامعه ما با در دست داشتن ابزارهای فرهنگی، نقش مهمی در سیاست گذاری و جهت دهی اجتماعی و فرهنگی دارد. حکومت باید با توجه به هدف ها و جهت گیری های اسلامی و با در نظر گرفتن واقعیت های جامعه، در برنامه ریزی و اجرای نظام اجتماعی و فرهنگی اسلامی بکوشد و برای جبران ناکارآمدی های نظام اجتماعی و فرهنگی حاکم بر جامعه و کاستن از ناهنجاری ها و انحراف ها، از ابزارهای سیاست گذاری، اجرایی و نظارتی بیشتر و دقیق تری بهره گیرد. در زمینه

روابط دختر و پسر و زن و مرد و چگونگی برخورد با نیازها و گرایش های جنسی نوجوانان و جوانان نیز باید از بی برنامگی یا جهت گیری های سلیقه ای، ناقص و غیرشرعی پرهیز شود.

حکومت جدا از جهت دهی های فرهنگی و فرهنگ سازی می تواند با به کارگیری ابزارهای اجرایی، از میزان اختلاط قهری میان زن و مرد در جامعه بکاهد و در آسان سازی روابط مشروع میان جوانان و برطرف ساختن موانع آن، نقش مهمی داشته باشد. همچنین نهادهای نظارتی و انتظامی باید در فراهم آوردن امنیت و سلامت در محیط های اجتماعی و زدودن نمودهای فساد در جامعه کوشا باشند. این سفارش، هرگز به معنای تجویز برخوردهای فیزیکی و خشک با جوانان نیست. البته اگر گناه و شکستن حرمت حدود الهی به صورت قطعی و آشکارا صورت گیرد و قابل چشم پوشی نباشد، باید با هنجارشکنانِ بی بندوبار و نمودهای فساد در جامعه برخورد شود. همچنین با کسانی که به صورت سازمان یافته و حرفه ای، برای انحراف جوانان و گسترش فساد در جامعه فعالیت می کنند، باید با قاطعیت برخورد شود. با این حال، در برخورد با جوانان باید جهت ارشادی و تربیتی بر جنبه های انتظامی و برخوردهای خشن، مقدّم باشد، چنان که سیره معصومین (ع) نیز چنین بود.

نقل است جوانی خدمت پیامبر آمد و گفت: ای پیامبر خدا، آیا به من اجازه می دهید زنا کنم؟ با گفتن این سخن، فریاد مردم بلند شد و همه به او اعتراض کردند، ولی پیامبر با خون سردی و نرم خویی فرمود: «نزدیک بیا.» چون جوان نزدیک آمد و در برابر پیامبر نشست، حضرت با محبت از او پرسید: «آیا دوست داری با مادر تو چنین کنند؟» گفت: نه، فدایت شوم.

فرمود: «همین طور مردم راضی نیستند با مادرشان چنین شود. آیا دوست داری با دختر تو چنین کنند؟» گفت: نه، فدایت شوم. فرمود: «همین طور مردم درباره دخترانشان راضی نیستند. بگو ببینم آیا برای خواهرت می پسندی؟» جوان باز انکار کرد و به کلی از گفته خود پشیمان شد. آن گاه پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله دست بر سینه او گذاشت و در حق او دعا کرد و فرمود: «خدایا، قلب او را پاک گردان و گناه او را ببخش و دامان او را از آلودگی به بی عفتی نگاه دار.» از آن پس، زشت ترین کار نزد این جوان، زنا بود.(1)

به هر حال، وظیفه اصلی حکومت اسلامی، فرهنگ سازی شایسته و هدایت فرهنگی و اجتماعی و نیز بسترسازی برای آسان سازی روابط مشروع میان دختر و پسر است. بی گمان، بدون توجه به این امور، فعالیت های نظارتی و انتظامی فایده چندانی نخواهد داشت.

۱- نک: تفسیر نمونه، ج ۳، ذیل آیه ۱۰۴ سوره آل عمران، ص ۵۵.

بخش پنجم: همراه با برنامه سازان

اشاره

در هر جامعه ای، مهم ترین عامل تنظیم روابط از جمله روابط زن و مرد و دختر و پسر عبارت است از هنجارهایی که بر اساس ارزش ها و باورهای رایج در جامعه شکل می گیرد. به بیان بهتر، فرهنگ هر جامعه، چگونگی روابط را در آن جامعه تعیین می کند. ازاین رو، عوامل اثرگذاری در فرهنگ سازی و جامعه پذیری، نقش اصلی را در این زمینه دارند. از آن جا که رسانه صدا و سیما از مهم ترین ابزارهای جامعه پذیری و عوامل فرهنگ سازی در جامعه است، نقش آن در جهت دهی درست رابطه میان زن و مرد و دختر و پسر، نقش کلیدی است. از همین رو، در ادامه، با بررسی جهت گیری ها و عملکرد رسانه ملی در این زمینه می کنیم، نکته های لازم و پیشنهادهایی را بیان می کنیم.

۱- بررسی جهت گیری های کلّی رسانه در زمینه روابط دختر و پسر

در آموزه های اسلام، درباره روابط زن و مرد و دختر و پسر، اعم از رابطه های اجتماعی و روابط جنسی، جهت گیری ها، ضابطه ها و احکام

ص: ۲۳۲

مشخصی وجود دارد که در بخش دوم بدان پرداختیم. شرع مقدس اسلام با تعیین ضابطه هایی مانند لزوم رعایت حجاب، پرهیز از اختلاط های غیرلازم میان نامحرمان، پرهیز دادن از رفتارهای تحریک کننده، آرایش زنان و نگاه های شهوانی و هم کلامی بی جا و تأکید بر حفظ حریم ها و تقویت روحیه حیا و عفت و غیرت، می کوشد محرک های جنسی را در محیط های اجتماعی کاهش دهد تا زمینه انحراف رابطه های معمول اجتماعی میان نامحرمان به رفتارهای آمیخته با انگیزه جنسی پیش نیاید. همین ضابطه ها در کنار مجازات مجرمان و روش های نظارتی دیگر، مانند امر به معروف و نهی از منکر، رابطه های نامشروع را محدود می کند.

اسلام با تعیین چارچوب هایی مشروع، ارضای نیازهای غریزی افراد را به بهترین شکل ممکن می سازد و امکان داشتن روابط سالم را برای همه فراهم می آورد. وظیفه رسانه ملی نیز در این زمینه آن است که با توجه به شرایط و واقعیت های جامعه، برای اجرا شدن نظام رفتاری اسلام در این زمینه بکوشد و این جهت گیری ها، ضابطه ها و هنجارها را در جامعه نهادینه کند؛ زیرا اگر نظام رفتاری جنسی اسلامی به طور کامل و هماهنگ اجرا نشود، نمی توان انتظار داشت که فرد و جامعه از سلامت و تعادل لازم برخوردار شود.

با توجه به برنامه های رسانه ملی، می توان گفت رویکرد کلی صدا و سیما درباره روابط دختر و پسر این بوده است که غیرمستقیم به برخی جنبه های این موضوع بپردازد. برای مثال، تلاش می شود در روابط اجتماعی میان زن و مرد و دختر و پسر، چه در فیلم ها و سریال ها و چه در برنامه های دیگر، تا حد امکان مسائل شرعی همچون نوع پوشش و

آرایش یـا چگونگی برخورد میـان نامحرمـان رعـایت شود یـا جایگاه حجاب برتر و چادر تقویت گردد. به این ترتیب، در این زمینه ها، می توان به فرهنگ سازی و آموزش غیرمستقیم پرداخت.

از سوی دیگر، کوشـش می شود از طرح مسـائلیماننـد دوستی و رابطه دختران و پسـران نـامحرم و مسائـل جنسـی نوجوانان و جوانان یا بزرگ سالان و ناهنجاری ها و رابطه های نامشـروع پرهیز شود تا بدآموزی های احتمالی در پی نداشـته باشد. برنامه سازمان در زمینه نوجوانان و جوانان هم این است که از راه های غیرمستقیم، عزت نفس و ایمان آنان را تقویت کند و با برنامه هـا و مسـابقه هـای ورزشـی، سـریال هـا و فیلم های سـینمایی، آنها را سـرگرم سازد تا نیازهای غریزی خود را فراموش کننـد و فشارهـای غریزی، آنهـا را به گناه نکشانـد. همچنین تلاش می شود با جـذب نوجوانان و جوانان در پای این برنامه ها، از روی آوردن آنان به سی دی های مبتذل و برنامه های ماهواره ای جلوگیری شود.

نقد و بررسی

به نظر می رسـد این نوع جهت گیری، گذشـته از نکته هـای مثبت، از جنبه هـای مختلفی نـاقص و قابل نقـد است و با توجه به واقعیت هـای جامعه ما چنـدان کارآمـد نیست. فرهنگ سازی در زمینه برخی هنجارهای اسـلامی، ماننـد پوشـش بانوان، از راه هـای غیرمسـتقیم بسـیار اثرگـذار است، ولی هرگز کافی نیست. در کنار فرهنگ سازی های غیرمسـتقیم، بایـد برخی از احکام اسـلامی نیز به صورت مستقیم تبیین شود. امروزه حتی برخی از دختران و زنان مؤمن اساسا نمی دانند که آرایش زن در بیرون از خانه و در میان نامحرمان، از نظر شرع، حرام است یا پوشاندن تمام پا از نامحرم، واجب

است. آیا تاکنون احکام مربوط به رابطه میان زن و مرد، به طور روشن در رسانه ملی برای مردم بیان شده است؟ تاکنون چند روایت درباره حیا و عفت زنان و غیرت مردان یا نکوهش زینت کردن و عطر زدن زنان در بیرون از خانه یا کیفر چشم چرانی و شوخی با نامحرم و رفتارهای سبک و دیگر رابطه های نامشروع، از رسانه ملی به گوش دختران و پسران رسیده است؟ آیا معضل گسترده بدحجابی در شهرهای بزرگ، در گفت وگوهای کارشناسانه و تحلیلی، بررسی و ریشه یابی شده است؟

متأسفانه در برخی برنامه ها، مانند مسابقه های گروهی یا برنامه هایی با اجرای مشترک مجریان زن و مرد یا بعضی از فیلم ها و سریال ها، خواسته یا ناخواسته در جهت عادی سازی اختلاط میان نامحرمان، فرهنگ سازی می شود. شاید برای این موضوع چنین استدلال شود که به هر حال باید الگویی پذیرفته شده از حضور اجتماعی زن و مرد در رسانه معرفی و در این باره فرهنگ سازی شود. با این حال، این پرسش مطرح است که این امر تا چه میزان با جهت گیری های دین مبین اسلام سازگار است؟

در حال حاضر، رسانه ملی در زمینه هایی که به طور مستقیم درباره امور جنسی است، به طور کلی کنار می کشد، در حالی که این بحث ها از امور بسیار مهم و اثرگذار در زندگی فردی و اجتماعی است و باید در برنامه های کارشناسی بدان پرداخت و در فیلم ها و سریال ها فرهنگ سازی کرد. تنها اندکی از مردم هستند که با مطالعه دینی، آگاهی های لازم را به دست می آورند و بسیاری از آگاهی های ضروری دینی، تربیتی، روانی و حتی بهداشتی در اختیار جامعه قرار نمی گیرد. بسیاری از خانواده ها نمی دانند که وقتی فرزندشان به سن بلوغ و بیداری گرایش های جنسی

رسـید، باید با او چگونه رفتار کنند؟ آیا باید به همه پرسـش های او پاسخ دهند یا او را هنگام پرسـش از امور جنسی، سرزنش کنند؟ آیا می تواننـد به او اجازه دهند که دوستی با دختر یا پسـرهای فامیل را به بهانه هم بازی بودن دوران کودکی اش ادامه دهـد یا نه؟ چه آگاهی هایی بایـد به او داد؟ اگر دیدنـد فرزندشان فیلم ها یا عکس های محرک تماشا می کند یا در اینترنت، در حـال چت کردن یا گردش در سایت های غیرمجاز است یا رمان های تحریک کننـده می خوانـد، چه بایـد کننـد؟ آیا اینها سبب تخلیه روانی و جلوگیری از مسائل بـدتر می شود یا گناهانی نابخشودنی است که باید نوجوان را برای آن تنبیه کرد؟ اگر متوجه شدنـد پسـرشان در بازگشت از مـدرسه، مدتی در خیابان یا پارک و اطراف مدرسه دخترانه پرسه می زند و گاه شـماره تلفن یا نشان پست الکترونیکی دختری را در اختیار دارد، بایـد با او چه برخوردی داشـته باشـند؟ اگر دختر دانشـجو از والـدین خود اجازه می گیرد تا با دوستان دانشگاهی اش به کوه پیمایی یا اردوی تفریحی برود، باید به او چه گفت؟

اینها انـدکی از انبوه مشـکلاتی هسـتند که بیشتر خانواده ها با آن روبه رونـد و حتی دغـدغه اصـلی بسـیاری از پدر و مادرها، همین موضوع هـاست. خود دختران و پسـران نیز در این زمینه، دغـدغه هـای فکری، التهاب ها و فشارهای روحی مهمی دارند که کمتر جرئت می کنند آن را بی پرده بیان کنند.

متأسـفانه صدا و سـیما درباره این گونه مسائل حتی در مورد روابط میان همسـران، تقریبا هیچ گونه اطلاع رسانی نمی کند. در حال حاضر، رسانه ملی به معضلات محدودتری مانند اعتیاد به مواد مخدر، قرص های روان گردان و

حتی رواج عمـل هـای زیبـایی در میـان بـانوان وماننـد آن، در سـریال هـا، فیلم هـا، گفت وگوها و نیز در برنامه های ویژه می پردازد. بـا این حال، کمتر برنامه ای است که حتی به صورت غیرمسـتقیم به مشـکلات جنسـی جوانان بپردازد. به نظر می رسـد بسـیاری از ناهنجـاری هـای موجود در جـامعه، در همین مسائـل ریشه دارد یـا به گونه ای با آن در ارتباط است. اگر مسـئولان فرهنگی، برای مشـکلات نوجوانان و جوانان فکر اساسـی نکننـد، دور نیست که با فروکش کردن شور و امید انقلابی ناشـی از تغییر در دولـت هـا و تکراری شـدن شـعارها، کسـانی بتواننـد بـا طرح کردن آزادی غربی در جـامعه اسـلامی و وعـده دادن به جوانان، آنان را اغفال کنند و به رویارویی با نظام وا دارند. پس سـیاست گذاران فرهنگی و برنامه ریزان صدا و سـیما در عمل به مسـئولیت های خود، باید با دوراندیشی و واقع نگری، برای حل معضلات حال و آینده و حتی تبدیل تهدیدها به فرصت ها، برنامه ریزی اصولی داشته باشند و از بی برنامگی و برخوردهای منفعلانه بپرهیزند.

خوش بختانه، در آموزه های اسلام، ظرفیت حل تمام مشکلات وجود دارد و راه کارهای لازم برای تنظیم شایسته امور فردی و اجتماعی در هر شرایطی پیش بینی شده است. ازاین رو، آشنایی با این آموزه ها و عمل به آنها ضرورت دارد. با توجه به آنچه گذشت، شایسته است به این محورها، در سیاست گذاری ها و برنامه ریزی های کلان توجه شود.

۲- محورهای اصلی در سیاست گذاری های کلان

الف) در پیش گرفتن جهت گیری فرهنگی و برنامه ای یگانه بر اساس آموزه های اسـلام و واقعیت های جامعه در زمینه روابط دختر و پسر.

ب) بالاـ بردن سطح ایمـان، آگـاهی و تقوا در جوانان: برای افزایش سـطح ایمان جوانان لازم است از عقل و عاطفه باهم بهره برده شود و شـناخت های بنیادین اسـلامی، در طرحی نو در اختیار نوجوانان و جوانان قرار گیرد؛ زیرا تکیه صرف بر جنبه های عـاطفی و روانی، بـدون تقویت پشـتوانه فکری و معرفـتی، چنـدان ثمربخش نخواهـد بود. همچنین برای تقویت روحیه تقوا در افراد، باید از هر دو ابزار انذار و تبشیر اسـتفاده کرد. از نظر اسـلام، بهترین روش تربیتی برای پرورش روحی مؤمنان، این است که افراد همـواره در حـالت خـوف و رجـا (بیم و امیـد) باشـند. ازاین رو، بیم دادن در کنـار بشـارت دادن، یکی از روش هـای تبلیغی اصلی در ادیان الهی است و قرآن نیز پیامبر را بشیر و نذیر معرفی می فرماید.(۱) از آن جا که انذار (بیم دادن) در بیشتر مردم اثر دارد و محرک اولیه و اصـلی برای خروج از غفلت و حرکت در مسیر درست است، ترساندن از عذاب دوزخ، جایگاه ویژه ای در قرآن دارد و خداوند در آیات بسیاری، پیامبر و مبلّغان دینی را به انذار فرامی خواند.(۲) رسانه ملی نیز برای تقویت روحیه ایمان و تقوا نباید از این روش تربیتی غافل باشد.

ج) فرهنـگ سـازی، آموزش و تبلیغ احکـام و اخلاـق اسـلامی در زمینه معاشـرت هـای اجتماعی میان نامحرمان: در این زمینه، افزون بر آموزش و تبلیغ مسـتقیم و غیرمسـتقیم جهت گیری ها و هنجارهای اسـلامی، آشـنا کردن افراد با فلسفه و پی آمدهای این آموزه ها نیز مفید خواهد بود.

۱- نک: بقره: ۱۱۹؛ فرقان: ۵۶.

۲- نک: شعراء: ۲۱۴؛ مدّثّر: ۱و ۲؛ بقره: ۱۲۲؛ رعد: ۷.

د) شناخت جنبه های مختلف تهاجم فرهنگی غرب و در پیش گرفتن راه کارهای اصولی برای رویارویی با آن.

هـ) فرهنگ سازی برای آسان سازی روابط مشروع و سالم میان دختران و پسران و آشنا کردن خانواده ها و جوانان با آزادی های اسلامی.

چنان که گفتیم، روابط جنسی میان نامحرمان، تنها در چارچوب ازدواج امکان پذیر است. ازاین رو، زدودن موانع فراروی ازدواج دایم به عنوان یکی از مهم ترین راه کارهای اصلاحی در موضوع روابط میان دختران و پسران باید مورد توجه قرار گیرد.

۳- ارزیابی برنامه های رسانه

به موضوع رابطه دختر و پسر در برخی برنامه های رسانه ملی به طور مستقیم توجه شده است. از جمله، برنامه «چهار راه» و برنامه «پرسش» که هر دو از شبکه سوم سیما پخش شد و به شیوه پرسش و پاسخ، نظر جوانان را در حضور کارشناس مسائل فرهنگی و مذهبی مطرح می کرد. این گونه برنامه ها که با حضور خود جوانان تشکیل می شود، شیوه ای مناسب برای طرح مسائل جوانان و تبیین راه کارهای اصلاح روابط میان آنها است. البته به شرط آنکه کارشناسان باتجربه و آگاه در این برنامه ها حضور یابند و مدیریت برنامه چنان باشد که از پراکنده گویی و شبهه پراکنی های بی پاسخ پرهیز شود. گذشته از این گونه برنامه ها، در فیلم ها و سریال ها، تلاش می شود روابط دختر و پسر در چارچوب های شرعی و عرفی نمایش داده شود و معمولاً به رابطه هایی که در کوتاه مدت به ازدواج می انجامد، به صورت حاشیه ای توجه می شود تا بدآموزی در پی

نداشته باشد. البته گاهی آشنایی های خیابانی که به ازدواج می انجامد، مانند آشنایی نسرین و بهروز در سریال «نرگس» از شبکه سوم سیما؛ یا آشنایی هایی که مدت بیشتری به طول می انجامد و در پایان به ازدواج نمی انجامد، مانند آنچه در سریال «آهو» از شبکه اول سیما پخش شد، شاهد بودیم.

درباره حجاب بانوان نیز در برنامه «عصر ایمان» از شبکه اول، کارشناسان به ویژه زنان فرهیخته، بحث های سودمندی مطرح می کردند که باید به این گونه بحث ها بیش از این توجه می شد. سریال «مریم مقدس» در به تصویر کشیدن دختر الگو و نمونه، بسیار موفق بود. همچنین در برخی از سریال های سیما، تلاش می شود الگویی مثبت از بانوی مسلمان باحجاب و در عین حال آگاه و فعال ارائه شود که رویکرد مثبتی است، مانند شخصیت «پروانه» در سریال «مسافری از هند» و شخصیت هایی که در سریال هایی مانند «ریحانه»، «لبه تاریکی» و «مهر و ماه»، «تب سرد»، «با من بمان» و «نرگس» بودند. این نکته نیز که مجریان برنامه ها با چادر و حجاب کامل به اجرای برنامه می پردازند، در هنجارسازی اجتماعی بسیار مؤثر است. البته در برخی سریال ها نوع پوشش زنان چندان مناسب نیست، ولی در مجموع، رویکرد بیشتر برنامه ها در زمینه حجاب و پوشش زنان، مثبت ارزیابی می شود.

در زمینه برخوردهای همراه با حیا و عفت میان زن و مرد نامحرم، الگوهای معرفی شده در رسانه تا اندازه ای قابل دفاع است. البته در برخی برنامه ها مانند جشن هایی که به مناسبت های مذهبی و ملی تهیه می شود و برخی برنامه های رادیویی به ویژه برنامه های طنز و سرگرمی، مانند برنامه

«جمعه ایرانی» که مجریـان زن یـا زن و مرد، اجرای برنامه را اداره می کننـد، برخی نکته های منفی در برخوردها، لحن کلام و اختلاـط میـان نامحرمان دیـده می شود که شایسـته رسانه ملی نیست. کاهش اختلاط های غیرضـروری میان زن و مرد نامحرم، موضوعی است که باید به آن بیشتر توجه شود. در برنامه ای مانند مسابقه «سیمرغ» که زنان و مردان با هم شرکت می کردند و تحرک و شوخی مجری، فضای بازی را به وجود می آورد یا در برنامه هایی که در آن، مجری و فرد مهمان، زن و مرد نامحرم هستند، به طور غیرمستقیم، برخلاف جهت گیری اسلامی، فرهنگ سازی می شود.

در زمینه آموزش هـای تربیتی و اخلاـقی نوجوانـان و نیز آموزش خـانواده ها برای پیش گیری از انحراف اخلاقی فرزنـدانشان، متأسـفانه برنـامه هـای اثر گـذاری تهیه نشـده است. همچنین احکـام شـرعی درباره رابطه میان نامحرمان و هنجارهای مربوط به روابط جنسی، گناه رابطه های نامشروع، کیفر آن و اموری از این دست، در رسانه ملی تبیین نشده است. در برخی برنامه ها نیز که به این گونه مسائل پرداخته می شود، متأسفانه غفلت هایی وجود دارد.

در برنـامه «آن سـوی توهّم» که بـا موضوع پی آمـدهای اعتیـاد به قرص هـای روان گردان از شـبکه دوم سـیما پخش می شـد، دختران و پسران مصاحبه شونده به صراحت می گفتند که با شرکت در پارتی های مختلط و مصرف قرص های روان گردان و مشـروبات الکلی، به انجـام رفتارهـای جنسـی و برقراری روابـط نامشـروع پرداخته انـد و چنـدان هم احسـاس گناه و شـرم نمی کردند. پرداختن نسـنجیده به این ناهنجاری ها، می تواند عاملی برای شکسـتن قبح این گناهان و اشاعه فحشا باشد و بدآموزی آن، از

اصلاحش بیشتر است.

به طور کلی، برنامه های پخش شده در رسانه ملی درباره آسان سازی روابط مشروع، بسیار اندک بوده است. در مورد ازدواج دایم، برخی بخش های کارشناسی پخش شده، ولی برنامه مناسبی به منظور فرهنگ سازی برای ازدواج های آسان پخش نشده است که در کنار واقع بینی و شناخت کافی دو طرف از یکدیگر، شیوه های مناسب برای همسریابی و خواستگاری و ویژگی های همسر، به شکل شایسته و سازگار با نیازهای جوانان معرفی شود. شاید برنامه ای را که هم زمان با افطار در ماه رمضان سال ۱۳۸۴ از شبکه سوم سیما با حضور زوج های موفق پخش می شد، بتوان بهترین برنامه های تولید شده در این زمینه دانست. درباره ازدواج در نوجوانی و نامزدی طولانی مدت و مانند آن، رویکرد مشخصی در برنامه ها، اعم از فیلم و سریال و برنامه های آموزشی و کارشناسی دیده نمی شود، بلکه برعکس، بیشتر عروس و دامادها در فیلم ها و سریال ها، در سن بالاـ ازدواج می کنند. در بخش هایی از سریال های «سفر سبز»، «با من بمان» و «او یک فرشته بود» نیز به گونه ای به ازدواج موقت اشاره ای کوتاه شده بود که البته در هر سه سریال به ویژه دو سریال اول، این اشاره با نگاهی منفی همراه بود.

در زمینه شناخت مبانی فرهنگ غرب و پی آمدهای آزادی های غربی نیز برنامه های مفید برای جوانان و نوجوانان کمتر است. از آن جا که یکی از عوامل ترویج فرهنگ غرب، رواج اندیشه های فمینیستی و اندیشه تساوی زن و مرد در تمام حقوق و وظایف است، باید در این باره دقت بیشتری شود؛ زیرا نفوذ این اندیشه در بسیاری از برنامه های صدا و سیما

و در بیشتر سریال ها دیده می شود.

زن سالاری، جابه جا شدن نقش زن و مرد در خانواده و محیط های دیگر، بی توجهی به ارزش وظیفه مادری و همسری و نقش زن در خانه و تشویق زنان به فعالیت های بیرون از خانه، مستقیم و غیرمستقیم در بسیاری از برنامه ها ترویج می شود که بی شک، پی آمدهای فرهنگی خاص خود را خواهد داشت.

همچنین رسانه ملی باید از تحریک جنسی نوجوانان و جوانان پرهیز کند. البته بیشتر فیلم ها و سریال های خارجی با وجود حذف صحنه های غیراخلاقی، به دلیل نوع پوشش و آرایش و فرهنگ رایج در دیگر جوامع، تا اندازه ای تحریک کننده هستند. حتی سریال ها و فیلم های ایرانی نیز گاه تحریک کننده هستند. به ویژه حضور هنرپیشه های جوان در سیما به دلیل جذابیت های ظاهری و چهره، چه بسا عامل تحریک جوانان باشد و حتی کم رغبتی برخی از زوج ها به همسرانشان را به دلیل مقایسه ناخودآگاه همسرشان با هنرپیشه ها موجب شود. برخی از این مسائل، از لوازم اجتناب ناپذیر سینما و تلویزیون است، ولی با توجه بیشتر می توان مقداری از این تحریک ها را کاهش داد.

۴- پیشنهادهای برنامه ای

پرداختن مستقیم به موضوع روابط دختر و پسر در برنامه های صدا و سیما به دلیل محدودیت هایی که در این زمینه وجود دارد، مشکل است. حتی نمایش رابطه های غلط در فیلم ها و سریال ها هر چند به منظور نشان دادن زیان های آن باشد، می تواند بدآموز باشد. ازاین رو، بهترین راه برای

اصلاح رابطه ها و تغییر رویکردها آن است که روابط دختر و پسر و بایدها و نبایدها در این زمینه، در نشست های علمی و گفت وگوهای کارشناسی مطرح شود و احکام اسلامی در این باره به آگاهی مردم برسد.

همچنین می توان در فیلم ها و سریال ها و برنامه های نمایشی، به شکل غیرمستقیم به این بحث پرداخت و الگوسازی مناسبی کرد. برای تقویت هنجارها و حدود شرعی در روابط میان دختر و پسر و زن و مرد در برنامه های نمایشی یا نوع پوشش و رفتار مجریان زن و مانند آن نیز باید فرهنگ سازی شود. موارد زیر در این زمینه پیشنهاد می شود:

الف) کارشناسان دینی، احکام مربوط به روابط نامحرمان را به صورت ساده و شیوا بیان کنند. شایسته است به آیه ها و روایت ها و داستان های عبرت آموز هم اشاره شود که در تقویت پای بندی افراد به احکام شرعی و درک برخی حکمت های آن، مؤثر است.

ب) باید رویکرد ذهنی جوانان را نسبت به دین تغییر داد، به گونه ای که نوجوانان و جوانان، دین را مانعی بزرگ نپندارند که آنها را از ارضای نیازهای طبیعی و غریزی شان بازمی دارد، بلکه بدانند دین، آزادی های مشروع و معقولی نیز به آنها می دهد؛ یعنی نه تنها افراد را از نعمت های دنیوی محروم نمی کند، بلکه حتی به نیازهای غریزی و جنسی نیز با دیده احترام می نگرد و زمینه برآورده کردن شایسته همه نیازها را برای افراد فراهم می آورد. یکی از راه های این تغییر ذهنیت، تشکیل نشست های صمیمانه میان جوانان و عالمان دینی و پرسش و پاسخ بی پیرایه است. بهتر است در این نشست ها به جوانان، فرصت لازم برای بیان خواسته ها و اندیشه هایشان داده شود و راهنمایی های لازم و پاسخ های راه گشا در

اختیارشان قرار گیرد. در مورد روابط دختر و پسر باید تبیین شود که اسلام با این مسئله مخالف نیست، بلکه تنها لازم می داند این امر در چارچوب های مشخص شرعی عملی شود.

ج) بـا حضور مشـاوران و کارشـناسان، روش هـای ازدواج آگاهـانه و موفق، در ازدواج هـای دایم در نوجوانی بررسـی و برای ازدواج های ساده، کم خرج، سنجیده و عاقلانه، فرهنگ سازی شود.

د) با بررسـی پرونده های طلاق و مانند آن، پی آمدهای منفی عشق های خیابانی یا اینترنتی که معمولاً به شـکست می انجامد، گوشزد شود.

هـ) در پوشش و آرایش و نوع رفتار و گفتار زن و مرد و دختر و پسر در تمام برنامه ها باید دقت کرد تا هنجارهای اسلامی با معرفی الگویی مناسب از بانوی مسـلمان تقویت شود. در این راسـتا، پرداختن به زنـدگی زنان موفق و پارسا در گذشـته و حال می تواند اثرگذار باشد.

و) به منظور نمـایش الگویی شایسـته از برخوردهـای اجتمـاعی میان دختر و پسـر نامحرم، داسـتان برخورد موسای جوان (ع) با دختران شعیب (ع) که در قرآن آمده است، می تواند موضوع مناسبی باشد.

ز) خداونـد، علم تعـبیر خواب و دیگر مقـام هـای معنوی را زمـانی به یوسف (ع) داد که ایشـان بـا وجود آنکه در اوج زیبـایی جوانی و سرکشـی غریزه قرار داشت، از رابطه نامشـروع با زلیخا و زنانی که خواهان او بودند، چشم پوشید. چنین جریانی برای افرادی مانند ابن سـیرین و حتی برخی از عارفان صاحب کرامت معاصـر مانند شیخ رجب علی خیاط و شیخ جعفر مجتهدی نیز در جوانی پیش آمـده و آنـان بـا وجود آنکه شـرایط گناه برایشان کاملاً فراهم بوده است، با خودداری از گناه جنسـی، به مقام های بلند

ص: ۲۴۵

عرفانی رسیده اند.(۱) توجه به زندگی این بزرگان از این دیدگاه، می تواند موضوع مناسب برای برنامه سازان باشد.

ح) با برنامه های مستند و تحلیلی و حتی گفت وگو با برخی افراد در غرب می توان آن روی سکه رابطه های آزاد و بی بندوباری ها و اخلاق جنسی موجود در غرب و زیان های آن را به صورتی واقع بینانه، همراه با تحلیل های کارشناسانه، برای جوانان نشان داد تا از تأثیر منفی جذابیت های فرهنگ غرب در این زمینه، تا اندازه ای در امان بمانند.

ط) در جامعه ما، متأسفانه قبح گناهانی مانند نگاه به نامحرم، کمتر شده است. در این زمینه، به دو ماجرای واقعی در صدر اسلام اشاره می کنیم که موضوع های مناسبی برای برنامه سازی هستند. در این دو ماجرا، افزون بر هنجارسازی و تأکید بر مصون ماندن گناه، به مراتب امر به معروف و نهی از منکر که باید متناسب با نوع گناه، شرایط ارتکاب و نیز موقعیت فرد خاطی باشد، باید توجه کرد.

ماجرای اول این است که پیامبر در یکی از جنگ ها، مردان مدینه را دو دسته کرد. گروه نخست به جنگ اعزام شدند و گروه دوم در شهر ماندند تا نیاز روزانه خانواده های گروه نخست را برآورده کنند. ثعلبه یکی از کسانی بود که در شهر ماند و مسئولیت تهیه نیازهای خانواده یکی از دوستانش را بر عهده گرفت. او هر روز به در خانه دوست خود می آمد و از پشت پرده، از همسر او نیازهایشان را می پرسید. سپس آنها را تهیه

۱- نک: کیمیای محبت زندگی شیخ رجب علی خیاط؛ لاله ای از ملکوت (زندگی شیخ جعفر مجتهدی).

می کرد و از پشت پرده، به همسـر دوسـتش تحویل می داد. در یکی از روزها، وقتی از پشت پرده با همسـر دوستش سخن می گفت، با خود اندیشید مگر چه می شود این پرده را کنار بزنم و قیافه این زن را که هر روز از پشت پرده با او صحبت می کنم، ببینم. وی بی درنـگ پرده را کنـار زد و چهره زن را دیـد. زن بی درنگ فریاد کشـید: «حیا نمی کنی؟ دوست تو در جبهه می جنگـد و به تو اعتماد کرده و خانواده اش را به تو سپرده است، ولی تو بی شـرمی را از حـد گذرانـده ای و به زن او نگاه حرام می کنی!»

ثعلبه بـا نـاراحتی، باشـتاب از آن جا دور شـد و در خانه، ماجرا را به دخترش گفت. دخترش گفت: «پـدر از من دور شو! چنان گنـاه بزرگی کرده ای که من تحمـل دیـدنت را نـدارم.» بعضـی از همسایگـان نیز با او چنین برخوردی کردنـد. وقتی پیامبر از جنگ برگشت و با ثعلبه روبه رو شد، فرمود: «از من دور شو، می ترسم آتش تو دامن مرا هم بگیرد.» ثعلبه دیگر تاب نیاورد و سر به بیابان گـذاشت. او در خاک به خود می غلتیـد، صورت به خاک می ساییـد و شب و روز می گریست تا خداوند توبه او را بپذیرد. روزی پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله در مسجد بود که این آیه نازل شد:

نیکان آنها هستند که هرگاه کار ناشایست از ایشان سرزند یا ستمی به نفس خویش کنند، خدا را به یاد آرند و از گناه خود به درگاه خدا توبه و اسـتغفار می کنند و جز خدا چه کسی می تواند گناه خلق را بیامرزد؟ آنها کسانی هستند که دانسته، در کار زشت اصرار نمی ورزند». (آل عمران: ۱۳۵)

آن گـاه پیـامبر به امیر مؤمنان علی (ع) فرمود: «برو ثعلبه را پیـدا کن و بگو خداونـد توبه تو را پـذیرفته است.» امیر مؤمنان علی (ع) به همراه

سلمان حرکت کردند و از مردی در بیابان شـنیدند که شخصـی هر روز به هنگام غروب زیر فلان درخت خرما گریه و ناله می کند. وقتی نزدیک درخت رسـیدند، ثعلبه را دیدند که می گرید. به او بشارت دادند که خداوند توبه اش را پذیرفته و پیامبر از او خواسـته است که به مسـجد برود. ثعلبه گفت: باید مرا دست بسته همچون فردی مجرم به شهر ببرید. سرانجام علی (ع) او را راضـی کرد و با هم به مسـجد آمدنـد. وقتی به مسـجد رسـیدند که نماز جماعت مغرب آغاز شـده بود. آنان نیز اقتـدا کردنـد. پیامبر سوره تکاثر را تلاوت فرمود و چون به آیه ششم رسید، ثعلبه فریادی کشید و جان به جان آفرین تسلیم کرد.(۱)

ماجرای دوم آن است که در ایام حـج و هنگام رفتن به عرفات، پیامبر اکرم صـلی الله علیه و آله ، اسامه بن زید را نیز بر مرکب خود سوار کرده بود و هنگـام خروج از عرفـات، به سوی مشـعر، ایشـان فضـل بن عبـاس را بر مرکبش سوار کرد. فضل در آن هنگام، جوانی بود با موهایی زیبا و آراسـته و ظاهری جذاب. شـخص به همراه خواهرش که او نیز زنی بسـیار زیبا بود، خدمت پیـامبر آمـد و از پیـامبر پرسـش هایی کرد. در این میان، فضل به خواهر آن مرد نگاه می کرد. پیامبر در همان حال که پرسـش هـای مرد را پاسخ می فرمود، دست خود را برابر فضـل گرفت و مـانع نگاهش به آن زن شـد، ولی از هر سو که حضـرت مانع دید فضل می شد، او از سوی دیگری زن را دید می زد. وقتی پرسش های مرد تمام شد و رفت، حضرت رو به

۱- نک: خانه گریزی دختران، ریشه ها و پی آمـدها، ص ۱۱۴، به نقل از: علی دوانی، کتاب داسـتان های ما، تهران، انتشارات ارشاد، ۱۳۶۹، چ۳، ج۱، ص۲۷۱.

فضل کرد و دست بر شانه اش گذاشت و سپس فرمود: «آیا نمی دانی که این روزها، ایامی مشخص و دارای احترام ویژه است و هر کس در این ایام، چشمش را (از حرام) باز دارد و زبان و دستش را حفظ کند، خداوند برای او ثوابی معادل یک حج مقبول می نویسد»؟(۱)

در این روایت، نکته های جالبی وجود دارد. در سیره نبوی آمده است که پیامبر با همه مقام معنوی و به عنوان حاکم جامعه اسلامی، معمولاً برای دوری از تکبر، شخص دیگری را نیز بر مرکب خود سوار می فرمود. در این روایت، توجه ویژه حضرت به جوانان کاملاً مشخص است؛ زیرا اسامه بن زید و فضل بن عباس هر دو جوان بودند. همچنین برخورد پیامبر با فضل، برخوردی اثباتی و آرام و دوستانه بود و به جای آنکه او را توبیخ کند، پاداش ترک گناه را به او گوشزد فرمود. در مقابل، برخورد ایشان با ثعلبه که فردی متأهل بود و به عنوان مأمور حکومت اسلامی، باید نهایت امانت داری را در انجام وظیفه اش رعایت می کرد، متفاوت بود. این امر نشان دهنده لزوم در نظر گرفتن مراتب و شرایط در امر به معروف و نهی از منکر است.

۵- پرسش های مردمی

نکته: بسیاری از پرسش های زیر با کمی تغییر در میزگردها و گفت وگوهای کارشناسی نیز قابل طرح است. همچنین پرسش های مربوط به جوانان مشخص شده است.

۱- نک: مستدرک الوسائل، ج۱۴، باب ۸۱ از ابواب مقدمات نکاح، ص۲۶۸، ح۱۶۶۸۲.

۱. مهم ترین اصولی که در روابط دختر و پسر و زن و مرد نامحرم باید رعایت شود، کدام است؟

۲. آیا همه این اصول در جامعه ما رعایت می شود؟

۳. رعایت احکامی مانند حجاب و پرهیز از نگاه های هوس آمیز، در سلامت اجتماعی چه نقشی دارد؟

۴. برخی برآنند که نوع پوشش و آرایش افراد، امری شخصی است و به باور برخی دیگر، دختران و زنانی که حجاب خود را رعایت نمی کنند و از آرایش و پوشش های تحریک کننده خودداری نمی ورزند، دیگران را هم به گناه می اندازند و آرامش فکری افراد را در محیط های اجتماعی بر هم می زنند. نظر شما در این باره چیست؟

۵. شوخی میان زن و مرد نامحرم، چه پی آمدهای منفی دارد؟

۶ . کاهش اختلاط میان نامحرمان در کاهش زمینه انحراف های اخلاقی چه تأثیری دارد؟

۷. آیا با جداسازی دختر و پسر در مدرسه ها موافقید؟

۸ . آیا جداسازی زن و مرد را در اتوبوس و مترو مفید می دانید؟

۹. آیا بهتر نیست در صورت وجود امکانات، کلاس های دختران و پسران در دانشگاه به طور جداگانه تشکیل شود؟

۱۰. دلیل پیدایش مشکلات در دوستی های دختران و پسران دانشجو چیست؟ آیا این مشکلات برای دانشجویان متأهل و مجرد و نیز دانشجویانی که به رعایت احکام شرعی مقیدند و کسانی که این پای بندی را ندارند، به یک اندازه است؟

۱۱. اگر ببینید پسر جوانی در خیابان، برای دختری مزاحمت ایجاد

می کنـد، چه می کنیـد؟ آیا بی اعتنا می گذرید؟ آیا در این گونه موارد، همیشه پسـران مقصـرند یا دخترها نیز تقصـیر دارند؟ چرا؟

۱۲. تماشای برنامه های ماهواره های خارجی، در افزایش انحراف های اخلاقی میان نوجوانان و جوانان چه تأثیری دارد؟

۱۳. برخی می پندارنـد تماشـای فیلم ها و عکس های مبتـذل، سـبب تخلیه روانی و کاسـتن از فشارهای جنسـی در نوجوانان و جوانان می شود. برخی نیز برآنند که این امر موجب تحریک و مشغولیت ذهنی آنان است. شما چه نظری دارید؟

۱۴. آیا با اخلاق جنسی در فرهنگ غرب موافقید؟ چرا؟

۱۵. آیـا بـا دوستی یـا روابط پنهانی میان دختر و پسر موافقیـد؟ این گونه رابطه ها چه عواملی دارد و چه آثار نامطلوبی در پی دارد؟

۱۶. اگر فرزند بالغ شما بخواهد با فردی از جنس مخالف دوست شود، آیا به او این اجازه را می دهید؟

۱۷. اگر فرزندتان از شما بپرسد چرا دوستی با جنس مخالف بد است، چه پاسخی برای او دارید؟

۱۸. به نظر شـما آیا اسلام با گرایش های جنسی مخالف است و آن را سرکوب می کند یا این گرایش ها را محترم می شمارد و راه کارهای مناسبی برای ارضای مطلوب نیازهای غریزی ارائه می دهد؟

۱۹. آیا از نظر اسلام، دوستی میان دختر و پسر نامحرم جایز است؟

۲۰. آیا با ازدواج در اول نوجوانی موافقید؟

۲۱. آیا امکان ازدواج در این دوره برای جوانان ما وجود دارد؟

۲۲. آیا دختر و پسر می توانند با برقراری محرمیت شرعی پیش از

ازدواج دایم با یکدیگر، رابطه عاطفی سالمی داشته باشند؟

۲۳. آیـا در شـرایط فعلی جـامعه ما، محرمیت شـرعی پیش از ازدواج دایم می توانـد برای کاسـتن از مفاسـد و گناهان و پاسـخ گویی به نیازهای جوانان در فاصله بلوغ تا ازدواج اثرگذار باشد؟

۲۴. آیـا حضور در چت روم هـایی که در آن، دوستی و رابطه دختر و پسـر و روابط جنسـی مطرح است، نتیجه ای جز گـذران وقت و افزایش التهاب های غریزی دارد؟ (جوانان و نوجوانان)

۲۵. آیا در دانشگاه یا محیط های دیگر، در برخورد با جنس مخالف مشکلی دارید؟ چرا؟ دیگران چه طور؟ (جوانان)

۲۶. در کلاس های مختلط احساس راحتی بیشتری دارید یا در کلاس های جداگانه؟ چرا؟ (جوانان)

۲۷. آیا فشارهای غریزی و خیال های جنسـی آزارتان می دهـد؟ برای تسـکین این فشارها چه می کنید؟ آیا تا به حال، مشـکل خود را با والدین خویش در میان گذاشته اید؟ چه پاسخی داده اند؟ (نوجوانان و جوانان)

۲۸. آیا بهتر نیست دختر و پسر در سن پایین مانند آغاز دوره دبیرستان، ازدواج کنند؟ (نوجوانان و جوانان)

۲۹. نهادهـای حکومتی، فرهنگی و خانواده ها برای بسترسازی رابطه های مشـروع و جلوگیری از رابطه های حرام میان دختر و پسر چه وظایفی دارند؟

ص: ۲۵۲

۶– پرسش های کارشناسی

۱. مهم ترین جهت گیری ها و راه کارهایی که در اسلام برای تنظیم شایسته روابط میان زن و مرد و دختر و پسر وجود دارد، کدامند؟

۲. توجه به کرامت انسانی، عزت نفس و پرهیز از نگاه ابزاری به زن، در سلامت روابط اجتماعی چه نقشی دارد؟

۳. مهم ترین آسیب هایی که سلامت روابط اجتماعی میان زن و مرد و دختر و پسر را تهدید می کنند، کدامند؟

۴. بدحجابی و خودآرایی دختران و زنان در محیط های اجتماعی، چه عوامل فرهنگی، تربیتی و روانی دارد؟ برای رفع این پدیده ناهنجار چه باید کرد؟

۵. آیا ضابطه های شرعی در مورد روابط نامحرمان، مانند پرهیز از شوخی و خنده و هم کلامی بی مورد و اختلاط های غیرضروری، در شرایط امروز جامعه ما که زنان در اجتماع حضور دارند، عملی هست؟ در این زمینه چه باید کرد؟

۶ . اسلام برای پاسخ گویی مشروع به نیازهای عاطفی و جنسی افراد چه راه کارهایی دارد؟

۷. گرایش به جنس مخالف و التهاب های غریزی، از چه سنی در دختران و پسران آغاز می شود؟ آیا آنان در این دوره، امکان پاسخ گویی به نیازهای طبیعی شان را می یابند؟

۸ . آیا در صدر اسلام یا در گذشته تاریخی ایران، جوانان در رفع نیازهای غریزی شان به اندازه دوره فعلی مشکل داشته اند؟ آیا تحریک های

جنسی در جامعه ما در این دوره با دوره های گذشته قابل مقایسه است؟

۹. نبود راه کارهای مناسب برای رابطه مشروع و بی دغدغه میان دختران و پسران در فاصله بلوغ تا ازدواج، چه مشکلاتی را برای آنان، خانواده ها و اجتماع پدید می آورد؟

۱۰. این امر تا چه اندازه در آلوده شدن جوانان به گناهان و انواع انحراف ها و رواج فساد و جامعه و دین گریزی جوانان اثر دارد؟

۱۱. رفع این نیازها در سلامت و نشاط جوانان، شکوفایی استعدادها و جلوگیری از هدر رفتن توان ذهنی آنان و نیز سالم سازی روابط اجتماعی چه اثری دارد؟

۱۲. چه موانعی بر سر راه ازدواج جوانان وجود دارد و راه های کاستن از این موانع چیست؟

۱۳. آیا جوانان هم زمان با بلوغ جنسی، آمادگی لازم و شرایط مناسب را برای ازدواج دایم دارند؟ ازدواج در آغاز جوانی چه مزیت ها و عیب هایی دارد؟

۱۴. آیا در اسلام، ازدواج موقت امری ناپسند است که باید از آن اجتناب شود؟ جوانانی که شرایط ازدواج دایم را ندارند، چه باید بکنند؟

۱۵. مهم ترین تفاوت های اخلاق جنسی در غرب و اسلام را بیان کنید.

۱۶. برای رویارویی با تهاجم فرهنگی غرب و کاستن از آسیب پذیری جوانان، چه باید کرد؟

۱۷. آیا اندیشه های فمینیستی بر روابط دختر و پسر و زن و مرد اثرگذار است؟ چگونه؟

۱۸. بی توجهی به نیازهای جنسی جوانان، چه خطرهایی را برای نظم

اجتماعی و امنیت ملی ایجاد می کند؟

۱۹. بر هم خوردن تعادل جمعیتی میان دختران و پسران آماده ازدواج در جامعه ما چه مشکلاتی دارد؟ چه راه کارهایی برای این معضل اجتماعی وجود دارد؟

۲۰. با توجه به روند دگرگونی های فرهنگی در جامعه ما، دورنمای روابط دختر و پسر و هنجارهای حاکم بر این روابط را در آینده چگونه پیش بینی می کنید؟

۲۱. نقش رسانه ملی در زمینه فرهنگ سازی درست و اصلاح روابط دختران و پسران و زنان و مردان چیست؟

۲۲. عملکرد رسانه را در این باره چگونه ارزیابی می کنید؟

۲۳. برای بهبود عملکرد صدا و سیما در این باره چه پیشنهادهایی دارید؟

ص: ۲۵۵

کتاب نامه

کتاب

* قرآن کریم.

* نهج البلاغه.

۱. آمدی تمیمی، عبدالواحد، غررالحکم و دررالکلم، قم، دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، چاپ اول، ۱۳۶۶.

۲. ابطحی، حسن، استعمار ضد اسلام، مشهد، کانون بحث و انتقاد دینی، چاپ دوم، ۱۳۶۱.

۳. ابونیاعمران، فرحناز، بررسی تاریخی جرایم جنسی از دوران باستان تاکنون، ساری، نشر رنگارنگ، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴. ابهری، مجید، مقاله «شرکت های دروغ و فریب»، ویژه نامه «تپش»، (ضمیمه شماره ۲۹۳)، روزنامه جام جم، ۲۰/۸/۱۳۸۳.

۵. اسلامی نسب، علی، بهداشت و درمان های جنسی، تهران، انتشارات خورشید، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۶. اشتری، بهناز، قاچاق زنان (بردگی جنسی)، تهران، اندیشه برتر، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۷. اعزازی، شهلا، جامعه شناسی خانواده، تهران، نشر ثامن، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۸. اکبری، ابوالقاسم، مشکلات نوجوانی و جوانی، تهران، نشر ساوان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۹. الترمانینی، عبدالسلام، الزواج عند العرب فی الجاهلیه و الإسلام،

ص: ۲۵۶

حلب، دارالقلم العربی، ۱۴۰۹ هـ . ق / ۱۹۸۹م.

۱۰. انصاری، مرتضی، کتاب النکاح (جلد ۲۰ از مجموعه آثار شیخ مرتضی انصاری)، قم، کنگره، چاپ اول، ۱۴۱۵ هـ . ق.

۱۱. ایران زنان، شماره ۳۰۰۳، ۲۸/۹/۱۳۸۳.

۱۲. بانکی پور فرد، حسن، مقاله «تحلیلی بر روابط دختران و پسران دانشجو»، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان، جلد دوم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.

۱۳. باهنر، محمدجواد و سید رضا برقعی، تربیت و تعلیم دینی، تهران، شرکت سهامی کتاب های جیبی، ۱۳۵۱.

۱۴. بهشتی، احد، خانواده در قرآن، قم، بوستان کتاب، چاپ سوم، ۱۳۸۲.

۱۵. بهشتی، محمد؛ محمدجواد باهنر و علی گلزاده، شناخت اسلام، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، بی تا.

۱۶. تویسرکانی، محمدنبی، لئالی الاخبار، جلد سوم، قم، المکتبه المحمدی، بی تا.

۱۷. جاودانی، نیاز، روابط دختر و پسر در جامعه امروز، مشهد، انتشارات کتاب درمانی، ۱۳۸۲.

۱۸. جوان، عبدالّله ، نظم اجتماعی در اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۱۹. جی ریموند، جنیس، مقاله «غرب و پی آمدهای قانونی کردن روسپی گری»، ترجمه: علی گل محمدی، نشریه کتاب زنان، شماره ۲۱، پاییز۱۳۸۲.

۲۰. حجازی، بنفشه، به زیر مقنعه (بررسی جایگاه زن ایرانی از قرن اول هجری تاعصر صفوی)، تهران، نشر علم، ۱۳۷۶.

۲۱. حجازی، بنفشه، ضعیفه (بررسی جایگاه زن ایرانی در عصر صفوی)،تهران، نشر قصیده سرا، ۱۳۸۱.

۲۲. حرّ عاملی، محمدبن حسن، وسائل الشیعه، قم، مؤسسه آل البیت لإحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۹ هـ . ق.

۲۳. حسین پور، علیرضا، آن روی سکه (بحثی درباره روابط دختر و پسر)، تهران، نشر آهسته، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۴. دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، «مجموعه گفت وگوهای نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان»، قم، ۱۳۸۰.

۲۵. دلریش، بشری، زن در دوره قاجار، تهران، دفتر مطالعات دینی حوزه هنری سازمان تبلیغات اسلامی، ۱۳۷۵.

۲۶. دوانی، علی، داستان های ما، جلد یک، تهران، انتشارات ارشاد، چاپ سوم، ۱۳۶۹.

۲۷. رافعی، طلعت، تحلیلی بر روان شناسی زن در ازدواج موقت، تهران، نشردانژه، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۲۸. راوندی، مرتضی و دیگران، تاریخ اجتماعی ایران، جلد ۱و ۳و ۶، تهران، انتشارات امیرکبیر.

۲۹. روزنامه اطلاعات مورخ ۲۴/۹/۱۳۶۹ و ۸/۱۰/۱۳۶۹، مجله اطلاعات هفتگی، شماره ۱۳۳۰.

۳۰. روزنامه جام جم، مورخ ۱۰ تیر و ۲۱ مرداد ۱۳۸۳، «تپش»، ویژه نامه ضمیمه های شماره ۱۱۸۴ و ۱۲۱۷.

ص: ۲۵۸

۳۱. روزنامه جمهوری اسلامی، مورخ ۱۰/۹/۱۳۶۹ و ۱۸/۴/۱۳۸۱.

۳۲. روزنامه کیهان، مورخ ۲۶/۹/۱۳۶۹ و ۲۱/۶/۱۳۷۰ و ۲۸/۹/۱۳۷۰.

۳۳. روزنامه همشهری، پنج شنبه ۱۸/۴/۱۳۸۳، «بازارچه»، ویژه نامه ضمیمه شماره۳۴۳۱.

۳۴. سازمان ملی جوانان، «گزارش ملّی جوانان(۳) بررسی وضعیت ازدواج جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۵. ، «گزارش ملی جوانان(۱۷) بررسی وضعیت انحرافات جنسی جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۶. ، «گزارش ملی جوانان(۶) بررسی وضعیت اوقات فراغت جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۷. ، «گزارش ملی جوانان(۱۴) بررسی وضعیت بزه کاری جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۸. ، «گزارش ملی جوانان(۱۵) بررسی وضعیت بهداشت جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۳۹. سازمان ملی جوانان، «گزارش ملی جوانان(۱) بررسی وضعیت جمعیت جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴۰. ، «گزارش ملی جوانان(۱۹) بررسی وضعیت فرار از خانواده جوانان»، تهران، مؤسسه فرهنگی اهل قلم، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴۱. ، «وضعیت و نگرش و مسائل جوانان ایران

(جوانان ۱۴ تا ۲۹ساله مراکز استان های کشور)»، تهران، نشر روناس، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴۲. ستوده، نیره، ماهنامه حوراء، شماره چهارم، مقاله «بنیان های فکری اسلام و غرب در دفاع از شخصیت و حقوق زنان»، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳.

۴۳. سگالن، مارتین، جامعه شناسی تاریخی خانواده، ترجمه: حمید الیاسی، تهران، نشر مرکز، ۱۳۷۵.

۴۴. شرقی شهری، مجید، «تأثیر ازدواج موقت در کاهش جرایم جنسی»، پایان نامه کارشناسی ارشد حقوق جزا و جرم شناسی دانشگاه آزاد نراق، ۱۳۸۰.

۴۵. صاحب الزمانی، ناصرالدین، جوانی پررنج، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، ۱۳۴۴.

۴۶. ، «روان کاوی و تحریم زناشویی با محارم»، تهران، مؤسسه مطبوعاتی عطایی، چاپ چهارم، ۱۳۴۴.

۴۷. صادقی، حسن، معاشرت زنان و مردان از دیدگاه اسلام، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۲.

۴۸. صالحی، فردین، مؤلفه های انحراف جنسی در کودکان، قم، انتشارات رازبان، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۴۹. صدیق اورعی، غلامرضا، جامعه شناسی مسائل اجتماعی جوانان، مشهد، انتشارات جهاد دانشگاهی، چاپ اول، ۱۳۷۴.

۵۰. طالبان، محمدرضا، دین داری و بزه کاری در میان جوانان دانش آموز، تهران، مؤسسه پژوهشی فرهنگ، هنر و ارتباطات وزارت فرهنگ و ارشاد

اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۵۱. طباطبایی، محمدحسین، اسلام و اجتماع، قم، چاپ جهان آرا، بی تا.

۵۲. طباطبایی، محمدحسین، تفسیر المیزان، ترجمه: سید محمدباقر موسوی همدانی، بنیاد علمی و فکری علامه طباطبایی رحمه الله ، ۱۳۶۷.

۵۳. طباطبایی یزدی، محمدکاظم، عروه الوثقی، جلد دوم، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۷۴.

۵۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، قم، انتشارات شریف رضی، چاپ چهارم، ۱۴۱۲ هـ . ق.

۵۵. طوسی، محمد بن حسن، الاستبصار، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ سوم، ۱۳۹۰ هـ . ق.

۵۶. ، تهذیب الاحکام، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۵۷. طیّبی، ناهید، مقاله «مشکلات دختران دانشجو، اولویت ها و رویکردها»، مجموعه مقالات نخستین هم اندیشی بررسی مسائل و مشکلات زنان،جلد دوم، قم، دفتر مطالعات و تحقیقات زنان، ۱۳۸۰.

۵۸. عاملی، زین الدین (شهید ثانی)، الروضه البهیه فی شرح اللمعه الدمشقیه، (جلد دوم)، قم، اسماعیلیان، چاپ سوم، ۱۳۷۵.

۵۹. ، مسالک الأفهام فی شرح شرایع الاسلام، جلد دوم، قم، انتشارات بصیرتی.

۶۰. عبدالهادی، ابوسریع محمد، حکم الاسلام فی زواج المتعه، قاهره،دارالذهبیه، بی تا.

۶۱. غفاری فر، حسن، مقاله «نظارت و کنترل اجتماعی»، نشریه کتاب

ص: ۲۶۱

زنان، شماره۲۱، پاییز ۱۳۸۲.

۶۲. ، مقاله «واکاوی آسیب های فرهنگی علیه زنان»، نشریه کتاب زنان، شماره ۲۰، تابستان ۱۳۸۲.

۶۳. فکیکی، توفیق، المتعه و اثرها فی الاصلاح الاجتماعی، بیروت، دارالاضواء، چاپ پنجم، ۱۹۹۸ م.

۶۴. فلسفی، محمدتقی، گفتار فلسفی (بزرگ سال و جوان)، تهران، هیئت نشرمعارف اسلامی، چاپ هشتم، ۱۳۵۲.

۶۵. ، گفتار فلسفی (جوان)، تهران، هیئت نشر معارف اسلامی، ۱۳۵۲.

۶۶. کاظم زاده، علی، تفاوت حقوق زن و مرد در نظام حقوقی ایران، تهران، نشرمیزان، ۱۳۸۲.

۶۷. کجباف، محمدباقر، روان شناسی رفتار جنسی، تهران، نشر روان، ۱۳۷۸.

۶۸. کلینی رازی، محمدبن یعقوب، الکافی، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ چهارم، ۱۳۶۵.

۶۹. متمسّک، الهام، مقاله «نگاه ویژه»، ماهنامه حوراء، شماره چهارم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳.

۷۰. مجلسی، محمدباقر، بحارالانوار، بیروت، دارالاحیاء التراث العربی، چاپ سوم، ۱۴۰۳ هـ . ق.

۷۱. ، حیاه القلوب، قم، انتشارات سرور، چاپ اول، ۱۳۷۵.

۷۲. ، حیله المتقین، قم، انتشارات هجرت، چاپ

یازدهم، ۱۳۷۸.

۷۳. مجله زن روز، شماره ۱۲۹۴، مورخ ۱۷/۹/۱۳۶۹.

۷۴. مجموعه من العلماء و المتفکّرین، المتعه و مشروعیتها فی الاسلام، بیروت، دارالزهرا، چاپ پنجم، ۱۹۹۵م.

۷۵. مجیدی، محمدرضا، پایان نامه «روابط زن و مرد در دین اسلام، مسیحیت و یهود»، دانشکده حقوق و علوم سیاسی و اقتصادی دانشگاه تهران.

۷۶. محمدقاسمی، حمید، اخلاق جنسی از دیدگاه اسلام، تهران، مرکز چاپ و نشر سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ اول، ۱۳۷۳.

۷۷. مرکز امور مشارکت زنان، سیمای زن در جهان (استرالیا)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۷۸. ، سیمای زن در جهان (امریکا)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۷۹. ، سیمای زن در جهان (چین)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸۰. ، سیمای زن در جهان (سوریه)، تهران، نشر برگ زیتون، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۸۱. مصباح یزدی، محمدتقی، اخلاق در قرآن، جلد دوم، قم، مؤسسه امام خمینی رحمه الله ، چاپ هفتم، ۱۳۸۳.

۸۲. مطهری، مرتضی، اخلاق جنسی در اسلام و جهان غرب، قم، صدرا، بی تا.

۸۳. ، مسئله حجاب، قم، صدرا، چاپ چهارم،

بی تا.

۸۴. ، نظام حقوق زن در اسلام، تهران، چاپ شرکت افست، چاپ نهم، ۱۳۵۹.

۸۵. مظاهری، علی اکبر، خانواده ایرانی، ترجمه: عبداللّه توکلی، تهران، نشر قطره، ۱۳۷۷.

۸۶. مقیمی حاجی، ابوالقاسم، جوانان و روابط، قم، مرکز مطالعات و پژوهش های فرهنگی حوزه علمیه، ۱۳۸۰، برگرفته از: پایگاه اینترنتی:www.andisheqom.com

۸۷. مکارم شیرازی، ناصر و هم کاران، تفسیر نمونه، تهران، دارالکتب الاسلامیه، چاپ بیست و هشتم، ۱۳۷۹.

۸۸. مکنون، ثریا و مریم صانع پور، بررسی تاریخی منزلت زن از دیدگاه اسلام،تهران، سازمان تبلیغات اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۸۹. مکّی، حسین، تاریخ بیست ساله ایران، تهران، انتشارات علمی، چاپ اول، ۱۳۶۳.

۹۰. م.م، تحلیلی از گفتار ریاست جمهوری پیرامون ازدواج موقت، تهران، بنیادبعثت، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۹۱. موسوی خمینی رحمه الله ، روح اللّه ، تحریر الوسیله، قم، مؤسسه مطبوعاتی اسماعیلیان، بی تا.

۹۲. مهدوی فر، محمد، پیوند کوتاه و مقدس، قم، نشر جمال، چاپ اول، ۱۳۸۱.

۹۳. مهرآبادی، میترا، زن ایرانی به روایت تاریخ نویسان فرنگی، تهران، نشرآفرینش ـ روزگار، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۹۴. مهکام، رضا، خانه گریزی دختران، ریشه ها و پی آمدها، قم، مرکز پژوهش های اسلامی صدا و سیما، چاپ اول، ۱۳۸۳.

۹۵. میشل، آندره، مقاله «خانواده در گذشته و حال اروپا»، نشریه پیام یونسکو، شماره ۲۳۰، مرداد ۱۳۷۰.

۹۶. نراقی، ملا احمد، معراج السعاده، تهران، انتشارات جاویدان، بی تا.

۹۷. نوابی نژاد، شکوه، «خانواده در جهان معاصر (مصاحبه با خانم دکتر نوابی نژاد)»، ماهنامه حوراء، شماره چهارم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳.

۹۸. نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل، قم، مؤسسه آل البیت لاحیاء التراث، چاپ اول، ۱۴۰۸ هـ . ق.

۹۹. وردانی، صالح، زواج المتعه حلال، قاهره، نشر کنوته، چاپ اول، ۱۹۹۷ م.

۱۰۰. هاجری، عبدالرسول، مقاله «واژه نامه زنان»، نشریه حوراء، شماره چهارم، اردیبهشت و خرداد ۱۳۸۳.

۱۰۱. هادی، اسماعیل، دورنمای حقوقی ازدواج موقت، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی، چاپ دوم، ۱۳۷۴.

۱۰۲. هندی، حسام الدین، کنز العمال فی سنن الاقوال و الافعال، بیروت، مؤسسه الرساله، ۱۴۰۹ هـ . ق.

۱۰۳. «یالثارات»، شماره ۳۲۴، چهارشنبه ۲۸/۲/۱۳۸۴.

۱۰۴. یزدانی، عباس، آزادی (تحلیلی از آزادی و اخلاق جنسی)، قم، ۱۳۷۷.

ص: ۲۶۵

درباره مرکز

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می‌دانند و کسانی که نمی‌دانند یکسانند ؟

سوره زمر/ ۹

مقدمه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، از سال ۱۳۸۵ هـ.ش تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن فقیه امامی (قدس سره الشریف)، با فعالیت خالصانه و شبانه روزی گروهی از نخبگان و فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

مرامنامه:

موسسه تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان در راستای تسهیل و تسریع دسترسی محققین به آثار و ابزار تحقیقاتی در حوزه علوم اسلامی، و با توجه به تعدد و پراکندگی مراکز فعال در این عرصه و منابع متعدد و صعب الوصول، و با نگاهی صرفا علمی و به دور از تعصبات و جریانات اجتماعی، سیاسی، قومی و فردی، بر مبنای اجرای طرحی در قالب « مدیریت آثار تولید شده و انتشار یافته از سوی تمامی مراکز شیعه» تلاش می نماید تا مجموعه ای غنی و سرشار از کتب و مقالات پژوهشی برای متخصصین، و مطالب و مباحثی راهگشا برای فرهیختگان و عموم طبقات مردمی به زبان های مختلف و با فرمت های گوناگون تولید و در فضای مجازی به صورت رایگان در اختیار علاقمندان قرار دهد.

اهداف:

۱.بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام)

۲.تقویت انگیزه عامه مردم بخصوص جوانان نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی

۳.جایگزین کردن محتوای سودمند به جای مطالب بی محتوا در تلفن های همراه ، تبلت ها، رایانه ها و ...

۴.سرویس دهی به محققین طلاب و دانشجو

۵.گسترش فرهنگ عمومی مطالعه

۶.زمینه سازی جهت تشویق انتشارات و مؤلفین برای دیجیتالی نمودن آثار خود.

سیاست ها:

۱.عمل بر مبنای مجوز های قانونی

۲.ارتباط با مراکز هم سو

۳.پرهیز از موازی کاری

۴.صرفا ارائه محتوای علمی

۵.ذکر منابع نشر

بدیهی است مسئولیت تمامی آثار به عهده ی نویسنده ی آن می باشد .

فعالیت های موسسه :

۱.چاپ و نشر کتاب، جزوه و ماهنامه

۲.برگزاری مسابقات کتابخوانی

۳.تولید نمایشگاه های مجازی: سه بعدی، پانوراما در اماکن مذهبی، گردشگری و...

۴.تولید انیمیشن، بازی های رایانه ای و ...

۵.ایجاد سایت اینترنتی قائمیه به آدرس: www.ghaemiyeh.com

۶.تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و...

۷.راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی

۸.طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و...

۹.برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم (مجازی)

۱۰.برگزاری دوره های تربیت مربی (مجازی)

۱۱. تولید هزاران نرم افزار تحقیقاتی قابل اجرا در انواع رایانه، تبلت، تلفن همراه و... در ۸ فرمت جهانی:

۱.JAVA

۲.ANDROID

۳.EPUB

۴.CHM

۵.PDF

۶.HTML

۷.CHM

۸.GHB

و ۴ عدد مارکت با نام بازار کتاب قائمیه نسخه :

۱.ANDROID

۲.IOS

۳.WINDOWS PHONE

۴.WINDOWS

به سه زبان فارسی ، عربی و انگلیسی و قرار دادن بر روی وب سایت موسسه به صورت رایگان .

درپایان :

از مراکز و نهادهایی همچون دفاتر مراجع معظم تقلید و همچنین سازمان ها، نهادها، انتشارات، موسسات، مؤلفین و همه

بزرگوارانی که ما را در دستیابی به این هدف یاری نموده و یا دیتا های خود را در اختیار ما قرار دادند تقدیر و تشکر می نماییم.

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان -خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی -پلاک ۱۲۹/۳۴- طبقه اول

وب سایت: www.ghbook.ir

ایمیل: Info@ghbook.ir

تلفن دفتر مرکزی: ۰۳۱۳۴۴۹۰۱۲۵

دفتر تهران: ۸۸۳۱۸۷۲۲ ـ ۰۲۱

بازرگانی و فروش: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹

امور کاربران: ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹


قائمیه
مرکز تحقیقات رایانه‌ای
اصفهان
www
برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشـــانی
www.Ghaemiyeh.com
www.Ghaemiyeh.net
www.Ghaemiyeh.org
www.Ghaemiyeh.ir
مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.
۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹